

شماره مخصوص نوروز ۱۳۵۲

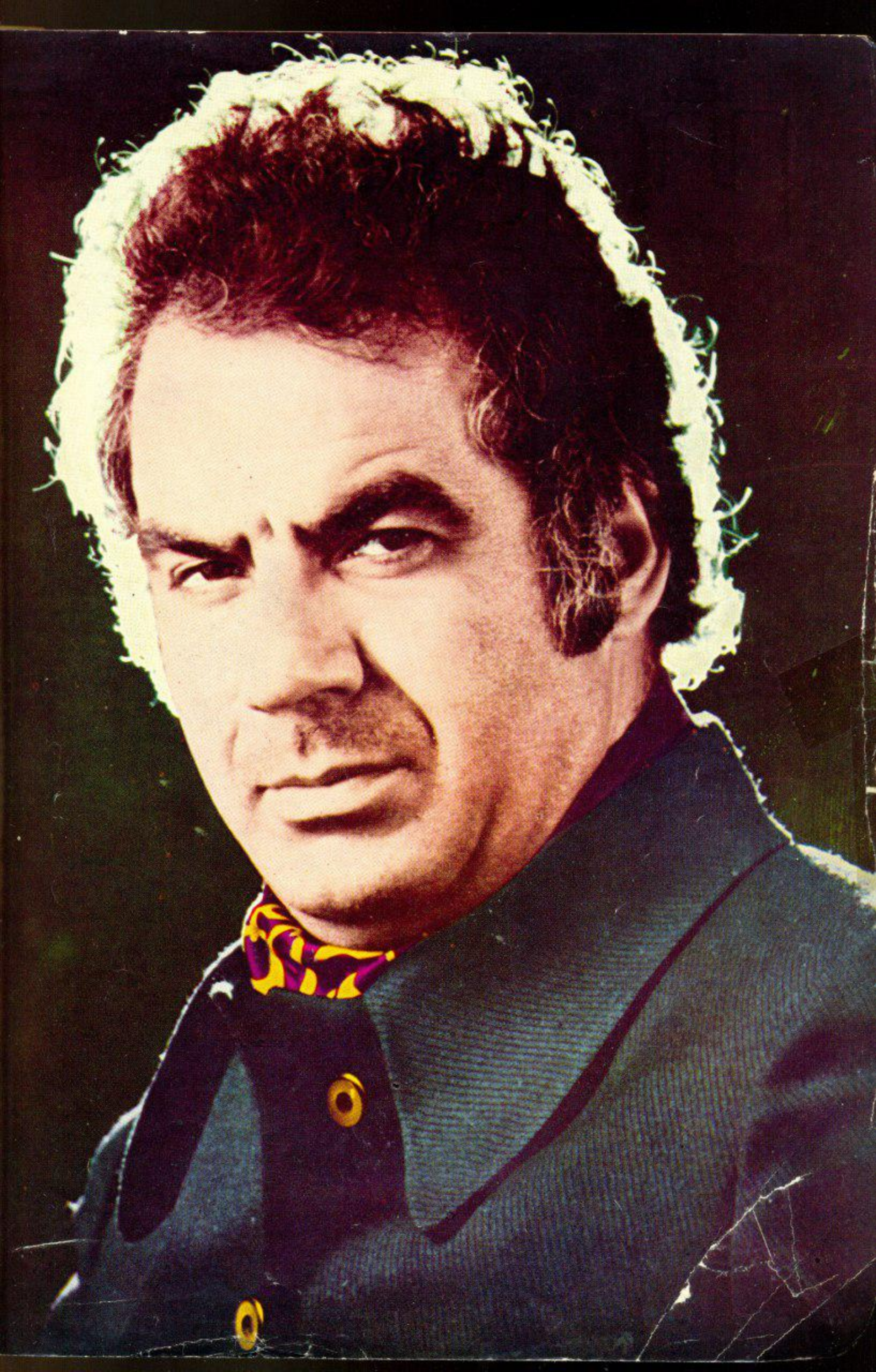
فیلم و هنر

همراه با ۱۵۰ تابلوی رنگی

۳۵ ریال

جزوه لیست کامل فیلمهای
سینمای ایران را که ضمیمه
این شماره است از فرزندستان
چراغدار بخرید

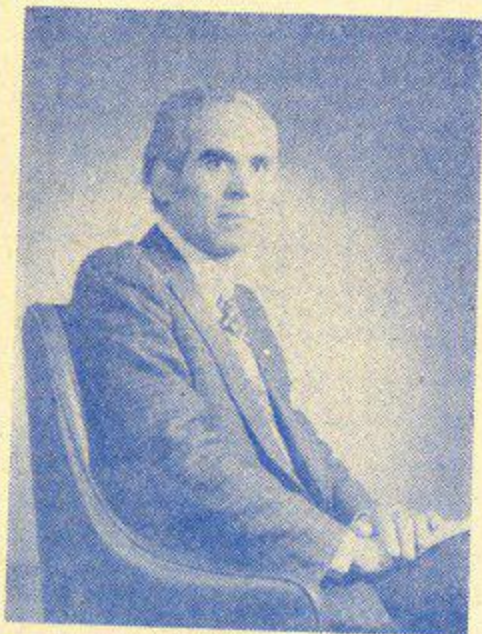




برای خوانندگان عزیز و خوب • فیلم و هنر • در آستانه نوروز ۱۳۵۲ و سالروز دهمین سال انتشار فیلم و هنر • روزهای خوشی را آرزو می کنیم.

مدیر - سردبیر و نویسندگان « فیلم و هنر »

فیلم و هنر ده ساله شد



اینک دهمین سال انتشار مجله را آغاز میکنیم. نه سال تلاش و کوشش در راه هدفی معین و مشخص، تلاش بمنظور تقویت صنعت سینمای ایران، تلاش بخاطر اعتلاء و پیشرفت کمی و کیفی فیلمهای ایرانی، آری اینک دهمین سال این تلاش و کوشش را آغاز میکنیم.

این امر مانع از آن نیست که بگوئیم متأسفانه تهیه کنندگان و فیلمسازان ما نیز مسئله را آنچنانکه شایسته است جدی نگرفته و هنوز در تعقیب پیدا کردن راه هستند و بدرستی نمیدانند چه میخواهند و جامعه، بخصوص يك جامعه انقلابی چه میخواهد این يك وظیفه سنگین است.

ما، دور از خود خواهی این بار ادعا میکنیم، آری ادعا میکنیم که در طول نه سال گذشته با شناسائی راهی که برای خود برگزیده ایم و هدفی که مشخص کرده ایم به نتایج مثبتی رسیده ایم اگرچه تا غایت مقصود فاصله زیادی داریم اما هرگز از تلاش بمنظور وصول به هدف خویش کوتاهی ننموده و نگاهی به ۴۲۵ شماره مجلات گذشته فیلم و هنر خود گواه صادقی است بر این ادعا. استقبال و تائیدی که از جانب خوانندگان و علاقمندان مجله فیلم و هنر نسبت بر اه و روش ما بعمل آمده نیز خود تائید دیگری است بر آنچه که کرده ایم. همواره کوشش نموده ایم از طرفی صنعت سینمای ایران را ارتقاء دهیم و از سویی از فیلمهای کم ارزش خارجی که مآلاً مقادیری ارز از کشور خارج مینماید جلوگیری کنیم، بسادگی میتوان دریافت که در طول نه سال گذشته در هر دو مورد توفیق قابل توجهی داشته ایم.

درست است که سینما برای خود وظیفه معلمی نمیشناسد. اما آیا تاثیر آن در جامعه انکار پذیر است؟ بنا بر این در يك جامعه متحول با موقعیت حساسی که دارد ضمن رعایت همه خصوصیات يك فیلم حتی از جنبه تجارتي قبل از هر چیز بایستی به تاثیر که از لحاظ اخلاقی و اجتماعی بر روی افراد جامعه بویژه نسل جوان میگذارد توجه نمود. با استفاده و بسر داشت لازم از تجربیاتی که کشورهای پیشرفته و متمدن در زمینه نسل جوان خود بدست آورده اند، ندامت هایی که بر ایشان بسیار آورده است، مشکلاتی که از بی بندوباریهای بی حد و حصر جوانان بوجود آمده، سر خوردگی که ملت های متمدن از وضع موجود نسل جوان خود با آن مواجه گردیده اند. اینها همه برای ما که در راه انقلاب هستیم چه برای اولیاء امور و بخش عمومی و چه برای بخش خصوصی هشدار است تا ضمن آنکه بمنافع فردی خویش میاندیشیم اجتماع را نیز نادیده نگرفته طریقه و روشی انتخاب کنیم که در پیشبرد جامعه و وظیفه اجتماعی خود را انجام داده باشیم.

سینما، در این مورد رل موثری دارد. نسل جوان از سینما استقبال می کند و آری سینمایی پر روح و روان او تاثیر میگذارد. این تاثیر میتواند بر وفق مصالح انقلابی يك جامعه باشد و میتواند ناخود آگاه و بی هیچ منظور و مقصودی برخلاف مصالح اجتماعی باشد.

ما احتیاج داریم که تهیه کنندگان برای تهیه هر فیلم مسئله را

از این نقطه نظر مورد توجه قرار دهند. باین معنی که با برخورداری از آزادی کامل در تهیه فیلم حواسمان جمع باشد که با این وسیله، بدآموز فرزندانمان نباشیم آنها باید یادیدن هر فیلم ضمن استفاده از جنبه های مختلف هنری، اجتماعی و غیره. حداقل اگر چیزی فرا نمیگیرند چیزی هم از دست ندهند. سعی کنیم از تجربه تلخ دیگران استفاده نماییم که آزموده را آزمودن از بی- خریدت شاید لازم بتوضیح باشد که ملحوظ داشتن چنین نظری مستلزم هیچ گونه گذشت مادی نخواهد بود و این پیشنهاد بآن معنی نیست که يك تهیه کننده یا فیلمساز از خود گذشتگی و فداکاری نشان دهد زیرا خوب میدانیم که اقتصاد با گذشت و فداکاری ماینت دارد. ما فقط میخواهیم و بخصوص توجه اتحادیه صنایع فیلم ملی ایران را باین مهم جلب میکنیم که با انتخاب هر سناریو در هنگام پیاده کردن و بصورت فیلم در آزردن آن از تاثیر که بر افراد جامعه میگذارد غافل نباشند. این برای ساختن جامعه جوان و انقلابی ما يك وظیفه ملی و میهنی است.

بدیهی است اعمال این نظر تنها متوجه تهیه کنندگان فیلم های ایرانی نیست فیلمهای خارجی نیز که باین کشور وارد میشوند بایستی شدت و سادقتی

خیلی بیشتر مورد بازرسی و کنترل قرار گیرند و مسئولین امر متوجه اثرات آن باشند. توجه باین امر دیگر از وظایف دستگاههای دولتی است.

وزارت فرهنگ و هنر که نظارت عالی بر فیلمهای خارجی دارد بایستی دقت لازم را مرعی داشته و متصدیان امر فراموش نکنند که مادر دوره سازندگی هستیم و ورود فیلمهای بدآموز خارجی نه تنها چیز مثبتی بفرزندان ما نمیاورد بلکه از طریق انحراف روح پاک جوانان و فراهم آوردن موجبات فساد اخلاقی آنان زیانهای غیر قابل جبرانی ببار میآورد.

در پایان فرصت را مغتنم شمرده فرارسیدن سال نورا بعموم هم میهنان عزیز بویژه خوانندگان گرامی و علاقمندان مجله فیلم و هنر و دست اندر- کاران سینمای ایران تبریک گفته سلامتی و توفیق خدمت آرزو دارم.

از سرورانی که بمناسبت سالگرد مجله بوسایل مختلف این جانب و سردبیر و هیئت تحریریه مجله را مورد محبت قرار داده اند صمیمانه سپاسگذار هستم. با آرزوی توفیق خدمتگزاری بیشتر

عبدالمجید رمضانی

سال نو، خبرهای تازه و

پنجمین جشنواره سپاس

با شروع سال ۵۲، هیجان برگزاری پنجمین جشنواره سپاس به اوج میرسد، هیجانی همه گیر و همه جانبه و در بین همه مردم علاقمند سینما، منتهی در بین جامعه هنری این هیجان فوق العاده بیشتر است... این هیجان هم چنین در بین اعضای کمیته برگزاری جشنواره پنجم سپاس جاریست، هیجان در بهتر و برتر برگزار کردن این جشنواره بخصوص در سال جدید تصمیمات کمیته برگزاری سپاس در رفع ایرادات و ترمیم نواقصی است که در سالهای گذشته در زمینه «جشنواره سپاس» وجود داشته است و بطور کلی پنجمین جشنواره سپاس جشنواره برتری دادن کیفیت کارست و جهت اینکه این کیفیت به نحو احسن انجام شود، کمیته برگزاری اتخاذ تصمیم کرد که اولاً برشته های جوایز دوره های گذشته افزوده نشود تا در محدوده آشنا و همیشگی اش، اشتباهات زائل و مواردی که بایست افزوده شود به همین دلیل با وجودی که پیش از این وعده داده بودیم که صدا برداری، دوبله و مونتاژ به موادی که جایزه دریافت می کنند، اضافه خواهد شد، این فکر را به دوره آینده واگذار می کنیم البته فقط در رشته

«مونتاژ و صدا برداری» - چه دوبله، صرف نظر از استعداد، تسلط و ظرافتی که دوبلهورها ممکنست در کارشان داشته باشد، در مورد فیلم ایرانی يك عمل زانداست و فیلم ایرانی بایستی با صدای هنر پیشگان اصلی باشد که خوشبختانه در این اواخر کوششهایی در این جهت کم و بیش شده است، بهر حال رشته های مونتاژ و صدا برداری در سال آینده (ششمین جشنواره سپاس) به رشته هایی که بایستی جایزه دریافت کنند، طبق تصمیم کمیته برگزاری جشنواره سپاس اضافه خواهد شد.

و مورد دیگری که عنوان شده بود که از جشنواره جدید اجرا خواهد شد، موضوع شرکت فیلم هائی بود که هنوز نمایش عمومی در نیامده اند، که در چند هفته گذشته با توجه به نظریات سازنده بعضی از مفسرین و منتقدین و صاحب نظران و بر آورد این نظریات در جلسه کمیته برگزاری جشنواره، در این مورد تصمیم گرفته شد برای اینکه شانس دریافت جایزه از فیلم های نمایش داده شده کاسته نشود، نمایش فیلم های نمایش داده نشده را در مسابقه جشنواره به دوره آینده موکول گردد و امتیاز این تحول و تغییر اینست که فیلم سازانی که

بخواهند از این مورد پیش از نمایش فیلمشان، بهره برداری تبلیغاتی بکنند، از هم اکنون آگاه باشند و ضمناً این ایراد پیش نیاید که شانس فیلم های نمایش داده شده را از بین برده ایم چه در طول یکسال برای همه مستعدین این فرصت هست که اثر شایسته و متمایزی را بوجود بیاورند.

و اما تغییر تازه و بزرگی که در امراهدای جوایز بعمل آمده است....

این تحول در زمینه فیلم های کوتاه است، در جشنواره پنجم سهمیه جایزه های فیلم های کوتاه چنین است:

۲ جایزه سپاس طلا و نقره برای فیلم های اول و دوم فیلم های کوتاه مدت ۱۶ و ۳۵ میلیمتری سینما گران حرفه ای و ۲ جایزه سپاس طلا و نقره برای آثار برگزیده (اول و دوم) فیلم های کوتاه مدت ۸، ۱۶ و ۳۵ میلیمتری سینما گران تجریمی (در دوره های گذشته ۳ جایزه سهمیه فیلم کوتاه بود) ۱ جایزه برای فیلم های ۸ میلیمتری و ۲ جایزه اول و دوم برای فیلم های ۱۶ و ۳۵ فیلم سازان آماتور (یا حرفه ای).

برای اطلاع کسانی که میخواهند فیلمهایشان را در جشنواره پنجم سپاس شرکت دهند، به اطلاع میرسانیم، که آثار انتخابی جهت نمایش برای داوران جشنواره پنجم، دو مرحله ای است... در وهله اول «فیلم و هنر» کاندیداهائی را به کمیته انتخاب ارائه می کند و سپس کمیته انتخاب ضمن بازبینی مجدد از بین آثار ارائه شده، تعدادی فیلم بعنوان کاندیداهای اصلی جهت نمایش برای داوران تعیین خواهند نمود.

کمیته انتخاب جشنواره پنجم سپاس که بزودی معرفی خواهد شد، چنین ترکیبی خواهد داشت:

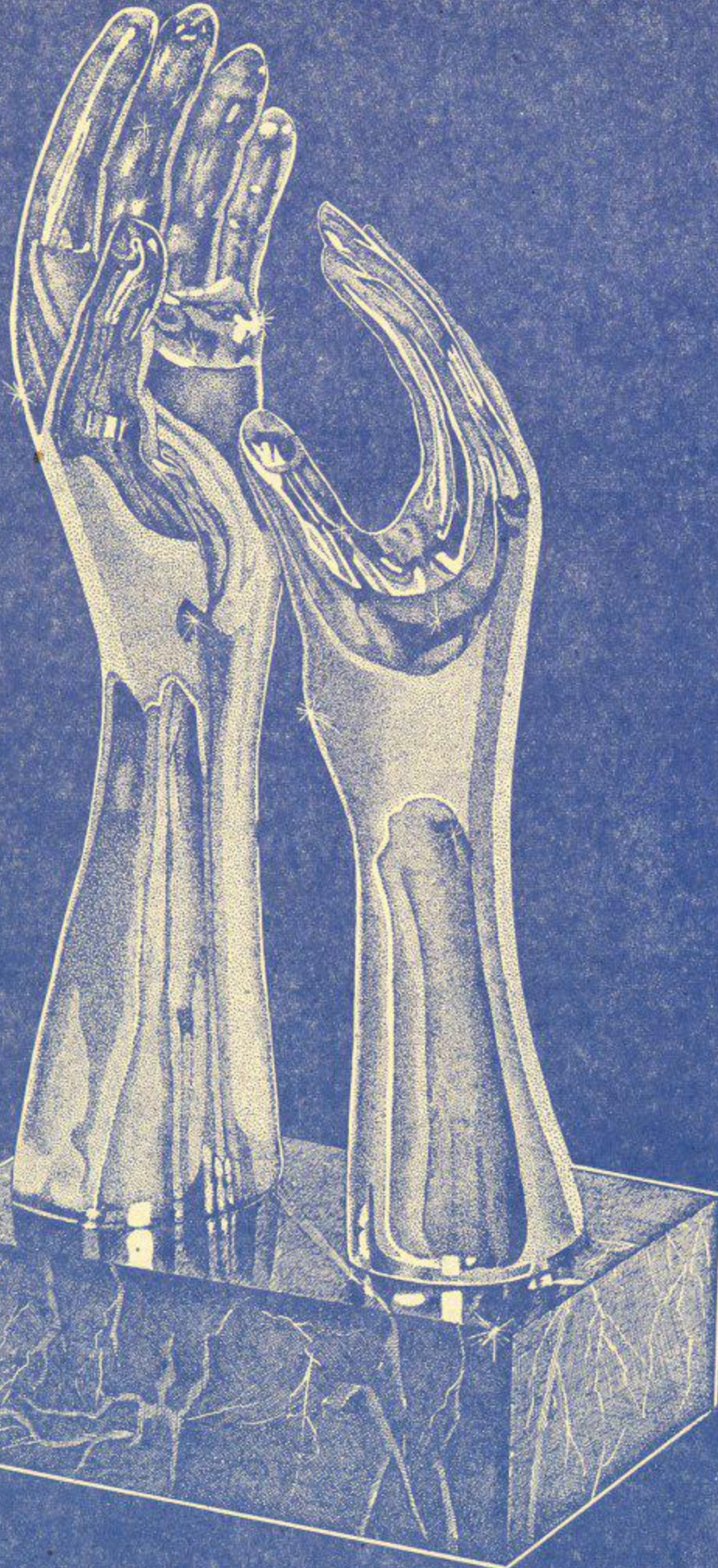
نماینده وزارت فرهنگ و هنر نماینده سندیکای هنرمندان فیلم ایرانی - نماینده اتحادیه صنایع فیلم ملی ایران و دو تن از صاحب نظران و منتقدین فیلم.

و اما همانطوریکه اطلاع دادیم نمایش فیلم های برگزیده برای مسابقه جشنواره پنجم سپاس، در يك سینما بصورت عمومی و با حضور هنر پیشگان نمایش داده خواهد شد... چند سانس بصورت عمومی و يك سانس بصورت خصوصی که در سانس آخر با حضور داوران، نویسندگان و منتقدین و سایرین فعالین کار سینما صورت خواهد گرفت که در این زمینه، در شماره های آینده اطلاعات جامعتری در اختیار خوانندگان مجله قرار خواهیم داد

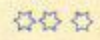
موردی که این روزها بیش از هر نکته ئی از ما سؤال میشود، ترکیب داوران جشنواره پنجم سپاس است که چون دوره های گذشته، ترکیبی مختلط از نماینده وزارت فرهنگ و هنر - نماینده تلویزیون ملی

نتایج حائزین اکثریت رفراندوم سپاس تا آخر وقت ۲۳ اسفندماه

- بهترین فیلم: رگبار - بستچی - جهنم + من.
- بهترین کارگردان: داریوش مهرجویی - هژیر داریوش - ناصر تقوایی.
- بهترین فیلمبردار رنگی: مصطفی عالمیان - نصرت اله کنی - محمود کوشان.
- بهترین فیلمبردار سیاه و سفید: ایرج صادقپور - نعمت حقیقی - هوشنگ بهارلو.
- بهترین سناریست: نصرت اله کریمی - رضامیر لوحی - ناصر تقوایی.
- بهترین آهنگساز: مرتضی حنانه - لوریس چکنوازیان - اسفندیار منفردزاده.
- بهترین هنرپیشه مرد: محمد علی فردین - علی نصیریان - فتی زاده.
- بهترین هنرپیشه زن: گوگوش - ایرن - فروزان.
- بهترین بازیگر نقش دوم مرد: عزت اله انتظامی - منوچهر فرید - جلال پیشوائیان.
- بهترین بازیگر نقش دوم زن: فرزانه تائیدی - شهرزاد - دیانا.



ایران - نماینده اتحادیه صنایع
فیلم علی ایران - نماینده سندیکای
هنرمندان فیلم ایرانی - منتقد فیلم -
و متحلا جامعه شناس، آهنگساز و
روزنامه نویس می باشد .



و اما فیلم هایی که «فیلم هنر»
انتخاب وبه کمیته انتخاب ارائه
کرده است:

قلندر (علی حاتمی) کافر
(فریدون گله) رگسبار (بهرام
بیضائی) تپلی (رضامیرلوحی)
خواستگار (علی حاتمی) فدائی
(رضا علامهزاده) غریبه (شاپور
قریب) بلوچ (مسعود کیمیائی)
مرد (فریدون زورک) پستیچی
(داریوش مهرجویی) جهنم باضافه
من (فردین) سرگروهیان (سعید
مطلبی) صادق کرده (ناصر تقوایی)
بی تا (هژیر داریوش) دشنه
(فریدون گله) تختخواب سه نفره
(نصرت کریمی) صمد و فولادزره
دیو (جلال مقدم) تولدت مبارک
(وحدت) صبح روز چهارم (کامران
شیردل) چشمه (آرپی او انسیان)
ستارخان (علی حاتمی)

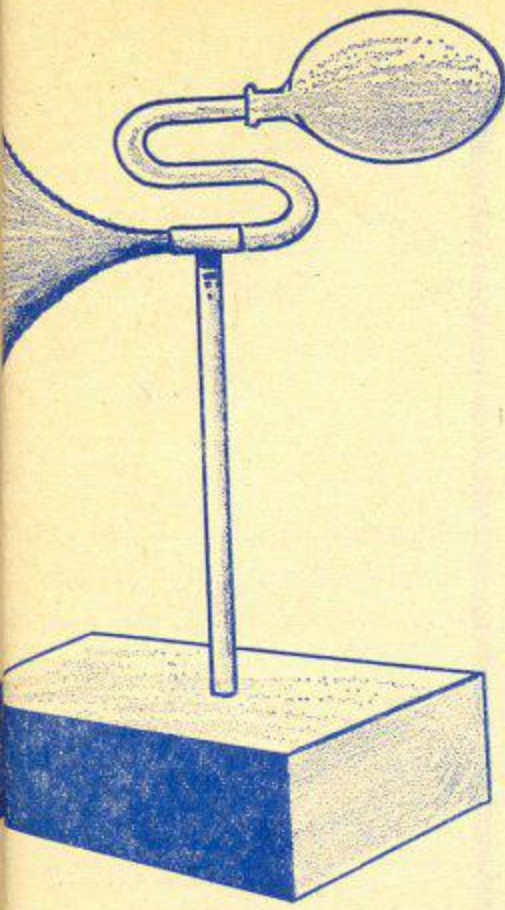


امسال برعکس سالهای قبیل
در رشته های بخصوص، کاندیداها
اعلام نخواهد شد و کلیه برندگان
جوایز، طبق نظر هیئت داوران از
میان فیلمهایی که کمیته انتخاب،
کاندید خواهد نمود، برگزیده
خواهند شد.

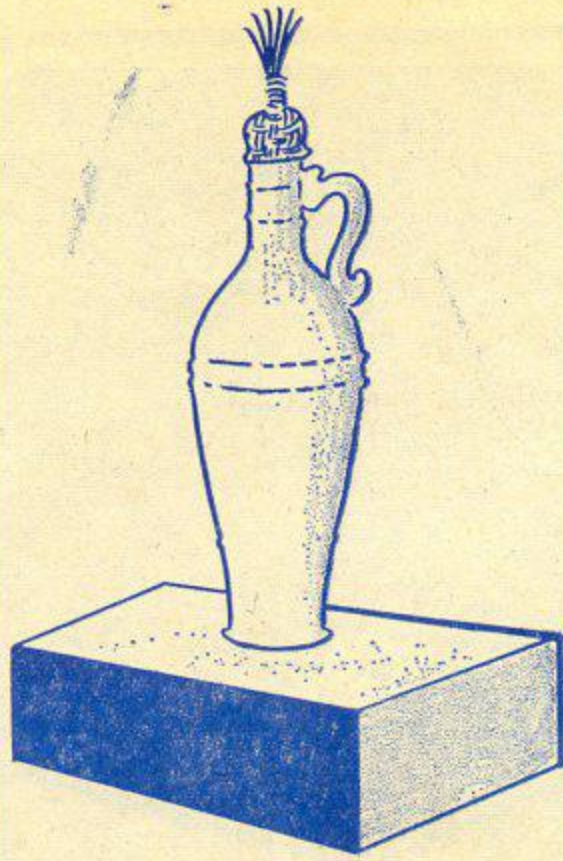
در شماره بعد اطلاعات تازه تری
از سپاس و اقداماتی که بدین منظور
انجام گردیده است باطلاع عموم
خواهد رسید.

کاریکا
توریست
ما به استقبال
جایزه
« سپاس »
میرود

از: ایرج زارع



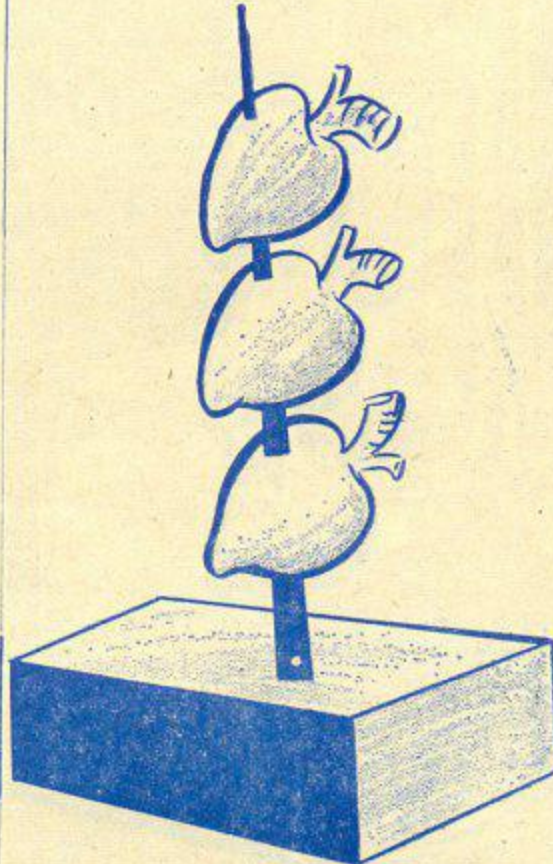
برای نصرت کریمی بخاطر
تهیه فیلم در شک 4 چی



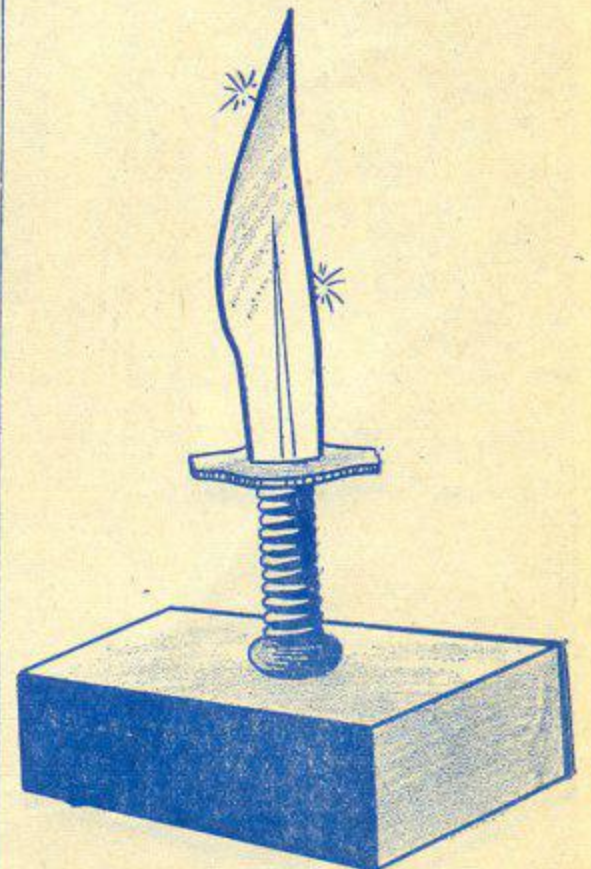
برای فیلم چشمه



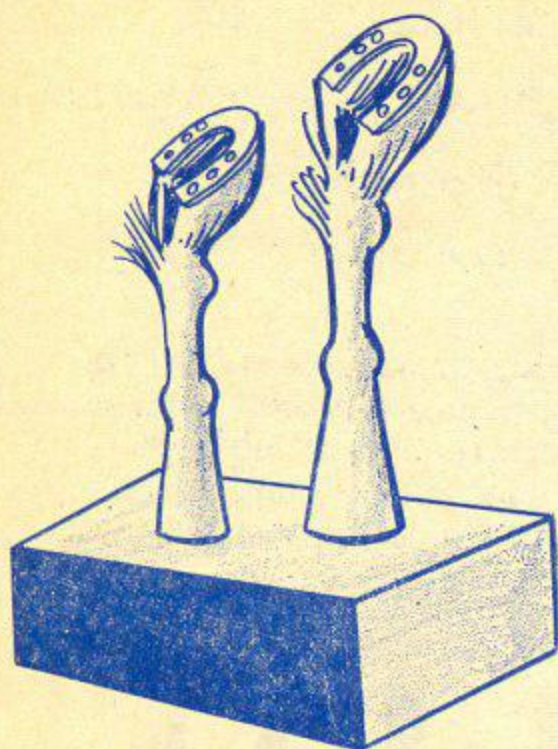
برای گوگوش



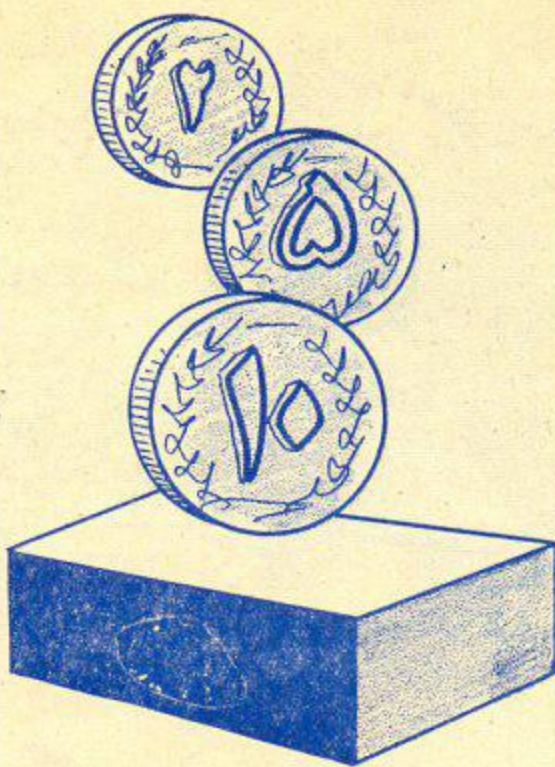
برای مهستی خواننده دلها



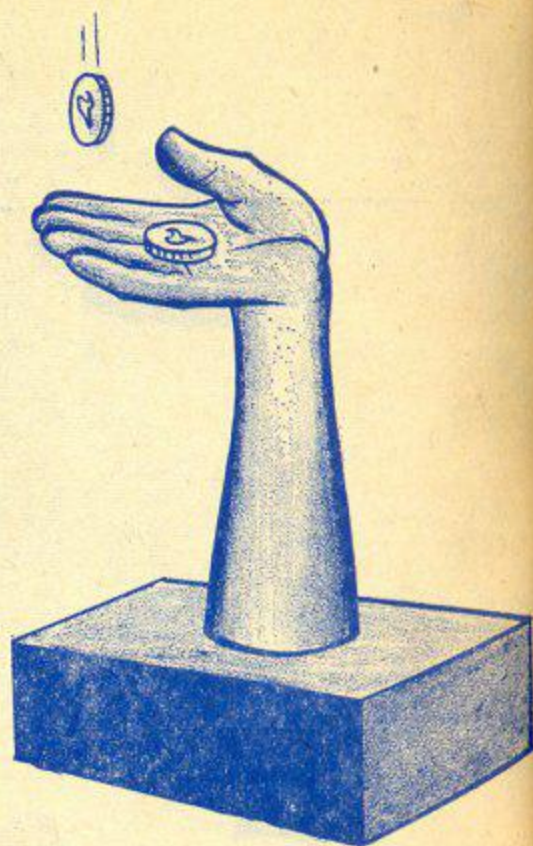
برای ناصر ملک مطیعی



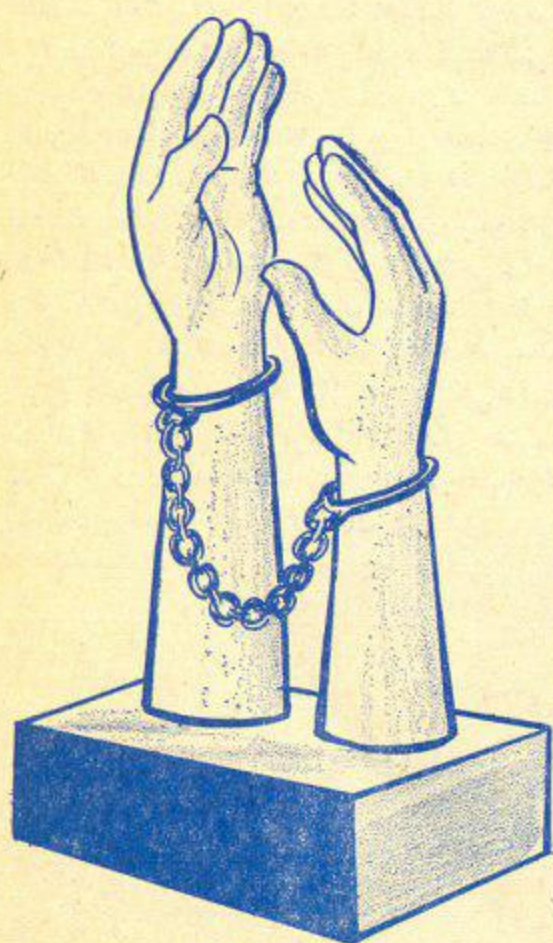
برای خور با تربیت



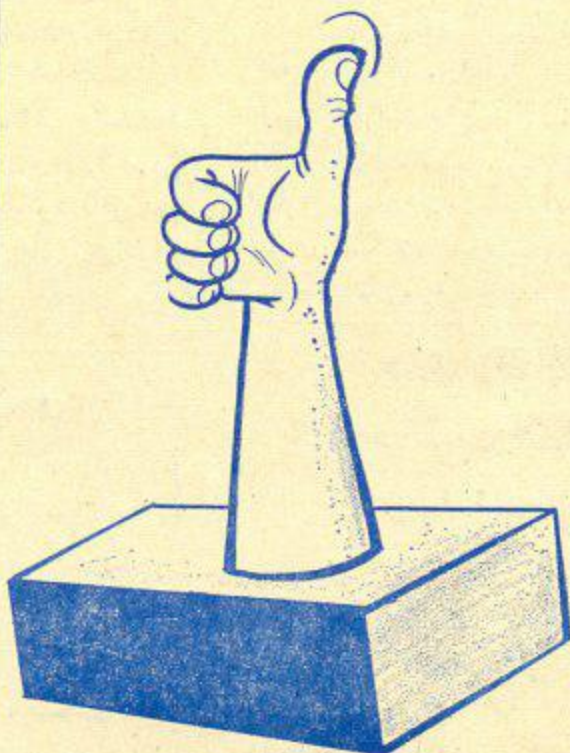
برای آغاسی



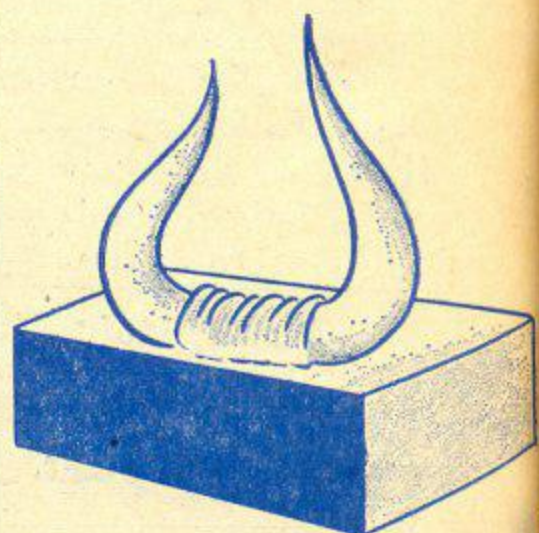
برای تهیه کنندگانی که
فیلمشان کار نمی کند



برای تهیه کنندگان فیلم -
های هنری



برای فیلم های کاریکاتور



برای انتظامی بخاطر بازی در
فیلم گاو



بابتکار

تنی چند از هنرمندان، به

هوخواهان خویش هدایائی بعنوان

«عیدی» تقدیم میدارند!

گردآورنده: شاهپور منصف

عکسها از: بهرنك

● و راستی اگر قرار باشد که هنرمندان به طرفداران خود عیدی بدهند، چه هدیه‌ای را در نظر میگیرند؟!
بهر حال ما از یک عده هنرمندان خواستیم که هر یک هدیه‌ای بعنوان عیدی تعیین نمایند و همچنانکه ملاحظه می‌کنید، عکس‌هایی نیز از هنرمندان مختلف و هدایای آنها چاپ شده است و البته با توضیحی در باره هدیه هر یک از هنرمندان در زیر عکس



ملوسك: ساعت ضد آتش!

سپهر نیا: بلوزی رقیب!

هدایای نوروزی

هنصور سپهر نیا: بلوزی رقیب!

● بلوزی که من عیدی میدهم، دردنیا همتا ندارد و اگر کسی توانست همانند این بلوز را از هر کجای دنیا تهیه نماید، من حاضرم که یک جایزه به او بدهم!...

و این منصور سپهر نیاست که چنین ادعائی دارد و سپهر نیا که بتازگی از سفر اروپا بازگشته و ضمناً فرم آرایش موی خود را نیز تغییر داده است و آنرا از فرم با اصطلاح «جینس کینگی» بدر آورده، اقرار نمیکند که این بلوز را از کجا و به چه ترتیبی بدست آورده و فقط ادعای بی رقیب بودن آنرا دردنیا، دارد و بهر صورت اینهم ادعائی است و کسیکه بتواند همانند این بلوز را تهیه کند، حق دارد که از جایزه منصور خان سپهر نیا بهره‌ور گردد!

محمد رضا فاضلی: تمثال مبارک
اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر
و علیاحضرت شهبانو فرح...

● از طرف محمد رضا فاضلی نیز که در حال حاضر ضمن ادامه فعالیت خویش در زمینه بازیگری، کارگردانی و تهیه فیلم، اداره استودیو مهتابفیلم را هم عهده‌دار میباشد، تمثال مبارک اعلیحضرت همایونی شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو فرح و همراه با قاب عکسی که این تمثال در آن جای دارد و یک قاب خاتم کاری و پاریزه کاریهای خاص خاتم کارهای اصفهانی محسوب میشود، بعنوان هدیه عیدی تعیین گردیده است.

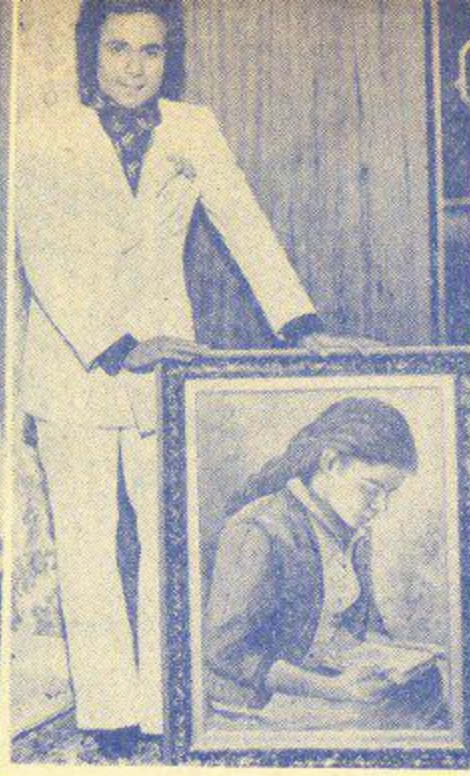
های مربوطه، و حال این شما هستید که در صورت تمایل، با پر کردن کوپن مربوطه به شرکت در قرعه‌کشی عیدی هنرمندان، و ذکر نام هنرمند مورد نظر و آدرس و مشخصات خودتان در این کوپن و ضمناً نوشتن جمله «مربوط به عیدی هنرمندان» در روی پاکتی که کوپن را بوسیله آن به فیلم و هنر ارسال میدارند، می‌توانید بحکم قرعه برنده شده و عیدی مربوطه را دریافت دارید و توجه داشته باشید که با هر کوپن، فقط می‌توانید تقاضای شرکت در قرعه‌کشی دریافت عیدی یک هنرمند را مطرح سازید و نه بیشتر، و کوپنهای شرکت در قرعه‌کشی عیدی هنرمندان، هم حداکثر تا تاریخ بیستم فروردین ماه سال ۵۲ بایستی به فیلم و هنر برسند و پس از قرعه‌کشی، نام برندگان عیدی هنرمندان را در آخرین شماره فروردین ماه مجله فیلم و هنر، چاپ خواهیم کرد تا ترتیب تقدیم این هدایا به برندگانشان داده شود، و بهر حال این گوی و اینهم میدان ...

کوپن شرکت در قرعه‌کشی عیدی
هنرمندان

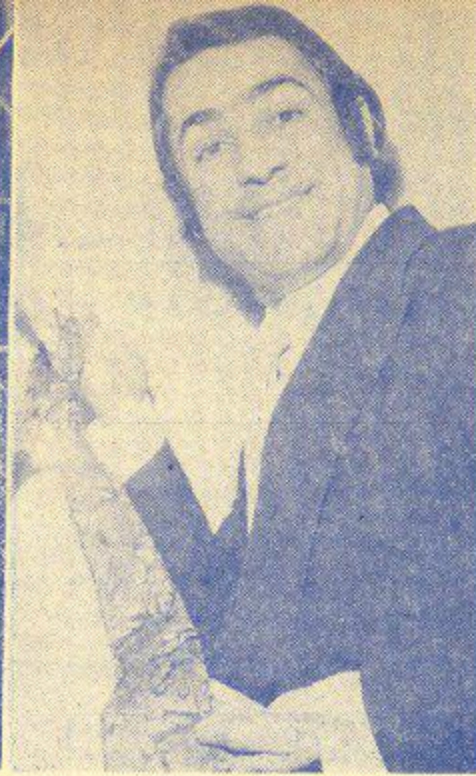
اینجانب: متولد سال:
شغل: مایل شرکت در
قرعه‌کشی دریافت عیدی: میباشم.
آدرس:



پوری بنائی: مدالیوم طلا



شجاعی: تابلوی دختر محصل



لاریجانی: کراوات بشور و بپوش



مهناز: رادیو تلفنی

نیز سکس او بطرز قابل توجهی نشان داده شده و منبعا از اینهم بطوریکه خود ارغوان می گوید و در صورت الزام، بازی در فیلمهایی به مراتب سکسی تر از گذشته در برنامه کار سینمایی این ستاره جوان سینمای ما وجود خواهد داشت، یک هدیه بقولی «سکسی» نیز در نظر گرفته و این هدیه چیزی نیست بجز تخت خواب یک نفره که جنس چوب آن «گردو» میباشد و در ضمن تشک و بالش نرمی نیز با این تخت خواب همراه است!

ژاله سام: کیف پول پاریسی!

همسر ژاله سام بشغل خلبانی اشتغال دارد و در هر پروازی که بخارج از کشور می کند، یک هدیه برای همسرش می آورد و آخرین هدیه ای که ژاله سام از همسرش دریافت داشته، یک کیف پول زیبا میباشد که از پاریس خریداری شده و وقتی که مسئله عیدی نوروزی فیلم و هنر، با خود ژاله سام در میان گذاشته شد، وی بلافاصله بفکر این «کیف» افتاد!

مهناز: رادیو تلفنی!

یک رادیو آخرین سیمت که بی شباهت به گوشه تلفن نیست عیدی مهناز محسوب میشود که در دوسه فیلم سینمایی نیز ایفاگر رول ستاره نخست بوده و فعلا ترجیح داده است که بیشتر فعالیت هنری خویش را تادوسه سال دیگر که تصمیم به سفر آلمان و تحصیلات سینمایی در آن کشور را دارد، محدود به تبلیغات و بازی در اینگونه فیلمها نماید، بعد از آنکه در فیلمهای تبلیغاتی مختلف برای کالاهای مختلف تبلیغ کرده و میکند، اینبار برای عیدی خویش تبلیغ می نماید!

ارغوان: تخت خواب یک نفره! ..

ارغوان که گوشه چشمی نسبت به بهره جوئی از سکس اودر فیلمها این از داشته شده است اینطور که بگوش میرسد، در فیلم «زن با کره»



فاضلی: تماشای مبارک شاهنشاه آریا مهر و شهبانو



ارغوان: تخت خواب یک نفره!

پوری بنائی : مدالیوم طلای حضرت محمد (ص)

● هدیه نوروزی پوری بنائی ستاره پر کار سینما، مدالیوم طلای حضرت محمد (ص) میباشد و بهر حال پوری بنائی که توجه خاصی به مسائل مذهبی دارد، مدالیوم مزبور را از گردن خود باز کرده و هدیه میدهد و در واقع مدالیوم مزبور، مدالیوم خود پوری خانم محسوب شده که بگردن او آویزان بوده است!

ملوسك: ساعت ضد آتش و ...!

● در میان چهره‌های تازه نفس سینمای ایران، ملوسك را نیز نیایستی از یاد برد و ملوسك که در بدو سال ۵۲ فیلم «جبار، سر جوخه فراری» از وی بر روی اکرانهاست و این فیلم، نخستین قدم ملوسك در راه بازیگری در سینماست، ساعت شیک زنانه‌ای که البته دستبندی نقره‌ای هم داراست و ضمناً ضد آتش و ضد خیملی چیزهای دیگر می‌باشد را عیدی می‌دهد!

حسن شجاعی: تابلوی «دختر محصل»!

● هدیه‌ای که حسن شجاعی بعنوان عیدی مشخص کرده است، ساخته و پرداخته خود او میباشد و در اینجا اعلام می‌شود که يك تابلو نقاشی هدیه شجاعی است و این تابلو نقاشی که شجاعی نام «دختر محصل» را هم برای آن گذاشته و بقول خود شجاعی، نمایشگر دختری است که دل به علم و مطالعه بسته، با اصطلاح دست‌پخت خود شجاعی میباشد که ضمن دنبال کردن کار خوانندگی و نیز تدریس در مدارس و تحصیل در دانشکده علوم سیاسی، در زمینه نقاشی نیز فعالیت دارد و حتی چندی پیش نمایشگاهی هم از تابلوهای کشیده شده توسط شجاعی برگزار کرده بود!

شهناز تهرانی: خرس عروسکی موزیکال!

● و این شهناز تهرانی است که خرس عروسکی خویش را در بغل دارد و از خصوصیات جالب خرس مزبور یکی هم موزیکال بودن آن میباشد و شهناز تهرانی که فعالیت تلویزیونی او، پایش را به سینما کشانید و می‌رود که بجز به بازیگران با اصطلاح «پر فیلم» سینمای ایران در آید، این خرس مصنوعی دماغ سهاه و پشمالورا که تزیین اطاق خواب وی میباشد و در ضمن يك نوار آهنگ کوتاه ضبط شده نیز در داخل خرس مربوطه، کار گذاشته‌اند، به‌عنوان عیدی مشخص کرده است.



شهناز تهرانی: خرس عروسکی موزیکال!



ژاله‌سام: کیف پول پارسی!

منوچهر لاریجانی: کراوات بشور و بپوش!

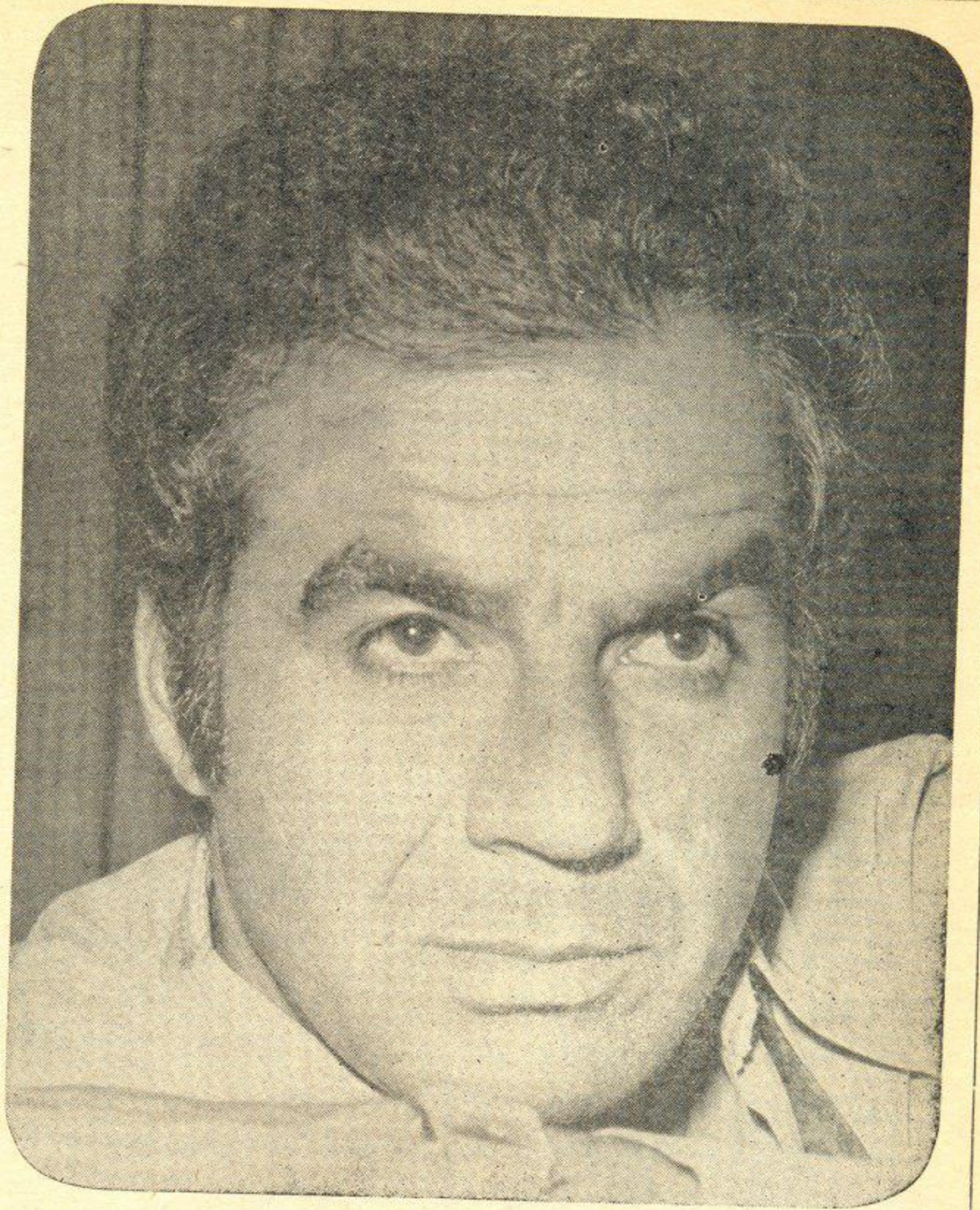
● يك کراوات بشور و بپوش و خوشنک را نیز که طبق آنچه که روی مارک آن نوشته شده، محصول انگلستان است و یکی از مشهورترین توایم‌کننده‌های کراوات، بایستی به عیدی‌های هنرمندان افروزد و منوچهر لاریجانی، بازیگری که در حال حاضر بیش از هر هنرپیشه‌مرد دیگر تبلیغات، در اینگونه فیلمها شرکت دارد و حتی قرار است که به سینما نیز رود، عیدی مذکور را میدهد!



اتحادیه صنایع فیلم ملی ایران ضمن بزرگداشت نوروز باستانی و تبریک بیکایک هموطنان عزیز و گرامی با اطلاع میرساند که در پی نخستین جلوه‌های باروری غرور انگیز فیلم‌های برگزیده و ممتاز فیلمسازان فهیم و آگاه کشور که به فتح فستیوال‌های معتبر گیتی نائل آمده و نام‌میهن پر افتخار ما را در عرصه سینمای جهانی بلند آوازه ساخته‌اند، از این پس مبارزه سخت کوشانه و پی‌گیر خود را با رواج بدآموزی و مبتذل‌سازی آغاز نموده و بدنبال تحولات اخیر جامعه ایرانی شدیداً از تهیه و نمایش فیلم‌های خالی از ارزش و بدون ازمعیارهای راستین هنر جلوگیری خواهد نمود و از پی این نیت به جدال کاستی ناپذیر هر نوع فیلم مبتذل و بدآموز ایرانی و خارجی که نمونه‌های زشتی از آن اینروزها با نام فیلمهای هنگ‌کنگی و کاراته‌ئی ملاحظه میشود، اقدام نموده است.

هیئت مدیره اتحادیه صنایع فیلم ملی ایران با این آرزو که سال جدید، سال پیروزی‌های بزرگ و خدمات بیشتر آن بصنعت سینمای ملی ایران باشد، امیدوار است که با تکیه بردانش و فرهنگ فیلمسازان اندیشمندش، در سال جدید، فاتح پایتخت‌های سینمایی جهان و نمایندگان نمونه‌های بارز صنعت سینمای ملی ایران باشد.

اتحادیه صنایع فیلم ملی ایران



صمیمانه ترین تبریکاتم را بمناسبت آغاز سال جدید
بپذیرید.

در این سال نو برای شورای نویسندگان فیلم و
هنر که دهمین سال فعالیت خود را آغاز کرده اند،
آرزوی پیشرفت زیادتر و برای همه ملت ایران امید
سعادت و سلامت دارم.

ناصر ملک مطیعی



سعادت دستان و دگر زنده و شرفت و لغات
 بر ابرو دولت ابرو در سال نور دادار
 دل سپید دارم دگر به بر زنده تر تغذیه عباد
 حق تقدیم صلوات بر همه آباء و اجداد

محمد علی زاده
 خرداد ۱۳۵۲
 =

آمار سال ۱۳۵۱

● ملك مطيعى و بيك ايما نوردى پر كار ترين هنر پيشه مرد و پورى بنائى و مرجان پر كار ترين ستارگان زن سال ۱۳۵۱

● بودند در نيمه دوم امسال هيچ فيلمى بالاى ده ميليون ريال فروش نداشته است ● بابانان داد پر فروش ترين فيلم سال و

چشمه كم فروش ترين فيلم سال بود. ● ۹۰ فيلم امسال از محصولات سينماى ايران بنمايش در آمده است .

از رضاشاديان

● سال ۱۳۵۱ را بايد سال بحران و شكست مالى براى سينماى ايران دانست خصوصا نيمه دوم سال اصلا فيلمى نداشتهيم كه رقم فروش آن به مرز يك ميليون تومان برسد و در عوض فيلمهاى زيادى داشتيم كه زير رقم سيصد هزار تومان و حتى دوست هزار تومان فروش داشته اند و اين فاجعه بزرگى بود براى تهيه كنندگان سينماى ايران كه تعدادى از آنها را به ورطه سقوط و شكست كشانيد و تعدادى ديگر را با بحران مادى مواجهه نمود بطوريكه موقتا دست از كار كشيدند تا ببينند بعدا چه پيش خواهد آمد. با وجود اين بحران سينماى ايران در سال ۱۳۵۱ از نظر تعداد فيلمهاى كه بازار عرضه

نموده ر كورد تازه اى بجاي گذاشته است و با نمايش ۹۰ فيلم ر كورد دار سالهاى گذشته مي باشد اين فيلمها بترتيب نمايش از اول فروردين ماه تا آخر اسفند ماه ۱۳۵۱ عبارتند از :

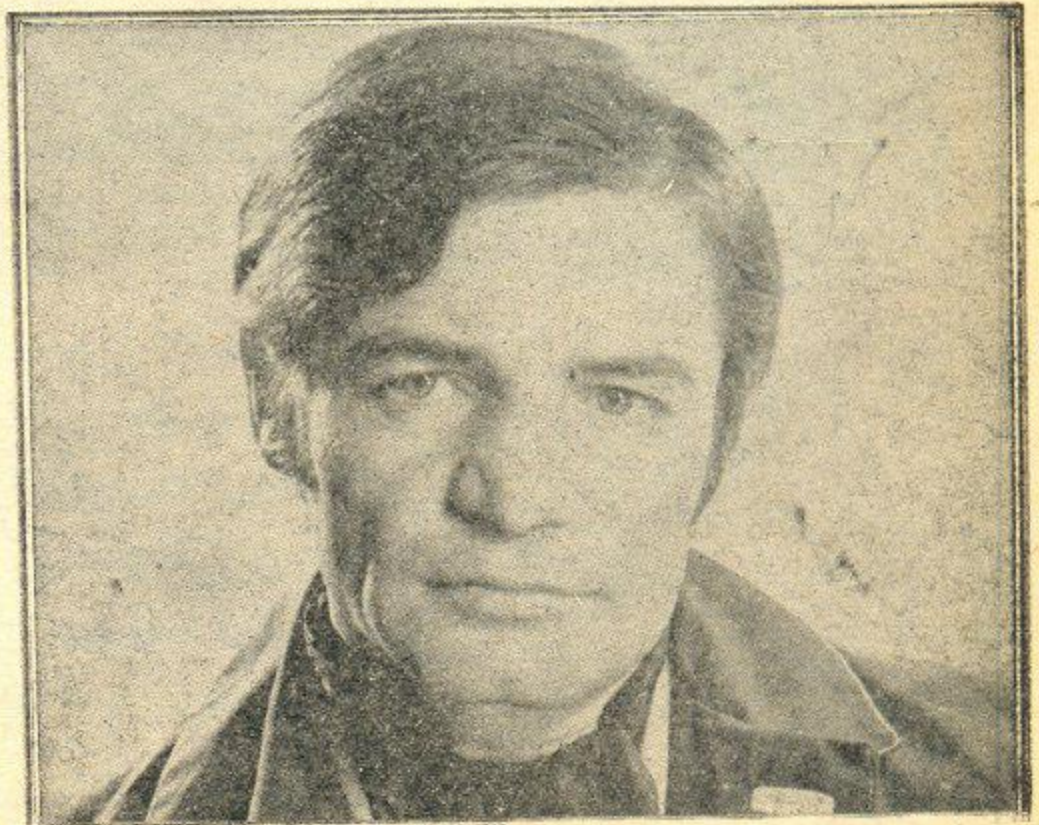
- ۱- مهدي مشكي و شلوارك داغ ۲-
- ۲- يك اصفهاني در نيويورك « رنگى » ۳-
- ۳- صمد و سامى، ليلا و لولى ۴- رضا هفت خط ۵-
- ۴- قلندر ۶- حسن دينا ميث ۷- على سورجى
- ۸- آبشار طلا « اسكوپ رنگى » ۹- توبه
- ۱۰- قدير ۱۱- كافر ۱۲- صلاح الدين
- ۱۳- باشرفها ۱۴- رگبار
- ۱۵- احمد چوپان ۱۶- فرشته نجات
- ۱۷- جدال در كوير ۱۸- فرار از زندگى
- ۱۹- خانه قمر خانم ۲۰- آخرين نبرد
- ۲۱- تپلى ۲۲- خاطر خواه ۲۳- اتل
- ۲۴- مرغ تخم طلا « اسكوپ رنگى » ۲۵- خواستگار ۲۶- اعجوبه ها

- ۲۷- مرد اجاره اى ۲۸- گذرا كپر
- ۲۹- سر زمين دلاوران « رنگى » ۳۰-
- ۳۱- فتنه چكمه پوش ۳۱- فدائى ۳۲- پخمه
- ۳۳- خيلى هم ممنون ۳۴- آشوب گر
- ۳۵- قمار زندگى ۳۶- شهر آفتاب ۳۷-
- ۳۸- مطرب ۳۹- غريبه ۴۰-
- ۴۱- حكيم باشى ۴۲- بابانان داد
- ۴۳- ليح و لجا بازى ۴۴- بلوچ ۴۵- مرد
- ۴۶- ميخك سفيد ۴۷- فتانه ۴۸- خردجال
- ۴۹- كا كل زرى ۵۰- سر كار غضنفر ۵۱-
- ۵۲- يك جو غيرت ۵۳- ساعت
- ۵۴- بستجى ۵۵- جهنم باضافه من
- ۵۶- گروه بان ۵۷- حسن سياه
- ۵۸- عباسه و جعفر بر مكى « اسكوپ » ۵۹-
- ۶۰- صادق كرده ۶۱-
- ۶۲- هميشه قهرمان ۶۳- فاتح
- ۶۴- آبنبات چوبى ۶۵- عطش ۶۶-
- ۶۷- بى تا ۶۸- نانچيب ۶۹-
- ۷۰- شير توشير ۷۱- تنهامرد محله
- ۷۲- پدر كه ناخلف افتد ۷۳- مردى در
- ۷۴- شير بهاء ۷۵- اسير « رنگى »
- ۷۶- صمد و فولاد زره ديو ۷۷- تولدت
- ۷۸- تخت خواب سه نفره « رنگى »
- ۷۹- مردان خليج ۸۰- عاصى ۸۱-
- ۸۲- صبح روز
- ۸۳- مستاجر ۸۴- يك مليونرو
- ۸۵- چشمه ۸۶- ستارخان
- ۸۷- ضعيفه ۸۸- جاده ۸۹-
- ۹۰- نبرد عقابها .

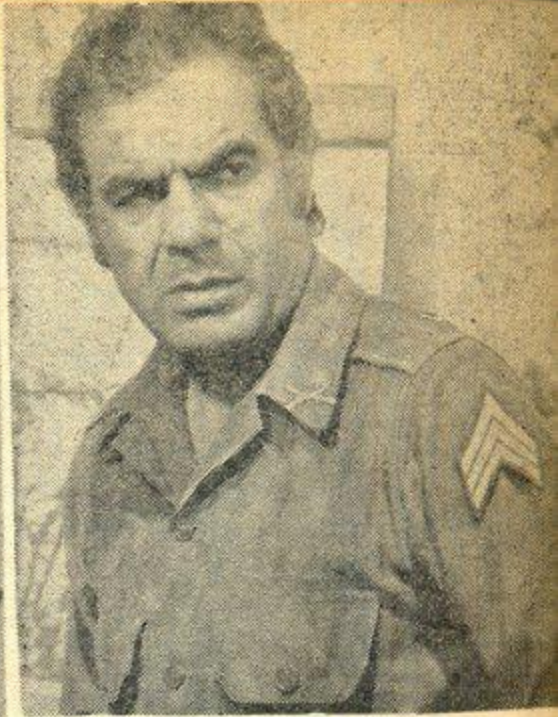
وضعيت هنر پيشگان مرد در سال ۵۱

● هنر پيشگان مرد سينماى ايران كه رله اى اول فيلمها را بازي مي نمايند سال ۱۳۵۱ از نظر تعداد نمايش فيلم بدين ترتيب قرار دارند .

- ۱- ملك مطيعى ۸ فيلم ۷- فيلم
- ايرانى ويك فيلم تر كى « ويك ايما نوردى



● « رضابيك ايما نوردى » پر كار ترين هنر پيشه مرد سال

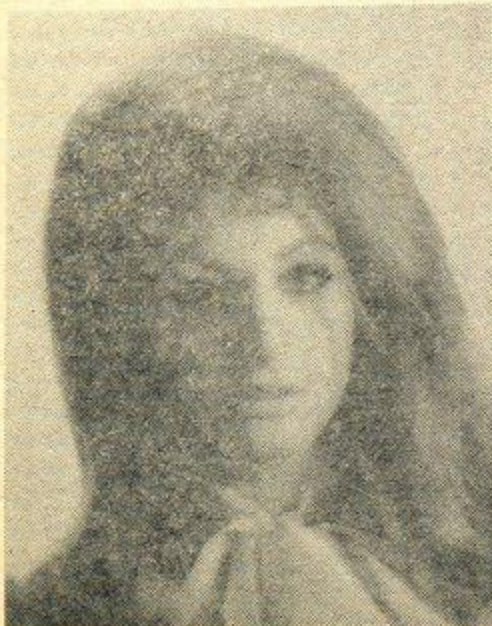


● «ناصر ملك مطيعي»
پرکار ترين هنر پيشه مر دسال

● «بابا نان داد» پر فروش
ترين فيلم سال ۱۳۵۱



● پوري بنائي و مرجان پر کار ترين
هنر پيشگان زن سال ۱۳۵۱ بودند



وضعيت ستارگان سينماي ايران در سال ۵۱

● ستارگان سينماي ايران که در
هاي اول فيلمها را بازی مي نمايند سال
۱۳۵۱ از نظر تعداد نمايش فيلم بدین
ترتيب قرار دارند:

- ۱- پوري بنائي ۱۰ فيلم.
- ۲- مرجان ۹ فيلم.
- ۳- فروزان ۶ فيلم.
- ۴- نيلوفر ۵ فيلم.
- ۵- وجستا و دلارام هر کدام ۴ فيلم
- ۶- ايرن ، شهين ، کتايون و زری
خوشکام هر کدام ۳ فيلم .

- ۷- فخری خورش ، فريبا خاتمی ،
ژاله کریمی ، مهناز ، ليداد انشور ، نوری
کسرائی ، ارغوان ، پروانه معصومی ،
شهناز تهرانی و ژاله سام هر کدام ۲ فيلم.

- ۸- گوگوش ، سپيده ، بهارک ، آتش
خير و مهتاج نجومی هر کدام يك فيلم
- ستارگانی که ايفاگر نقشهای
درجه دوم در فيلمهای ايرانی هستند از نظر
تعداد فيلمهای نمايش داده شده در سال ۵۱
بدین ترتيب قرار دارند:

- ۱- ديانا ولیلی هر کدام ۵ فيلم
- ۲- ژاله و شهرزاد هر کدام ۳ فيلم
- ۳- توران مهرزاد ، سهيلا و ارتسا
هر کدام ۲ فيلم
- ۴- فرزانه تائیدی و فرشته مهجان
هر کدام ۱ فيلم

۸ فيلم .
۲- منوچهر و ثوق و مختار هر کدام

۶ فيلم .
۳- سعيدراد ۵ فيلم .
۴- پرويز صياد و پيمان هر کدام
۴ فيلم .

۵- بهروز و ثوقی ، وحدت ، همايون
ايرج قادری ، فاضلی و نصرت کریمی هر
کدام ۳ فيلم .

۶- علی نصيريان ، ايلوش و همايون
بهداران هر کدام ۲ فيلم .
۷- فردين ، ايرج رستمی ، عادل
روحي و امير جعفری هر کدام يك فيلم .

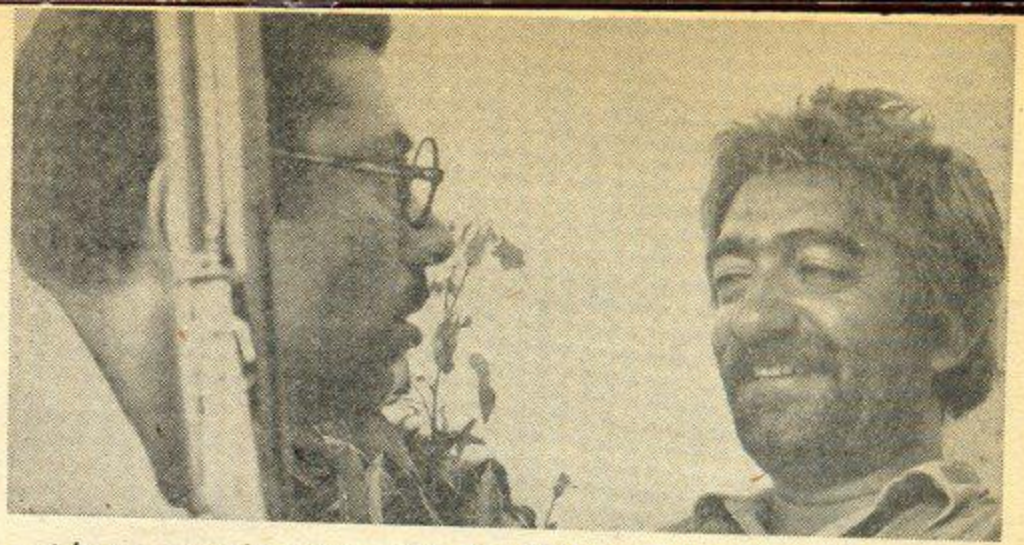
● هنر پيشگان مرد که ايفاگر نقش
هاي دوم فيلمها هستند از نظر تعداد نمايش
فيلم در سال ۵۱ بدین ترتيب قرار دارند:

- ۱- بهمن مفيد ۱۱ فيلم .
- ۲- میری و سر کوب هر کدام ۹ فيلم
- ۳- شيراندامی ۷ فيلم
- ۴- سپهر نيا ۶ فيلم .

- ۵- مرتضی عقيلي ، آرمان ، عبدالعلی
همايون و جمشيد مشايخی هر کدام ۵ فيلم .
- ۶- داود رشیدی ، بوتيمار ، شهر روز
رامتین ، جلال ، حسين حسینی و ارحام
صدر هر کدام ۳ فيلم .

۷- عزت اله انتظامی ، پرويز فنی زاده
محمد علی کشاورز ، گرشا و متوسلانی -
هر کدام ۲ فيلم .

۸- علی تابش ، امير فخر الدين و
منوچهر طایفه هر کدام يك فيلم .



● علی نصیریان و عزت‌اله انتظامی در صحنه‌ای از فیلم «پستیچی» فیلم موفق ایرانی در فستیوال‌های بین‌المللی



● «فنی زاده» و «پروانه معصومی» در صحنه‌ای از فیلم «رگبار» نخستین فیلم طویل بهرام بیضایی برنده جایزه بزرگ فستیوال تهران

سیادوشاپور قریب هر کدام یک فیلم نمایش داده شده است.

وضعیت فیلمبرداران در

سال ۵۱

- از فیلمبرداران سینمای ایران در سال گذشته بدین ترتیب فیلم تازه نمایش داده شده است.
- ۱ - رضا مجاوری و کمال مطیمی هر کدام ۷ فیلم
- ۲ - علی صادقی و رضا انجم روز هر کدام ۵ فیلم
- ۳ - نعمت حقیقی، مصطفی عالمیان، جمشیدالوندی و هوشنگ بهارلو هر کدام ۴ فیلم
- ۴ - محمود کوشان، مازیار پرتو، علیرضا زرین‌دست، حمید مجتهدی، شکراله رفیعی و نصرت‌اله کنی هر کدام ۳ فیلم
- ۵ - احمد شیرازی، تورج پورمرآت، باربد طاهری، همایون ارجمند، ناصر رفعت، ابراهیم دیلمانی و ایرج صادق‌پور هر کدام ۲ فیلم
- ۶ - عزیز رفیعی، حسین قاسمی، عباس دستمالچی، قدرت‌اله احسانی، سعید نیوندی، داریوش، بهروز سیادی، برومند و خانی هر کدام ۱ فیلم

وضعیت فیلمهای ایرانی

در سال ۵۱

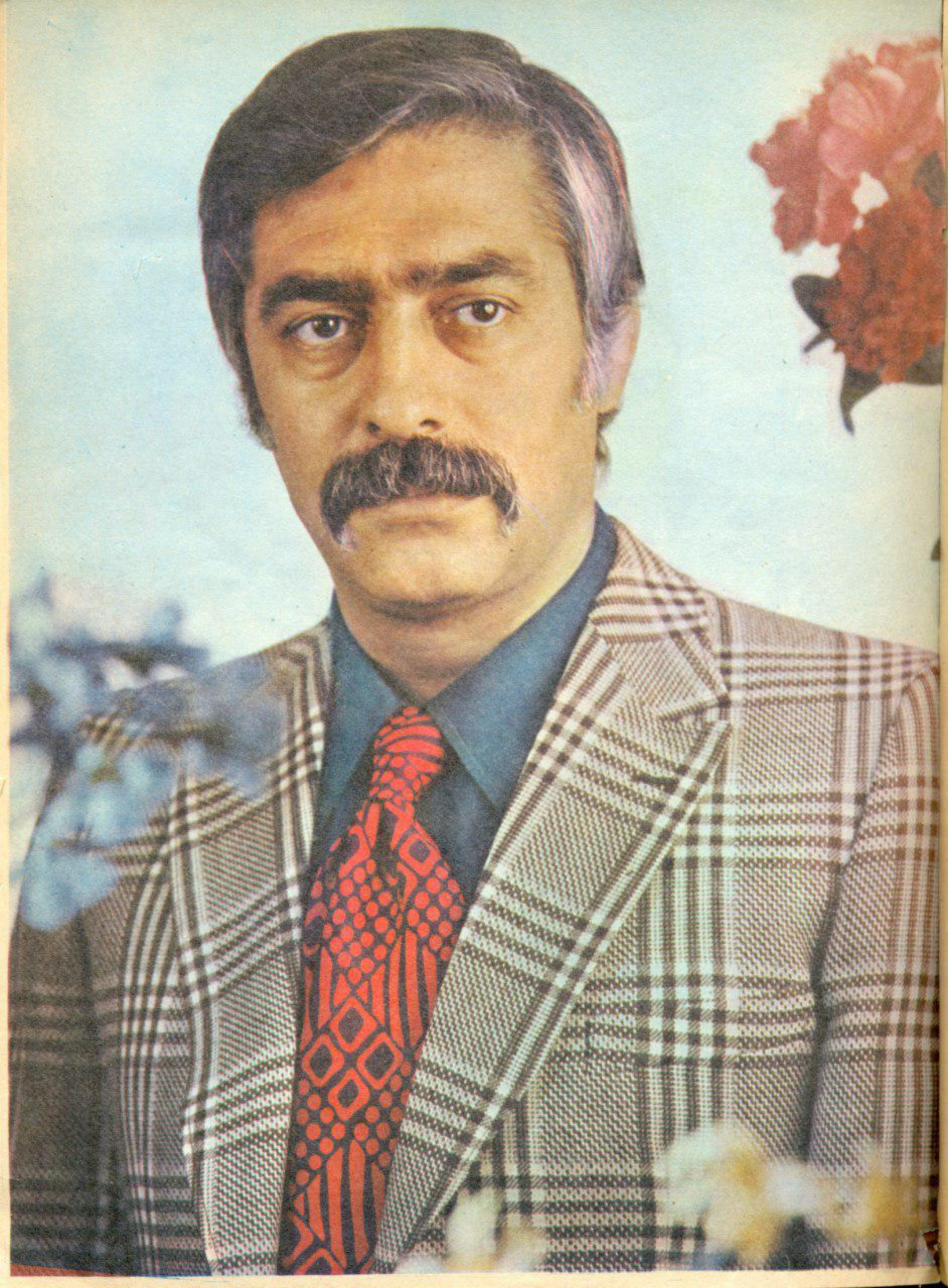
- از ۹۰ فیلمی که در سال ۵۱ سینمای ایران برای اولین بار عرضه نمود ۱۰ فیلم رنگی و ۸۰ فیلم سیاه و سفید بوده است. از ده فیلم رنگی ۸ فیلم رنگی و ایداسکرین و دو فیلم رنگی اسکوپ بوده و از ۸۰ فیلم سیاه و سفید ۷۹ فیلم سیاه و سفید و ایداسکرین و یک فیلم اسکوپ سیاه و سفید بوده است.
- فروش فیلمهای مهدی، مشکلی و شلوارک داغ، یک اصفهانی در نیویورک، صمد و سامی، لیلالولی، خاطر خواه، ظفر، حکیم باشی، بابانان داد، و بلوچ هر کدام در اکران اول تهران بیش از یک میلیون تومان بوده است که از میان آنها «بابانان داد» بیش از همه ۱۷۰۰۰۰۰ تومان فروش داشته است.
- فیلم «چشمه» با فروش ۲۴۷۰۰ تومان در اکران اول تهران کم‌فروش‌ترین فیلم ایرانی سال ۱۳۵۱ بوده است.
- کلیه فیلمهایی که بیش از یک میلیون تومان فروش نموده‌اند در نیمه اول سال نمایش داده شده‌اند و در نیمه دوم سال فیلم یکمیلیونی اصلانداشتیم.
- پر فروش‌ترین فیلمهای این نیمه «گروهیان و بی‌تا» بوده‌اند که هر کدام حدود ۸۸۰ هزار تومان فروش نموده‌اند.

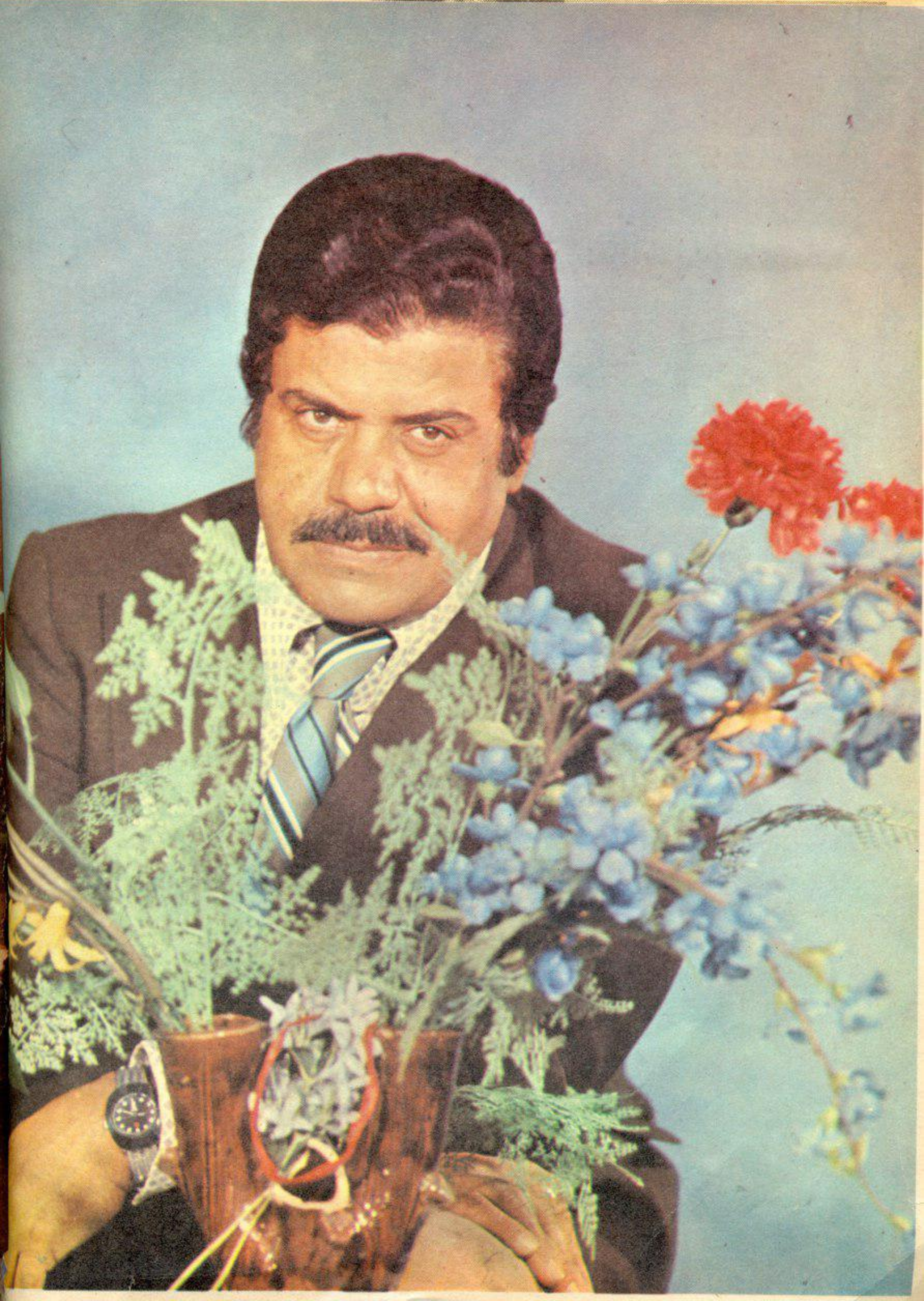
وضعیت کارگردانان در

سال ۵۱

- از کارگردانان سینمای ایران در سال گذشته بدین ترتیب فیلم تازه نمایش داده شده است.
- ۱ - رضا صفائی ۶ فیلم
- ۲ - نظام فاطمی ۴ فیلم
- ۳ - امیرشروان، اسماعیل پورسعید، مهدی رئیس‌فیروز، علی حسامی، سعید مطلبی، خسرو پرویزی، فریدون گله، عباس کسایی، ایرج قادری، سیامک یاسعی، کامران قدکچیان، رضامیرلوحی، حسن ساسانهور، رضا علامه‌زاده و امان منطقی هر کدام ۲ فیلم
- ۴ - از بقیه کارگردانان منجمله داریوش مهرجویی، ناصر تقوایی، هژیر

داریوش، مسعود کیمیائی، شاء‌اله ناظریان، زرین‌دست، سعید نیوندی، متوجه نوذری، مازیار پرتو، محمد علی زرندی، صمد پرویز نوری، نصرت‌اله وحدت، آرمان، فردین، پرویز اصائلو، ناصر رفعت، ذوالر-یاستون، بازاریان، آرپی او انسیان، محمد متوسلانی، کامران شیردل، فتح‌اله متوجهری، نصرت کریمی، جلال مقدم، روبرت اکهارت، رکنی، داود اسماعیلی، منصور پورمند، فرمان آراء، عزیزاله بهادری، جواد طاهری، هواکمیان، علی آزاد، دستمالچی، فریدون ژورک، صابر هبیر، اسماعیل نوری، علا، محمد زرین‌دست، سعید نیوندی، متوجه نوذری، مازیار پرتو، محمد علی زرندی، صمد صیاحی، رحیم روشیان، داود ملاپور، قدرت‌اله بزرگی، حسین ترابی، پرویز





پیام پاسخگو

● این شیوه همه ساله است که «پاسخگو» فرصتی پیدامی کند و شماره عید برایش يك امتیاز میشود که طی آن برخلاف همیشه، بجای جوابگویی معمول، متکلم باشد و نظیر همکارانش در مجله، که در طی سال، منتظر صدها و صدها نامه نمی شینند که بوسیله آنها حرفهایشان را بنویسند، بهر حال فرصتی است و پاسخگو مقادیری صحبت دارد که محض خالصی نبودن عریضه، مقداری هم گله و شکوه و چند پیشنهاد نیز در آن هست... صرف نظر از این ظاهر وضعیت، این واقعیتی است اگر بگوییم که «پاسخگو» ی يك مجله ظاهر فریبنده ای که کارش دارد و جلوه و درخششی که از این جهت بین عام و خاص دارد، ولی در حقیقت پذیرفتن و انجام دادن این کار بجز خریدن مقادیری لعن و طعن و این قبیل مسائل، چیز دیگری نیست، حال چسرا؟ خدمتتان عرض می کنم:

اول به بررسی مآثریال های موجود می پردازیم. «پاسخگو» هم آدمی است مثل آدمهای دیگر که بقولی از همه مال دنیا یکی دو صفحه بقطع (۲۹ × ۲۲) دارد تازه اگر صحافی و برش را در نظر نیاوریم چرا که بعد از این عمل صفحه قطعش میرسد (۲۸٫۵ × ۲۱٫۵) و از هر طرف حدود دو سانت هم که بزنید میماند (۲۵ × ۱۸) بسا اضافه يك قلم و حدود چهار صد تا پانصد نامه در هفته که پاسخگو باید علی الظاهر به تمام آنها (۱۹) هفته ای یکبار در ستونهای محدود و محصور که گنجایش حداکثر بیش از سی نامه را ندارد پاسخ بدهد...

حالا خودتان تجسم کنید اینکار چطور باید صورت گیرد.

صرف نظر از کار خواندن نامه با چقدر سوال تکراری بسایستی

مواجه بود، تا چه حد می شود تحمل خواندن ملامت ها را که معمولا در مورد پاسخ ندادن بنامه ها را دارد. آنهم چه نامه هایی که برخی را باید بنشیننی و بادقت و با اصطلاح معروف مورا از ماست بکشی و نامه مفصل و تمام رنگی شان را بخوانی تا ما پادا چیزی در جواب دادن از قلم بیفتد که آنوقت سرو کارت با کرام الکاتبین است...

بهر حال این پاسخگو با اصطلاح «پیه» همه چیز را بتفش مالیده و سالهاست که اینکار را انجام می دهد و باز هم قول میدهد که اینکار را خواهد کرد. منتهی در این شروع سال، که آغاز دهمین سال انتشار «فیلم هنر» هم هست بعضی از توضیحات ضروریست بخاطر این که تسهیلاتی در کار پاسخ دادن به نامه ها پیش آید و دوستانمان سریعتر و دقیق تر جوابهای خودشان را دریافت کنند...

ابتدا ما هیت سوالهایی که می شود خدمتتان عرض می کنیم، گروهی سوالهای مشابهی در این حدود دارند که عکس العمل فلان هنرپیشه را چاپ کنیم... که ما مدتی سعی کردیم در این زمینه جواب ندهیم و یا مدتی هم از همه شان فاکتور می گرفتیم و به یکی پاسخ میدادیم که چشم عکس فلانی را چاپ خواهیم کرد... و حالا توضیح بدهیم که وقتی می نویسد عکس فلان هنرپیشه خارجی یا ایرانی را چاپ کنید، پاسخگو آنرا میخواند و به اطلاع مسئولین میرساند که در این مورد تصمیم گرفته شود، می بینید که اگر این تیپ سوالها از پاسخگو از مجله حذف شود، چقدر امکانات این صفحه برای رسیدن بنامه های همه دوستان گسترده میشود، البته مواردی نظیر همین سوال درباره عکس چاپ زدن هنرپیشه ها هم هست،

فرضاعده ای از ما میخوانند که برای هنرپیشه شدن، به آنها کمک کنیم که ما نیز همیشه جوابمان این بوده که گرد این کسار نگریدید به دلایل مختلف که بدفعات چاپ شده است... عده ای دیگر آدرس هنرپیشگان سینما را می خوانند که ما همیشه برای این دوستان نوشته ایم به نشانی (خانه هنرمندان فیلم ایرانی - خیابان سزاوار - بین خیابان فروردین و اردیبهشت) نامه بنویسد ولی باز این سوال تکرار میشود. که حالا در این شروع سال تذکر میدهم و خواهش می کنیم همه توجه داشته باشند که ما از این پس در نامه هایی که در خواست راهی برای هنرپیشه شدن آنها - تقاضای آدرس هنرپیشه ها و طلب پاسخ برای اینکه عکس فلان هنرپیشه را چه زمانی چاپ می کنید پاسخ نمی دهیم.

و اما میماند سوالهای دیگری در این زمینه که قد فلان هنرپیشه چقدر است؟ آن ستاره ای که فلان است چرا ازدواج نمی کند؟ فلانی چند سال دارد، ازدواج کرده است یا نه؟ شماره تلفنش چیست؟ آدرس منزل طرف چیست؟ که قبول بفرمائید اگر قرار باشد که به همه این سوالها جواب ندهی و یا عنوان بکنی که نمیدانیم آنوقت همه کاسه کوزه های آن بابای سوال کننده به سر این چندستون و این ارادتمند خواهد شکست!

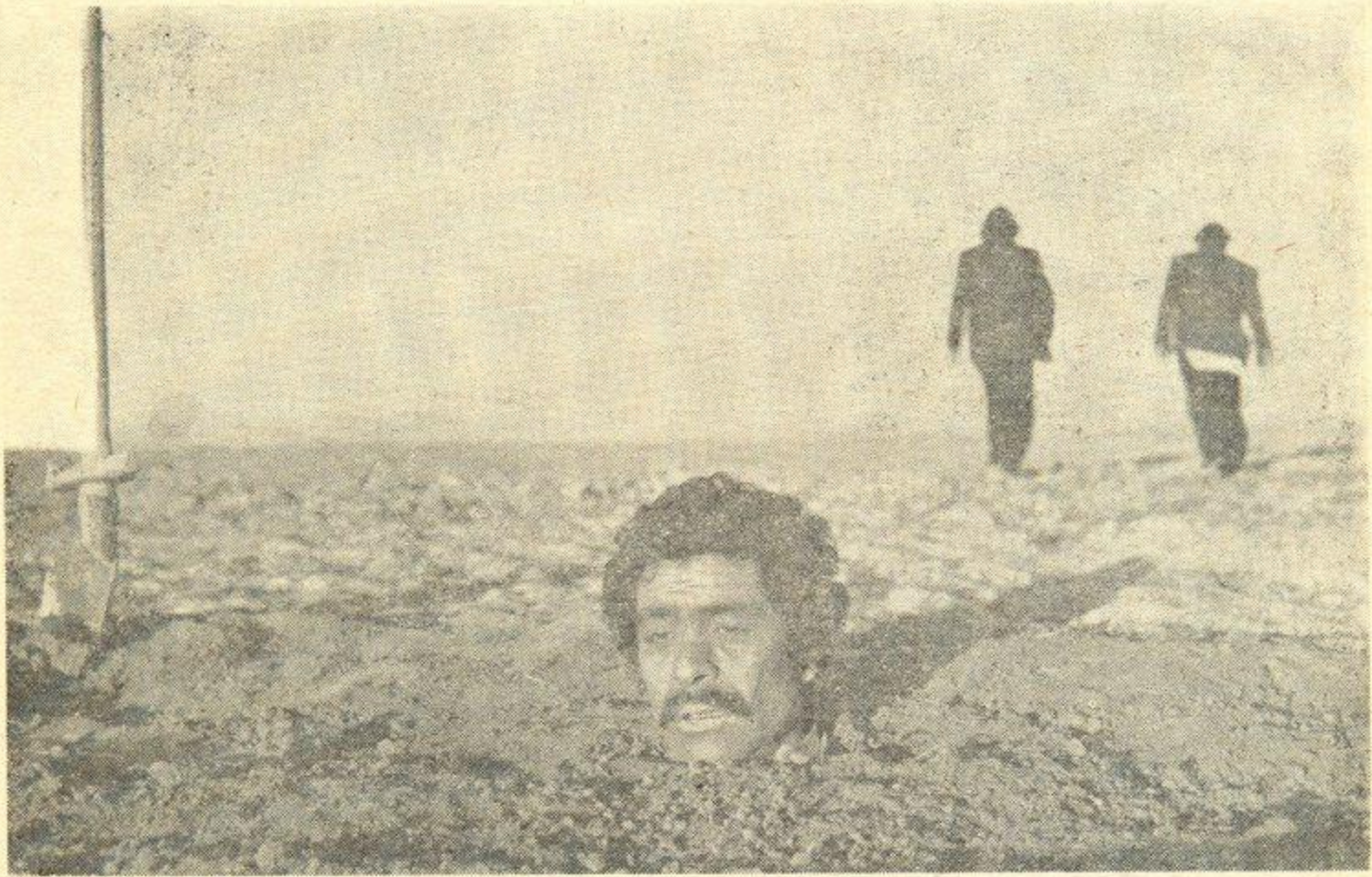
فی الواقع چه سودی خواهد داشت که سن و سال یکی و یا آدرس دیگری را بدانید، مگر نه اینکه به سینما میروید، بدنبال تفتن و یا خیلی زرنك باشید، در پی «سینما» ی خوب... خوب پس چرا بیکسر اصل وضعیت و پاسداری از خواستهای اصیل خودمان نباشیم و خودمان را با آدرس این گرفتن

وقد آن دیگری را اندازه گرفتن، کوچک و اوقاتمان را هدر بدهیم. دوستان دیگری داریم که هر روز و خیلی با انصاف باشند هر دو روز نامه می نویسند و با سوالهایی مشابه نامه های قبلی و با تذکری در پی که چرا جواب ما را نمی دهید که توجه دارید همین وضع چقدر تراکم ایجاد می کند... در حالیکه خوانندگان عزیز مجله بایستی آگاهی داشته باشند اگر نامه شان را ما دریافت کنیم، مطمئنا پاسخ خواهیم داد و نیازی به ارسال تعدد نامه ها نیست... و اما خوانندگان عزیز مجله در شهرستانها، به این ترتیب به مآلطف دارند، تهران - اصفهان - شیراز - شهرری - تبریز - شاهی اهواز - آبادان - رشت - مشهد و... که امید داریم لطفشان دوام داشته باشد و به علاوه به توضیحاتی که عرض شد توجه داشته باشند که در این صورت خیلی از مشکلات حل میشود و مسلما این «پاسخگو» خسته و فرسوده در چنین شرایطی با رغبت و دلگرمی بیشتری به نامه ها خواهد رسید. راستش حرفها زیادست و مسائل دیگری هم بود که میشد مطرح کرد ولی «غائله» را ختمش میکنم با تذکره مورد اول آنکه عده بسیاری از دوستان خیلی خوبمان که صمیمانه طی سال به بنده لطف و محبت کرده و گاه و بیگاه از پاسخگو یادی کرده اند خیلی خیلی تشکر می کنم و بعد امید و آرزوی روزهای درخشان و بسیار بسیار خوب و خوانندگان قدیمی و جدید مجله اجازه خواهید داد که توصیه کنیم، باز هم برای ما نامه بنویسید، سوالهای خوب بکنید و فرجهید، اگر پاسخی ندیدید چه باید طمئن باشید که هر چه از دست ما بر آید کوتاهی نخواهیم کرد.

استودیو میثاقیه با عرض تبریک سال نو برای همه علاقمندان آثار با ارزش سینمای ایران دو فیلم در دست تهیه خود را معرفی مینماید .

بهر روز و ثوقی در صدای تازه‌ای از مسعود کیمیائی

خاک



با شرکت :

فرزانه تائیدی
فرامر زقربیان
جلال
پروین سلیمانی
و جعفر والی

موزیک متن : اسفندیار منقر دزاده
مدیر فیلمبرداری : نعمت حقیقی
محصول : استودیو میثاقیه

پس از «آدمك» اينك دومين ساخته «خسروهر يتاش»

برهنه تاظهر باسرع



باشركت :

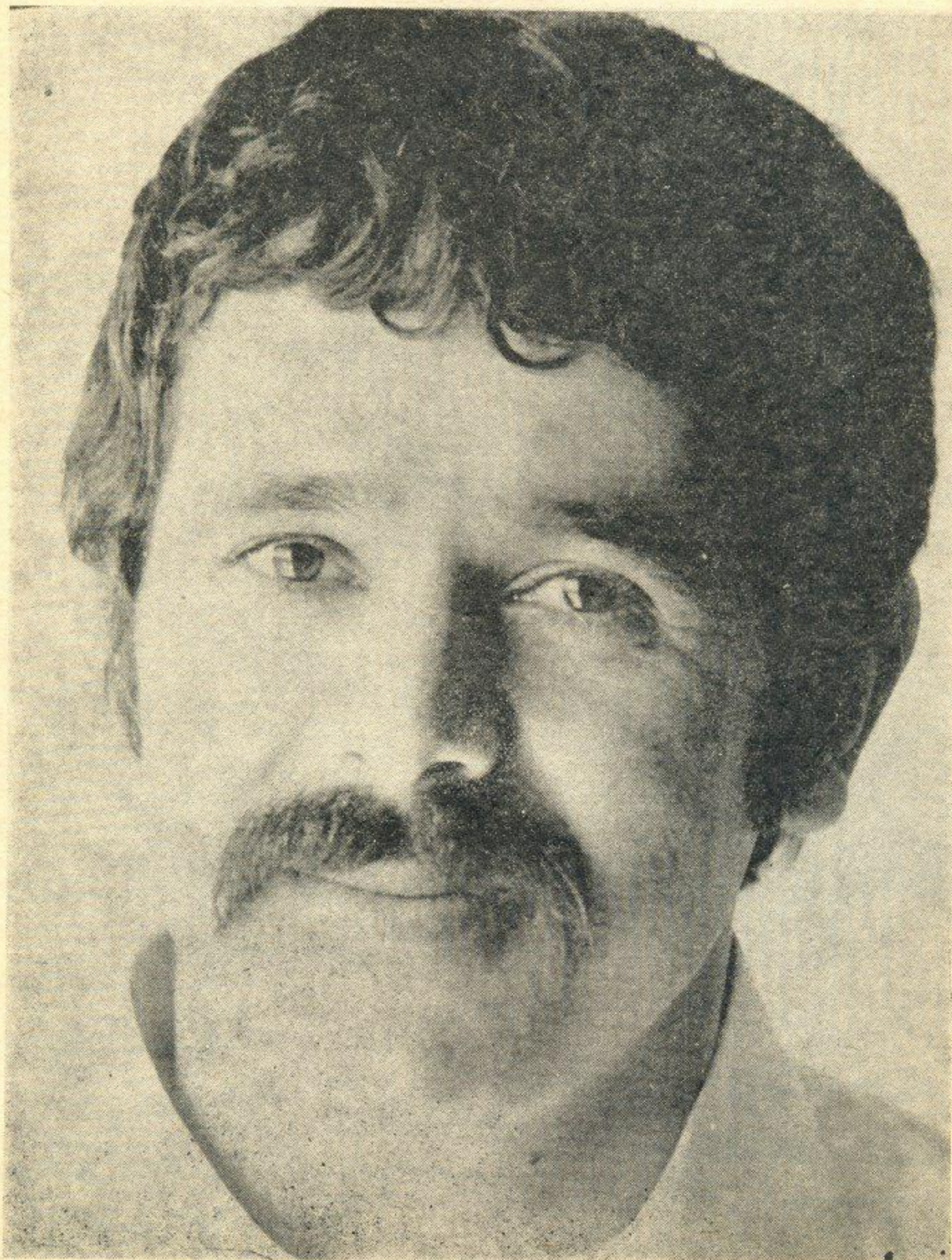
فرشته جنابی
فرامرز صدیقی
بهر روز به نژاد
و ایرن

محصول: استودیو میثاقیه
فیلمبردار: هوشنگ بهارلو

گفتگویی با: منوچهر احمدی

چهره نو خاسته سینمای ایران

- صادق کرده تقوایی شناسنامه سینمایی منست .
- شاپور قریب بافیلم «خروش» بعد سینمایی مرا شکل داده است .
- بعنوان پیشداوری حتم دارم که «نادر ابراهیمی» بافیلم «صدای صحرا» کار درخشانی ارائه خواهد داد.





چیزهایی میخواهی ارزشهای دیگری را بدست بیاوری؟

«بین! من گفتم مشکل است نه غیر ممکن. هیچ بعید نیست من دیر تر و سخت تر موفق شوم ولی میشود، این را با اطمینان کامل میگویم ولی هرگز برای بدست آوردن شهرت بآن شکل عمل نخواهم کرد، من هیچوقت بسرای پیشرفت خودم در این راه از اصلاتم ماهه نمیگذارم، نه توانائیش را دارم و نه در حدم است و نه خصائل ذاتی من اجازه این کار را میدهد، از طرف دیگر عجله ای هم نیست آنچه که برای من اصل است موفق شدن است، موفق شدن بدون دورماندن از اصل خودم و اینهم خواهد شد چون میخواهم که چنین باشم.»

سینمای مارنک و روال تازه ای یافته است و این روال تازه فیلمسازان هوشمند و خوبی را بدنبال خود به سینما کشانده و بدیهی است که بازیگران خوبی با معیارهای غیر متعارف برای تعیین ارزشهای اصول را، بازیگرانی که هنرمند هستند و پدرکی سالم و صمیمی از سینما باین هنر رو آورده اند.

... «منوچهر احمدی» که چندی پیش او را بعنوان «بازیگر نقش های عاطفی دوران دیگر گونی سینما» معرفی کردیم از جمله آن هنرمندان مذکور است. «احمدی» چهره ای گیرا و صمیمی و نرمش خاصی در اجرای نقش های سینمایی دارد و با اطمینان میتوان گفت که او بزودی وبه نحوی شایسته خواهد درخشید.

این بار برای شناخت بیشتر و بهتر «منوچهر احمدی» با او می نشینیم و گوی می زنیم.

می پرسیم: دروازه های سینما را چگونه گشودی؟

«من از کودکی بسینما علاقمند نبودم و در تب و تاب سینما نمی سوختم!! من در دوران تحصیل روی آسن تئاتر مدرسه بازی نمی کردم! در ابتداء یکی از فیلمسازان مشهور از من خوشش نیامد و بمن پیشنهادی نکرد!!... نه، هیچکدام از اینها نبود، من مسیر دیگری داشتم و حالا که ببینید هنر پیشه سینما شده ام از بد حادثه بوده است که من «این حادثه را اگر چه بد نامیدم اما امروز بفال نیک بگیرم، برگی بود که آمد و من پذیرفتم و مگر نه اینکه ما همه بنوعی دستخوش برگیهای سر نوشتیم، پس بگذار من هم هنر پیشه سینما شده باشم... ایرادی هم ندارد که بگویم مشکلات مادی این راه را نشانم داد.»

می پرسیم: از دیدت چگونه اشکالاتی غیر از محور اخلاقی تو در سینما وجود دارد که آنرا بد حادثه نامیدی؟

«سینما سراب زیبایی است و فریفتگانش نیز بیشمار ولی آنها که دست اندر کار هستند و من که امروز... میدانم که برای صعود سریع از پله های شهرت سینما باید ارزشهای اخلاقی و انسانی را زیر پا بگذارم (البته اگر آدم فوق العاده ای نباشی) و اگر بخوای با حفظ ارزشهای مذکور آن پله ها را طی کنی این برخلاف مسیر آب شنا کردن است و بسیار مشکل اما در هر حال شدنی!»

می پرسیم: ... و توبه چه قیمتی میخواهی در سینما موفق شوی و با از دست دادن چه

می بینم آنقدر راحت و مطمئن و قاطع حرفش را میزند که نمی توان در صحت گفتارش تردید کرد.

حرف را ادامه میدهم و میگویم: خیلی محکم و با اطمینان حرف می زنی و این خود باعث امیدواری است ولی میدانی که دوام در سینما مستلزم اینست که مردم تو را بپذیرند.

«قهرمان شدن آسان است ولی قهرمان ماندن مشکل، بدیهی است که «این امر در سینما هم کاملاً صدق می کند و ما ندانیم اینجاست مردم است. مردم معیارهایی مخصوص بخودشان دارند و کمتر در این مورد اشتباه میکنند. من تمام هم فکلی ام اینست که خود را بشناسم و در اوج این قله خود را نشان دهم و دیگر مردم هستند که مرا بپذیرند یا نه.»

می پرسیم: پس سینمای برای امروز تو چیست؟

«همه چیز، این را صادقانه می گویم، هیچ فرق نمیکند، موقی که انسان خانه ای برای زیستن انتخاب میکند سعی میکند آنرا بهتر از آنچه که هست عوض کند، آنرا می آراید و هر طور میتواند کاملش میکند تا خانه بهتری بشود و محیط آسوده و پاک تری برای زندگیش. سینما امروز و فردای مرا تشکیل میدهد و زندگی من است، بنا بر این امروز تمام سعی من اینست که این فردای خودم را تکامل بخشم و شکل بدهم و این در حقیقت انجام تمام توانائی های فردای من است در جهت سازندگی یک سینمای اصیل و پاک و امیدم به فردائیست که سینما بمن میدهد.»

می پرسیم: این سینمای اصیل و پاک که از آن حرف میزنی چیست؟ و بطور کلی معیار تو در مورد سینمای سالم چگونه است؟

«سینما هم مثل هر هنر دیگر اشکال متنوع دارد، سینمای سالم بعقیده من سینمایی است که عوام فریب نباشد،

منوچهر احمدی و او در رسیدی در صحنه ای از فیلم خروس

«و روشنفکر سینمائیش معرفی کرد و با تمام امکاناتش همیشه از من حمایت کرده است، در آینده نزدیک فیلم «صدای صحرا» را با «نادر» و در کنار هنرمندان خوب تئاتر و سینمای ایران «منوچهر فرید» و «جمشید مشایخی» کار خواهیم کرد، با حسن نیت و فکر روشنی که در «ابراهیمی» وجود دارد پیشداوری و امید در خشتانی در «مورد «صدای صحرا» دارم.»

می پرسیم: برای پیشرفت خودت در سینما چه روالی پیش گرفته ای؟

«روال من مشخص است، من می خواهم فقط فیلمهای خوب و اگر بشود گفت غیر متعارف کار کنم و بهتر قیمتی که هست از سینمای مبتذل دور بمانم و معتقدم باین وسیله علاوه بر حفظ ارزشهای خودم در حد توانائی ام در حفظ ارزشهای سینمای سالم هم کوشیده باشم.»

میگویم: با این حساب فکر میکنم توداری از پایگاه سینمای خوب و متفاوت حرف میزنی.

«فکر نمیکنم، من هنوز پایگاهی ندارم، همه نظور که قبلاً گفتم من و امیدم به فردائیست که سینما بمن می دهد و پایگاه مورد نظر را هم فردا بدست خواهم آورد.»

میگویم: ... و من اطمینان میدهم که تو آنرا بدست خواهی آورد.

«منونم»
ادامه میدهم: من دیگر حرفی بنظر نمی رسد، و تو؟ حرفی نداری؟

«حرف که هست، همیشه و زیاد، اما همیشه نمیشود حرف زد و زیاد... میگویم. باشد تا نشسته ای دیگر و حرفهای دیگر... موفق باشی!

«که برای جلب تماشاچی به هر عامل نامعقول و غیر اخلاقی و مبتذل متوسل نشود، که تقلد صرف از سینمای غیر بومی نباشد، و... و خلاصه سینمایی که بدور از این جنبه ها با آن عمق و انسانیستی که شایسته این هنر است «بخدمت مردم در آید.»

میگویم: فکر میکنم با اندازه کافی از کلیات حرف زدی، حالا بهتر است باز از خود بگویی، چه عواملی در چهره نمودن تو در سینما یاریت کرد؟

«همانطور که گفتم عواملی لازم است که آدم را باری میکند تا بسینما راه پیدا کند و بدون عوامل یاری دهنده این امر یک استثنا است. اهم این عوامل در مورد من عصبه ای از دست اندر کاران سینمای امروز بودند باید از هر یک بنوعی حرف بزنم: «اول «مسعود کیمیائی» بود که با حسن نظر و محبت در «قبصر» و «دش آکل» نقشیانی بین و انگار کرد که سیاست منبهم و بعد «ناصر تقوایی» که ارزش و احترام فوق العاده ای برایش قائلم و او را یکی از فهیم ترین و هوشمندترین فیلمسازان امروز می شناسم من در «صادق کرده» با تقوایی کار کرده ام و «صادق کرده» را بسا نقش حساسی که در آن داشتم شناسنامه سینمایی خود میداند من هم «تقوایی» را به پاس صمیمیت و صفای بی شائبه اش «ارج مینهم.»

«و «شاپور قریب» که بسا فیلم «خروس» بعد سینمایی مرا شکل داد و بر او تکلم انداخت. من از لحاظ خودم روی «خروس» حساب میکنم و فکر میکنم دیگران هم به جهت این فیلم روی من حساب کنند و بالاخره «نادر ابراهیمی» قصه نویس خوب معاصر که سوای محیط سینما همیشه برای من یک دوست صمیمی و یک راهبر دلسوز بوده است. من هر چه در سینما بدست بیآورم در مرحله اول مرهون او هستم که او مرا بدوستان فهیم

استودیو «پارس فیلم» ضمن تبریک نوروز باستانی و دهمین سالگرد انتشار فیلم هنر محصولات آماده
نمایش و در دست تهیه خود را اعلام میدارد

برنامه نوروز ۵۳ سینماهای :

اونیورسال - پاسیفیک - ایران - ساینما - تیسفون - مراد
پرسپولیس - موناکو - کارون - دریا و آستارا (تجریش)



فیلمی بزرگ، با داستانی عمیق و انسانی، سرشار از لحظه‌های پرهیجان...

**ایلووش . وجستا . اردوان سفید . کریستین . برهنیاد . بلور
حاجدی . رخشانی و جهشید هر داد**



بزرگترین کودکان

پیام
تاریخ
سازمان
تاریخ
کافران
پیشرو
آدمی

تهیه کننده

کارگردان : دکتر اسماعیل کوشان

فیلمبردار : حسن یادگار

محقق : پارسا فیاض

رضا بيك ايمانوردی

در فیلم

گدای ملیونر

با شرکت : شهناز تهرانی ، کریستن پاترسون ، همایون اشکان و فرخ ساجدی

و هنرمندان خردسال : ساسان و کامبیز کوشان



کارگردان و فیلمبردار :

محمود کوشان

محصول : استودیو پارس فیلم

بررسی فیلم‌های ۵۱

● آنچه در ذیل می‌آید، هر وریست بر فیلم‌های سال ۵۱، که در آن در واقع کلیات فرم یا محتوا مورد گفتگوست و نه جزئیات، و بعلاوه نظریست از جانب نویسنده، و بهیچگونه پیش‌داوری درباره‌ی سپاس‌نمی‌تواند باشد و هدف رویه‌مرفته همان‌طوریکه اشاره داده‌شد در این مرور و ضوح بخشیدن به کیفیت کلی فیلم‌ها در دیدی گذر است.

مهدی‌مشکی و شلوارك داغ

کارگردان : نظام فاطمی - سناریست : احمد نجیب‌زاده - مدیر فیلم برداری : محمود کوشان - تهیه‌کننده : دکتر اسماعیل کوشان - هنرپیشگان : ناصر ملک‌مطیعی ، کرستین پاترسون ، مرتضی عقیلی ، جمشید مهرباد ، الهه الهی ، زری پورزند ، عبدالعلی‌هما یون و حسین حسینی - محصول استودیو پارس فیلم.

فیلم سناریوری خوبی دارد ، سناریو صرفنظر از ایرادات کوچک در روابط ، موضوع ملموس و مطرح موضوعهای سنتی در جامعه ایرانی را در بر خورد با مظاهر تازه تمدن (؟) خوب طرح و بسط میدهد و «فاطمی» نیز به تبعیت از سناریو ، یک امتیاز حائز توجه بروز میدهد و آنهم اختصاص دادن زمان لازم برای هر قسمت است و این ریتم فیلم را سریع می‌کند ضمن اینکه بازیهای خوب نیز در خدمت این هرزه ، کاملاً موثر می‌افتد برخلاف فیلمبرداری فیلم که دقت و ظرافت لازمه طی آن مبذول نمیشود.

رویه‌مرفته فیلم قابل تمتعی بود که می‌توانست فیلم‌باهدف و قابل تمتع‌تری باشد!

یک اصفهانی در نیویورک «رنکی»

کارگردان : ش. ناظریان - مدیر فیلمبرداری : پطرس پالیان - هنرپیشگان : نصرت‌الله وحدت - ارجام صدر - سرور جانی و ژاله‌هاجری - بخش از استودیو مینا فیه.

شبهات موضوع این فیلم با «مهدی‌مشکی و شلوارك داغ» در جهت‌سنجش فرهنگ سنتی ایرانی در برخورد با مظاهر تمدن آمریکائی است ، رابطه و ضابطه‌هایی نه چندان تازه ، اما واجد ظرافتهائی که از کارگردانش بعید نمی‌نمود.



صمد و سامی ، لیل اولی لی

کارگردان : پرویز صیاد - مدیر فیلمبرداری : سعید برومند - تهیه‌کننده : شرکت سهامی سینما تئاتر کس و پرویز صیاد - هنرپیشگان : پرویز صیاد - شهناز تهرانی ، رضیانی ، شفیع و ...

گرچه بظاهر «صیاد» اینبار باهدف شکافتن لایه‌های اجتماعی به «صمد» روی میکند ، ولی در پرداختش به جهت فقدان ریتم توأم با عمق در کاربرد عواملی که در اختیار دارد ، به این فکر دست پیدا نمی‌کند و نتیجتاً ماجراهای این فیلم بازسازی یکی از «صمد» مجموعه‌های همنام تلویزیونی کارهای صیاد میشود منتهی بادنک و فنک بیشتر.

قلندر

سناریست و کارگردان : علی حاکمی - مدیر فیلمبرداری : احمد شیرازی - تهیه‌کننده : مصیبی - موزیک متن : مرتضی حنانه - هنرپیشگان : ناصر ملک‌مطیعی - فروزان - شیراندازی - محصول : سیراق فیلم

در این فیلم نیز «حاکمی» ضمن بنمایش گذاردن بیان مملو از فرهنگ غنی اش ، ضعف کلام سینما را در کارش بازگو می‌کند ، با این حال بازیهای خوب ، باضافه فضا سازی «حاکمی» و فیلمبرداری کار ساز «احمد شیرازی» ، «قلندر» را در صف فیلم‌های متمایز قرار میدهد.





● صحنه‌ای از فیلم «کاکل زری»

رضاهفت خط

کارگردان: حسین ترابی - سناریست: مکی - مدیر فیلمبرداری: فریدون ری پورو بهروز صیادی - تهیه کننده: بهروز صیادی - هنرپیشگان: بهمن مفید، شهروز رامتن - محصول: ایماژ فیلم

ایده اصلی داستان خوبست و از «ترابی» کارگردان «الا کلفنگ» که خیلی خوب «طنز» را با بیانی سینمایی ارائه میکند - نیز برمی آید که زمینه خاص این داستان، بموازات فرم پرداختش پیش برسد که البته اینطور نیست و فیلم معایر همه تفکرانی است که تماشاگر متوقع از پیش در باره این فیلم دارد که این آشفتگی کارش را «ترابی» معلول دخالت‌های تهیه کننده می‌داند تا جائیکه توافق شده که نام کارگردان (ترابی) را از تیتراژ فیلم حذف کنند.

حسن دینامیت

کارگردان: مهندس میرصمدزاده - مدیر فیلمبرداری: داریوش - سناریست: سعید، طلبی - تهیه کننده: عزیزاله کردوانی - هنرپیشگان: رضا بیک ایما نوردی، نیلوفر، رضائی و علی زندی - محصول استودیو عصر طلایی «میرصمدزاده» آنچه از اطلاعاتش در زمینه فراگیری در سینما (مدرسه سینمایی ایدک در پاریس) در خدمت این فیلم چون کارهای دیگرش برمی‌گردد؛ مطابق معمول فرم بصری است که بی‌هدنو آشفته، در فیلم چون مسیر داستانیش شکل نمی‌گیرد.

علی سورچی

کارگردان: رضا صفائی - فیلمبردار: رضا انجم روز - سناریست: حبیب اله کسمائی - تهیه کننده: بندانی - هنرپیشگان: منوچهر و توفیق، پوری بنائی... محصول یزد فیلم.

این يك فیلم معمولی است که ربط صحنه‌ها و شخصیت سازی طی فیلم غالباً مطابق قراردادهای رایج صورت می‌گیرد و آنچه فضا را معین می‌کند مقادیری دیالوگ است که آنهم رساننده و دقیق نیستند.

توبه

سناریست و کارگردان: اسماعیل پورسعید - فیلمبردار: رضا مجاور - تهیه کننده: نورسته، زریباف و نسیمی - هنرپیشگان: ایرج قادری، زری خوشکام و بهمن مفید - محصول اسکار فیلم.



این فیلم پر فروشی بود که در عمل، همه نقشه‌های سازندگان در مورد آن مصداق پیدا کرد... فیلم همه تا کیدش بر سکس زری خوشکام بود و شرایط زمانی نیز چنین ایجاب می‌کرد و این بود که بهره برداری لازمه (؟) هم میسر گردید.

آبشار طلا (اسکوپ رنگی)

تهیه کننده و کارگردان: سیامک یاسمی - مدیر فیلمبرداری: مصطفی عالیشان - سناریست: زمانی آشتیانی - هنرپیشگان: دلارام، پرویز مجیدی، کهنموی و توکلیا محصول: پانوراما

کارگردان مدعی نوآوری است و چهره‌ها هم نوهستند، این ظاهر فیلم است که پرداخت کارگردان کاملاً معایر آنرا مینماید. چهره‌ها نوهستند که ادای فریدین و فروزان را در می‌آورند، محلها تازگی دارد ولی فضای گنج قارون و نظائر آنها را یادآوری می‌کند.

قدیر

سناریست و کارگردان: رضا علامه زاده - فیلمبردار: پورمرت - مجاور - آهنگساز متن: واروژ - تهیه کننده: منوچهر طایفه - هنرپیشگان: قتی مختار، مرجان، حسن شاهین و آرمان - محصول سازمان سینمایی سینتانا.

فیلم هدف سینمای جوان تازه پا گرفته‌ای را دارد که اخیراً مورد توجه است و با وجودیکه در این جهت «علامه زاده» حسن نیت دارد اما تکراری بودن تم اصلی فیلم از يك سو و فقدان یگانگی در پرداخت، «علامه زاده» را مانع از برداشت در جهت هدفش میشود.

کافر

سناریست و کارگردان: فریدون گله - مدیر فیلمبرداری: حمید مجتهدی - آهنگساز متن: واقفی - تهیه کننده: جمال مجتهدی - هنرپیشگان: سعیدراد، خیاط باشی، رضیانی، سرکوب، فرخ ساجدی، نادری، پونه - محصول سازمان سینمایی چهلتون

«کافر» نیز شرایطی چون «قدیر» دارد و با هدف و درجهت سینمای سالم و در بهره‌گیری از عوامل سازنده کار نیز موفقتر... ولی نه آنچنان موفق که بتوان بر آن تائید و در شمار متمایز کنندگان سینمای سالم قرارش داد.

«گله» بهره‌گیری از امکانات دوربین و متعلقات آن آگاه است ولی سناریوئی که دارد از جهت عمیق بودن، با وجودیکه گاه چرخه‌هایی میزند، در گیر و دار همان سینمای سنتی و مقیدست و «گله» با تکنیک خوبش نمی‌تواند از بند این مقیدات بگریزد منجمله فضا سازی و آدمها... همه متأثر از فیلمهای مشابهی است که در این زمینه قبلاً ساخته شده، با اینحال «گله» خود را جزو چهره‌های «امید» نشان میدهد.

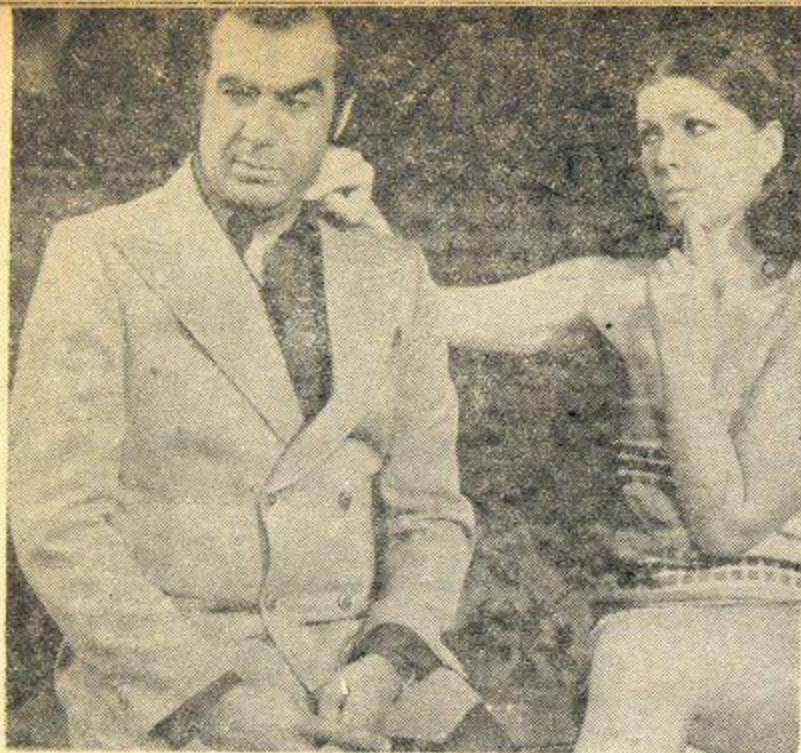
صلاح الدین ایوبی (رنگی)

کارگردان: حسن ساسا نپور - هنرپیشگان: فخرالدین - کنایسون و جها تکبیر غفاری - محصول مشترک ایران (استودیو مینا قیه) و ترکیه

این فیلم چیزی در حدود محصولات مثلاً تاریخی پارس فیلم است بدون ظرافت و دقت، صرفاً چیزی در حدود يك تفتن، تفتنی منسوخ شده که «جونیت آرکین» (فخرالدین) ستاره‌ش است!

باشرفها

کارگردان: قدرت اله بزرگی - تهیه کننده: گل دوست - فیلمبردار: موسی افشار - نجم روز هنرپیشگان: فریبا خاتمی - آرمان، سپهر نیا، جمشید مشایخی، لوتاو پیمان - محصول: شرکت سهامی سینما قنات رکس. همه سطوح این فیلم آنرا معمولی تر از آنچه که يك فیلم را معمولی میسازد، نشان میدهد که جایی برای حرف هم باقی نمیگذارد.



رگبار

سناریست و کارگردان: بهرام بیضایی - مدیر فیلمبرداری: باربد طاهری - آهنگساز: شیدا قراچه داغی - تهیه کننده: باربد طاهری هنرپیشگان: پرویز فنی زاده، پروانه معصومی، منوچهر فرید، محمدعلی کشاورز - محصول سازمان سینمایی پانوراما

یکی از معدود فیلم‌های برجسته سینمای ایران در سال ۱۳۵۱ که با وجود عدم اقبال شایسته از جانب عامه، بشدت از جانب تماشاگران فهمیم تحسین میشود و حتی جایزه بزرگ نخستین فستیوال بین-المللی تهران را بدست می آورد.

فیلم دقیقاً، عمیقاً و تحقیقاً روح دارد، حرف دارد، حرف سازنده و محسوس. بدون اینکه فیلم حرفی باشد و هرزبرد... بازیهای فیلم خوب رهبری شده اند و فضا سازی فوق العاده زنده و چشم گیر است و با بسیاری امتیازات قابل تاکید که در این مختصر نمی گنجد و ما حاصل اینکه فیلمی است از سینمایی متفاوت، سینمایی که نمی خواهد تنها تماشاگر سهل پسند را قانع کند و همه گرانی بسار این تفاوت پدید آوردن نیز به دوش کارگردان فیلم است، و کارگردانی مستعد و با پشتوانه...

فرشته نجات

تهیه کننده، سناریست و کارگردان: رحیم روشنیان - فیلمبردار: رضا انجم روز - هنرپیشگان: ایرج رستمی - شهین - نانا - اسداله یکتا. این فیلم بدی بود و جایی هم برای حرف ندارد (در جمیع - زمینهایش) و حرف دیگر که این آخرین فیلم (بد) «رحیم روشنیان» است که نمیدانم چه اصراری در کارگردانی فیلم دارد.

جدال در کویر

کارگردان: داود ملاپور - تهیه کننده: سرکوب - فیلمبردار: علی صادقی - هنرپیشگان: سرکوب، لی لی، آراسته، نریمان و حسن رضایی - محصول: سیرا فیلم

فیلمی حادثه‌ئی، بازمینه‌ئی دور از ذهن ولی متناسب برای تماشاگر ایرانی... که بهر حال آنچه برایش میماند «پرداخت» است و تنها در این حدود است که می تواند توجه انگیز باشد که نیست و آخرین نقطه برای کارگردانی (داود ملاپور) که زمانی جزو امیدهای سینمای ایران بود.

فرار از زندگی

کارگردان: رضا صفائی - فیلمبردار: رضا انجم روز - تهیه کننده: مصیبه - هنرپیشگان: بوتیمار، لی لی و سرکوب محصول سیرا فیلم. این فیلم را کارگردان ناشناس دیگری (ثقفی) جلوی دوربین برده بود و از نیمه فیلم رانین «رضا صفائی» پایان برده، (البته با تغییراتی در قسمت اول) که بهر حال چیز تازه ای نسبت به کارهای گذشته «صفائی» ندارد ضمن آنکه از ضعفهایی نیز برخوردار است.

خانه قمر خانم

کارگردان: بهمن فرمان آرا - فیلمبردار و تهیه کننده: باربد طاهری - هنرپیشگان: محسن هرندی، پروین ملکوتی، زری پورزند، آقاچانی و... محصول سازمان سینمایی پانوراما

فیلم نخستین کار «بهمن فرمان آرا» است که با استفاده از رئوس داستانهایی مجموعه تلویزیونی «خانه قمر خانم» استفاده و به فیلم برگردانده شده، بی آنکه این رئوس بهم مربوط و وحدتی در ماجراهایش و کوششی در شناسائی آدمها بشود...

آخرین نبرد

کارگردان: صمد صباحی - فیلمبردار: کمال مطیعی - سناریست: رضا شمشادیان - هنرپیشگان: ایلوش، مریم آلوندی، پروین غفاری، اسداله یکتا - محصول شرکت سینمایی چهار نام.

تنها نکته قابل گفتگوی این فیلم، حادثه‌ئی بود که در آنش سوزی اتومبیل بر تهیه کننده و بازیگر این فیلم گذشت و در سال پیش از نمایش فیلم، سبب مرگ وی شد. فیلم بجز یادآوری در این مورد، جای حرف و تاکید ندارد.

خاطر خواه

کارگردان: امیر شروان - سناریو داستان: اروغنی کرمانی - مدیر فیلمبرداری: مازیار پرتو - آهنگساز متن: انوشیروان روحانی - هنرپیشگان: ناصر ملک مطیعی، فروزان، بهمن مفید، ثریا بیشتی - محصول: فیلمکو فیلمز. رجعتی به سینمای سالهای ۳۰ ایران، سینمای قصه، فضای قلعه، هنرپیشگان معروف و محبوب، شیوه ساده و روان تبدیل قصه به تصویر از جمله عوامل موفقیت تجاری این فیلم بوده اند. و «خاطر خواه» جز این مورد (موفقیت تجاری) در هیچ زمینه‌ای (حتی بازیها) نکته قابل گفتگو ندارد.

اتل متل تو توله

کارگردان: ایرج قادری - سناریست: سرشوری - فیلمبردار: کمال مطیعی تهیه کننده: هایراپتیان هنرپیشگان: ایرج قادری، فاضلی، جمشیدمشایخی، بهمن مفید و مهناز - محصول سازمان سینمایی ژورک. «اتل متل تو توله» با آنچه که «قادری» پیش از آن ساخته است، کار متفاوتیست، متفاوت نه در جهت سازندگی، بلکه متفاوت در زمینه کار... که «قادری» را در این زمینه تازه، قادر نشان نمیدهد.

احمد چوپان

سناریست و کارگردان: عباس کاسی - فیلمبردار: رضا مجاوری - تهیه کننده: مصیبه - هنرپیشگان: رضا بیک ایما نوردی، شهین و سرکوب - محصول: سیرا فیلم. فیلم داستان عامیانه و معمولی دارد و پرداختی نیز در این حدود، با اولین و ساده ترین عوامل در تصویر کردن لحظات داستان، داستانی که بدفعات قصه اش تکرار شده و این بار هم چیزی به آن افزوده نشده است.



تپلی

سناریست و کارگردان : رضاعبر لوحی - اقتباس از داستان موشها و آدمها (جان اشتاین بک) - تهیه کننده : همایون، ایرج صادقپور - فیلمبردار : ایرج صادقپور - آهنگساز متن : اسفندیار منفردزاده - بازیگران : همایون ، مرتضی تقیپلی ، ذکر باهاشمی وزیری خوشکام - محصول آس فیلم.

فیلم نخستین کار «میر لوحی» است که فه تنها در این مرحله، بلکه در سطح سینمای خوب، جوان و نوپای ایران، کار قابل تا کیدی است، و این تا کید - بیش از اینکه در جهت «میر لوحی» طی فیلم محسوس باشد وسیله ایرج صادقپور، در مقام مونتور و فیلمبردار حس من شود و «میر لوحی» این شانس را داشته که از تسلط همه جانبه فیلمبرداری در تصویر کردن ذهنیاتش و به علاوه بازیهای خوب هنرمندان فیلم نخستش برخوردار باشد...

«تپلی» فیلم خوبی بود.

مرغ تخم طلا (رنگی - سکوپ)

کارگردان : مهدی رئیس فیروز - سناریست : پرویز خطیبی - مدیر فیلمبرداری : محمود کوشان - تهیه کننده : دکتر اسماعیل کوشان - هنر پیشگان : همایون، بهمن مفید و مرجان - محصول استودیو پارس فیلم.

یک موزیکال ناموفق چه در فضا سازی، بازی، داستان، آهنگ... بی هدف شروع، ادامه و ختم میشود، چیزی به تماشاگر نمیدهد و یک ساعت و اندی وقتش را می گیرد.

اعجوبه ها

کارگردان : رضا صفائی - سناریست : حبیب اله کسمائی - فیلمبردار : شکر اله رفیعی - تهیه کننده : نعمت رفیعی، رضا کریمی - هنر پیشگان : منصور سپهر نیا، محمد متوسلانی، گرشا تو فی - محصول استودیو مهر گان فیلم.

یک کمدی در روال توم - پهر نیا، محمد متوسلانی و رفوفی که در دست هر کارگردانی، فرم همیشگی خودش را پیدا می کند، «اعجوبه ها» نیز این چنین است بدون یک نکته، و عامل تازه!

مرد اجاره ای

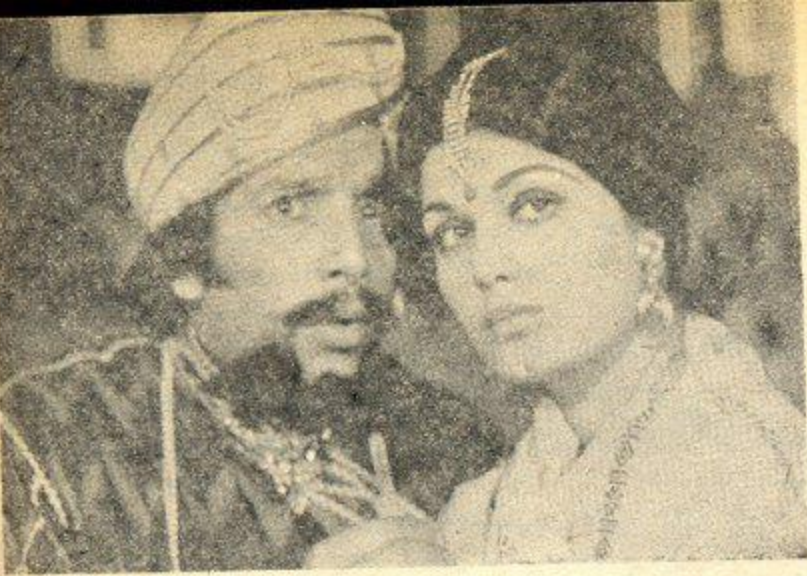
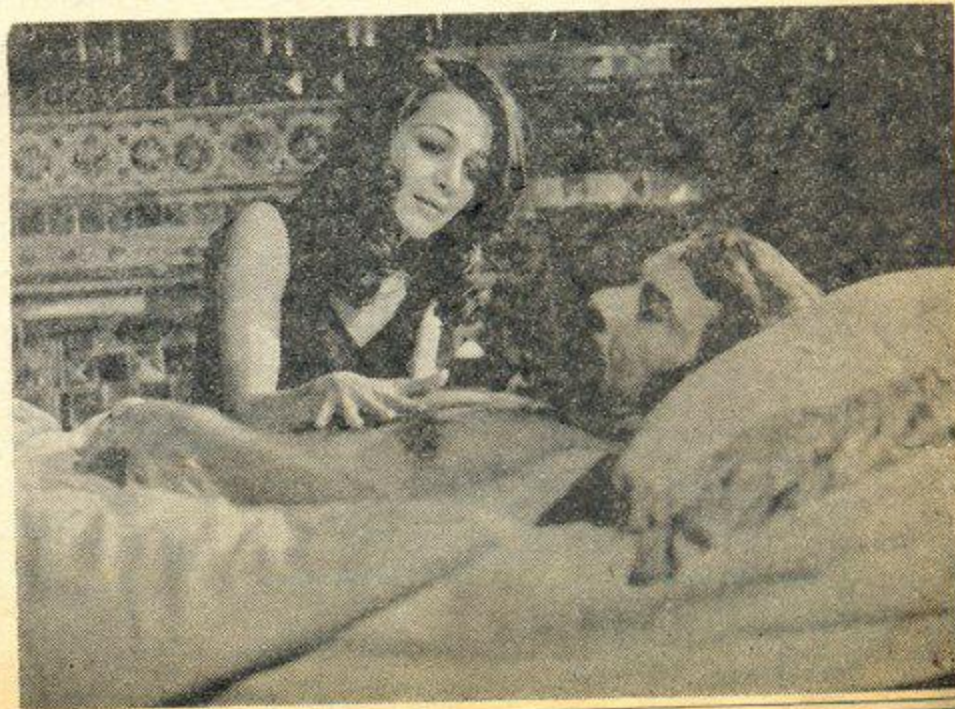
کارگردان : خسرو پرویزی - سناریست : احمد شاملو، بهرام ری پور، و جمال امید - فیلمبردار : فریدون ری پور - تهیه کننده : رضا بیک ایما نوردی - آهنگساز : متن : پرویز مقصدی - هنر پیشگان : رضا بیک ایما نوردی، مرجان، صادق بهرامی و فرخ ساجدی - محصول استودیو آر. بی.

فیلم، مطابق معیارهای روز، بعضی عوامل را در خود می پذیرد، در حالی که اصل سناریو، فاقد این جزئیات بوده، عدم یگانگی این دو زمینه خاص که در کنار هم پیش میرود، فیلم را علی رغم ظرافتهائی که در بعضی دقایقش هست، ناموفق نشان میدهد.

گذرا کبر

کارگردان : محمد علی زرنندی - سناریست : ایرج رضائی - فیلمبردار : شکر اله رفیعی - هنر پیشگان : رضا بیک ایما نوردی، داود رشیدی و فرشته چنایی - محصول شرکت سهامی سینما تانترکس.

داستان فیلم و مواجهه کارگردان با این داستان و گزینش فرم تکنیکی در این فیلم، همگی از یک وجه اشتراک برخوردارند، مورد تکرار!



پخمه

فیلمبردار و کارگردان : مازیار پرتو - تهیه کننده : مصیبه - هنر پیشگان : بهمن مفید - نیلوفر و احمد معینی - محصول سینما سیرا فیلم.

سازنده فیلم خود معتقد است که این فیلم را تحت شرایطی ساخته، که تنها یک فیلم متفکر و معماری کاملتر، اثری تجارتي باشد... که این ایرادی ندارد چرا که اشکال فیلم اخیر در اینست که اثر تجارتي خوبی هم نیست.

خیلی هم ممنون

سناریست و کارگردان : منوچهر نوذری - فیلمبردار : احمد شیرازی - تهیه کننده : گنجی زاده - هنر پیشگان : نعمت اله آغاسی، سیمین غفاری و... محصول سازمان سینمایی پانوراما.

فیلمی با «آغاسی» وضعیتش معین است، داستان، سینما و تکنیک همه از فرعیات هستند، آنچه اهمیت دارد وجود آوازه های پی در پی خواننده نیست که ورد تکیه کلامش «ایواله و خیلی هم ممنون» است و زمانی این دو تکیه کلامش خیلی ابهت داشت! و حالانکه...

آشو بگر

کارگردان و فیلمبردار : سعید نیوندی - تهیه کننده : شب پر - هنر پیشگان : آرمان، جک لرد، سیمین غفاری، اسداله یکتا - محصول سازمان سینمایی سپنتا. فیلمی است از دوره فیلمهای قارونی که نمایشش با تاخیر، تماشاگران را مشکل راغب به دیدنش میگرداند چه زمانی بدیدار فیلم رسیدند که آنرا از زوی پرده پائین آورده بودند.

سرزمین دلاوران (رنگی)

کارگردان : حسن ساسانپور - هنر پیشگان : فخرالدین (جونیت آرکین) پوری بنائی و جهانگیر غفاری - محصول مشترک ایران (استودیو میثاقیه) و ترکیه.

«ساسانپور» فارغ التحصیل رشته کارگردانی فیلم از مدرسه سینما توگرافی مسکوست، ولی حتی یک کارگردان فارغ التحصیل خوب (1) هم با مجموع عواملی که یک فیلم با خصوصیات سرزمین دلاوران (حتما) باید داشته باشد، کاری نمی تواند صورت بدهد، فیلم پر است از مقادیری و رجه و رجه فخرالدین، با اضافه کمی هم عشق آبکی و البته صحنه های کمدی! آنهم چه کمدی عجیبی!؟

فتنه چکمه پوش

تهیه کننده و کارگردان : همایون بهادران - سناریو و داستان : منوچهر مطیعی - فیلمبردار : همایون ارجمند، جمشید الوندی - هنر پیشگان : همایون بهادران، منوچهر والی زاده، مرصده کامیاب و... محصول : فرودین فیلم.

● ظاهرا سوکسه «منوچهر مطیعی» در مورد داستان «کلمه آنسوی رودخانه» که آنهم وسیله «بهادران» تهیه شد، بایستی انگیزه تهیه این فیلم شده باشد که داستانش فاقد خصوصیات است که حائز توجه باشد که این فقدان اهمیت بهمین نسبت در سایر جهات فیلم تعمیم پیدامی کند.

قمار زندگی

سناریست و کارگردان: عباس کسایی - فیلمبردار: ناصر رفعت - تهیه کننده: محمد کریم آراب - هنرپیشگان: دلکش - شهین - تقی مختار - محصول فردوسی فیلم.

فیلم تکیه بر داستانش دارد ولی پرداخت فاقد وحدت و استیلا و توالی است و بخش از همه بیگانگی کاراکترها با محیط به توالی داستان لطمه می آورد، «شهین» کماکان در فیلم خوبست ولی کارساز نیست.

خواستگار

سناریست و کارگردان: علی حاتمی - فیلمبردار: علی رضا زرین دست - موزیک: اسفندیار منفردزاده - تهیه کننده: پرویز صیاد هنرپیشگان: پرویز صیاد، زری خوشکام، صادق بهرامی - محصول: گروه آزاد نمایش.

داستان فیلم قالب خوب و تازه ای دارد و در پرداخت آن (سینما) اگر چه کاملاً آنطور که بایست وارد نشده، اما عملاً ذخیره ذهنی «حاتمی» را از فرهنگ، تمثیل و فانتزیهای گذشته شاهد می شویم ولی نه در حد تسلط و درایتی که پیش از این از «حاتمی» دیده ایم و این به جهت اشتباهات زیادی است که در کار «حاتمی» به چشم می خورد با این احوال فیلم قابل تحمیل است.

مطرب

سناریست و کارگردان: اسماعیل نوری علاء - فیلمبردار: شکراله رفیعی - تهیه کننده: رفیعی و مقبلی - هنرپیشگان: جمشید مشایخی، نیلوفر، و مرصده کاهناب - محصول شرکت سهامی سینما تئاتر رکس.

فیلم از آن «اسماعیل نوری علاء» است که نخستین کارش نشانه هائی از سینمای خوب را داشت که متأسفانه در این فیلم از درخشش های «مردان سحر» نشانی ندارد، حتی در لحظه ها که گویا همیشه تهیه کنندگان فیلم باشند.

شهر آفتاب

سناریست، تهیه کننده و کارگردان: محمد زرین دست - فیلمبردار: جمشید اولادی - هنرپیشگان: حسین حسینی، نیلوفر، نادره و آنوش - محصول شرکت سهامی سینما تئاتر رکس.

از فیلم «از دست رفته» تا «شهر آفتاب» زرین دست خیلی چیزها را از دست داده.. اگر در فیلم از دست رفته، لحظه های معدود سینمایی وجود داشت، در «شهر آفتاب»، هیچ لحظه ای از فیلم نمی تواند هوید وجود کارگردان صاحب ادعائی مثل زرین دست باشد که اتفاقاً فیلم های نسبتاً خوبی هم در گذشته داشته است.

غریبه

کارگردان: شاپور قریب - تهیه کننده: رضاشیبا نی - فیلمبردار: کنی - سناریست: رفیعی - آهنگساز متن: واروژان - هنرپیشگان: بهروز وثوقی، پرویز فنی زاده و نگار - محصول: تینا فیلم.

فیلم اخیر «قریب» آشفته گی های آثار گذشته وی را ندارد، گزینش جهت میانه و پرداختن موازی به هر دو زمینه به تصویر و محتوی و اخذ بازیهای خوب «غریبه» وی را برتر از کارهای دیگر این فیلمساز نشان میدهد.



فدائی

سناریست و کارگردان: رضا علامه زاده - فیلمبردار: رضامجاوری - تهیه کننده: تمدن نژاد - هنرپیشگان: تقی مختار، وجستا و داود رشیدی - محصول سازمان سینمایی پیام.

«فدائی» دومین کار «علامه زاده» که در جهت سینمای سالم و سازنده عنوان شده است، همان ایراداتی را دارد که «قدیر» فیلم نخست این فیلمساز برخوردار است و بذل توجه به داستان، بیش از زمینه های دیگر، اثر را به دست یابی به نقطه ارزشی حائز توجه باز می دارد.

ظفر

تهیه کننده و کارگردان: صابر رهبر - سناریست: احمد نجیب زاده - فیلم بردار: خانی - هنرپیشگان: رضا بیک ایسا نوردی، فروزان و میری - محصول: فرودین فیلم.

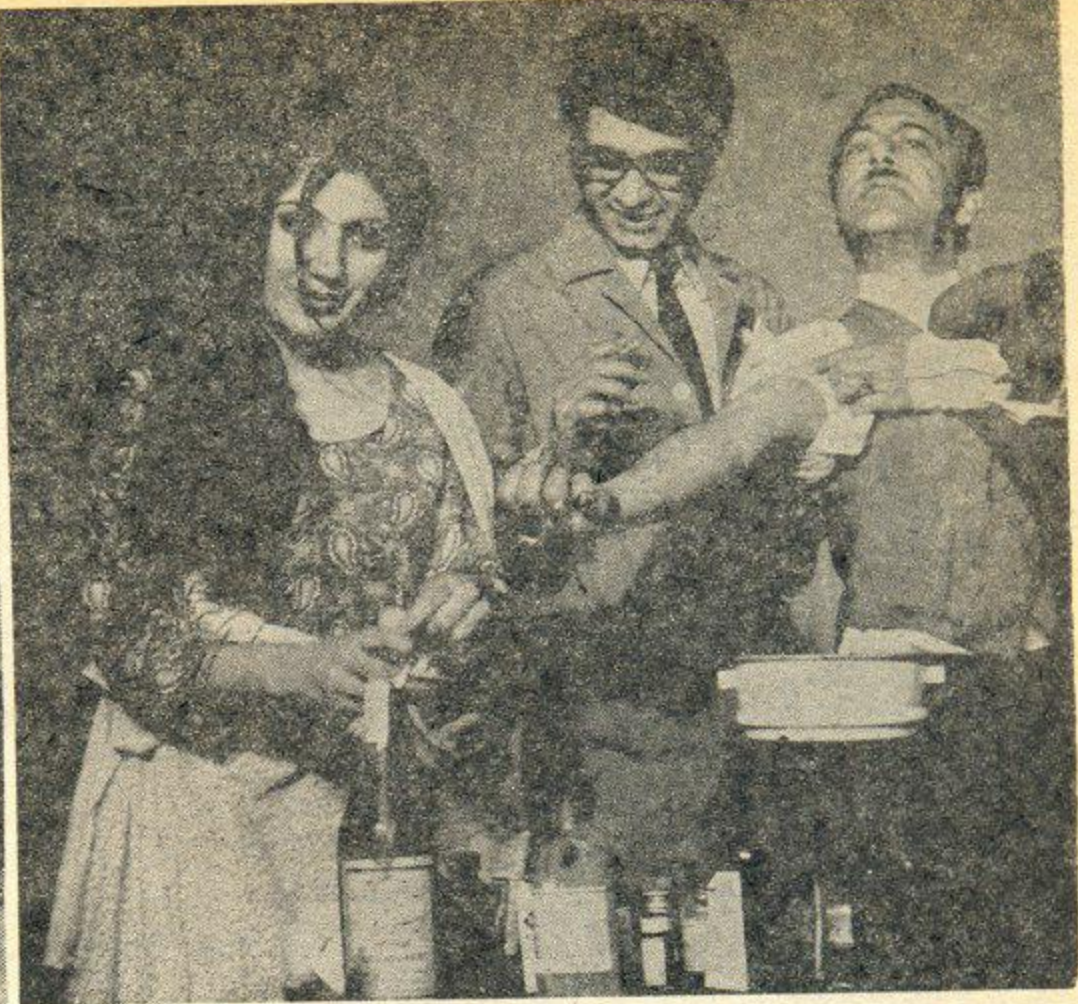
سینمای «صابر رهبر» ضمن برخورداری از اصول و ضابطه های خاص و صحیح تکنیکی، سینمایی است در جهت تفنن ساده، که خوب هدایت و دقیقاً نظرها بر آورده میشود. این یکی از فیلم های موفق سال گذشته بود.

ساحره

سناریست و کارگردان: کامران قدکچیان - هنرپیشگان: فروزان، بهمن مفید فرنگیس فروهر و پیام - محصول سازمان سینمایی ژورک.

قصه فیلم تجارتنی است با مسائل، عوامل و مضامین سطح روز با انگیزه های نه چندان پیوسته و ربط های نه کامل درخور پستد سینما، بازیها، کارگردانی در فیلم حس میشود ولی نه آن اندازه که بالفرض سازنده فیلمش را متمایز کند.





بابان داد

کارگردان : امان منطقی - سناریست: سهیلا نصر - فیلمبردار : قدرت اله احسانی - هنر پیشگان: رضا بیک ایما نوردی، ساسان، جمشید مهر داد و سپیده تهیه کننده : دکتر اسماعیل کوشان - محصول: استودیو پارس فیلم.

این پر فروشترین فیلم سال گذشته، با استفاده از عوامل امتحان شده‌ئی ساخته شد که همگان آزمایش مجددش را صلاح نمیدیدند، حتی سازندگان فیلم، با اینحال «بابان داد» ساخته شد تا تنها فیلمی ساخته شود، ولی شرایط و زمان و به علاوه بعضی از لقمه‌های فیلمساز، (بالفرض پرورش وضعیت و رابطه عاطفی که بین مرد و پسر هست) آنرا موفق ساخت فیلمی که نظیر همه آثار موفق و پر فروش، فاقد عامل و نکات زنده و سازنده است.

فتانه

تهیه کننده کارگردان و سناریست: عباس دستمالچی - فیلمبردار: کیوان - هنر پیشگان : تقی مختار، توران مهرزاد و دلارام - محصول: ایران اکران. فیلم رونویسی. داستان «گراجوئت» مایک نیکولز است که ضمن اینکه بدباز گوشه و در نتیجه متضاد نسخه آمریکایی اش است در یک جهت دیگر نیز این دو فیلم مقابل هم قرار می گیرند، گراجوئت ششمین فیلم پر فروش آمریکاست. «فتانه» ششمین فیلم کم فروش ایران!

کاکل زری

کارگردان نظام فاطمی - سناریست: احمد نجیب زاده - فیلمبردار: سعید نیوندی - هنر پیشگان: رضا بیک ایما نوردی، مرجان - تهیه کننده: زریباف، نورسته و کلبی - محصول: اسکار فیلم.

فیلم ایده کوچکی دارد که بیش از اندازه مطول شده و مناسب این کار نیز نبوده و این را نیز خود کارگردان می پذیرد، و طبیعی است که در بسیاری جهات فیلم مر تکب زیاده گوئی و غلو باشد، هر چند که تلاش صرف پرداختن روابط و پوشاندن این ضعف شده ولی عملاً نتیجه ای عاید نشده است.

سرکار غضنفر

سناریست و کارگردان: رضامیر لوحی - فیلمبردار: کمال مطیعی - تهیه کننده : ایرج صادق پور، همایون - آهنگساز متن: حسین واقعی - هنر پیشگان : بهمن مفید، مرتضی تقیلی، بهرام وطن پرست و مرجان - محصول: آس فیلم. فیلم به قالب طنز و مطایبه، در واقع فیلم‌های جاهلی را مورد

حکیم باشی

کارگردان: پرویز نوری - سناریست: جمال امید، منوچهر جوانفر، پرویز نوری - فیلمبردار: همایون ارجمند - تهیه کننده : مهدی مینا قیبه - آهنگساز متن: مجتبی میرزاده - هنر پیشگان : نصرت کریمی، ایرن، دلارام، منوچهر والی زاده و شفیق - محصول استودیو مینا قیبه.

طنز و مطایبه توام با دیدی انتقادی سلاح فیلم «حکیم باشی» است که در «سناریو» خیلی خوب، یک جامعه روستائی را در بر خورد یک زمال و دکتر بررسی می کند. این بررسی به جهاتی در فرم تصویری آنچنان که باید شکل پیدا نکرد ولی گزندگی آن به علاوه بازی خوب «نصرت کریمی» از امتیازات آن محسوب میشود.

نچ و لجبازی

کارگردان: مهدی رئیس فیروز - فیلمبردار: عزیز رفیعی - هنر پیشگان : وحدت، ارحام صدر، ژاله کریمی و توران مهرزاد - محصول: شرکت سهامی سینما تئاتر رکی.

جمیع سطوح این فیلم دارای آنچنان اهمیت و ارزشی نیستند که فیلم را در سطح قابل توجهی از ارزشهای سینمایی قرار دهد و آنچه گاه و بیگاه نمود می کنند درخشش های فردی «وحدت» و گاهی «ارحام صدر» است و نه بیشتر.

مرد

کارگردان: فریدون ژورک - سناریست: سیروس لوندس موزیک: واقعی - تهیه کننده: احمد قده کچیان - هنر پیشگان: ناصر ملک مطیعی، حسین گیل، رضائی فرو سیمین علی زاده - محصول سازمان سینما لی ژورک.

«فریدون ژورک» کماکان، با اتکاء به تکنیک خویش، سعی در شکل دادن به فیلمش است و در کارش نیز غالباً توفیق دارد و «مرد» نیز یکی از این موارد است که «ژورک» بخوبی از عهده کارش بر می آید. مینخک سفید

کارگردان: رضا صفائی - سناریست: حبیب اله کمانی - فیلمبردار : حمید مجتهدی - هنر پیشگان: فروزان، تقی مختار و منصور سپهر نیا - تهیه کننده: جمال مجتهدی - محصول سازمان سینما لی چهلستون.

«صفائی»، با استفاده از داستان «مادام کاملیا» نشان میدهد که به روابط توجه دارد ولی بجای پرداختن، به این پیوند که می توانست پایه‌های اولیه قالب دراماتیک داستان فیلمش را استوار کند، به فرم روی میکند و با شناختی که از تکنیک دارد، با استفاده به مورد و بی مورد از عوامل، سعی در پوشش ایراد کار خود مینماید که البته فقدان عمق در بر خورد آمدها و شناخت آنها، این ایراد را روی می کند.

نظر دارد و با این هدف نیز طبیعتاً روحیه و روابط، مورد انتقادش واقع میشود. اصل فکر خوبست، اما در عمل «فکر» خوب و عمیق پیاده نمیشود و افهائی که باید، لحظات فیلم نمیدهد و مضافاً اینکه زیاده روی و زیاده گوئی کار را تا حدودی نیز بر این آدمیکند و سبب یکناختی در فیلم میشود جائیکه «سر کار غضنفر» با موضوع خاصی که دارد می توانست یکی از فیلم های خوب باشد که حال نیست!

قایقرانان

کارگردان: رضا صفائی - سناریست: حبیب الله کسمائی - فیلم بردار: علی صادقی - تهیه کننده: مصیبی - آهنگساز متن: واگهی هنر پیشگان: منوچهر وثوق، پوری بنائی و کامی کسروی - محصول سیرا فیلم.

قصه قالبی کلیشه ای، منتهی در مکانی غیر قراردادی دارد، مسائل و مضامین در روابط و انگیزه ها به دفعات استفاده شده، با این حال در حدود سینمای رایج، بعضی از قسمت های فیلم هست که، بهترین نمونه از ربط قرار دادها و رابطه ها، در این نوع سینماست!

بلوچ

سناریست و کارگردان، سعید کیمیائی - مدیر فیلمبرداری: نعمت حقیقی - آهنگساز متن: اسفندیار منفرد زاده - تهیه کننده: مهدی مینا قیبه - هنر پیشگان: بهروز وثوقی، ایرن، جلال، بهارک - محصول: استودیو مینا قیبه.

سپاتی «کیمیائی» در اثر اخیر نیز نظیر فیلم های گذشته اش متوجه انسان خاصش است که در جمیع فیلم هایش کیمیائی جانبدار او و وسیله اش بازگویی مسائلی بود، که متأسفانه در فیلم اخیر، مسائل مهمی نیستند، یا الاقل در سطح این فیلم، با نحوه بیان کیمیائی مهم بنظر نمی رسند و یا بعبارتی دیگر از فکر تا تصویر «خلاء» بینشان حائل شده است بازی خوب، بهروز وثوقی، فیلم برداری حقیقی، آهنگ متن منفرد زاده و لحظه های خوب بازی با فرم از جانب کیمیائی، از نکات گفتنی فیلم اخیر هستند.

پستچی

سناریست و کارگردان: دار یوش مهر جوئی - مدیر فیلمبرداری: هوشنگ بهارلو - آهنگساز متن: هرمز فرحت - تهیه کننده: مهدی مینا قیبه - هنر پیشگان: علی نصیریان، عزت الله انتظامی، ژاله سام، احمد رضا احمدی، بهمن فرسی - محصول: استودیو مینا قیبه...

«پستچی» فیلمی است همسنگ و هم ارزش «گاو» اثریست که حقانیت عقاید همه کسانی که «مهر جوئی» را مستعد و متحول خوانده بودند، به ثبوت میرساند. فیلمی است فوق العاده مؤثر در ایجاد افه های بصری و در ادامه حرف های «مهر جوئی»، رساند و باریم و کشش فکری فوق العاده بیشتر، و ایضا بازی های خوبی از نصیریان (بخصوص) و انتظامی، بهمن فرسی، احمد رضا احمدی و فیلم برداری درخشان «هوشنگ بهارلو»...

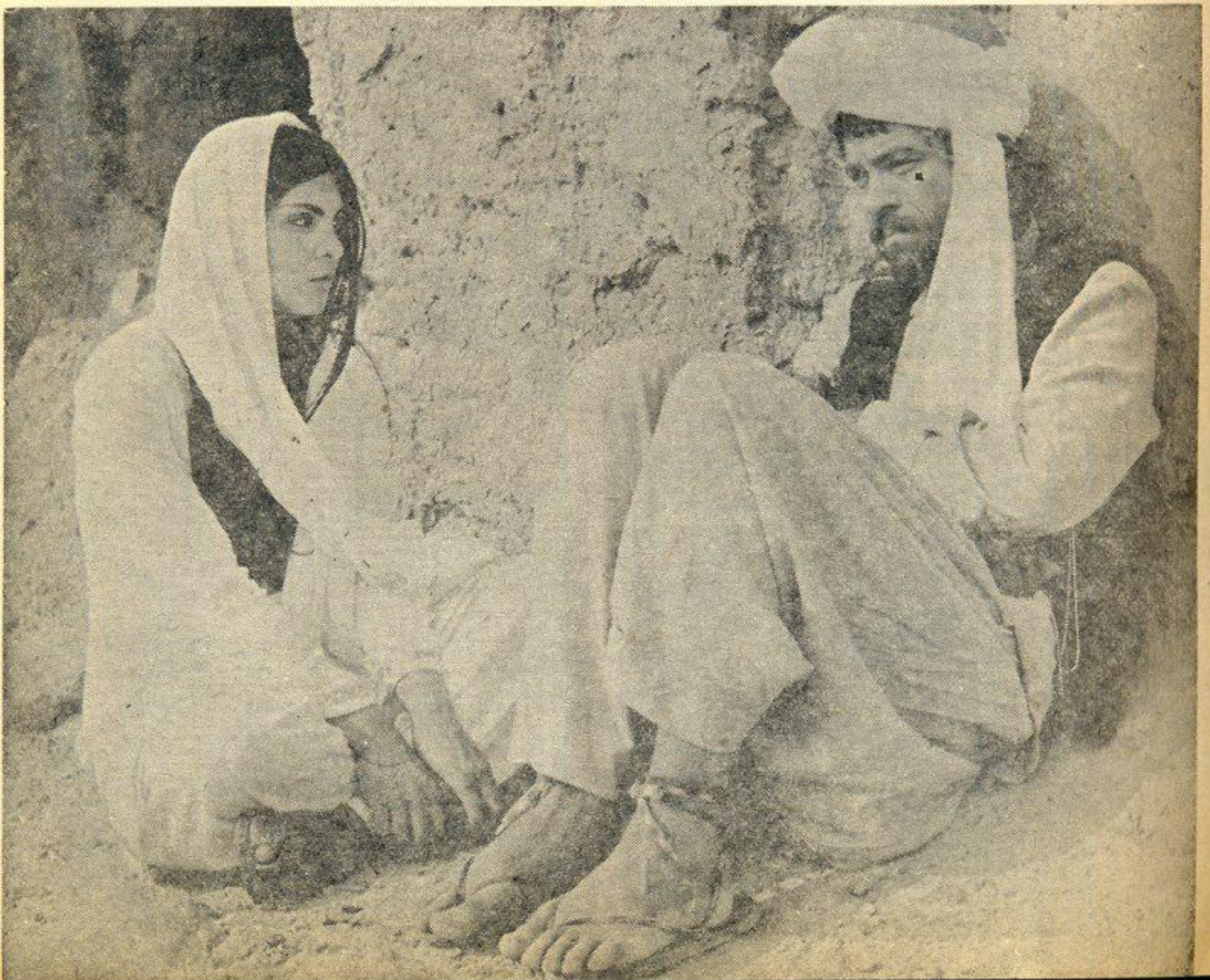
یک جو غیرت

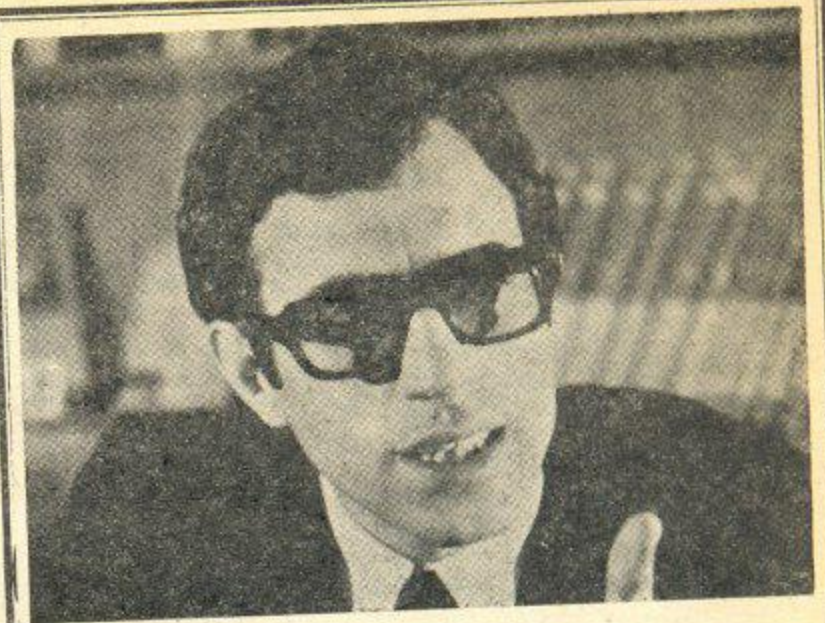
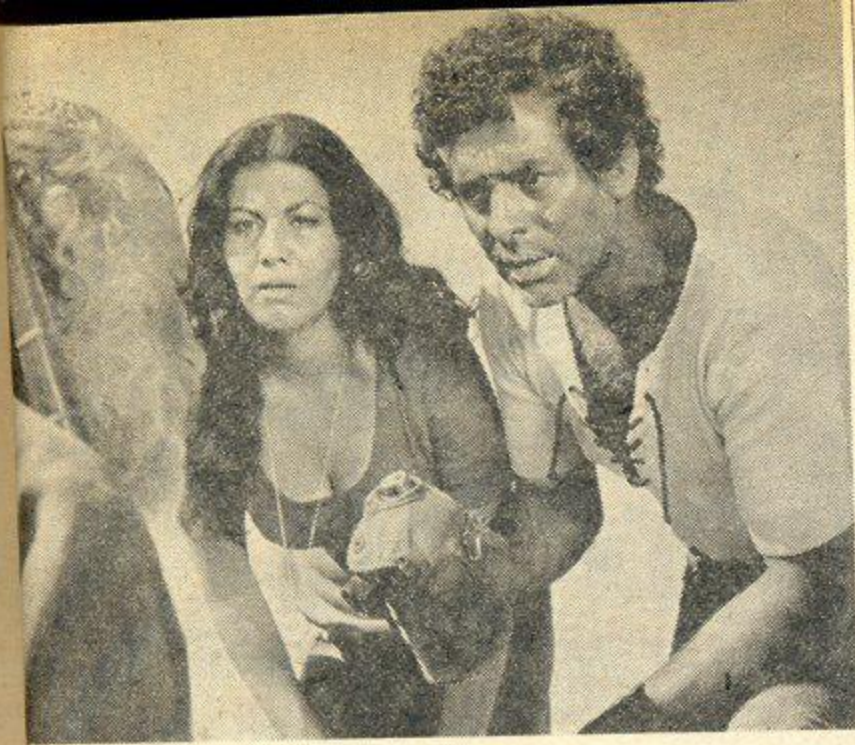
سناریست و کارگردان: علی آزاد فیلم بردار: رضا مجاوری تهیه کننده: کاظم سالکی هنر پیشگان: پوری بنائی، علی آزاد، کنایون، سالکی - محصول: دیاموند فیلم فیلم بازمانش منطبق نیست و دیرتر از موعد روی پرده آمده و در نتیجه عوامل قرار دادی آن با خواسته و سلیقه تماشاگران روز مطابقت نمی کند. با این تذکر، که فیلم اگر زمانی دیگر هم نمایش داده نمی شد بخاطر ضعف در همه سطوحش، نمی توانست چنگی ببدل بزند!

ساعت فاجعه

کارگردان: رایمندهوا کیمیان - سناریست: سیروس الوند فیلم بردار: تورج پورمروت - تهیه کننده: بهروز صیادی - هنر پیشگان: شهر ورامتین، ارغوان، قد کچیان، حسین گیل - محصول: ایماز فیلم.

فیلمی فاقد یک پارچگی، ریتم لازمه، دید مناسب و مقتضی سوژه فیلم... ما حاصل اینکه این فیلم خوبی نبود. و سبب شد تهیه کننده آن که با فیلم خوب سه قاب به فیلم سازی روی کرده بود و بیبراهه کشیده شده بود شش را از سر سینمای ایران بکند.





جهنم باصافه من «رنکی»

کارگردان و تهیه کننده: محمدعلی فردین - فیلمبردار: مصطفی عالیشان - آهنگساز متن: مرتضی حنانه - سناریست: سبکتگین سالور - هنرپیشگان: فردین پوری بنائی، فرزانه قائیدی، شیراندامی و داود رشیدی - محصول: فرودین فیلم.

در کارنامه کارگردانی «فردین» سلطان قلبها و جهنم باصافه من نمره خوبی میگیرند و «جهنم باصافه من» در جهت بهره گیری بجای و مناسب از امکانات و متعلقات دوربین و ربطهائی در این زمینه چربش بیشتری نسبت به سلطان قلبها دارد. «جهنم باصافه من» از فیلم های خوب سال بود.

عباسه و جعفر برمکی (سکوپ)

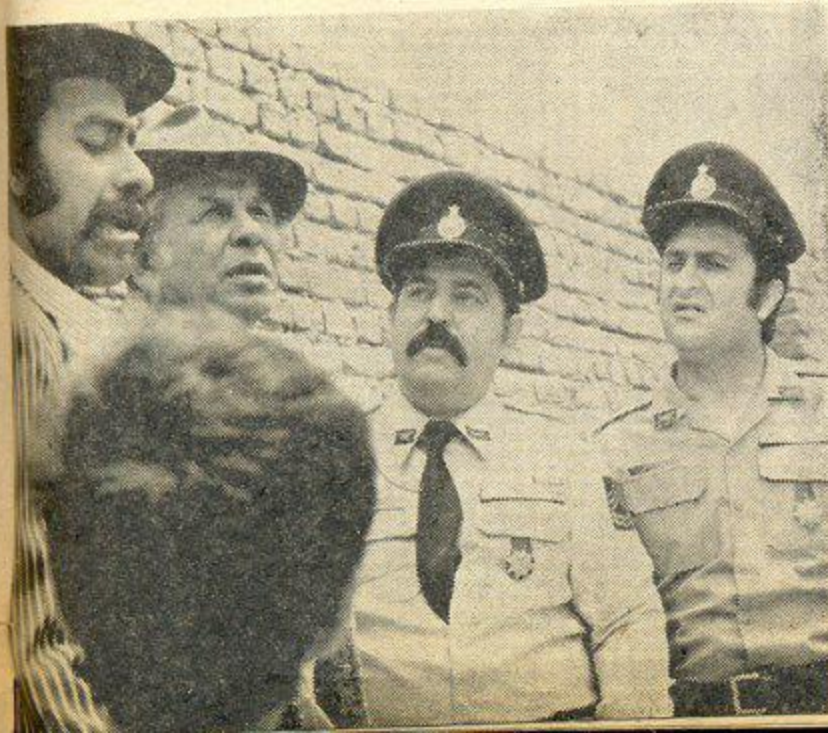
سناریست و کارگردان: امیرشروان - مدیر فیلمبرداری: محمود کوشان - تهیه کننده: دکتر اسماعیل کوشان - هنرپیشگان: ایلوش، حبیب اله بلور، وجستا - محصول استودیو پارس فیلم.

صرف نظر از دکور، تسلط دوربین و بعضی از جزئیات که در اکثریت فیلم های ایرانی جاریست، فیلم رسا نیست، محیط تاریخی بهانه ایست مانند بهانه های کثیر دیگری که برخی از عوامل قرار دادی طی فیلم آورده شود... اینست که بجز خوشامد در ترتیب کردن عوامل کلیشه ای، چیزی نمی توان در مورد این فیلم عنوان کرد...

استوار و پاسبان

کارگردان: نظام فاطمی - سناریست: سعید مطلبی - فیلمبردار: ابراهیم دیلمانی - تهیه کننده: عزیزاله کردوانی - هنرپیشگان: عبدالعلی همایون، حسین حسینی و مرتضی عقیلی - محصول استودیو عصر طلایی.

داستان فیلم متوجه طنز و غالباً شوخی در حدود شخصیت های شناخته شده ای از استوار و پاسبان ولوطی است که در میان جالبست ولی در تصویر جذابیت آنچنانی که بایست ندارد.



همزمان باشکوفائی بهار، فیلم و هنر دهمین سال کوششهای خود را جشن می گیرد، به سهم خود، آغاز سال جدید را بدوستان مطبوعاتی مدافع صنعت سینمای ملی ایران تبریک میگوییم و آرزومند موفقیت های بزرگ آنان در سال جدید هستیم.

سعید مطلبی

صادق کرده

سناریست و کارگردان: ناصر تقوایی - فیلمبردار: کنی - آهنگساز متن: هرمز فرحت - تهیه کننده: مهدی میثاقیه - هنرپیشگان: سعیدراد، محمدعلی کشاورز، عزت‌الله انتظامی - محصول استودیو میثاقیه.

این اولین فیلم طولیست که از ناصر تقوایی به نمایش عمومی درمی آید و این فیلم گرچه همه قابلیت و اهمیت «تقوایی» را که در زمینه کارش دارد به ثبوت نمیرساند، اما از آگاهی و قریحه این فیلمساز حکایت می کند، از این که «تقوایی» نسبت به مدیومی که در اختیار دارد بی تفاوت و بمثابة یک وسیله میکائلیکی عبور نمی کند و وسیله آن حرفهایش را در پوشش، بیان می کند و صادق کرده، مویذ این حرف است.

نواب

کارگردان: جواد ظاهری - سناریست: حبیب الله کسمائی - فیلمبردار: علی صادقی - تهیه کننده: بندانی - آهنگساز متن: واتی هنرپیشگان: منوچهر و ثوق، لیدادا نشور و شیراندانی - محصول: یزد فیلم.

هدف «ظاهری» دست یابی بنوعی بیان دراماتیک است. اما وسیله و انگیزه های تصویری در دسترس، سست و بی پایه است و با وجودیکه از بازیگران سعی شده بازی خوبی اخذ شود، ولی روابط یکدست و پخته نمی نماید و بهمین جهت نیز فیلم از دست یابی به هدف خود باز میماند.

همیشه قهرمان

کارگردان و سناریست: عزیزاله بهادری - فیلمبردار: مازیار پرتو - هنرپیشگان: بیگ ایما نوردی، مرجان، جها نگیر فروهر - محصول: فیلمکو فیلمز.

قصه فیلم تجارتنی است با مسائل، عوامل و مضامین سطح روز و قرار دادی با انگیزه های نه چندان منطقی و ربطهائی نه در حد پسند سیمما ...

فاتح دلها

کارگردان: رضا صفائی - فیلمبردار: علی صادقی - سناریست: حبیب الله کسمائی - تهیه کننده: گنجی زاده هنرپیشگان: نعمت اله آغاسی، تونیا، میری و طاروس - محصول پانوراما.

«فاتح دلها» سومین فیلم «آغاسی» کماکان در جرگه فیلمهائیست که بیش از محور اصلی ماجرا، محورهای فرعی در آن اهمیت دارند، «آراز و آغاسی» با اهمیت ترین نکات این فیلم می بایست باشد و سعی هم شده، پس این فیلم وارسته عامیانه خوبی است!

آب نبات چوبی

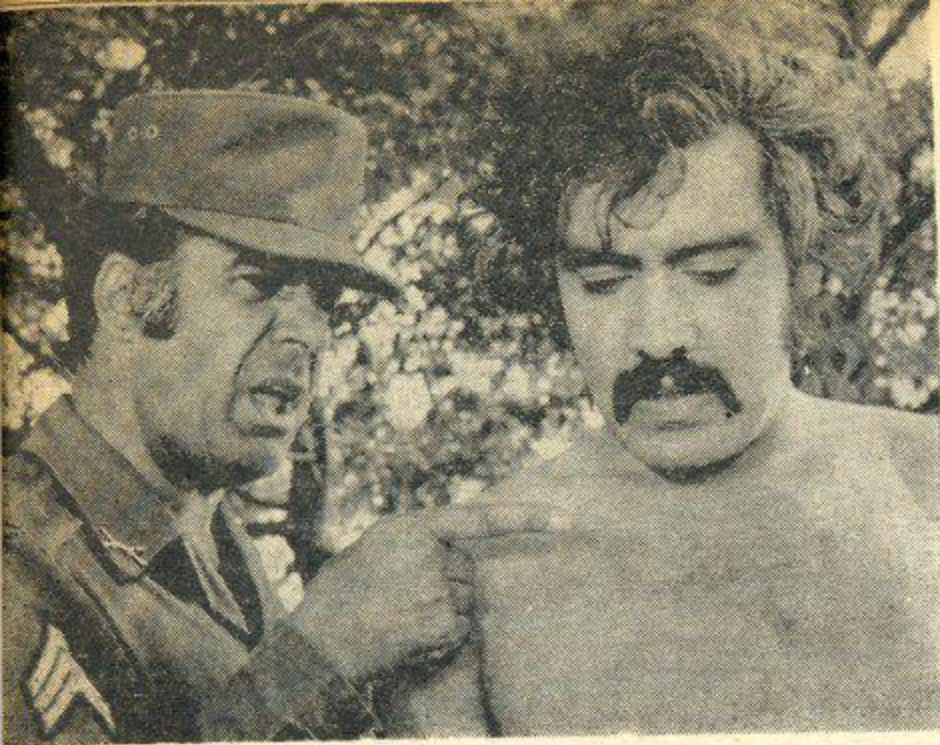
کارگردان: امان منطقی - سناریست: سهیلا نصر - فیلمبردار: نصرت اله کنی - آهنگساز متن: انوشیروان روحانی - تهیه کننده: دکتر اسماعیل کوشان - هنرپیشگان: منوچهر و ثوق، نوری کسرالی و جمشیدمشایخی - محصول استودیو پارس فیلم.

این فیلم که در فاصله کوتاهی از نمایش با بانان داد روی پرده آمده، همان مسائل «با بانان داد» را با لحن جدی تری بازگو می کند که ضمن آن پراکنندگی و آشفتگی محسوس بین لحظات و در ربط ماجراها علیرغم تلاشی که جهت منطقی جلوه دادن شخصیت ها و ماجراهای فیلم صورت میگیرد، احساس میشود که این دروهله اول بر میگردد به عدم یکدستی در سناریو و بعد فقدان توازن در پرداخت کارگردان فیلم.

ناحیب

کارگردان: عباس کسمائی - فیلمبردار: علی صادقی تهیه کننده: مهدی مصیبی سناریست: عباس کسمائی هنرپیشگان: پوری بنائی، منوچهر و ثوق - محصول: سیرا فیلم.

سالهاست کارگردان فیلم اخیر، بانکه بر مسائل عاطفی در چهارچوب داستانش فیلم میسازد، در هیچیک از فیلمهایش آنطور که باید (اگر بتواند) جلوه نکرده ... بهر حال مثل اینکه باید باز هم منتظر ماند و دید عاقبت این کارگردان متکی به قصه چه میشود!



گروهیان

کارگردان و سناریست: سعید مطلبی - فیلمبردار: ایرج صادقپور - آهنگساز متن: واروژان - تهیه کننده: رضاشیبانی - هنرپیشگان: ناصر ملک مطیعی، منوچهر و ثوق، امین امینی و لیدادا نشور - محصول: تینا فیلم.

دو تم متفاوت و جداگانه حادثه و عاطفه در «گروهیان» (ستاره)ها هستند و تلاش «مطلبی» سعی در تلفیق این دو در جهت پرداختش شده و در بیشتر موارد «مطلبی» این توفیق را دارد که ارتباط مناسبی جهت آنها با استفاده های درست و بجای تکنیکی بوجود بیاورد ... «گروهیان» رویهمرفته تماشاگرش را میگرداند.

طغرل

سناریست و کارگردان: سیامک یاسمی - فیلمبردار: حمید مجتهدی - تهیه کننده: جمال مجتهدی - هنرپیشگان: سعیدراد، شهین، دلارام و میری - محصول سازمان سینمایی چهلستون.

بهره از عوامل سینمای تجاری و توجه به اینکه انگیزه و جهات قراردادی فیلم، کاملاً قدیمی و در عین حال سست و بی منطق است (حتی اگر بعد از پایان فیلمبرداری، قسمتی هم به داستان بخاطر وارد کردن میری بگنجانند) باور کردنی است که حتی تماشاگر سهل پسند، نیز فیلم را منطبق با خواست خود ندانند.

حسن سیاه

کارگردان: پرویز اصلانلو - سناریست: عرفی نژاد - آهنگساز متن: فرهنگ شریف - فیلمبردار: علی رضا زرین دست - تهیه کننده: علی عباسی - بازیگران: نصرت کریمی، فخری خورش، اردوان مفید، مهناز - محصول سازمان سینمایی پیام. ایده اصلی فیلم قالبی تکراری دارد در زمینه های تازه، که با فکر و پرداخت کارگردان مسلط و آگاهی می توانست، فیلمی موثر و سازنده باشد، ایراد اساسی فیلم اینست آنچه که بر آدمها میگذرد، یا فضائی که در آن ماجراها در حال وقوع است و هم چنین تیپهای آدمها مغایرت دارد و غالباً همدیگر را خنثی می کنند.



بی تا

کارگردان: هژیر داریوش - فیلمبردار: هوشنگ بهارلو - سناریست: گلی نرقی - آهنگساز متن: لوریس چکنواریان - تهیه کننده: سازمان سینمایی خیال و رادیو تلویزیون ملی ایران - هنرپیشگان: گوگوش، عزت اله انتظامی، مهین شهبازی و ضیا لیان.



سینمای فکر شده‌ای است و بدون اینکه به شعار و اداهای غیر معمول متوسل شود، حرف هایش را در شکل و فرم خوبی بیان می‌کند. در سطح موفقی در حد سینما «داریوش» تقریباً در بازگو نمودن ایده‌ها و نظریاتش کاملاً موفق می‌شود. بازی هنرپیشگان فیلم و بخصوص «گوگوش» و «عزت اله انتظامی» و فیلمبرداری «بهارلو» را میتوان از امتیازات فیلم بحساب آورد.

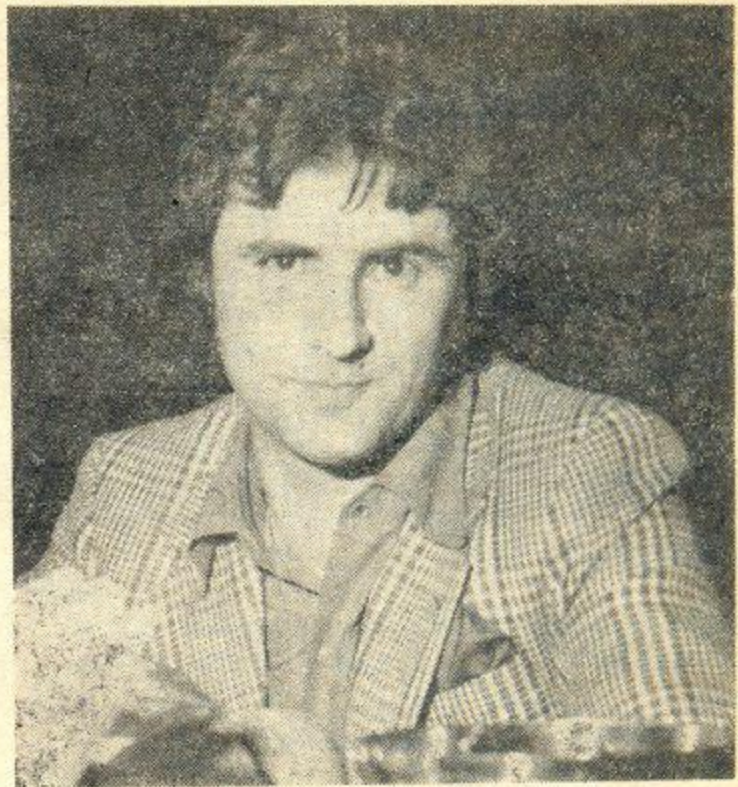
دشنه

سناریست و کارگردان: فریدون گله - فیلمبردار: نعمت حقیقی - تهیه کننده: مصیبی - آهنگساز: واتقی هنرپیشگان: بهروز وثوقی، فروزان، حسین گیل، سرکوب و جلال محصول: سبیرا فیلم.



این فیلم نسبت به «کافر» به مراتب موقتر جلوه می‌کند، اگرچه فیلم راغب گرایش به عوامل تجاری است، ولی آشفته‌گی فیلم اول همین فیلمساز را ندارد.

تفاوتش با «کافر» وجود ظرافت و فکر در صحنه‌های فیلم بود که گرچه با تکنیک فیلم هماهنگ نمی‌نمود ولی پیشرفت و تفاوت سطح کار «گله» را نسبت به کار اولش بشیوت مهرساند. یادآوری بچسائی است که ذکر کنیم بازیها عموماً در سطح خوبی بسر میبرند.



جشن فرخنده نوروزی و هم‌چنین سالگرد انتشار «فیلم و هنر» را به نویسندگان و خوانندگان گرامی «فیلم و هنر» که همواره پشتیبان صنعت سینمای ایران بوده، تبریک گفته و امیدوارم که نقش موثر و سازنده آن مجله گرامی همچنان در سال جدید نیز محسوس باشد.

فریدون گله

عطش

کارگردان: ایرج قادری - تهیه کننده: جنید شیبانی - فیلمبردار: کمال مطعی - هنرپیشگان: ایرج قادری، گنا یون، شیراندازی، کهنوئی - محصول سازمان سینمایی تخت جمشید.

ایراد اساسی این فیلم ایرادی است که تقریباً بر همه فیلمهای «ایرج قادری» جاریست، این اشکال که «قادری» لحن و بیان معینی را قادر نیست در مواجهه با تم اصلی اثرش یافته و روی آن ثابت بماند. و این ایراد در «عطش» بدوا، عدم هماهنگی و توازنی است که در مراحل متنوع داستان فیلم و بعد فقدان ریتم را سبب میشود و کوششهای قادری در از بین بردن این ناهمسانیها نیز بجائی نمیرسد.

شیر توشیر

کارگردان: منصور پورمند - فیلمبردار: هوشنگ بهارلو - سناریست: پورمند و بهیانی - تهیه کننده: دکتر طبیبیان - هنرپیشگان: پرویز کردان، فخری خوروش، فرشته جنابی، الهه الهی و شیراندازی - محصول استودیو کاسپین.

«شیر توشیر» در گزینش یکی از دو هدف «کمدی بوف» و «کمدی انسانی» سرگردان است و گرچه در بسیاری از زمانها در هر دو زمینه صحنه موثر است ولی چون این تأثیر هماهنگ و متوازن نیست در انتها تأثیر لازمه کسب نمیشود.

صمد و فولاد زره دیو

کارگردان: جلال مقدم - سناریست: پرویز صیاد و جلال مقدم - فیلمبردار: نعمت حقیقی - تهیه کننده: پرویز صیاد - آهنگساز متن: مرتضی حنانه - هنرپیشگان: پرویز صیاد، نوری کسرائی، شهناز تهرانی - محصول شرکت سهامی سینما تئاتر کی.

مراجعه «مقدم» به کاراکتر «صمد» بعد از شکستی که وی با «راز درخت سنجید» در زمینه «گیشه» داشت، در واقع تمایلات و خواستههای وی را در زمینه توفیقهای احتمالی تجاری بازگو می کند، ضمن اینکه راغب است که پاسدار سینمای خوب به قالب بازگوئی حرفهایش باشد که اتفاقاً آنچه در این زمینه مطرح میشود، قالب است ولی در قالبی که «مقدم» ارائه می کند، اینکارش موفق نیست امیدوار باشیم که «مقدم» به حیطه وسینمای خوب سالم، سازنده و نا نمرش در «فرار از تله» و «پنجره» بازگردد.

تخت خواب سه نفره «رنکی»

سناریست و کارگردان: نصرت الله کریمی - فیلمبردار: کنی - آهنگساز: جنی میرزاده - تهیه کننده: عباس همایون - هنرپیشگان: نصرت کریمی، ایون، توران مهرزاد؛ لرنر ناوجها نگیر پارسا - محصول: آس فیلم.

این فیلم برخلاف «درشکه چی» و «مجلل» که بهر حال از چهار چوب، ساختمان ممکن بر خوردار بوده و هماهنگی کامل در کارگردانی بازی، فیلمبرداری و موزیک آن احساس میشود، از هم گسسته و حتی فرم کار در راز حیطه خاص «کریمی» می آید و خیلی چیزها طی فیلم مبهمی مانند از جمله اینکه «رنک» برای سینماگری که ادای مولف بودن دارد، در خدمت القای چه مسائلی است؟

عاصی

کارگردان: سعید مطلبی - فیلمبردار: مصطفی عالیشان - سناریست: جلال میریان - آهنگساز متن: واروژان تهیه کننده: رضا شیبانی - هنرپیشگان: ناصر ملک مطیعی، پوری بنائی و منوچهر و ثوق - محصول: کینا فیلم.

آنچه که بتحرک و هیجان وابسته است، در پرداخت «مطلبی» با بهره گیری مناسب از دوربین و عوامل صحنه، کم و بیش حاصل می شود. اما در موارد عاطفی کمافی السابق، مانع از ریشه دو اندن مضامین هیجانی فیلم میشود.

بازیها عموماً خوبست، فیلمبرداری و موزیک در سطح کارگردانی، نیز بهر حال نظر گیر است.



● عطش



● نانجیب

● سرکار غضنفر



صبح روز چهارم

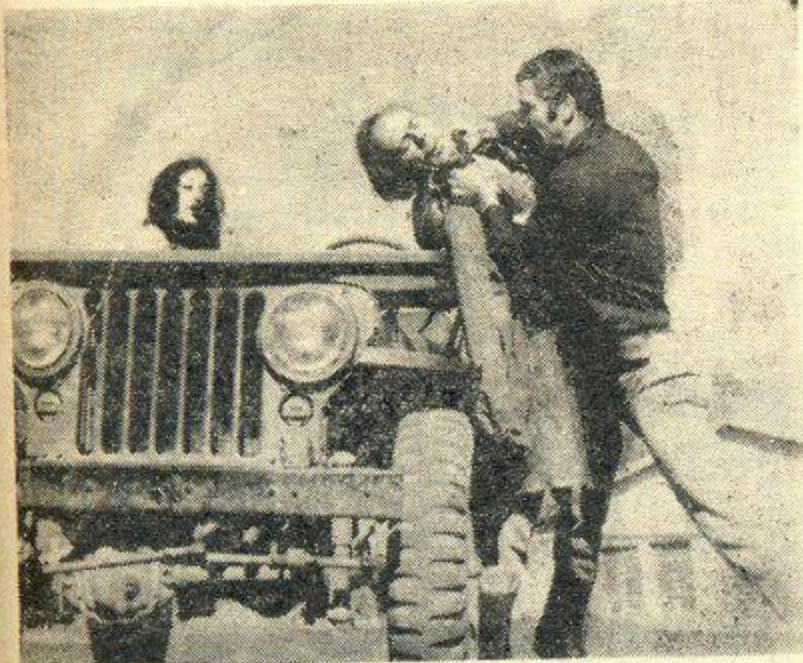
کارگردان: کامران شیردل - سناریست: شیردل و اضلانی - فیلم بردار: جمشید لوندی - آهنگساز متن: واروژان هنرپیشه‌ها: سعیدراد، وجستا جلال، شهرزاد - محصول سینما کنا تر رکس.

صبح روز چهارم نخستین تجربه طویل سینمایی «شیردل» است که در همین اولین گام خود را پرانندیشه، عمیق و مسئولیت‌مندی سینمایش عمیق و بدور از تصنع، فانتزی، تقلید و قرارداد است، با وجودیکه در بعضی از لحظه‌ها فیلم نارساست، با این حال آنچه که قصد گفتنش دارد میگوید و خوب هم... «شیردل» در سال ۵۱ همراه با چند جوان دیگر نهال تحول معنوی سینما را (برخلاف همه سالها که تحول مادی بارور بود) در جهت صداقت و اعتبار، بطریقی ستودنی رویانده‌اند.

چشمه

سناریست و کارگردان: آری اوانسیان براساس داستان هفت غناز از «آرن» - فیلم بردار: نعمت حقیقی - هنرپیشه‌ها: آرمان، جمشید شایخی و مهتاب نجومی - تهیه کننده: اوانسیان، رادیو تلویزیون ملی ایران.

فرم بیان تازه و عبارتی واضحتر تجربه تازه‌ئی است که دیدنش بهر حال ارزش دارد که بقول «جان راسل تایلور» این فیلمی بود که نیمی از آن جذاب و رغبت‌انگیز و نیمی دیگر دیوانه‌کننده می‌نمود... جذابیتش بخاطر تازگی و نفاستی است که بهر حال از فکر فیلم‌سازش میگذرد و گنج کشفه‌گی آن در اجرا و فرم غریب و پرت فیلم بود که بهر حال اکثریت تماشاگر ایرانی آنرا تحویل نگرفت.



● صحنه‌ای از فیلم «مردی در طوفان»

شیر بهاء

کارگردان: روبرت اکهارت - سناریست: منوچهر طایفه - فیلم بردار: جمشید لوندی - تهیه کننده: منوچهر طایفه - هنرپیشگان: امیر جعفری، پوری بنائی، منوچهر طایفه، سرکوب و بهمن مفید - محصول سازمان سینمایی سینتا.

روبرت اکهارت تکنیک می‌داند، فرم شناس است و با این خصوصیات در «شیر بهاء» امتیازهایی در این جهت می‌یابیم در حالیکه بنظر می‌رسد که وی فراتر از این برود.

مردی در طوفان

کارگردان: خسرو پرویزی - سناریو: بهرامری پور و جمال امید - فیلم بردار: علیرضا زرین دست - آهنگساز متن: مجتبی میرزاده - تهیه کننده: رضا کریمی و نعمت رفیعی - هنرپیشگان: سعیدراد، مرجان، سپین شکاری و سمر بگوری مارک - محصول استودیو مهر گام فیلم.

دگرگوئی‌هایی در اصل داستان، فیلم را اگرچه از فرم بصری زیبایی که برخوردار است، به بیراهه میکشاند این تبدیل به وحدت و ریتم فیلم با اذعان به تسلط و فهم تکنیکی کارگردان فیلم، کاملاً لطمه زده است.



تولدت مبارک

کارگردان: نصرت‌الله وحدت - سناریست: احمد نجیب‌زاده - فیلم بردار: محمود کوشان - تهیه کننده: دکتر اسماعیل کوشان - هنرپیشگان: وحدت، کرم رضائی، وجستا، توتیا و ژاله کریمی - محصول استودیو پارس فیلم.

«وحدت» در مسیر کارهایش در سینمای کم‌مدی منجمله فیلم اخیر، با توجه به سطوح خاص کار خود و به احوالات مضامین دقیق کمیک و پرداختن گاه و بیگاه به مسائل و موضوعهای روز در قالبی طنز آمیز و انتقادی، جذابیت و تمایز کارش را از دیگران کماکان حراست کرده‌است.

خانوم خانوما (رنکی)

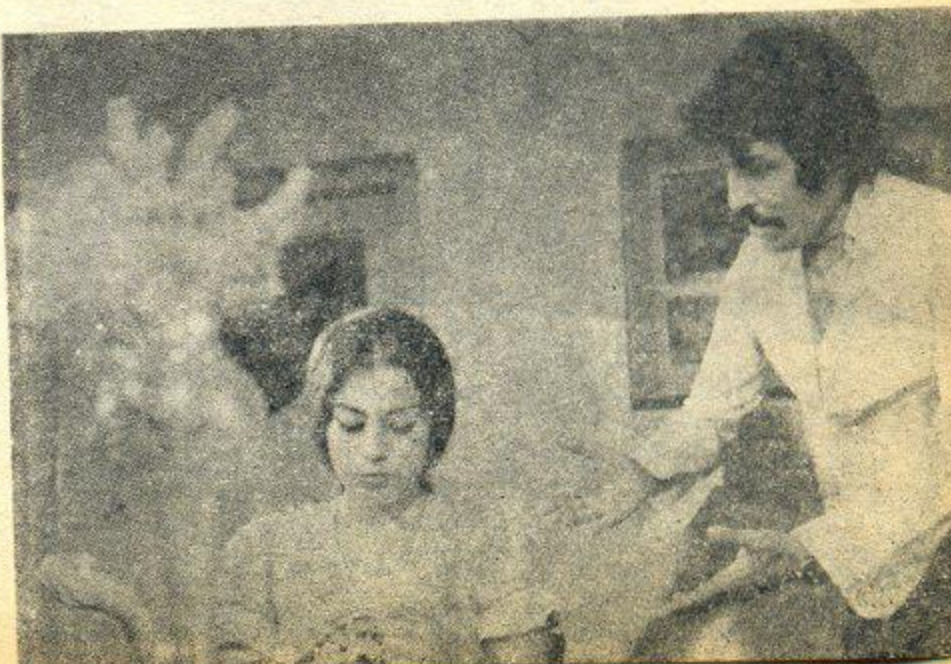
سناریست و کارگردان: فتح‌الله منوچهری - فیلم بردار: واهاک - تهیه کننده: صبا نی - هنرپیشه‌ها: قتی مختار، فریبا حاتمی، سارا و فتح‌الله منوچهری.

آنقدر روی «الاغ» این فیلم بحث شد که هیچ جهتش بحث را بر نمی‌انگیزد. پس زنده باد این الاغ، الاغ هنرمند!

مردان خلیج

کارگردان: نظام فاطمی - فیلم بردار: ابراهیم دیلمانی - سناریست: احمد نجیب‌زاده - تهیه کننده: عزیزاله کردوانی - هنرپیشگان: ناصر ملک مطیعی، مرجان و شهر و زراعتین و امین امینی - محصول استودیو عصر حالائی.

بهره‌جوئی از عوامل سینمای تجارتي و توجه به انگیزه و جهات عاطفی، روی هم رفته بنای فیلم را در مسیر پسند تماشاگر قرار میدهد، فیلم مدعی ساختن زمینه‌ئی عامه پسند است و کم‌وبیش نیز از عهد این کار بر می‌آید.





يك ميليونر و دو مفسس

كارگردان: محمد متوسلانی - سناریست: احمد نجیبزاده - آهنگساز: متن: واقتی - فیلمبردار: مجاورى - هنرپيشگان: متوسلانی، سپهر نیا، گرشا وژاله - سام - محصول شرکت سینمایی چهار نام.

لااقل امیدواری در مورد این فیلم، همان بودن ارزش آن، با فیلم گذشته همین کارگردان (يك چمدان سكس)، در اولین فصل - های فیلم بر باد می رود و با آشفتگی که در رهبری آنها، ربط صحنه ها نحوه پرداخت کارگردان است. حتی يك لحظه نیز این امیدواری، در طول فیلم بارور نمی شود.

مستاجر

تهیه کننده و کارگردان: آرمان - فیلم بردار و سناریست: قاسمی و نند - هنرپيشگان: ارحام صدر، آرمان، سیمین علیزاده، ملکوتی و پژوهان - محصول: مشعل فیلم.

فیلم در حدودی بی ادعا و در زمینه آنچه که «آرمان» توقع دارد، بمذاق تماشاگر خوش می آید، هر چند که موضوع تازگی ندارد و مسائل برای تماشاگران آثار (!) ایرانی چین تازه می نیست.

ستارخان «رنکی»

سناریست و کارگردان: علی حاتمی - مدیر فیلم برداری: هوشنگ بهارلو - آهنگساز متن: فریدون ناصری تهیه کننده: پرویز صیاد - هنرپيشگان: علی نصیریان، عزت الله انتظامی، پرویز صیاد، عنایت بخشی - محصول شرکت سهامی سینما ثنا ترکس.

سناریوی «حاتمی» خوب حساب شده و ظریف است، اما در گسترش از طریق «تصویر» و اجاد خصوصیات يك پرداخت خوب نیست، بازیها خوبست و فرصت جوئیها هوشیارانه... ولی ریتم فیلم کند و کشدار... روی هم رفته از فیلم انتظار بیشتری میرفت که بر آورده نشد.

ضعیفه

تهیه کننده و کارگردان و فیلم بردار: ناصر رفعت - سناریست: ثابت کاسانی - هنرپيشه ها: مرجان، تابش، بوکیمار، بانکی - فرشته مهبان - محصول: حسام فیلم.

فیلمی توأم با قراردادهایی کاملاً قدیمی، که برای تماشاگر عامی جالب جلوه میکند، عوامل سینمای زیر بازارچه بعلاوه، موارد عاطفی، همه دانستنی و قضاوت درباره این فیلم را محصور و محدود می کند و جایی جهت سنجش در حد سیماد درباره اثر باقی نمی گذارد.

خوشگله

سناریست و کارگردان: اسماعیل پور سعید - فیلم بردار: رضا مجاورى - تهیه کننده: رضا فاضلی - هنرپيشگان: پوری بنائی، لی لی، عادل روحی، بهمنیار، و جها تکیر - فروهر - محصول: سازمان سینمایی هلم.

این فیلم اصلاً محصول «جنرال فیلم» است که ورشکست شده و از بین رفت و دو سال دیرتر از موعد نمایش داده شده در این فیلم بهره از عوامل سینمای تجاری مورد توجه سال تهیه و توجه به اینکه انگیزه و جهات قراردادیش کاملاً قدیمی و در عین حال سست و ضعیف است پس نمی تواند تماشاگرش را حتی تماشاگر سهل پسند را اقناع کند.

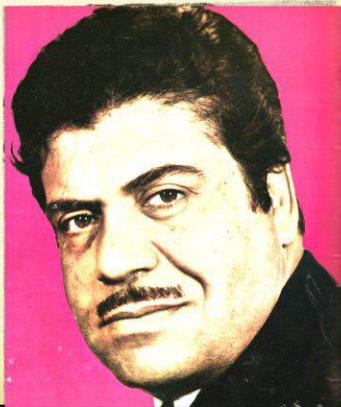
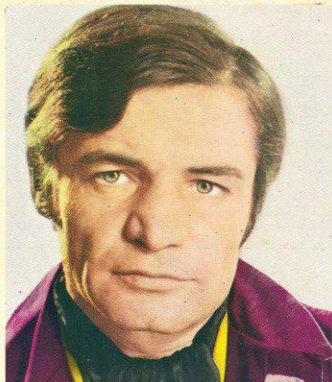
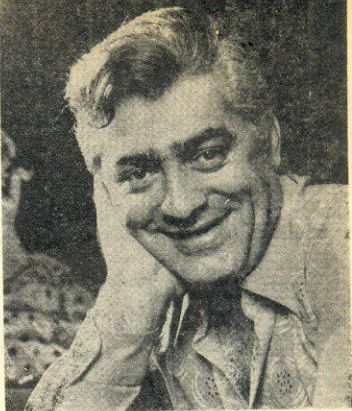
جاده

سناریست و کارگردان: جواد ذوالریاستین - فیلمبردار: جمشید الوندی - تهیه کننده: همایون بهادران - هنرپيشگان: همایون بهادران، ارغوان، آرش، اردشیر پهلوان - محصول: پانوراما.

برخی از عوامل در فیلم هست که نشان میدهند که در خدمت گرفتنشان در جهت کامل، می توانسته به فیلم تشخیص بدهند ولی عوامل در دسترس مثل بازیگر و سناریو و بعضی از محدودیت تیپ و استعدادها مانع دستیابی به چنین کیفیتی برای فیلم شده است!

بی شائبه ترین تبریکاتم را به سبب فرارسیدن
نوروز ۵۳ و سالگرد انتشار آن مجله گرامی و مدافع
صنعت سینمای ملی و هنرمندان ایران بپذیرید.
شکوفه نو - پرویز حجازی

هنرمندان سینما نوروز را چگونه



● همه از شغل خود ناراضیند. و هر یک دلایلی هم دارند که برای خودشان کاملاً قانع کننده است. تمام این ناراضی‌ها، ریشه در محدودیت دارند. هر شغلی بسته به مشخصات خود، برای شاغل، محدودیتهایی را سبب می‌شود که ناراحتی او را از شغل خودش نتیجه می‌دهد.

یکب قبیلی بازمه‌ها و احتیاج پیدا کند و با اکب بدمی زود تراز معود مقرر به او نهار منم شود. واضح است که هنرمندان سینما هم زیاد دور از گرفتاری نیستند. و علمبرغم تصور مردم زیاد هم برای لذت بردن، بقول مردم، عشق کردن آزادی ندارند؛ گو اینکه بسواری از هنرمندان سوئمای‌ها پیش از خود دور اغلب اوقات بخوش گذرانی و شب‌زنده‌دهی مشغولند ولی این یک وضع ثابت و همه گیر و همیشه‌گی نیست.

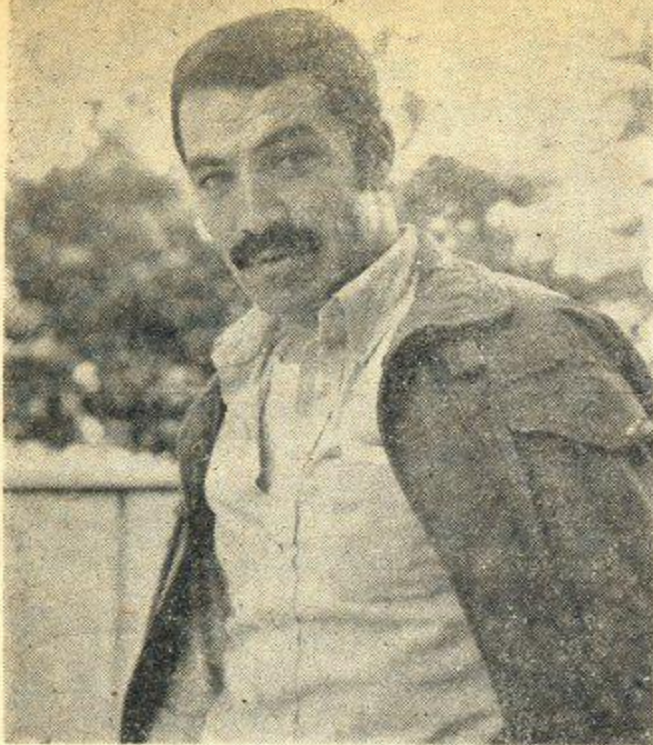
شاید شرایط تهیهی فیلم در سوئمای‌ها پیش از سایر کشورها، هنرمندان را از نظر اوقات فراغت در مضیقه قرار می‌دهد. شرایط نامساعد تهیه در سوئمای‌ها که مدت فیلمبرداری را طولانی‌تر می‌کند به این وضع بیشتر کمک می‌کند.

بارها در همین مجله در سه‌تجهی رویدادها و نیز مسابقات دیگر اخباری داشته‌ایم که حاکی از بی‌کارتی بعضی از هنرمندان و در نتیجه کمبود وقت برای این هنرمند بوده است. بخصوص که عده‌هایی از این هنرمندان پرکار، از فرصت‌هایی که پیدا می‌کنند حداکثر استفاده را می‌برند و در نتیجه بیش از پیش مشغول بنظر می‌رسند... در همین سوئمای ماهر مندانی هستند که از بس بی‌وقفه و بی‌استراحت به بازی در فیلم‌ها پرداخته، خشکی و املاچ چشم‌هایش را از حالت طبیعی خارج کرده است!

در چنین وضعیتی که هنر - پیشگامان ما به قول معمر و فروغی - سر - خازانان ندارند و قرارداد پشت قرارداد می‌بندند، مشکل جدیدی برایشان پیش می‌آید. اینکه برای مسافرت‌های طولانی، به شهرهای داخلی یا خارج از کشور - با توجه باینکه بر این مسافرت‌ها، امکانات مالی قابل توجهی دارند

بتمام عشق و علاقه‌ی بی‌شائبه‌ها بازی در فیلم‌ها و در واقع هنرمند شدن نشان می‌دهند و با تمام آرزوهای که اکثر جوانان دارند این مورد دارند و بازی جلوی دوربین برای آنها تحقق یافتن یک آرزوی دست‌نیافتنی است، هنرمندها هم مشکلاتی دارند. ناراحتی‌هایی دارند که باعث ناراضی‌شان از این حرفه می‌گردد... هیچ فکرتش را کرده‌اید که هنر پیشگامان، نمی‌توانند چند دقیقه راحت و بی‌دغدغه در خواب‌ها بمانند و خرید کنند... با مردم باشند و در اجتماع، به بعضی‌ها که چنین خیالی بر سرشان بزنند و وارد جماعت شوند قیامتی است که باقی‌شود و سلب آرامش و آسایش می‌کند، پای پلیس به وسط کشیده می‌شود، برای نجات دادن این شخص از چنگ علاقمندان و هوادارانش... خوب، مشکل یکی دو تسانه نیست... مثلاً هنرمندان هم مثل بسیاری از شاغلین دیگر برای مسافرت، استراحت و خوشگذرانی‌هایی دور از آنجا که باعث سلب آسایششان می‌شود، اراده‌ی از خود ندارند. یک هنرمند محبوب و پرکار، یا باید گوش به فرمان تهیه‌کننده و کارگردان فیلمش باشد که چه موقع برای فیلمبرداری به او احتیاج دارند و یا در فواصل فیلمبرداری دو فیلم که فرصتی است برای استراحت و آسایش، باید گوش‌پزنگ باشد که مه‌ادا

ایران تعطیلات می گذرانند؟



ناصر ملک مطیعی، که در حال حاضر، با اکیپ فیلمبرداری فیلم تازه‌ی خسرو پرویزی در آبادان بسر می‌برد، بعد از اتمام این فیلم، در «شورش» شرکت خواهد کرد، که در ایام نوروز فیلمبرداری خواهد شد. ناصر ملک مطیعی به همین منظور ایام عید را در گرگان می‌گذراند. در نتیجه او تمام تعطیلات را جلوی دوربین خواهد بود.

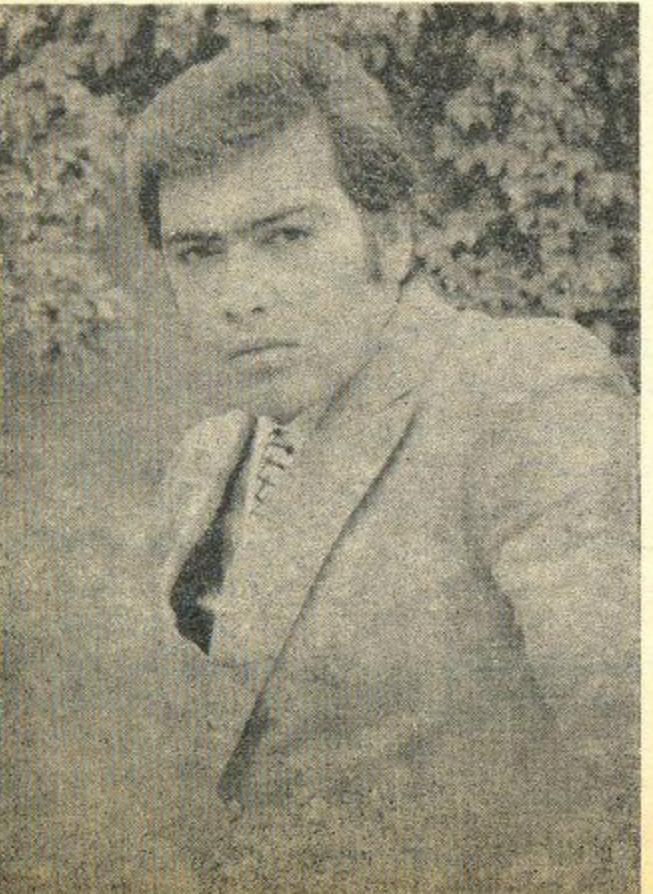
نمی‌توانند خودشان تصمیم بگیرند و تصمیمشان بسته به تصمیم تهیه‌کننده و کارگردان فیلم است... گاهی اوقات البته اوضاعی استثنائی پیش می‌آید که فرصتی مناسب را برای مسافرت و یا استراحت نتیجه می‌دهد مثلاً سال گذشته به هنگام برگزاری مراسم دو هنر اروپا نصدمین سال شاهنشاهی ایران، اکثر فیلم‌برداران فیلم‌های ایرانی از طرف وزارت فرهنگ و هنر برای فیلمبرداری از این مراسم دعوت شده بودند و طبعاً وقتی فیلمبرداران در دسترس فیلمسازان نباشند فیلمبرداری خود بخود تعطیل می‌گردد و هنرمندان فرصتی می‌یابند برای اینکه بی‌دغدغه، و به میل خود ایام را بگذرانند.



بهر روز و ثوقی: هر سال ایام عید را در شمال، در ویلای شخصی خود بسر می‌برد اما امسال چون در اواخر اسفند فیلمبرداری فیلم تازه‌اش «تنگسیر» آغاز خواهد شد، تعطیلات نوروز را در بوشهر خواهد بود، چون تنگسیر در بوشهر فیلمبرداری می‌شود.

فروزان: امسال هم مثل گذشته، تصمیم دارد از فرصت استفاده کند و در تعطیلات عید نوروز به سوئیس سفر کند و بدیدن پسرش که در سوئیس بسر می‌برد، برود. فروزان مدت‌ها منتظر چنین فرصتی بوده و حالا عید نوروز، این فرصت را به او داده است.

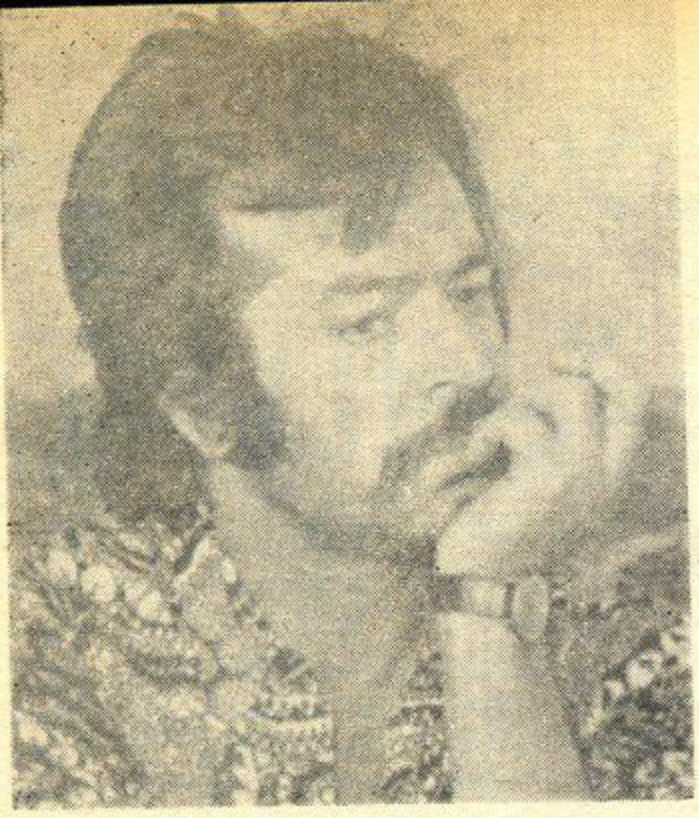
علاوه بر این، سالی یکبار هم وضعی اینچنین پیش می‌آید و آن هم نزدیک شدن ایام نوروز است که هیچ‌سازمانی فعالیت فیلمسازی ندارد و هنرمندان می‌توانند بسته به میل خود، تعطیلات را بگذرانند. البته در موقعیتی که سیشمای مادچار یک بحران اقتصادی شده است و این بحران طبعاً در کمیت کار هنر پیشگان نیز اثر گذاشته، برای بسیاری از هنرپیشه‌ها، ایام نوروز با ایام دیگر سال تفاوتی ندارد، بجز اینکه ایام نوروز، رسماً تعطیل است!



فردین: فردین هم مثل فروزان از تعطیلات نوروز برای مسافرت به خارج از کشور استفاده می‌کند منتها او به انگلستان می‌رود، چون پسر فردین در انگلستان به تحصیل اشتغال دارد. فردین در این مورد معتقد است که در واقع بایک تیر دو نشان می‌زند و با سفر به انگلستان هم پسر خود را می‌بیند و هم به استراحت می‌پردازد.

بهر کیفیت در پر تازی که می‌خوانید، مشخص شده که هنرمندان ما، خیال دارند تعطیلات نوروز را چطور بگذرانند، سفر کنند یا در تهران باقی بمانند و در صورتی که در ایام عید هم به بازی در فیلمها می‌پردازند - و در واقع اوقات فراغت خود را هم در اختیار سازمان‌های فیلمسازی گذاشته‌اند - در چه فیلم‌هایی شرکت می‌کنند. لازم به توضیح است که برای نام بردن از هنرمندان هیچگونه ترتیبی اتخاذ نشده است.

رضا بیک ایمانوردی: بیک، به اتفاق همسرش ایام نوروز را در آمریکا خواهد بود. قصد البته سیاحت است و بعد ملاقات «محمد زرین دست» برادرزن بیک، بهر حال او در این مدت چند کار را تسوأمأ انجام خواهد داد و گفته می‌شود که قرار است در فیلمی از محمد زرین

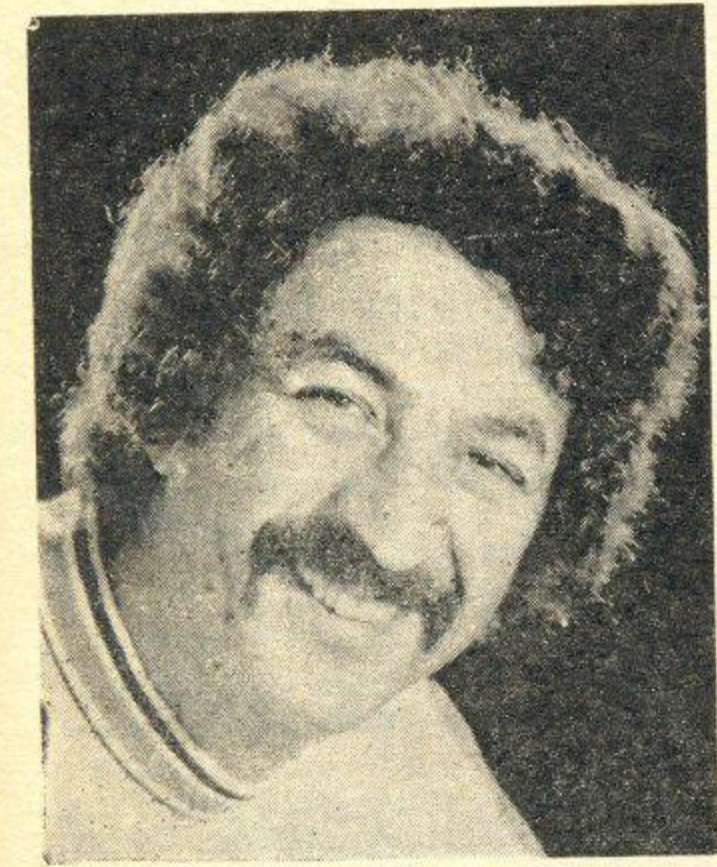


دست شرکت کند.
فرشته جنابی: که اخیرا کارش در سینما سکه شده و از ستارگان موفق سال ۱۳۵۲ خواهد بود قرار است ایام نوروز در جنوب بگذراند چون تاکنون آنجا رانده است، چه بسا رای او عوض شد و به شمال رفت، زیرا شمال را واقعا دوست دارد.
نصرت کریمی: در حال حاضر مشغول نوشتن سناریوی فیلم تازه‌ی خود می‌باشد، که تا رسیدن ایام عید نیز ادامه خواهد داشت. کریمی تعطیلات نوروز را روی این سناریو کار می‌کند و مقدمات تهیه‌ی فیلم تازه‌ی خود را فراهم می‌آورد و احتمالا بویلای خود در دریا کنار سفر خواهد کرد تا ضمن استراحت به فیلم تازه‌ی خود فکر کند.

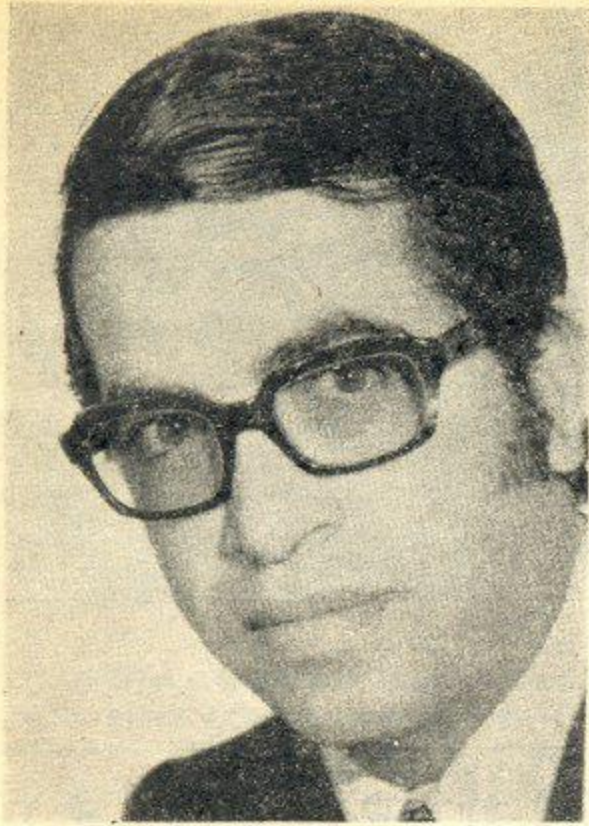
ایرون: این که اخیراً بازی در فیلم «خروس» را به کارگردانی شاپور قریب به اتمام رسانده و نیز این روزها مشغول بسازی در فیلم «برهنه تظاهر با سرعت» است ایام عید را در تهران بسر خواهد برد، چون احتمالا قسمت‌هایی از فیلم «برهنه تظاهر با سرعت» که باقی مانده در ایام عید فیلمبرداری خواهد شد و نیز به احتمال قوی فیلمبرداری فیلم تازه‌اش در تعطیلات نوروز آغاز خواهد شد. این سال گذشته نیز به خاطر بازی در فیلم «حکیم باشی» در تهران مانده بود.

سعید ران: که در حال حاضر بازی در فیلم تازه‌ی خود را به اتمام رسانده، تعطیلات عید نوروز را در تهران خواهد گذراند. چون بتازگی قرار داد شرکت در چند فیلم جدید دیگر را بسته است که ممکن است هر چه زودتر فیلمبرداری آنها شروع شود. این فیلم‌ها عبارتند از:

پوری بنائی: که هم‌چنان جزو ستارگان پرکار سینمای ایران است چند ماهه بی‌درد و مسافرت برای او کار مشکلی است. ایام نوروز را در تهران بسر خواهد برد. در واقع زری خوشکام که مدتی است در فیلمی شرکت نداشته و طبعاً از این حرفه خستگی ندارد، محتاج استراحت هم نیست و بچه‌داری را بسرتر جمیع می‌دهد.
سپهر نیا: سپهر نیا، ایام عید را در تهران بسر می‌برد. سفر سپهر نیا به اروپا قبل از عید انجام شد ولی قبل از تعطیلات نوروز به تهران مراجعت کرد.
علی نصیریان: هم‌چنان جزو ستارگان پرکار سینمای ایران است بدلیل قراردادهایی که دارد مجبور است نیمه‌ی دوم تعطیلات نوروز را در تهران بسر برد و در فیلم‌های خودش شرکت کند گفته می‌شود که پوری چون اعتقادات مذهبی دارد، از چند روز اول تعطیلات استفاده خواهد کرد و به منظور زیارت امام رضا (ع) به مشهد خواهد رفت... در این سفر تعدادی از افراد خانواده پوری همراه او خواهند بود.



است بدلیل قراردادهایی که دارد مجبور است نیمه‌ی دوم تعطیلات نوروز را در تهران بسر برد و در فیلم‌های خودش شرکت کند گفته می‌شود که پوری چون اعتقادات مذهبی دارد، از چند روز اول تعطیلات استفاده خواهد کرد و به منظور زیارت امام رضا (ع) به مشهد خواهد رفت... در این سفر تعدادی از افراد خانواده پوری همراه او خواهند بود.
علی نصیریان: هم‌چنان جزو ستارگان پرکار سینمای ایران است بدلیل قراردادهایی که دارد مجبور است نیمه‌ی دوم تعطیلات نوروز را در تهران بسر برد و در فیلم‌های خودش شرکت کند گفته می‌شود که پوری چون اعتقادات مذهبی دارد، از چند روز اول تعطیلات استفاده خواهد کرد و به منظور زیارت امام رضا (ع) به مشهد خواهد رفت... در این سفر تعدادی از افراد خانواده پوری همراه او خواهند بود.
گوگوش: آنقدر ماجراهای پیش‌بینی نشده سر راه این هنرمند محبوب مردم قرار می‌گیرد که وضع فردای خودش را هم نمی‌تواند پیش‌بینی کند. هنوز معلوم نیست که گوگوش ایام عید را در چه نقطه‌ی بی‌خوابی خواهد گذراند، آیا در یکی از بیمارستان‌های تهران سر خواهد برد، یا در ایتالیا، یا روی سن کاباره میامی.
نصرت‌الله وحدت: هر سال،



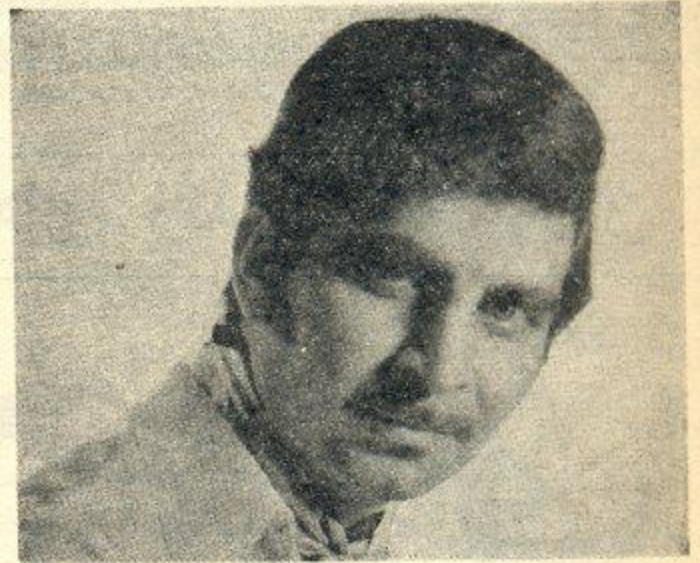
می گذراند . لی لسی که به تربیت
فرزندانش و خواسته های آنها
خیلی اهمیت میدهد در واقع برای
بر آوردن خواست آنها تن به این
مسافرت میدهد .

فخری خورش: با همسرش
بخاور دور سفر کرده و ایام نوروز
رادر کشورهای ژاپن - تایلند -
هنگ کنگ خواهد گذراند .

پرویز فنی زاده: بازیگر
تئاتر و سینما که در فیلم «رگبار»
بازی درخشانی از او دیدیم، برای
بازی در «تسکیر» برگزیده
شده است و در نتیجه بایستی سرتاسر

و مدت تعطیلات نوروز را در زادگاه
خود اصفهان بگذراند . البته
سال گذشته بایک تیردوشان زد،
چون به اصفهان بخاطر شرکت در
فیلم «لج و لجبازی» سفر کرد .
به حال او امسال هم در اصفهان
خواهد بود .

ارحام صدر: درحالی که
بسیاری از مردم تهران و هنرمندان
برای گشت و گذار در ایام عید به
اصفهان سفر می کنند ، هنرمند
شیرین اصفهانی ارحام صدر ، ایام
نوروز را برای استراحت و تمدد
اعصاب در تهران خواهد بود .



تعطیلات نوروز رادر بوشهر ، و
جلوی دوربین باشد ...

علاوه بر فنی زاده ، رضا کرم
رضایی ، مفیدی و مهری نیز ایام
نوروز را در بوشهر خواهند بود .

بهمن مفید: نیمی از تعطیلات
رادر شمال خواهد بود و نیم دیگر
رادر تهران ، بازی در فیلمهایی
که قرارداد دارد، خواهد پرداخت .

ایرج رستمی: یکسالی هست
که به آمریکا مهاجرت کرده و طبیعا
ایام نوروز را هم ، همچنان در
آمریکا خواهد بود !

البته ، آنچه که از نظر تان
گذشت ، در حدود پانزدهم اسفند
ماه تهیه و تنظیم شده است و احتمال
وارد که طی پانزده روز پایان سال
تغییراتی در برنامه های عید هنرمندان
بوجود آمده است . قدر مسلم اینست
که هنرمندان چنین برنامه هایی را
برای خود طرح ریزی کرده اند
و باز امکان دارد ، مشکلاتی
که گریبانگیر آنهاست این برنامه
را تغییر بدهد ...

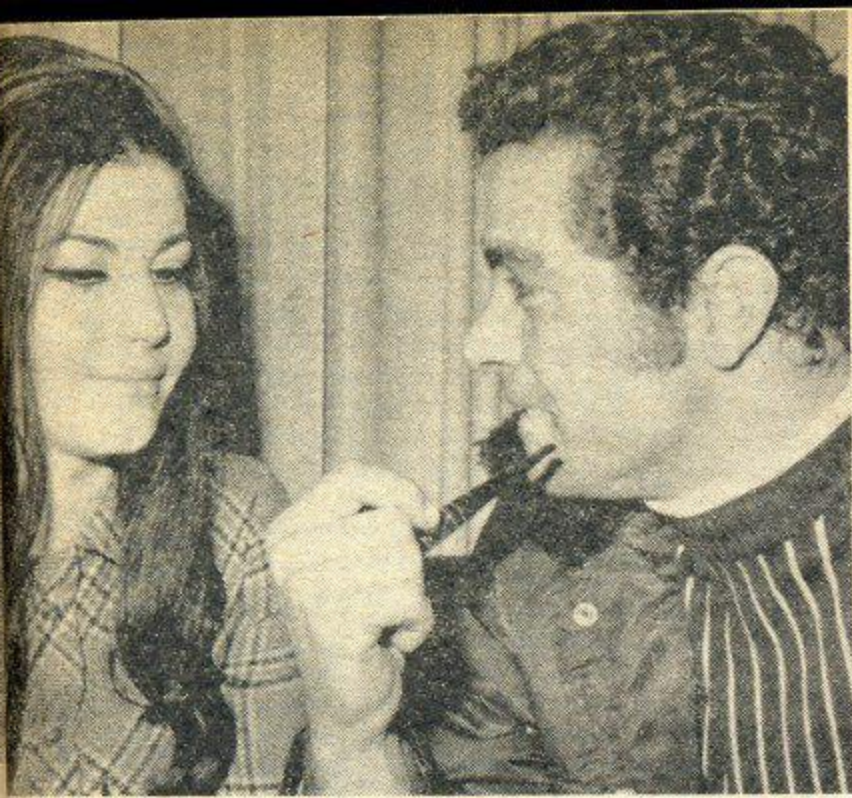
متوسلانی: این روزها در
تدارک مقدمات فیلم تازه خود می
باشد که کار به اندازه یک میلیون و
دو مفسر ، محسوب خواهد شد . بدین
ترتیب اوقات متوسلانی در ایام
عید صرف فکر کردن راجع باین
فیلم و دیدن محل برای فیلمبرداری
خواهد شد .

متوسلانی احتمالا در تعطیلات
نوروز سفری بیک از شهرهای
شمال خواهد کرد .

منوچهر وثوق: در حال
حاضر ، قرارداد شرکت در چند
فیلم را برای پارس فیلم دارد و
همچنین بازی در چند فیلم نیمه -
کاره ی خود را ادامه میدهد .
منوچهر وثوق بدین ترتیب ، ایام
عید را مشغول بازی در این فیلمها
خواهد بود که عبارتند از مرمی
به نام طاهر ، عروس و مادر شوهر
و طوق لعنت ، و احتمالا در روزهای
اول تعطیلات سفری بشمال خواهد کرد
لی لی: ایام نوروز را ،
به اتفاق فرزندانش، در اسپانیا

شروع دهمین سال فعالیت مطبوعاتی مجله گرامی
«فیلم و هنر» را که همزمان با شروع سال نو و ایام
فرخنده نوروز می باشد ، به خوانندگان و دوستداران
آن مجله و صنعت سینمای ملی ایران تبریک گفته و
آرزوی سعادت و پیروزی برای همگان دارم .

حمید مجتهدی



به بهروز و ثوقی و پوری بنائی هنگام بازی در فیلم «خدا حافظ تهران» عاشق یکدیگر شدند.

به مدتی نیز فردین و فروزان در بسیاری از فیلم‌های عشقی باهم همبازی بودند و حتی می‌گفتند که آن دو عاشق یکدیگر شده‌اند. اما این شایعه نیز حقیقت نداشت.

رپر تازی تازه، از واقعیت‌های زندگی هنرمندان

زندگی جهنمی هنرمندان!

● یکروز و ثوقی ریچارد بر تون از سر صحنه فیلم برداری بخانه‌اش بازگشت، انتظار داشت مثل همیشه «لین» با استقبالش بیاید و طبق معمول گونه یکدیگر را ببوسند. اما آنروز برخلاف همیشه وقتی بر تون بخانه آمد الیزابت تایلور خشمگین و عصیان‌ناک سیلی محکم بکوش او نواخت و برای مدت دو روز از او جدا شد!

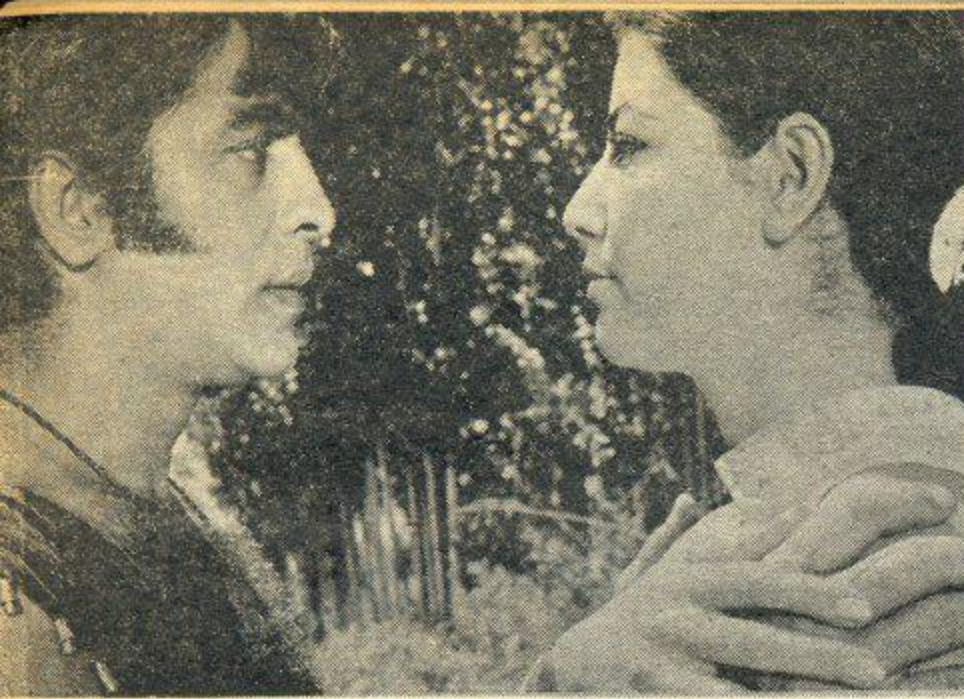
میدانید علت این قهر و جدایی چه بود؟ خیلی خنده‌دار است اگر آنرا برایتان بازگو کنیم. اما اصل قضیه از اینجا آب میخورد که وقتی جناب بر تون در فیلمی مشغول بازی با هنر پیشه زن بود، او را عاشقانه می‌بوسد، و این هم سر او شدیداً از طرز بوسیدن او ناراحت و خشمگین

● عده‌ای از هنرپیشه‌ها هنگام عشقبازی در فیلمها عاشق یکدیگر می‌شوند.

● فروزان و بهروز و ثوقی با اینکه با یکدیگر قهر بودند، معینا در فیلمها عشقبازی می‌کردند.

● چرا اغلب هنرمندان مردوزن سینما مجرد بسر می‌برند.

● همسر عده‌ای از هنرمندان معروف در این باره اظهار نظر کرده‌اند.



بهر روز و توفی با آنکه با فروزان اختلاف داشت در فیلم تنگه ازدها سکی ترین صحنه‌ها را بازی کردند

فریدین و پوری پس از بازی در فیلم يك خوشگل و هزار مشکل شایعه عشقشان بر سر زبانها افتاد و با فیلم «جهنم + من» این شایعه قوت گرفت.

● جنجال در سینمای ایران

از هنرمندان سینمای فارسی از زمانیکه پایشان بسینما باز شده، با اصطلاح «هوایی» شده‌اند و دوست از خانه و خانواده خود کشیده‌اند. ته‌مینه و ایرج قادری از آن جمله بودند. یکی دیگر از عشق‌های سینمایی ماجرای زری خوشگام و علی حاتمی بود. علی حاتمی بهنگام تهیه فیلم «مترسك» عاشق زری شد و خیلی فوری با او ازدواج کرد. ایندو اکنون صاحب فرزند هستند و زری که زمانی نقش های سکسی فیلم‌های ایرانی را بازی میکرد از سینما کناره گرفت و گه‌گه در ساخته‌های همسرش ظاهر میشود. نمونه دیگر این عشق‌های سینمایی راهمیتوان در زندگی فرخ ساجدی و نیلوفر جستجو کرد. ایندو هنگام بازی در فیلم «شکوه قهرمان» عاشق هم شدند و پس از يك جنجال طولانی پای سفره عقد نشستند و اکنون صاحب فرزند و خانه و زندگی هستند.

سینما سراب فریبنده است. «فرشته چنابی» بازیگری که با فیلم «زن یکشنبه» معرفی شد، پس از اینکه بسینما راه یافت و در صحنه های سکسی بازی کرد، همسرش باو اعتراض کرد و مدتی واقعا زندگی آنها بجهنم تبدیل شده بود. تا اینکه بالاخره از هم جدا شدند.

گاهی اوقات مردم فکر میکنند که وقتی دو هنرپیشه روی پرده سینما یکدیگر را می‌بوسند لطفا ورق بزنید

هنرمندان سینمای ایران هم سرنوشتی نظیر هنرمندان سینمای خارج دارند، مثلا اگر فریدین در دو فیلم با فروزان همبازی شود، بلافاصله «هو» می‌افتد که ایندو عاشق یکدیگر شده‌اند. نظیر این شایعه در مورد پوری بنائی و فریدین تأمدها بر سر زبانها بود. این شایعه از زمانی قوت یافت که ایندو در فیلم «يك خوشگل و هزار مشکل» با یکدیگر همبازی شدند و سپس در فیلم «جهنم باضافه من» با یکدیگر همبازی شدند. مطبوعات هم نوشتند که پوری و فریدین صمیمانه بهم عشق می‌ورزند، در حالی که این موضوع از يك شایعه یا فراتر نهداد.

اما این موضوع زمانی به حقیقت نزدیک میشود که ما بگذشته‌ای دورتر بازگردیم، به ماجرای عشق بهروز و توفی و پوری بنائی برسیم.

بهر روز و پوری از هنگامیکه در فیلم «خدا حافظ تهران» ساخته ساموئل خاچیکیان با یکدیگر همبازی شدند، دل بیکدیگر باختند و در چند فیلم با یکدیگر همبازی شدند و حتی هر دو تاریخ ازدواج خود را اعلام کردند اما عاقبت از هم جدا شدند. تا بحال چند بار اتفاق افتاده است که برخی

که در فیلم «تاراس بولبا» دل بیکدیگر باختند و سخت عاشق یکدیگر شدند.

این دو در فیلم مسز بور نقش يك عاشق و معشوق را بازی میکردند و عاقبت هم همینطور شد و با یکدیگر ازدواج کردند!

نمونه دیگری که میتوان روی آن تکیه کرد، آشنائی و عشق آلن دلون و رومی اشنایدر بود که در يك فیلم فرانسوی با هم همبازی شدند و عاقبت کارشان به ازدواج کشید. اما ازدواج این دو چندان طولانی نبود و عاقبت از هم جدا شدند. میدانید علت جدائی آن دو چه بود؟ حسادت! در فیلمی آلن دلون با يك هنرپیشه زن عشق‌بازی میکرد و رومی اشنایدر همسر او حسودیش شد و باو اعتراض کرد. آلن دلون اعتنائی بحرف او نکرد و رومی اشنایدر هم لج و لجبازی کرد و فرار داد بازی در يك فیلم سکسی را بست که مجبور بود در این فیلم با چند مرد همبستر شود. عاقبت این لجبازی سینمایی بجدائی کشید.

اینگونه حوادث سینمایی همیشه سوز و داغ و خوبی برای مطبوعات سینمایی و غیر سینمایی جهان بوده است. اغلب این جدائی‌ها را مطبوعات دامن میزنند، فی‌المثل وقتی گریگوری يك در صحنه‌ای ادري همپون را بوسید، مطبوعات نوشتند ایندو با هم ازدواج خواهند کرد. باین ترتیب جنجال آفریده میشود و چه بسا که این جنجالها به حقیقت بپیوندد.

میشود و بر تون را مورد شما تست قرار میدهند که چرا عاشقانه هنرپیشه زن را بوسیده است. از این اتفاقات زیاد در زندگی هنرمندان رخ می‌دهد و با اصطلاح يك زندگی جهنمی و سراسر جنك و دعوا برای آنها بوجود می‌آورد. مجله اشترن طبق آماري که از میان هنرمندان صاحب همسر گرفته است می‌نویسد:

— نومی از هنرمندانی که صاحب زن و فرزند هستند اغلب در خانه جنك و دعوا دارند. برخی از همسران آنها می‌گویند تو نباید در صحنه‌های سکسی با هنرپیشه زن همبستر شوی.

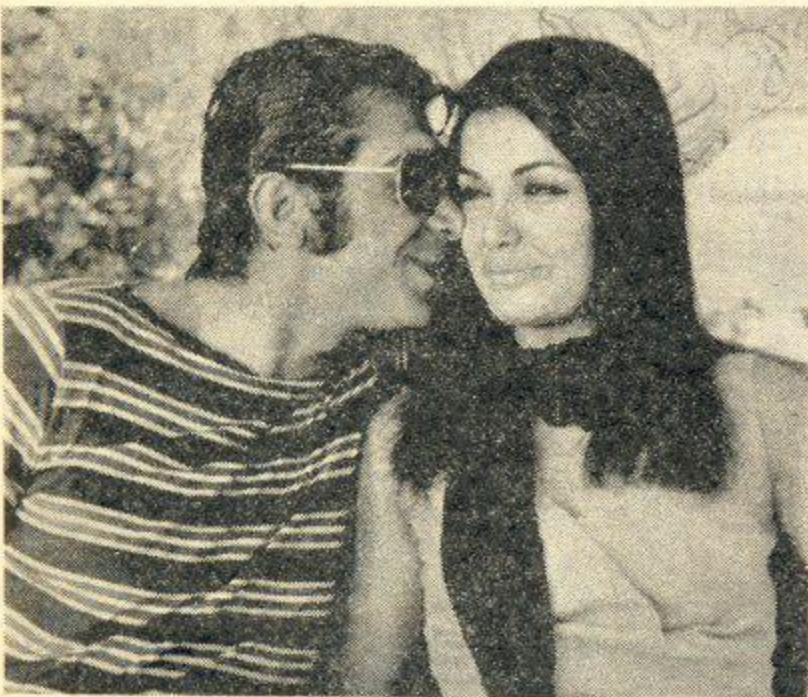
شون کانری از زمانیکه ازدواج کرد، دو در فیلم‌های جهنم باندی را خط کشید. مطبوعات خارجی پنجاه درصد این تصمیم را بعلت اختلافات خانوادگی شون کانری میدانند. زیرا همسرش شون می‌گوید: «هر وقت شوهرم در فیلم‌های جهنم باندی بازی میکند مجبور است با تعداد زیادی زن روبرو بشود و با آنها عشق‌بازی بکند. من واقعا حسودیم میشود و نمیتوانم تحمل چنین صحنه‌هایی را داشته باشم.»

این حرف را همسرشون کسانری میزند. او حق هم دارد. زیرا تا بحال بارها اتفاق افتاده است که گروهی از هنرمندان معروف در صحنه‌های فیلم‌های خود عاشق زنی شده‌اند که نقش مقابلشان را بعهده دارد.

برای نمونه میتوان از تونی کزنیس و کریستین کوفمن نام برد



تعدد فیلم‌های بیگ و مرجان سبب ایجاد شایعه عشقی بین آنان شد



فرخ ساجدی و نیلوفر هنگام بازی در فیلم «شکوه قهرمان» به یکدیگر دلباخته و بالاخره ازدواج کردند



زری خوشکام در کار سینما بدام علی حائمی افتاد و با او ازدواج کرد

این بوسه‌ها حقیقی است. در حالیکه هیچ اینطور نیست و این بوسه‌ها بیشتر حالت «فورمالیته» و بازی جلوی دوربین را دارد. به محض اینکه دوربین از کار می‌ایستد هنرپیشه‌ها از هم جدا می‌شوند و می‌روند سرخانه و زندگی‌شان گاهی اوقات ماجرائی هم در پس پرده سینما اتفاق می‌افتد که شنیدنی و جالب است.

مثلاً بهروز وثوقی و فروزان چندسالی با یکدیگر قهر بودند. اما تهیه‌کنندگان می‌خواستند که فیلمی با شرکت آن دو بسازند و در چنین شرایطی فیلم‌های «دالاهو» و «تنگه‌ازدها» ساخته شد. بهروز و فروزان در این دو فیلم چندبار یکدیگر را در آغوش کشیدند در حالیکه باهم قهر بودند و بهیچوجه باهم حرف نمی‌زدند!

شاید برای عده‌ای جالب باشد که بدانند همسران هنرمندان محبوب آنها درباره همسر شدن شوهرانشان در فیلم‌های فارسی چه نظری دارند.

● همسر منوچهر وثوق در باره اینکه همسرش در فیلم‌ها با زنان بسیاری همستر می‌شود می‌گوید:

من بهیچوجه راجع به این مسائل که برای شوهرم در فیلم‌ها اتفاق می‌افتد حساسیت ندارم. زیرا او مجبور است که جلوی دوربین نقش بازی کند و به داستان روح بدهد.

همینطور که یک کارمند مجبور است مرتب سرکارش حاضر باشد و انجام وظیفه بکند، یک هنرپیشه هم مجبور است تابع سناریو و کارگردان باشد. من همیشه جزو اولین کسانی هستم که فیلم‌های منوچهر را می‌بینم. روزهای اول ناسراحت می‌شدم ولی حالا می‌بینم که این موضوع بهیچوجه ناسراحتی ندارد. چون او واقعاً به خانواده‌اش علاقه‌مند است.

● همایون هنرپیشه سنگین وزن سینمای فارسی در فیلم‌های بسیاری منجمله «تپلی» بازی خوشکام را آغوش شد. وقتی نظر همسر همایون را سوال می‌کنیم می‌گوید: - همایون در فیلم‌ها فقط نقش بازی می‌کند و من راجع باین صحنه‌ها که گاه با او صحبتی می‌کنم، اما خیلی زود این مسائل حل می‌شود.

و اختلافی پدید نمی‌آورد. زیرا او هنرمند است و باید تابع عوامل سازنده فیلم باشد.

● همسر تقی مختار روزنامه نویس و هنرپیشه جنجالی نون نظریه جالبی دارد.

- من روزهای اول وقتی مختار را در فیلم‌های گوناگون می‌دیدم که زنان مختلفی را با آغوش می‌کشد، واقعا ناراحت می‌شدم. اما کم‌کم باین واقعیت پی بردم که وقتی قرار باشد مختار جلوی دوربین نقش بازی کند، دیگر جای ناراحتی باقی نمی‌ماند.

● بهر حال اگر در زندگی هنرمندان معروف دقیق بشویم می‌بینیم که همیشه در پس پرده جنجال‌های زیادی نهفته است. اگر واقعا پرده واقعیات را بشکافیم می‌بینیم که هنرمندان معروف همیشه پس از بازی در فیلم‌های عشقی مدتی با همسر خود بحث و جدل دارند. یکی از هنرمندان معروف اظهار می‌داشت:

- من دیگر از زندگی خودم خسته‌شدم. هر وقت در یک صحنه سکسی بازی‌ها آغوش می‌شوم تا مدتی در منزل جنک اعصاب دارم چندبار تصمیم گرفتم زنم را طلاق بدهم چون واقعا زندگی من تبدیل به جهنم شده است. شاید بهمین جهت است که اغلب هنرمندان ما مجرد بسر می‌برند و آنها هم که خانه و کاشانه‌ای دارند ماهی چندبار جنک اعصاب و بگو مگو دارند و از ترس اینکه مبدا اختلافات خانوادگی‌شان بمطبوعات کشیده شود سکوت می‌کنند.

بیژن خرسند:

ناقد بی غرض

«بیژن خرسند» برای معرفی خود و بایکاهای فکریش با الحقی پرکنایه میگوید:

.... فکر می‌کنم گذشته از القابی نظیر «ناقد بی‌غرض» و «مفسر بی‌طرف» و یا هر دو زو کلاک دیگری، آدمی که در باره‌ی مسائل هنری «اظهار نظر» می‌کند نمی‌تواند بی‌طرفی باشد و نه بی‌نظر. چرا که از پوست است و گوشت است و عصب مغز الکترونیکی دانای دقیقی هم نیست که بتواند جواب همه‌ی سؤال‌ها را، خون سرد و بی‌احساس، در عرض دود دقیقه تحویل حضار بدهد.

این بنده موجودی است احساساتی که بسبب قدیمی‌ها از «آرتیسته» خوشش می‌آید و از «دزده» بدش. اگر بفهمد جای «دزده» و «آرتیسته» را عوض کرده‌اند، پکر میشود و هنوز به تفاوت میان حق و باطل و راست و دروغ قائل است و خیال می‌کند هنوز به درجه‌ای نرسیده که بتواند بخوش آیندها و بد آیندهای پادروای خودش مسلط شود... حالا اگر اینها باعث میشود حقیر «ناقد بی‌غرض» نباشم، بهر حال حقیقتی است.

حقیر گمان می‌کند منتقدانهای دیگر هم کما بوش همین حالات را باید داشته باشند و با احتیاط فراوان حدس می‌زند «منتقد بی‌غرض» منتقدی است که بتواند برای حرفهای شخصی و علائق و نفرت‌های غیر منطقی خودش دلایل موجه‌تری دست و پا کند. البته این حرفها جز «عریضه‌های زیادی» هیچ عنوان دیگری نمیتواند داشته باشد.

هنر و واقعیت

... این نکته را هم به کرات و مرات حالی‌ام کرده‌اند که «هنر» هیچ قرار نیست شامل

«واقعیات» باشد، گفته‌اند در طول تاریخ فقط «جوهر هنری یک اثر» ماندنی بوده نه چیزهای دیگری از قبیل سیاست‌های روز و اخلاق‌های زمانه و غیره. شاهدش هم در زمینه‌ی سینما مثل صدها فیلم بسیار خوب «تاریخی»-«وسترن» و جنگی است که دیده‌ایم و دیده‌اید و هیچ ربطی به «واقعیت» نداشته‌اند و بل ناقض آنهم بوده‌اند.

این عین منطقی است که نمیشود بقیه فیلم‌سازی را با این عنوان گرفت که چرا در فیلم تو «واقعیتی» که من گمان می‌کنم «واقعیت» است، نقض شده؟ یا چرا فیلمی را که من فکر می‌کنم بهتر و واقعی‌تر بود اگر می‌ساختی، نساخستی، چون «واقعیت» در ذهن هنرمند میتواند شکلی کاملاً متفاوت با هر حقیقت «تاریخی، جغرافیائی، علمی» دیگر داشته باشد، اینهم که از اول روشن بود.

بنده از اوایل جنگ ویتنام قضا یا راسمی کرده‌ام بسهم خودم دنبال کنم. تفسیرهای مفسران و نظریات ناظران را خوانده‌ام. حرفهای «اینطرفی»ها، عقاید «خودی»ها- «غریبه‌ها»- «متحدین» و دیگران را تا جائی که مقدور بوده- شنیده‌ام و حاصلش عقایدی شده بسیار شخصی، حسی، غیر مستند و احتمالاً غلط و بدرد نخور..

از طرفی حضرت مسقطاب آقای «جان وین» هنرپیشه قدیمی هالیوود که از قرار به فیلم کردن حماسه‌های آمریکائی (آلامو، مثلاً) علاقمند است آمده حوادث ویتنام را از دریچه چشم خودش بررسی و قضاوت کرده که حاصلش فیلمی شده با اسم «کلاسه‌سبزها» و تا آنجا که بنده درباره‌اش خوانده‌ام، فیلمی است سخت غیر عادلانه، انباشته از واقعیات تاریخی مسخ شده، دروغ، ابتذال، فریب و بهر صورت واقعیت‌های جان‌وینانه! بنده فقط درباره‌ی این مسئله

قدری حساسیت بی‌سخودی پیدا کرده‌ام (والا تا بحال شده‌دلم بحال سرخ پوست‌هایی که مثل برك خزان در فیلمها کشته میشوند، بسوزند)؛ و هیچ طاقت ندارم فیلمی درباره‌ی این مشخصات درباره‌ی این قضیه (هر چند شاعکاری فنانا پذیر از استاد استادان باشد- جان وین که جای خود دارد) ببینم. و همینقدر که درباره‌اش خوانده‌ام- در بیشتر جاها فیلم مواجه با تحریم خلاقیت شده - میتواند قضیه‌ی فیلم را برایم روشن کند (می‌بینید چقدر سخت است سر هم کردن دلائلی نسبتاً مواجه برای عملی احساساتی و غیر قابل توجیه).

گذشته از این بحث، من فکر می‌کنم یک منتقد از نظر مسئولیت‌های اجتماعی، هیچ فرقی با یک آدم عادی ندارد. یعنی اگر منتقدی احساس کند فلان فیلم با نقطه نظرهای اجتماعی و شخصی او تضاد دارد و اگر حس کند فیلمی را نباید دید، خود او هم نباید برود این فیلم را ببیند. همان‌طور که خیلی از فیلم‌فارسی‌ها فیلم‌هر کولی‌ها، فیلم‌وسترن ایتالیائی‌ها را نمی‌روند ببینند همان‌طور که «ندید» میدانند این فیلمها را نباید دید، حتی این نکته که منتقد می‌خواسته با دیدن فیلم مردم را از چندو چون آن آگاه کند، عذر مناسبی نیست. چرا که این بهانه را هر هم وطن غیر منتقد دیگری هم میتواند بکاربرد.

بطریق اولی بنده که فکر می‌کردم فیلمی با این شرایط را (که قلب‌کننده‌ی حقایق - باعتقاد من است) نباید پرداخت سه تو من‌ها حمایت کرد و سود سرمایه‌ی آنرا بچیب سازنده‌اش برگرداند نمی‌باید می‌رفتم و آنرا امیدیدم گرچه با وظیفه‌ی بنده‌ی هنری بنویس یا مفسر یا منتقد - که دیدن فیلمها و نوشتن درباره‌شان باشد - مغایرت داشته باشد. (خوش‌باور منتقدی

که گمان کند اگر بردارد بنویسد این فیلم را باین دلائل نباید دید، گروه دوهزار نفری دوستداران «جان وین + برگردان چی» که دم باجه‌ی سینما توی سروکول هم می‌زنند در طرفه‌العینی راه می‌افتند و میروند منظرشان)

● «خرسند» که کار خود را با مجله «فیلم و هنر» بعنوان خواننده شروع کرد سپس بستاره سینما و فردوسی و با مشارکت و حالا هم برای مجله «تماشا» نقد فیلم می‌نویسد.

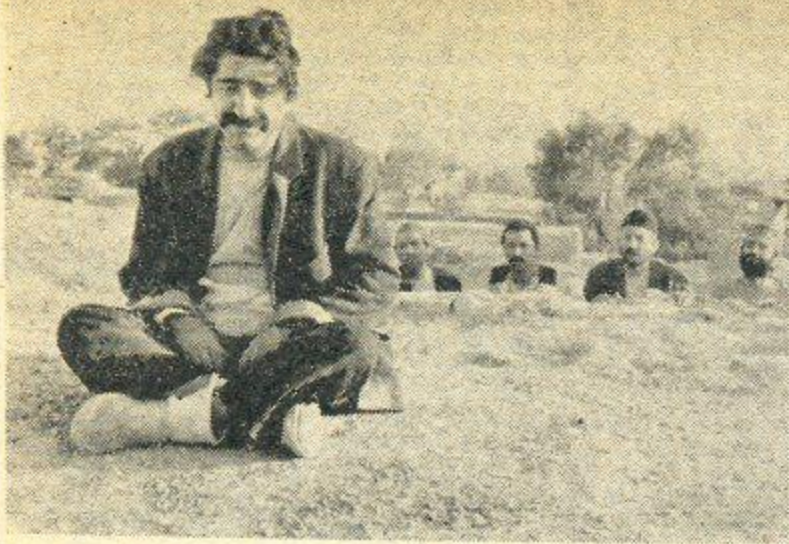
موج نوی نو

در اواسط سالهای ۴۰ موج تازه‌ای از جوانان علاقمند، به سینما نویسی و نقد فیلم روی آوردند و برعکس جوانان سالهای ۳۰ در این کار باقی ماندند و مطبوعات را ترک نکردند، شاید علتش موقعیت تثبیت شده مطبوعات سینمائی در این زمان بود که نمیتوانست جوابگوی احتیاجات مادی آنها هم باشد و به نویسندگان خود دستمزد بدهد و این خود بهانه مناسبی بود که این کار را ادامه بدهند. در حالی که قدیمی‌ها فقط و فقط بخاطر علاقه به نوشتن و عشق بسینما به مطبوعات سینمائی می‌آمدند.

بهر حال، در اس این موج تازه باید از دوست و همکار خودمان «جمال امید» نام ببریم که کار نوشتن را در مجله «تهران مصور» با نقد فیلم «بسی تفاوت‌ها»ی فرانچسکو مازوله‌لی شروع کرد.



● نصرت کریمی و مجتبی میرزاده با فیلم درشکه چی به شهرت رسیدند



● عزت‌الله انتظامی با فیلم «گاو» مشهور شد...

● اولین فیلم پر جایزه

«داریوش مهرجویی . عزت‌الله انتظامی ، علی نصیریان» که این روزها نام و اعتبار حائز توجهی در سینما دارند ، این همه را مرهون فیلم «گاو» هستند ، فیلم پر جایزه‌ئی از فستیوال‌های بین‌المللی که در ضمن نخستین فیلم موفق ایرانی در این زمینه محسوب میشود . بعد از این فیلم بود که یکبارگی این تیم هنرمند در سینمای ایران موقعیتی خاص بدست آورده و کارهایشان پیوسته از توفیق معنوی بسیار برخوردار است .

● شادوماد

«ویکن» که در این اواخر او را در سریال «پر طرفدار» بالاتر از خطر «دیدیم و ممکنست با ادامه‌ئی که به کارش داده ، همین روزها در این زمینه محبوبیت قابل توجهی کسب کند ، با وجود سالها فعالیت در ایران ، تا زمان اجرای ترانه شاد شادوماد نتوانسته بود با اصطلاح گل کند .

این ترانه که وسیله «عطاءاله خرم» برای «ویکن» ساخته شد نام ویکن را بر سر زبانها انداخت و موج جوان را طر فداش کرد .

● «قیصری»ها

فیلم «قیصر» نام خیلی‌ها را بر سر زبانها انداخت ، «مسعود کیمیائی» با این فیلم کارگردان متحول سینما خوانده شد «اسفندیار منفردزاده» با آهنگ متن فیلم نامی در کرد ، «بهمن مفید» با اجرای آزد کلمه معروفش «من بودم و حاجی نصرت . رضا پونصد ، علی فرصت ، آره و اینا ، خیلی بودیم ، کریم آقامونم بود ، تصدق سر رفا ، کریم مولا ، به بوبوک قراضه ام ، خجالت میکشم ، داریم ... آره ... خلاصه ... » با این فیلم گل کردند و حالا جزو بزرگان سینمای وطن هستند .

● دو گمنام

● یک ترانه خوب و همه گیر «بمن نکو دوست دارم ، باورم همیشه ، یک خواننده جوان «داریوش» و یک آهنگساز گمنام و از جمله ایرانیان رانده شده از عراق بنام «مصطفی جاویدان» به اشتها رسیدند .

● آدمک! آدمک

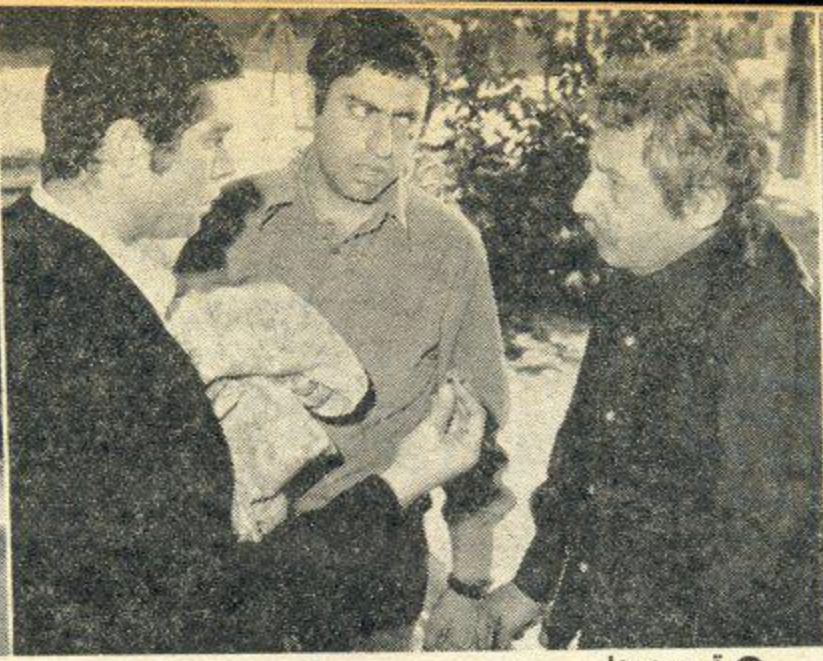
«خسروهریتاش» که با فیلم «آدمک» توانست گل کند ، واسطه‌ئی برای اشتها یک خواننده معروف این روزها شد ، این خواننده «فریدون فروغی» بود که با ترانه «زندون دل» به محبوبیت رسید .

کی باچی

هنرمندان محبوب شما چگونه مشهور شدند؟

نظایرش زیاد است که هنرمندان کثیری با وجود بر خورداری از این حقانیت که محبوب باشند ، سالها در گمنامی تلاش می کنند ، تلاشی صمیمانه و هرگز نیز به شهرت نمی رسند ، چه رسد باینکه محبوب بشوند و در گمنامی نیز فراموش میشوند ولی چه بسا نیز اتفاق افتاده که هنرمندانی تنها با ایفای یک نقش و یا خواندن یک ترانه به محبوبیت و شهرتی بی مانند ، که جهت خودشان نیز قابل پیش بینی نبوده ، دست پیدا کرده اند و بقول عوام یک شبیه رده صدساله را طی کرده اند ... با این وجود برای به شهرت رسیدن و محبوب شدن ، راه کوتاه نیست و سهل نمی نماید و حتی در خیلی از مواقع مشکلات و سدهای فراوانی در مقابل راه است که جای بحث در این مطلب ندارد .

نکته‌ای که مسورد بحث مای باشد ، اینست که هنرمندان و خوانندگان محبوب و مشهور ایرانی چگونه ، با ارائه چه کاری توانستند ، مرزهای بی تفاوتی را در نور دیده و به اوج اشتها برسند ، که البته توجه دارید این بدان معنا نیست که پیش از این ، عده اخیر معروف نبوده اند ... بلکه نظر ما اینست که اینها با چه کارهایی باوج محبوبیت و اشتها دست یافتند .



● سوسن

● قیصری‌ها...

● عارف

زبانها انداخت، اختلاف نظر است «سوسن» که مدت‌ها در کارها بر نامه اجرا می‌کرد ترانه‌های بسیاری را به او منسوب می‌کنند ولی «نمیشه، نمیشه» را غالباً یاد می‌کنند، با «نمیشه همیشه» سوسن معروف و محبوب شد. و اما از «آغاسی» همه از ترانه «سریل دزفول» او یاد می‌کنند در حالی که هنوز آغاسی اعتقاد دارد که ترانه «آمنه، آمنه» او را به اشتها و محبوبیت رسانیده است، این ترانه نیست که این روزها بهیچوجه آغاسی نمی‌خواند و اگر هم اینکار را بکنند از آمنه، بصورت «آی ننه» یاد می‌کند.

● تیپ‌ها و محبوبیت...

گروهی از هنرمندان محبوب امروز که مدت‌ها دوره بی‌تفاوتی را در سینما پشت سر گذاردند، ناگهان با یک تیپ خاص توانستند بدرخشند، که بعضی از آنها عبارتند از: رضا بهک ایمانوردی (در گدایان تهران، با تیپ باصطلاح پیترو فالتکی) ایلوش (امیر ارسلان نامدار) ناصر ملک مطیعی (لوطی بخصوص بعد از قیصر) مرتضی عقیلی (تفی) در فیلم مهدی مشکی و شلوارک داغ) پرویز صیاد (باصمد در فیلم صمد و قالیچه حضرت سلیمان)

● شهرت دوباره...

«منوچهر» که در شروع فعالیتش با آهنگ «پرستو» شهرتی بهم زده بود، با کناره‌گیری از دنیای آواز، شهرتش نیز تدریجاً از بین رفت ولی از دو سال گذشته مجدداً کارش را آغاز کرد و در این زمان، بانامی تقریباً مشابه مجدداً گل کرد و پس از مدت‌ها کود نامش بر سر زبانها افتاد، این ترانه «کلاغها» نام دارد.

● اولین ترانه‌ها...

یک عده از خوانندگان در اولین گامهای رسمی فعالیتش (بعد از مدت‌ها فعالیت آماتوری) به محبوبیت رسیده‌اند این دسته خوانندگان عبارتند از:

ای عاشقان (ترانه‌ئی که نام رويا را شناساند) چکنم روم همیشه (اولین ترانه‌ئی که «رامش» انتزاعاً پس از جدائی از «رامین» اجرا کرد و اجرای همین ترانه او را به شهرت فراوانی رسانید) حسن گلنراقی (که با تنها ترانه‌اش، با وجودیکه حدود چهارده سال نه تنها از شهرت وی کم نکرده، بلکه همچنان ترانه‌اش بر طرفدار است. این ترانه «مرابوس» نام دارد که هنوز هم مورد توجه است) صجرم عطاکن (اولین و بهترین ترانه «حمیرا» است که نام او را مشهور کرد.)

● خدا حافظ، عشق!

«بهر روز ثوقی» با وجودیکه سال‌ها در سینما، مستعدانه و درخشان در نقش‌هایش، کارش ادامه داشت با فیلم «خدا حافظ تهران» ناگهان به اوج اشتها رسید که البته اینها «خدا حافظ تهران» نبود که او را محبوب کرد، بلکه عشقی که فیما بین او و پوری بنائی طرح و مورد بحث مطبوعات واقع گردید، نامش را بر سر زبانها انداخت. عین چنین وضعیتی را نیز «پوری بنائی» داشت وی که ابتدا با «عروس فرنگی» کم‌وبیش محبوبیت اندوخته بود، با جنجال عشقی‌اش با «بهر روز ثوقی» پر آوازه شد... گرچه دیگر اثری از این عشق و آن جنجال‌ها نیست ولی وقتی صحبت معروفیت و محبوبیت بشود بی‌اختیار ذهن متوجه این «عشق» در مورد بهروز پوری میشود.

● بی توجه کنم؟!

عارف موقعیت جالبی دارد وی که اینک از معدود محبوب‌های آواز ایران است، کارش را با خواندن ترانه‌های دوصدائی (باتفاق نارملا) شروع کرد و شهرت اندکش مترادف با نام «نارملا» بود که هیچگاه حدودش تمییز نکرد ولی جدائی از «نارملا» و بعد خواندن اولین ترانه‌ئی که انتزاعاً اجرا کرد، نام «عارف» را بر سر زبانها انداخت.

این ترانه نام با مسمائی دارد «بی توجه کنم؟» که اتفاقاً بر میگشت به «نارملا» و رندی هم جواب «بی توجه کنم» عارف را چنین داد: بود، برو محبوب شو!

● درشکه!

«درشکه» در محبوبیت «نصرت کریمی» اهمیت فراوانی دارد چرا که «کریمی» به عوامل و مسائل زیادی پیش از این برای کسب شهرت توسل جست سینما، کارتون، تلویزیون، رادیو، دوبله ولی از هیچکدام نتیجه نگرفت ولی «درشکه» کار ساز شد و در فیلمی بنام «درشکه‌چی» به محبوبیت رسید.

با این فیلم «مجتبی میرزاده» نیز به جمع آهنگسازان متن فیلم پیوست و اگر چه کارش، بعد از این فیلم، چندان درخشان نبوده و درخشش را در «درشکه‌چی» نتوانسته تجدید کند ولی از «درشکه‌چی» که سبب معرفی او که نشان می‌داد فوق‌العاده مستعد است، می‌بایست یاد کرد.

● نمیشه، نمیشه... آمنه! آمنه!

بر سر نام ترانه‌هایی که نام «سوسن» و «آغاسی» را بر سر

هنرمندان سینمای ایران برگزیده شده‌اند که در اینجا می‌پردازیم به معرفی آنها.

فروزان

● قبل از همه باید از «فروزان» ستاره محبوب و هنرمند فیلمهای ایرانی نام برد که نقش «پری‌زاد» را در این فیلم بازی می‌نماید. فروزان که سال گذشته بخاطر بازی جالبش در فیلم «بابا-شمل» جایزه سپاس را از آن خود نمود بعد از دریافت جایزه سعی کرد در انتخاب سوزه و کسادر سازنده فیلم‌هایش دقت بیشتری بنماید تا تحولی در کارهایش که تا حدودی یکنواخت و کسل کننده شده بود پدید آورد و «پری‌زاد» یکی از فیلمهای برگزیده اوست که بخاطر سوزه جالبش و همچنین کادر سازنده‌ی آن که در راسش سیامک یاسمی قرار داشت بازی کرده است. فروزان یکی از بهترین بازی‌های دوران سینمایی خود را در «پری‌زاد» ارائه داده است که پیش‌بینی می‌رود بار دیگر موفقیت‌های گذشته او را تجدید نماید. وی در این فیلم ۳۴ رقص جالب و استثنائی میکند که می‌تواند بسیار مورد توجه قرار گیرد.

ارحام صدر

● این شکر پاره اصفهانی که در سالهای اخیر با شرکت در چند فیلم پر فروش موفقیت زیادی در سینما بدست آورده ایفاگر نقش مقابل فروزان در فیلم «پری‌زاد» است که این نقش را بخاطر ویژگی‌های خاصش با مهارت که فقط هنرپیشه‌ای مثل ارحام صدر قادر به ارائه آن می‌باشد، ایفا نموده است.

ارحام صدر که بیشتر زندگی هنریش روی صحنه تئاتر می‌گذرد بازی در فیلمها را فقط بخاطر امتیازاتی که ممکن است در بر داشته باشد پذیرا می‌شود و «پری‌زاد» که از امتیازات فراوانی مثل سوزه، خوب، کارگردان خوب، فیلمبردار خوب و هنرپیشگان خوب برخوردار بود یکی از بهترین فیلمهایی است که تا کنون این هنرپیشه خوب و هنرمند اصفهانی در آن بازی کرده است.



● سیامک یاسمی که همیشه سعی دارد فیلم‌هایش مورد توجه توده‌ی مردم قرار گیرد و بارها با ساختن فیلمهایی چون «گنج - قارون»، «قهرمان قهرمانان»، «الاهو...» این را بشبوت رسانده است اینبار یکی از بهترین کارهای مردم پسند خود را برای نمایش در عید نوروز ۱۳۵۲ آماده نموده که «پری‌زاد» نام دارد.

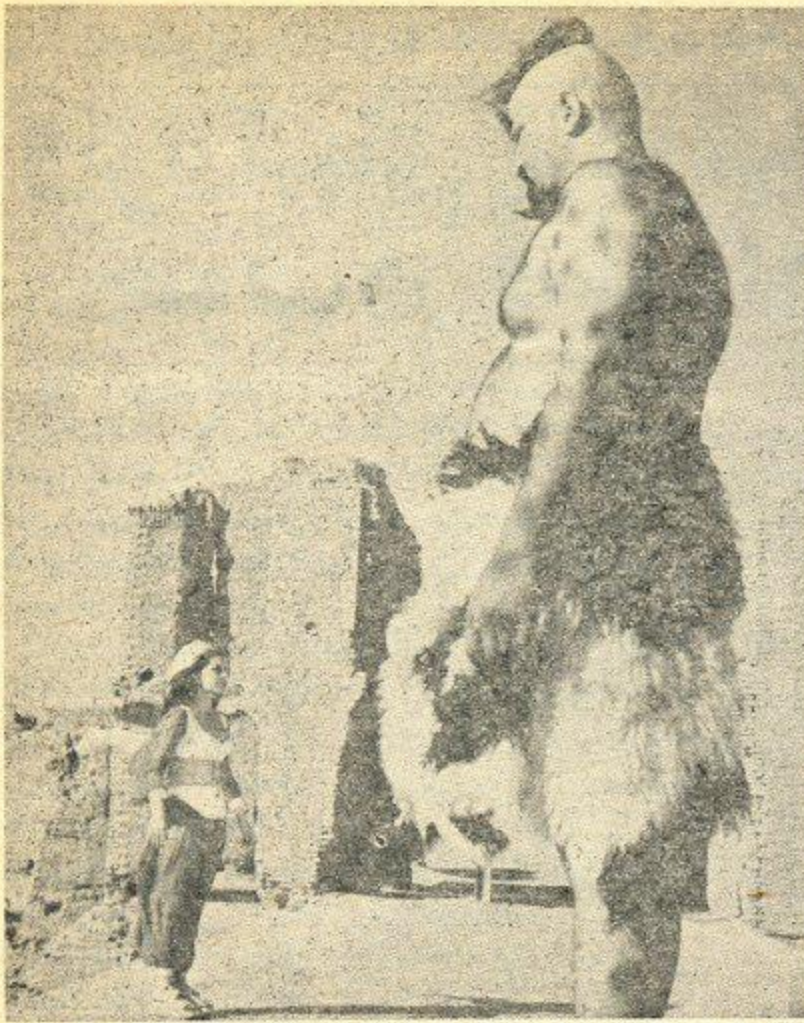
پری‌زاد دارای سوزهای کمدی فانتزی است که طی ماجراهای شیرینش یکی از شادترین فیلمهای ایرانی است که تا کنون ساخته شده است. برای تهیه این فیلم اکثراً مدت یکماه در اصفهان سرگرم ساختن آن بودند و بخاطر دارا بودن صحنه‌های مجلل و محلهای قدیمی دقت خاصی جهت بوجود آوردن این صحنه‌ها مبذول داشتند. هنرپیشگانی که برای ایفای نقشهای اصلی «پری‌زاد» انتخاب شده‌اند از میان محبوب‌ترین

پری‌زاد

شادترین بر نامه نوروز ۱۳۵۲

با پری‌زاد بدنیای دیگری سفر کنید،

بسرزمین افسانه‌ها و رویاها



● يك صحنه جالب از فيلم «پريزاد»



● ارحام صدروفروزان در صحنه‌ای از فیلم «پريزاد»

میری

● کم‌دین محبوب گیلانی که در سال‌های اخیر همواره در درخشان‌ترین نقش‌های سینمای ایران قرار داشته است، یکی از بهترین نقش‌های سینمایی خود را در پری‌زاد ارائه می‌دهد.

میری در فیلم «پری‌زاد» ایفاگر نقش دوست ارحام صدر است که همپایه‌ها و صحنه‌های کم‌دین و شیرین فیلم را بوجود آورده است. پری‌زاد از فیلم‌های نادری است که از میان فیلم‌های پیشه‌مندی که تاکنون میری بازی کرده است برایش پر موفقیت خواهد بود.

فرخ‌ساجدی

● فرخ‌ساجدی که سال گذشته با شرکت در فیلم «زن‌چوری» تحولی در کار بازیگری خود بوجود آورده است و از آن پس سعی نموده در فیلم‌های بهتری بازی نماید. «پری‌زاد» را یکی از بهترین فیلم‌هایی میدانند که تاکنون در آن بازی نموده.

علاوه بر فروزان، ارحام صدر،

فیلمبردار

● پری‌زاد چون از یک سوژه کم‌دین فانتزی برخوردار است و برای ابهت صحنه‌ها لازم بود بطور رنگی تهیه شود لذا سازندگان آن به این کار مصمم شدند و «حمید مجتهدی» که از فیلمبرداران خوب و باتجربه فیلم‌های ایرانی و قبلاً با فیلمبرداری رنگی، یک خوشگل و



● ارحام صدروف میری، دو کم‌دین معروف سینمای ایران در صحنه‌ای از فیلم «پری‌زاد»

هزار مشکل ذوق‌خود را بخوبی نشان داده است پری‌زاد را بطور رنگی فیلمبرداری کرد که یکی از بهترین فیلم‌هایی است که تاکنون در ایران بطور رنگی فیلمبرداری شده است.

در پری‌زاد چند آهنگ جدید با صدای عهدیه مورد استفاده قرار گرفته است و مسلماً هر کدام آنها با نمایش فیلم پری‌زاد در ردیف آهنگ‌های موفق روز در خواهند آمد.

این فیلم که امور پخش آن به‌مهده‌سازمان سینمایی پانوراما است با سرمایه «جمال مجتهدی» تهیه گردیده و همان‌طور که ذکر شد برنامه نوروز سینماهای تهران و شهرستان‌هاست.

پری‌زاد را در تهران سینماهای: نیاسارا، اروپا، میامی، الووند، کیهان، مارلیک، اورانوس آسمان آبی، سیلوانا و سیلورسیتی (قهلك) بتوان برنامه انتخابی نوروز خود نمایش میدهند و این انتخاب بخاطر مناسب بودن این فیلم برای ایام نوروز بوده است.

ویژه گیهای یک سینمای خوب در قصه ماهان



● جواد طاهری

● «جواد طاهری» کارش را در سینما از انتقاد نوشتن آغاز کرد، مدتی در تلویزیون فیلم کوتاه ساخت و سپس بسوی سینمای حرفه‌ای گشاده شد. ماحصل تلاش او در طی مدت فعالیتش فیلمهایی چون «عزیز قرقی»، «نواب» بوده است که از او بنمایش درآمده و اینک وی سومین فیلمش را بنام «قصه ماهان» بپایان رسانده است.

وی در مورد آخرین فیلمش «قصه ماهان» گفتگوئی با یکی از نویسندگان مجله نموده است که در زیر آورده شده.

پوریا - آخرین فیلمی که ساخته‌اید «قصه ماهان» نام دارد. در باره اش چه دارید بگوئید؟
طاهری - فقط اینکه فیلم نسبتاً درستی است. یعنی به نسبت امکاناتی که آقای شریفی مهر «تهیه کننده» در اختیار من گذاشته بود، این فیلم غنی‌تر از دو فیلم قبلی من از آب درآمد. مخصوصاً که سوژه‌ی فیلم مربوط به بررسی در باره‌ی «تناسخ» میشود و میدانید که مطرح کردن چنین مطلبی در یک فیلم باوضع فعلی بازار سینما چه تهیه کنندگی جسوری میخواهد!

پوریا - منظورتان اینست که «قصه ماهان» بیشتر یک فیلم هنری است تا تجاری؟
طاهری - تقسیم بندی مرسوم و ضمناً غلطی است و من قبولش ندارم. من فکر میکنم فیلمی که ساخته میشود یا قوی است یا ضعیف. در فیلم قوی روابط شخصیت‌های فیلم بر اساس حساب کتابی است، اعم از اینکه هنرپیشه‌های پول-سازی آن نقش را بازی کرده باشند یا نه در فیلم قوی تمام حوادث بمنظور تعالی بخشیدن به ایده‌ی اصلی فیلم است اعم از اینکه آن حوادث کتک کاری قهرمانان باشد یا نمایش زنی عریان یا هیچ کدام. برای مثال در همین «قصه ماهان» اگر قهرمانی را بصورت درویش می بینیم که تبلور یک روح در قالب‌های مختلف و در زمانهای مختلف است باین منظور نبوده که فیلمی هنری بسازیم یا اگر قهرمانی را بصورت نوکری می بینیم که

هنگام استراق بصردختر صاحبخانه مشغول استمناء می شود مقصود فیلم تجارتی ساختن نبوده، اعتقاد من که ظاهراً اعتقاد کهنه پرستانه است اینست که هر فصل، هر نما هر - حرکت که در فیلم گنجانده می - شود اگر مربوط به پیش برد داستان و شناخت قهرمانان داستان نباشد یکسره بی اعتبار و بی ارزش است و این ایده و نظر امکان ندارد در فیلمی که برای اثبات نظریه‌ای سیاسی ساخته می شود گنجانده شود یا در فیلمی که باصطلاح ذهنی است یا در فیلمی که فقط برای ثبت تفکرات یا رویاهای مولف فیلم در مجامع روشنفکرانه ساخته می شود. البته تمام این موارد را میتوان بنحوی در فیلم جا داد ولی وقتی فیلم سازی بارزش قصه نفس خود قصه پی برد و فهمید که اگر یک انسان را با خصوصیات خاصی در قصه‌ی خود خوب، سنجیده بپرورانند تلویحاً شامل تمام آن نظرهای خاص خواهد بود.

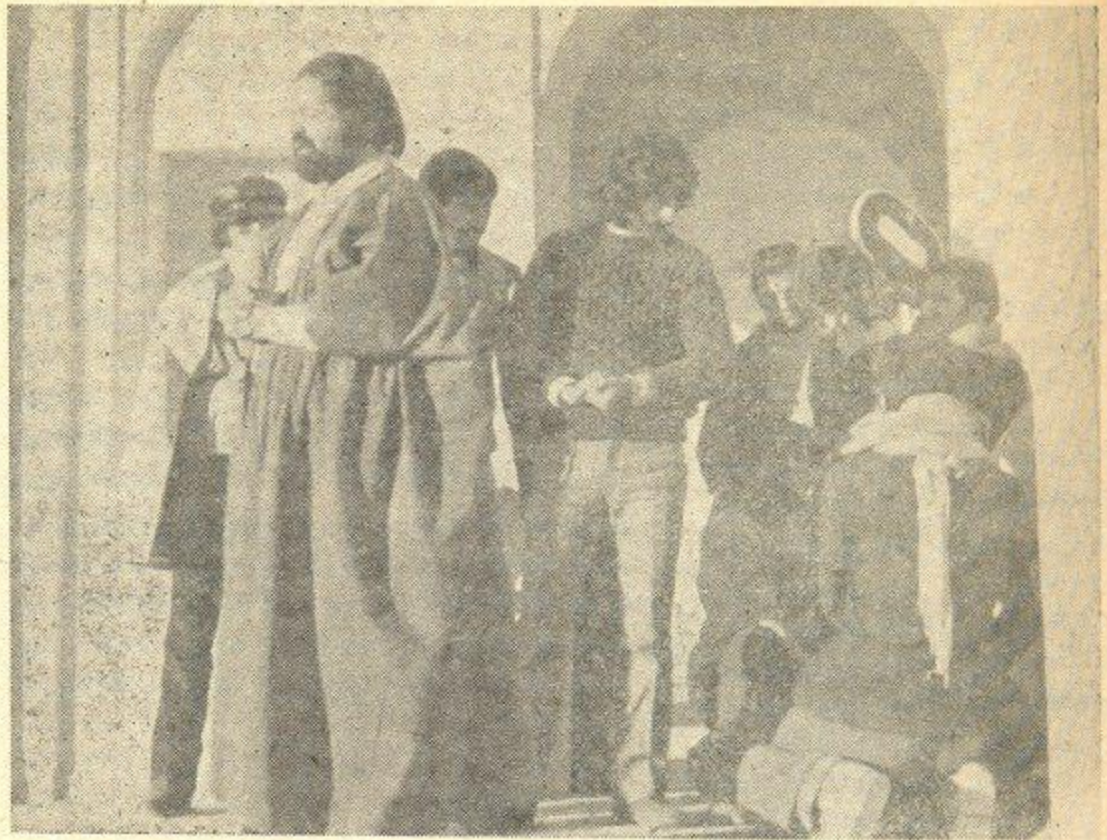
پوریا - در بعضی از فیلمها ایجاب می کند که تماشایی در باره‌ی آن فکر کند
طاهری - متوجه منظورتان نمی شوم
پوریا - منظورم اینستکه در بعضی از فیلمها مولف از تماشایی میخواهد فکر کند.
طاهری - در این صورت مولف فیلم نمی سازد، بلکه جدول کلمات متقاطع طرح می کند. یا مسئله‌ای ریاضی مطرح می کند هنرمند ادعای استنباط تازه‌ای

از جهان را دارد که وسایل بیانش فورمولهای خاص و نسبتها و ارقام خاص نیست بلکه چیزهای دیگر است، مثلاً نقاشی را در نظر بگیرد.

- خود سینما و فیلم را در نظر میگیرم.

- الان میرسیم. فقط یک توضیح کوچک مانده، ببینید، بعضی از تابلوها بر مبنای شناخت و آگاهی قبلی بشر کشیده شده‌اند. درخت، خانه، بدبختی، جنگ، زن لخت، حالا استنباط منحصر بفرد هنرمند نقاش از نظم ذاتی بشر در ترکیب تازه‌ی این اجزاء در تابلویش تجلی می کند، مثل «رامبراند» که مثل یک دانشمند نسبتهایی که برای بیان فورمول جدیدش انتخاب می کند دیگران هم اون نسبتها را می شناسند. آدم مین، تاریک و روشنی، زن آبستن، مرد عضلانی و غیره... ولی بعضی دیگر از تابلوها برای بیان آن نظم که در ذهن هنرمند نقاش جرقه می زند و می خواهد بیان کند از نسبتها، مقادیر، دیگری استفاده می کند و تابلویش بدون آنکه واسطه‌ای انتخاب کند مثل گلابسی، صندلی، گربه می آید بی واسطه با طرح و رنگ و سایه روشن و کمپوزیسیون حرف خودشو میزنه و هنر خودشو نشون میده و تماشایی بی غرضی که قصه تخطئه کردن ندارد جلوی تابلومی ایستد و همان کار ریاضی دان را انجام میدهد، یعنی اول تمام آگاهی قبلی خودش را از دنیای فانی و باقی بپا در می آورد و آنها را در ذهنش با هم ترکیب می کند و میخواهد تابلو را با ذهن خودش آشتی دهد. منطبق کند، با شناخت خودش مقایسه کند، آنرا تجزیه تحلیل کند یا مخیله اش آنرا هم ضم کند و هر چه که بتواند بشود گفت. تمام این تلاشهای تماشایی تابلورا میتوان «درک نظم تابلو» اسم گذاشت

یعنی تماشایی می خواهد آن هماهنگی و نظمی که در خودش سراغ دارد در تابلو هم ببینید، روی آن پیاده کند یا برعکس آن نظم و هماهنگی که در تابلو وجود دارد در خودش بپا در آید اگر تابلو توانست همان نظمی که در خودش وجود دارد در ذهن تماشایی هم ایجاد کند. هنرمند نقاش از اینکه توانسته نظم را بیان کند و ترکیب جدیدی از نظم کلی جهان محدود در یک قاب نقاشی تحویل تماشایی بدهد موفق است. و ماحصل درک نظم تماشایی فهمیدن نیست لذت بردن است. شما اگر جلوی یک تابلو که فقط شامل طرح و رنگ و کمپوزیسیون است بایستید و بگوئید همینجوری خوشم می آید نمیدونم چرا؟ تا بلور رسالت خودش را انجام داده و شالذت بردید، درست همان کاری که جلوی یکی از تابلوهای «قهوخانه‌ای» انجام می دهید، یعنی لذت بردن نه فهمیدن ولی... ولی در مورد سینما و موسیقی قضیه تمام نمی شود. سینما و موسیقی هنر زمانی هستند یعنی یک تماشایی میتواند جلوی تابلو ساعتها، روزها، سالها بایستد و نظم خاص تابلورا در



این درویش نوعی اطلاع یا آگاهی از سر نوشت قهرمان داشته باشد و سعی کند بنوعی جلوی فاجعه را بگیرد. نتیجتاً نوعی همسرا بسبک نمایشهای یونان باستان در داستان بوجود آمد تا آن بعدی از ذهنیت تماشاچی باشد که میدانند سرانجام چه خواهد شد و سعی می‌کند چگونگی ماجرا را دنبال کند.

درست مثل تراژدی‌های کلاسیک که مردم قصه را چندین بار شنیده‌اند و چیزی از نمایش که آنها را جلب می‌کند خود قصه نیست بلکه چگونگی انجام آن است. ضمناً اینم تا کید کنم که با این حرف‌ها قصدم این نیست که از فیلم دفاع کرده باشم یا نقائصشو توجیه کنم.

پوریا - پس سناریو خیلی تغییر کرد؟

طاهری - تا حدی که به خط داستان لطمه نخورد و سعی شده در ترجمه‌ی سناریو به تصویر بیان ساده و حتی الامکان بدون تکلفی پیش گرفته بشود باضافه چند تجربه کوچک در تکنیک .

پوریا - چه نوع تجربه‌هایی؟

طاهری - مثلاً سعی کردم دکوپاژ صحنه‌ها بصورت گفت و شنود انجام بشود، یعنی هر صحنه از فیلم بدو عامل متضاد تقسیم شده و متناوب این دو عامل نشان داده می‌شود، گاهی اصطلاحاً با این روش «مونتاژ موازی» می‌گویند که من به کل صحنه‌ها تعمیمش دادم و شما در فیلم بجز چند صحنه‌ی کوچک که اجبار حکم می‌کرد هیچ پلانی از اتفاقی را نمی‌بینید که ادامه‌ی پلان قبلی باشد مگر آنکه میانش اتفاق دوم صحنه را دیده باشید... و یا تجربه‌ی دیگر در مورد ریتم فیلم است که سعی شده حالت شتابی داشته باشد، یعنی شدت و خشونت و تحرک صحنه‌ها بطور تصاعدی بالا برود و هر صحنه مقداری از صحنه‌ی قبل سریع‌تر و با تحرک‌تر باشد، و این تجربه با حالت غنائی و عاشقانه‌ای شروع میشود و به یک کشتار ختم میشود که تا اندازه‌ای از خود سناریو متأثر است .

آتش می‌زند، نقشه می‌کشد می‌چنکد، چاره‌جویی می‌کند، خلاصه می‌جوشد و انصافاً «صابری» در تجسم این شخصیت حسابی موفق بود. من و تهیه‌کننده مجبور شدیم برای توجیه‌ی اشخاص ماجرا کمی با آنها برسیم، سخت‌ترین کار مادر مورد شخصیتی بود که شیر اندامی ارائه داد و بر حسب معیارهای دراماتیک شخصیتی خنثی، بی‌خون، غیر مؤثر در داستان بود که ما نتوانستیم نقشهای این پرسوناژ را حتی با بازی پر تلاو شیر اندامی بپوشانیم ولی در عوض به پرسوناژ توجه کردیم (بیشتر شریفی چون مطالعات بیشتر در تصوف داشت) درویشی بود که از دور مواظب قهرمان اصلی داستان طاهر (کامی کسروی) بود و گاهی مدافع وی میشد و ظاهراً ارشاد قهرمان داستان را بهمه‌ده داشت. ما بعد از تغییراتی در داستان افسانه‌ای را در داستان بر زدیم که در ماهان شنیده بودیم و نوعی تناسخ بیکی از صوفیان نسبت می‌دادند که در زمانهای مختلف در قالب‌های مختلف حلول کرده و بارشاد خلق پرداخته و مادر آن فاجعه‌ای را که در انتهای ماجرا اثر عاشقانه در کمین بود بزرگتر و کلی‌تر کردیم و گذاشتیم

سناریوی خودتان برای ساختن فیلم استفاده نکردید؟

طاهری - یکی آنکه وقتی من وارد ماجرا شدم که داستان خریداری شده و هنر پسته‌ها انتخاب شده بودند. دیگر آنکه فرق چندانی ندارد شما سوژه‌ای تخیل می‌کنید، سپس آنرا می‌پروانید و تعمیم و بسط می‌دهید و تبدیل به سناریو می‌کنید حالا اگر مجبور شدید از سوژه‌ای که بشما پیشنهاد می‌کنند فیلم بسازید یا سناریویی بشما می‌دهند شما همان حرکات تبدیل سوژه بسناریوی راروی آن انجام خواهید داد. در مورد قصه ماهان نیز همین شد. سناریویی که برای فیلم شدن بمن سپرده شد سکانس بندی شده و دیالوگ بود. حتی بعضی اوقات نوع عدسی دوربین فیلمبرداری نیز انتخاب شده بود. بعد از خواندن سناریو موضوع سناریو را مشخص کردم، قصه‌ای عاشقانه که به فاجعه‌ای منجر می‌شود. بر اساس تقویت و استحکام بیشتر سناریو سکانس بندی راجا بجا کردم. تنها شانس من شریفی بود که خودش قصه نویس است. مثلاً غنی‌ترین شخصیت نمایش فیلم نوکری بود که برای دست یازی به هدف خودش که در فیلم رذیلانه جلوه می‌کند خودش را به آب و

خودش پیاده کنه و لذت ببرد ولی آهنگساز یا فیلمساز موظف است، مجبور است، مسئول است، متعهد است که هر چه می‌خواهد بیان کند در طول زمان محدود و خاصی بیان کند .

حالا برمی‌گردیم به جمله شما که در بعضی از فیلمها مولف از تماشاچی می‌خواهد فکر کند می‌خواهم بگویم که اگر مولف فیلم بیان استنباط خاصی از دنیا، جهان، کائنات، نظم جدیدی از روابط انسانی است که بوسیله یک تداوم تصاویر، که ما قصه اسمش را می‌گذاریم در نظر داشته باشد و بخواهد منظورش کاملاً در طول مدت زمان معینی (طول فیلم) به تماشاچی القاء شود منتقل شود، در وجود ذهن وی ته نشین شود باید و حتما هدفش لذت جوئی، لذت یابی تماشاچی باشد نه فکر و تفکرات و از این قبیل. واقعا روده درازی شد ولی خیال می‌کنم فیلمسازانی که تماشاچی را متهم می‌کنند که فیلم وی را نفهمیده‌اند بیشتر مانه می‌خواهند ضعف و بی‌هنری خود را در بیان تصور خویش در یک تداوم تصویری که همان فیلم باشد پنهان کنند.

پوریا - چرا در مورد قصه ماهان نیز مثل فیلم قبلی از

خوانندگان مجله پا تو کفش هنرمندان کردهاند

● خوانندگان مجله ما علاوه بر آنکه يك علاقمند نشريه خودشان هستند ، يك همكار نیز برای ما بحساب می آیند . بهمین سبب است که ملاحظه می کنید صفحاتی از فیلم و هنر را بمطالب و نظریات آنها اختصاص داده ایم .
با ایجاد صفحه «شوخی، شوخی» گروه زیادی از خوانندگان مجله برای این صفحه لطیفه فرستاده اند که ما بی مناسبت ندیدیم که بمناسبت شماره نوزده قسمتی از آنها را جمع آوری و درج کنیم تا در این روزهای خوش بهار که طبیعت بهمه لبخند میزند ، شما هم با خواندن آنها اندکی از وقت خود را به تفریح بگذرانید و احیاناً آنها را برای خنده دیگران بازگو کنید .

نوع خون

معلم : بگو ببینم اگر خون محمدر با خون علی که از هر لحاظ با هم تفاوت دارند مخلوط کنیم تشکیل چه خونی را میدهد .

سهیلا: تشکیل خون محمدر را خواهد داد !

آش ارزان قیمت

«میری» با تمام عصبانیت صاحب کافه را خواست و گفت :
- آقا، توی این آش موش انداخته اید؟
- با پانزده ریال لابد توقع داشتید که ما بچه گربه بماندازیم !

در بست

بيك ایما نوردی در شمیران ماشین کرایه ای را صدا زد و گفت :
- چند میگیری که ما را تا شهر برسونی ؟
- در بست پنج تومان .

- پس در شو باز می زاریم بیست و پنج ریال حساب کنید !

باپست سفارشی

ایرن - زری من بچشم خود دیدم که پستیچی ترا بوسید .
زری - آره خانم آخه یکی از اقوام با پست سفارشی يك بوسه بر اینم فرستاده بود .
دو، دو تا، سه تا

زری خوشکام - سکیه خجالت نمیکشی که شکمت بالا آمده و آبستن

هستی ؟

سکیه - چرا باید خجالت بکشم، خوب شما هم که آبستن هستید !

زری خوشکام - احمق من از آقا آبستن شده ام !

سکیه - خوب منم از آقا آبستن شده ام !

علامت بهبودی

«نیلوفر» برای عیادت شوهرش «ساجدی» به بیمارستان رفت و از دختر خوشگلی که نرس بود پرسید:

- حال شوهر من چطور است؟ آیا بهتر شده یا نه ؟

- حالش خیلی بهتر شده کم کم دارد لب مرا گاز میگیرد !

شماره تلفن

معلم از «بابک کریمی» پرسید :
بگو ببینم حضرت موسی در چه سالی متولد شد ؟

بابک - نمیدانم آقا
- مگر کتابت را نخوانده ای در صفحه ۳۴ سال تولدش نوشته شده

بابک - آقا خواندم ولی خیال کردم شماره تلفن حضرت موسی است

ارسالی: حسن جغتائی

مشکی یا بور

روزی ظهوری بدیدن فردین رفت ولی برخلاف همیشه او را کسل و افسرده دید با ناراحتی پرسید:

ظهوری - چی شده رفیق، چرا اینقدر کسلی باز فیلمت کار نکرده ؟

فردین - نه بابا ، از دست زخم دلخورم
ظهوری - مکه چی شده ؟
فردین - یه منشی تازه برام استخدام کرده

ظهوری - خوب اینکه غصه نداره ، بگو ببینم مشکلی است یا بور ؟
فردین - هیچکدوم، کلداش طاسه ، یه مرد طاس !

ارسالی: سعید ثغابنی

برندگان نسیه

روزی «میری» در خیابان قدم می زد که صدای بلیط فروش دوره گردی را شنید که فریاد می کرد : برندگان پس فردا !

میری جلورفت و گفت :

- آقا برندگان امروز را نداری !

ارسالی: محمدرضا حبیبی

در منزل

مادر زن - خوب داماد عزیزم از کار و بارت که راضی هستی ؟

ساجدی - آره دیروز یه ماشین لباسشوئی خریدم کارم یه خورده سبک شده !

ارسالی: حسین قدیمی

فروزان

از نظر طبقات مختلف

جاهل: عقشه ، باید دورش

گشت !

پینه دوز: کفشه ، باید قالبش

کرد !

بیکار: کاره ، باید دنبالش کرد !

معلم: محصله ، باید هر سال

تجدیدش کرد !

شوفر: اتوله ، باید هلش

داد !

عمله: چپقه ، باید چاقش

کرد !

پاسبان: مجرمه ، باید تمقیبش

کرد !

عابد: مهره ، باید ماچش کرد !

کاسب: جنسه ، باید آبش کرد !

کارمند: حسرتسه ، باید

خوردش !

آشپز: خورشته ، باید چشمیدش !

ارسالی: سعید ثغابنی

«همایون» که ناچار بود برای آپاندریسیت حادث تحت عمل جراحی قرار بگیرد بدکتر جراح گفت :

— آقای دکتر ، خیلی مهترسم چه کار کنم ؟

جراح برای دلداریش گفت :

— عملت خیلی ساده است ما بشما آمهول بیهوشی می زنیم اول حس می کنی که من کم کم دارم کوچک و کوچکتر می شوم و بعد از لحظه ای باز دوباره مرا می بینی که بتدریج بزرگ و بزرگتر می شوم وقتی که من با اندازه طبیعی رسیده ام کار بیهوشی تمام شده و وقتی از بیهوشی در آمدمی می بینی که کار عملت هم تمام شده است .

اتفاقا همینطور هم شد همایون اول حس کرد که دکتر کوچکتر میشود و پس از مدتی باز دید که دکتر بزرگ و بزرگتر شد تا به اندازه طبیعی رسید ، اما با کمال تعجب دید که دکتر ریش دارد و شاخهای کوچکی روی کله اش هست ؟

همایون — آقای دکتر ولی چرا فیافات اینقدر تغییر کرده ؟

صدائی با قهقهه جواب داد ، دکتر کیه ؟ من دربان جهنم هستم .

ارسالی : عباس روشن

آدم بهداشتی

قوجعلی که روی صندلی اتوبوس نشسته بود هر چند دقیقه یکبار با صدای زنده ای دماغش را بالای کشید . خانمی که پهلوئی او نشسته بود ناراحت شد و بالاخره گفت :

— آقا شما دستمال ندارید .

— چرا خانم دارم ولی از نظر بهداشتی آنرا به آدمهای غریبه نمیدهم !

ارسالی : فرامرزمعتقدی

وقت مناسب !

«سپهر نیا» را بجرم سرقت نزد بازپرس می برند و بازرس از او سؤال میکند :

— توبه چه جراتی نیمه شب از دیوار خانه مردم بالا رفتی ؟

سپهر نیا نگاهش ترحم انگیز به — بازپرس کرد و گفت :

— قربان ، دفعه پیش که خدمتتان رسیدم شما فرمودید که روز روشن هم آدم می رود دزدی ؟ من هم این دفعه شب رفتم و باز شما ایراد میگیرید ، پس من بچاره چه وقت باید بکارو کاسبی خودم برسم .

ارسالی : انیسه روشن زاده

معلم حساب از «بابک گریهی» پرسید :

— فرض کن هزار تومان با بهره صدی ده بپردت قرض داده ام پس از یکسال پردت چه مبلغی باید بمن پس بدهد

بابک — هیچی !

— چطور هیچی مثل اینکه درست را حاضر نکرده ای !

بابک — نخیر آقا من درسم را خوب یاد گرفته ام ولی شما مثل اینکه پدرم را نمی شناسید !

فایده استخوان

معلم در کلاس راجع به حیوانات چنین می گفت :

— از پوست آنها پالتو و چرم برای کفش درست میکنند و از گوشت آنها برای خوردن استفاده می کنند و استخوان آن هارا در این وقت معلم روبه «لیلا فروهر» کرده و گفت :

— لیلا ، تو بگو ببینم استخوان آنها را ...

لیلا — هیچی خانم ، کنار بشقاب می گذارند !

در عالم مستی

«سپهر نیا» و «گرشا» در حال مستی با هم صحبت می کردند

گرشا — من ترا ، دوتا می بینم

سپهر نیا — من هم همینطور ترا دوتا می بینم

گرشا — خیلی خوب شد ، پس حالا بیا چهار نفری بو کر بازی کنیم !

ارسالی : عباس روشن

زغال برای کرسی

کاردان : زرزغالها رو خر خر خر واری چن چن چند میدی ؟

زغال فروش کم حوصله — نمی خواد بخری !

کاردان (باعصبانیت) — چه چه چه چه چرا ؟

زغال فروش — واسه اینکه تا تو بخوای حرفتو بزنی زمستون تموم شده !

ارسالی : الهه ف

شبی آغاسی — البته قبل از مشهور شدن — توی لاله زار میرفت که بیک قنادی رسید و دید شیرینی های خوبی دارد اما او پولی برای خرید آنها نداشت با این وجود نمیتوانست دل بکند ناچار رفت داخل مغازه و گفت : يك من شیرینی بکش که همینجا بخورم .

آغاسی پس از خوردن شیرینی ها به قناد بازبان بی زبانی حالی کرد که پولی بابت آنها همه شیرینی ندارد و بهتر است او را تحویل پلیس دهد اما قناد بجای اینکه به کارگزارش دستور داد تا کتک مفصلی با او بزند و سپس ولش کند

آغاسی پس از خوردن کتک گفت :

— اگر شیرینی هارا با این قیمت میدهی ، پس دو من دیگر هم بکش تا ببرم منزل !

ارسالی : محمد حسن آرامش

گر به یتیم

روزی «میری» دریکی از قهوه خانه های قدیمی مشغول خوردن دیزی بود که دید گر به ای دورا دور مواظب اوست . ناراحت شد و به قهوه چی گفت :

میری : آ ، این گر به گر سنه است ، کمی بهش غذا بدید

— اون گر سنه اش نیست

میری — پس برای چی اینطور می کنی ؟ نگاه می کنی ؟

— واسه اینکه شما دارید پدرش را می خورید !

ارسالی : ماشاء الله مطابی

فکر بکر

حسن رضائی و میری به نقشه جهان نگاه میکردند . صحبت از دریاچه هاشد .

حسن رضائی گفت :

— دریاچه ما زندان بزرگترین دریاچه جهان است و برای همین با آن دریا

می گویند اما بدبختانه آب آن سال به سال کمتر میشود .

میری گفت : چه خوب !

— چرا ؟

— چون وقتی خشک شد ما با سانی میتوانیم ماهیهایش را بگیریم !

ارسالی : خسرو زوج



● رضا فاضلی و احمد معینی در صحنه‌ای از فیلم

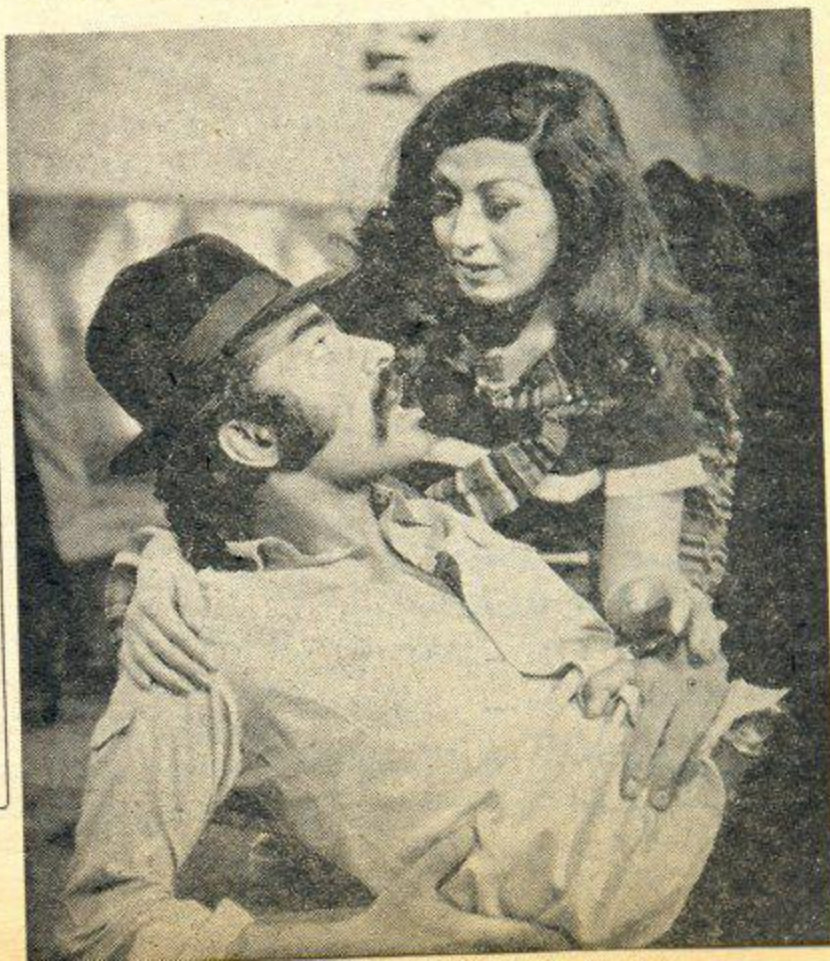
جنوبی

نگرشی تازه بدرون اجتماع

« رضا فاضلی » موفقیت‌های گذشته

خود را تجدید میکند

● فرنگیس فروهر و مرتضی عقیلی در نمایی حساس از جنوبی



● رضا فاضلی که ضمن بازی در فیلمهای ایرانی گهگاه خود دست بساختن فیلمی میزند «راندگان جهنم» همسر حریف، همیشه قهرمان، شب فرشتگان... و در این کار همواره توفیق هم داشته است و فیلمهایش مورد اقبال قرار گرفته است اینبار فیلمی تازه با سبکی جدید ساخته است بنام «جنوبی» که پیش‌بینی میشود در ردیف آثار پرفروش و موفق ایرانی درآید.

فاضلی هر زمان خود برای تهیه فیلمی اقدام نموده دوست داشته کارهایش خارق‌العاده و غیر منتظره باشد به همین جهت لازم بوده تا حدودی «ریسک» بنماید و اینکار را هم بارها کرده است نمونه‌اش فکر تهیه فیلم «الماس ۳۳» بود که نخست او پروژه تهیه آنسرا پی‌ریزی کرد و سپس تهیه‌کنندگان دیگر او را یاری دادند فاضلی برای اولین بار «دارپوش مهرجوئی» را در ایران شناساند و به او برای ساختن فیلم الماس ۳۳ میدان داد درحالی‌که در آن ایام هیچ‌کس تهیه‌کننده‌ای صرفاً بخاطر اینکه «مهرجوئی» را نمی‌شناسد و مدارکش هم برای او ارزشی نداشت به او برای ساختن فیلم کمک نمی‌کردند ولی از آنجائیکه فاضلی بخوبی دریافته بود «مهرجوئی» قادرست کار خوب ارائه دهد با مشکلات زیاد راه او را هموار نمود و خود در این کار پیشقدم شد تا بالاخره بازحمات زیاد و کارشکنی‌های فراوان توانست الماس ۳۳ را جلوی دوربین ببرد و به پایان برساند. فاضلی علاوه بر این کار فیلمهایی هم که خود ساخته است مثل راندگان جهنم، همسر حریف و همیشه قهرمان در ساختن ویا در نحوه‌ی نمایش آن ریسک نموده کما آنکه فیلم «راندگان جهنم» را فقط در یک سینما آنهم سینمایی مثل «پسارک» که رونق و بسازاری نداشت به روی اکران آورد ولی چون حسابش درست بود این فیلم موفق شد.

فاضلی بعد از تهیه فیلمهایی که قبلاً نام بردیم و همچنین شرکت در یک سری فیلمهای گوناگون از سازندگان و تهیه‌کنندگان دیگر فیلمهای ایرانی برای گسترش کارش به ایتالیا سفر نمود و در یکی دو فیلم ایتالیایی مثل «جائی برای مردن پیدا کن» همراه هنرپیشه فقید جفری هانتز و «سکسی سوزانا» شرکت کرد سپس به پاکستان رفت و با همکاری سینماگران این کشور دوست و هم‌جواری خودمان فیلمی بنام «مامور مادر کراچی» را ساخت که نقش مقابل او را ستاره معروف پاکستانی رکسانا بازی کرده است.

فاضلی بعد از تمام این کارها که تا حدودی باعث شهرت و محبوبیتش در خارج کشور شده بود باردیگر فعالیتش را در ایران متمرکز نمود و ضمن بازی در فیلمها باز خود بفکر ساختن فیلم افتاد برای اینکار اقدام به ایجاد یک مرکز فیلمسازی نمود و با همکاری کمال دانش کوروش فیلم را تأسیس کرد که «خردجال» تنها نمره‌ی این کار بود و چون حس می‌کرد تشکیلات کوروش فیلم او را به هدف نهایی‌اش نخواهد رسانید از آن جدا شد و سهامی از مهتاب



● رضا فاضلی - شهناز تهرانی و مرتضی عقیلی در تصویری از جنوبی

فیلم را خریداری نمود و سپس فیلم «جنوبی» را جلوی دوربین برد. جنوبی دارای یک سوژه کاملاً تازه و جدید میباشد که در آن گوشه‌هایی از زندگی خواننده ورقاصه فقید «مهوش» گنجانده شده و آهنگهای معروف او را «شهر» روی صورت شهناز تهرانی ستاره اصلی فیلم خوانده است.

شهناز تهرانی بعد از موفقیتی که در ایفای نقش سامانتا ویا بقولی «رقیه» در برنامه تلویزیونی اختاپوس بدست آورد و همچنین شرکت در یکی دو فیلم مثل صمد و سامی، لیلاولی لی سخت مورد توجه فیلمسازان قرار گرفت ولی چون با پرویز صیاد که در حقیقت معرف او بوده است قرارداد طویل‌المدتی داشت و نمیتوانست بدون اجازه او با کسان دیگر کار نماید لذا هیچگاه نتوانست دعوت تهیه کنندگان و فیلمسازان را برای همکاری با آنها بپذیرد تا آنکه بالاخره چندی پیش مدت قراردادش با صیاد بسر آمد و بلافاصله شروع بگسترش کارش در سینما نمود و از میان پیشنهادات فراوان حاضر به همکاری با مسعود اسدالهی برای بازی در فیلم «علی کنکوری» و رضا فاضلی برای بازی در فیلم «جنوبی» و محمود کوشان برای بازی در فیلم «گدای» - میلیونر» شد که در جنوبی نقش مقابل فاضلی، را بازی نموده و این فیلم اینک آماده نمایش است و بزودی به روی اکران خواهد آمد.

مرتضی عقیلی اسی معروف فیلم «توپولسی» و احمد تفی «مهدی مشکی و شلوار کداغ» که در سال گذشته بشهرت و محبوبیت زیادی دست یافت ایفاگر یکی از نقشهای مهم فیلم «جنوبی» است که با مهارت زیاد آنرا ایفا کرده است.

● رضا فاضلی بار دیگر هیجان و جنجال می‌آفریند.



فرنگیس فروهر همسر سابق مستر کاف اختاپوس «جهانگیر فروهر» و مادر لیلای فروهر که بخاطر یک حادثه عشقی چندی قبل از شوهرش جدا شد در فیلم «جنوبی» نقش مهم و با اهمیت را به عهده دارد که بخوبی از عهده ایفای آن برآمده است.

احمد معینی که سال گذشته بناگاه با فیلم «خاطر خواه» معروفیت زیادی بدست آورد در جنوبی نقش با اهمیت و برتر از نقشی که قبلاً در خاطر خواه ایفا نموده بود به عهده دارد.

جواد تقدسی که مدین قدیمی و با سابقه که مدت‌هاست از صحنه سینما به دور است امسال دعوت فاضلی را برای بازی در فیلم جنوبی پذیرفت و یکی از نقشهای خوب این فیلم را ایفا نمود که پیش بینی میشود برایش پر موفقیت باشد.

رضا فاضلی که خود کارگردانی «جنوبی» را انجام داده است نقش اصلی آنرا نیز بازی نموده که یکی از بهترین نقشهای سینمایی اوست که تاکنون به عهده داشته.

این فیلم را «قاسمی کیان» فیلمبرداری نموده و برای آن «حسین واقفی» موزیک متن ساخته است. جنوبی که «سازمان سینمایی هنر» امور پخش آنرا به عهده دارد اینک آماده نمایش است و بزودی در سینماهای تهران و شهرستانها به روی اکران خواهد آمد.

اسکار فیلم

بعد از موفقیت خیره کننده فیلم «توبه» در

سال گذشته بهار امسال سه فیلم برتر خود را

«پاپوش»، نامحرم و مروارید» تقدیم

علاقه مندان فیلمهای خوب ایرانی مینماید

فیلم را برای بازی در فیلم «پاپوش» پذیرا شد و این بخاطر سوزن جالب این فیلم بود. که سخت مورد توجه او قرار گرفته بود.

ایفاگر یکی دیگر از نقشهای مناسب فیلم پاپوش «مرتضی عقیلی» هنرپیشه‌ی پرکار فیلمهای ایرانی است که سال گذشته با نمایش فیلمهای خوبی مثل مهدی مشکي و شلوارك داغ، تپلی و سرکار غضنفر از او در ردیف هنرپیشگان موفق فیلمهای ایرانی در آمد. نقشی که عقیلی در فیلم پاپوش به عهده دارد بار دیگر خاطره‌ی بازیهای درخشان او را زنده خواهد نمود.

فرشید فرزانه که از دو بلورهای با سابقه است و گهگاه بخاطر تنوع به کارش، در فیلمی هم بازی مینماید ایفاگر یکی دیگر از نقشهای مهم فیلم «پاپوش» است که با مهارت و نرمش خاصی آنرا ایفا نموده است.

توتیا ستاره سکسی فیلمهای ایرانی که سال گذشته چند فیلم منجمله آبخار طلا، تولدت مبارک و فاتح دلها را از او نمایش دادند در پاپوش نقشی به مراتب بهتر از کارهای قبلی خود به عهده دارد که ضمن ارائه سکس بازی یکدست و خوبی را هم ارائه داده است.

فرنگیس فروهر ستاره با سابقه فیلمهای ایرانی که امسال بخاطر جدائی از همسرش «جهانگیر فروهر» از زنان جنجال آفرین سینمای ایران بود در پاپوش ایفاگر نقش سکسی که ضمن آن بازی جالبی را هم ارائه داده است میباشد و بالاخره «شیراندازی» هنرپیشه موفق و پرکار سینمای ایران که

نقش اصلی پاپوش را رضا بیک ایمانوردی مرد هزار چهره‌ی فیلمهای ایرانی با تپتی کاملانو و تازه بازی کرده است که بدون شك یکی از بهترین بازیهای دوران سینمایی خود را در این فیلم ارائه داده است زیرا او وقتی حاضر بجای در این فیلم شد بقدری از سوزن آن خوش آمده بود که خود را برای ارائه یک بازی خوب و درخشان آماده میدید. زن مقابل بیک ایمانوردی را در این فیلم ستاره مشهور تبلیغات «هاله» به عهده دارد که این اولین فیلم سینمایی اوست هاله بعد از موفقیت بی نظیری که از راه فیلمهای تبلیغاتی بدست آورده بود بخاطر دارا بودن چهره زیبا و اندام متناسب همواره مورد توجه فیلمسازان قرار داشت و از او برای شرکت در فیلمهای زیادی دعوت بعمل آمدولی او از میان تمام این دعوتها، دعوت اسکار

● هاله، ستاره فیلمهای تبلیغاتی در اولین فیلم خود بنام «پاپوش»

● بیک ایمانوردی - توتیا در صحنه‌ای از فیلم «پاپوش»



پاپوش

● نخستین فیلمی که «اسکار فیلم» امسال به روی اکران خواهد آورد «پاپوش» نامدارد که دارای سوزن‌های پر تحرک در زمینه‌های عاطفی و کمدی است.

سناریوی این فیلم را احمد نجیب زاده که تا کنون سناریوی بسیاری از فیلمهای موفق مثل «مهدی مشکي و شلوارك داغ، عروس فرنگی، تولدت مبارک و خیسلی فیلمهای دیگر را نوشته است» تنظیم نموده و بکارگردانی اسماعیل پور سعید کارگردانی که فیلم توبه را هم اوساخته بود» توسط جمشیدالوندی فیلمبرداری شده است.

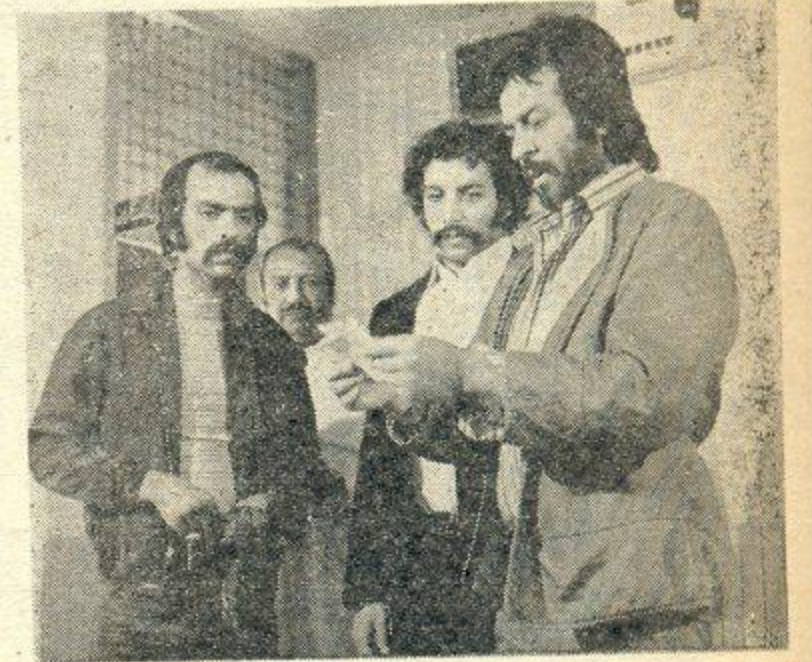
● اسکار فیلم از مراکز معتبر تهیه و پخش فیلمهای ایرانی است که سالهاست با مدیریت خوب «خسرو تسلیمی» در این زمینه فعالیت دارد و با تهیه فیلمهای پر فروشی چون تکخال و توبه بکار خود ادامه داده است.

اسکار فیلم که راس آن دو تهیه کننده خوب فیلمهای ایرانی «زریباف و نورسته‌فر» قرار دارند اینک بعد از موفقیت خیره کننده فیلم «توبه» که بهار گذشته با شرکت ایرج قادری، زری خوشکام و بهمن مفید نمایش داده شد برای بهار امسال سه فیلم تازه آماده دارد که در ذیل به معرفی آنها می‌پردازیم.





● «ملوسک» ستاره سکسی تازه سینما... در صحنه‌ای از فیلم نامحرم
● ایرج قادری، مرتضی عقیلی و بهمن مفید در صحنه‌ای از فیلم نامحرم



سال گذشته بازیهای خوبی در فیلم‌هایی مثل جهنم باضافه من، تنهامردمخله، عطش از او دیدیم در پاپوش ایفاگریک نقش کاملاً استثنائی است که بطور حتم موفقیت تازه‌ای برای او در بر خواهد داشت.

برای پاپوش «حسین وثاقتی» موزیک متن ساخته است و این فیلم که هم‌اکنون آماده نمایش است بزودی به روی اکران خواهد آمد.

نامحرم

● دومین فیلمی که امسال اسکار فیلم بروی اکران خواهد آورد «نامحرم» نام دارد این فیلم قبلاً مناجات نامداشت

نامحرم از یک سوژه عاطفی و انسانی برخوردار است که با شیوه‌ای نو توسط سعید مطلبی به رشته تحریر درآمده است و «عزیزاله بهادری» کارگردان، وقتی که سال گذشته «همیشه قهرمان» را از او

دیدیم آنرا با سبکی تازه کارگردانی نموده است.

در نامحرم که «مازیار پرتو» در تهران و اصفهان فیلمبرداری نموده است عده‌ای از هنرپیشگان محبوب و با سابقه و همچنین یک چهره جدید نقشهای اصلی را بعهده دارند که بترتیب عبارتند از:

ایرج قادری هنرپیشه موفقی که سال گذشته همکاریش با اسکار فیلم در فیلم «توبه» ثمره خوبی داشت در نامحرم ایفاگر نقش اصلی فیلم است که بار دیگر خاطره بازی در فیلم «توبه» او را زنده خواهد کرد...

و نقش مقابل او را چهره جدید «ملوسک» که اینک اولین فیلمش «جبار، سرچوخته فراری» روی اکران است بعنوان دومین فیلم سینمایی خود بعهده دارد.

ملوسک که از یک چهره زیبا و اندام متناسب برخوردار است از

«پاپوش» به روی اکران خواهد آمد.

مروارید

● سومین فیلمی که امسال اسکار فیلم به بازار خواهد فرستاد «مروارید» نام دارد که سناریوی آنرا «علیرضا نوری زاده» نوشته است و بکارگردانی اسماعیل پورسعید توسط رضامجاوری «فیلمبردار» و کارگردانی که در فیلم تو به هم همکاری داشتند، در بندرعباس و تهران فیلمبرداری شده است مروارید از یک سوژه کاملاً نو و تازه برخوردار است که نوری زاده همکاری مطبوعاتی مامدتها روی آن فکر نموده و کار کرده است بهمین جهت امید میرسد مروارید از این نظر از ویژگیهای خاصی برخوردار باشد نقشهای اصلی فیلم مروارید را عده‌ای از هنرپیشگان

سرشناس فیلمهای ایرانی بعهده دارند که از میان آنها باید از «منوچهر وثوق» هنرپیشه جوان و موفقی «بهمن مفید» آکتور صاحب نام سینمای ایران، هاله ستاره معروف تبلیغات که بعد از پاپوش اینک در دومین فیلم خود بازی نموده است «آرزو» ستاره‌ای که سال گذشته چند فیلم خوب منجمله «تپلی» را از او دیدیم «سیامک اطلسی» دوبلور با سابقه که گهگاه در فیلمی هم بازی مینماید مثل توبه و مردی در طوفان و اینک مروارید، محمدعبیدی هنرپیشه قدیمی سینما و ثنائی «کارمن» و بالاخره مرتضی عقیلی اسی معروف تپلی واحد تنفی معروف مهدی مشکی نامبرد.

مروارید که قرارداد است برای آنحسین وثاقتی موزیک متن بسازد اینک آخرین مراحل فنی اش طری میشود و بعد از فیلمهای پاپوش و نامحرم به روی اکران خواهد آمد.

● منوچهر وثوق، بهمن مفید در صحنه‌ای از فیلم «مروارید»



سازمان سینمایی سپنتا

ضمن تبریک سال جدید به همه علاقمندان سینمای ایران دو فیلم بزرگ
و آماده نمایش خود را معرفی مینماید.

بولوار الیزابت - خیابان هما - ساختمان اول - شماره ۱۰ - تلفن ۶۲۴۷۶۸

سیروس افوهی محبوبترین چهره

تلویزیونی پس از موفقیت در نقش پهلوان

نایب در اولین اثر سینمایی خود همراه با

منوچهر طایفه بازیگر

آرزنده سینما

باجناق

محمول
سازمان سینمایی سپنتا



فیلمبرداری و پرماژ با شرکت هنرمندان محبوب سینما و تلویزیون

لیدا دانشمند - دلایله - ناره - آقا جانی - مهدی فر - ماهید - ورشوچکا

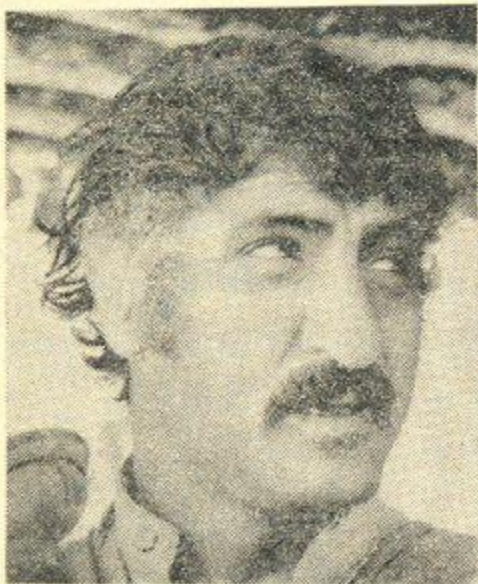
مهربان - هنرمند خردسال امید رضائی

ساریت - فریدون گله - کارگردان و فیلمبردار: حسین قاسمی وند

موبان

فیلمی عظیم با سبکی تازه در سینمای ایران

باهرتمدی: دکریا هاشمی، ایرنا، مرتضی عقیلی، جلال
رخشانی - کهنمونی و هنرمند فردسال «هومن».



کارگردان:

روبرت اکهارت



فیلمبردار:
جمشید الوندی
سناریت:
جمال امید
محصول:
سازمان سینمایی سینما

آزیر فیلم با صمیمانه‌ترین شادباشهای نوروزی محصولات آماده نمایش و در دست تهیه

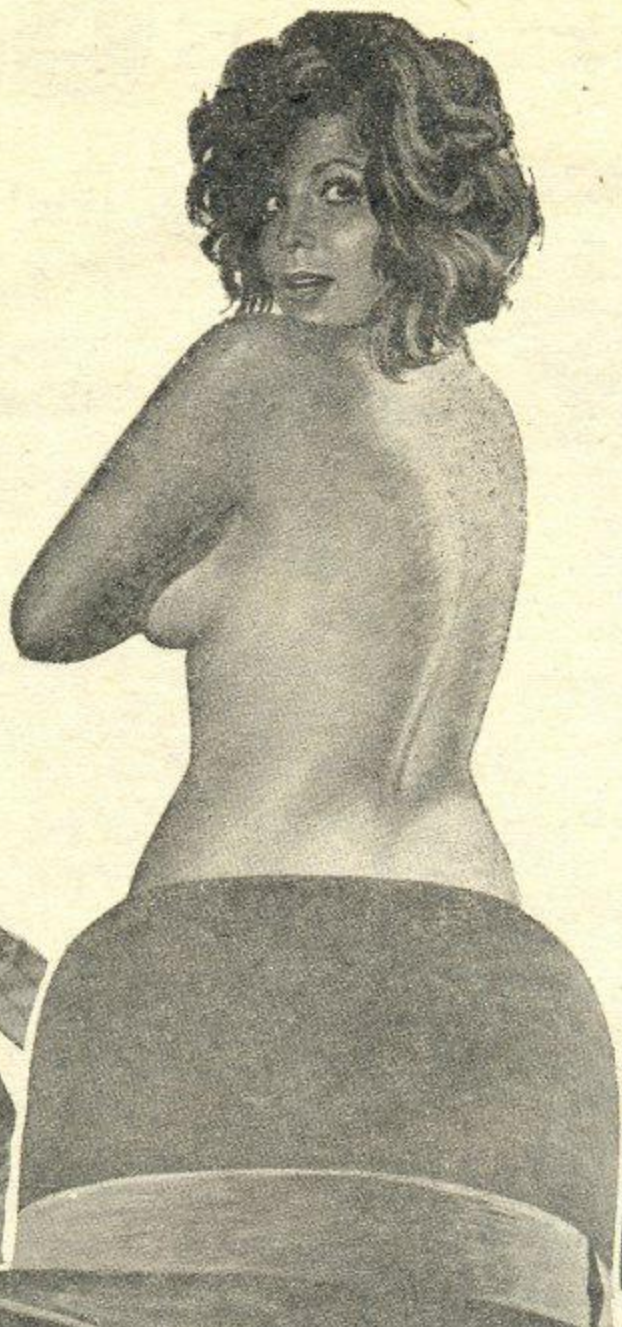
خود را معرفی مینماید.

آزیر فیلم تقدیم میکند

برهن سفید
کتایون
و لی

دو فیلمی

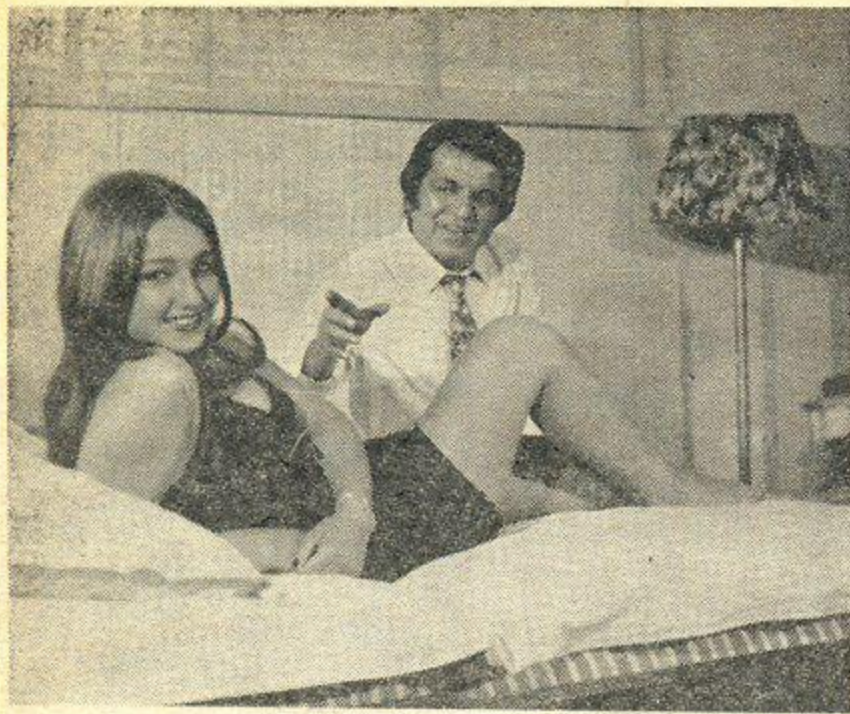
با شرکت
گیتی فروهر
محمد نوردونی
گلپایگانی
باهدر هندی
شهرزاد امتین
مشارکت
حبیب اله کمان
موزیک پلن
حسین واشقی
مدیر تولیدی
کمال مطیعی



مستشو هم

تهیه کننده گان:
ساموئل خاچیکیان
علی اکبر گلپایگانی

ساخته:
رضا صفائی



تابش و شهر آشوب در جعفر جنی و محبوبه اش

تابش - کتایون و میری
در فیلمی کمدی پر تحرک از : رضا صفائی

جعفر جنی و محبوبه به اش

و با شرکت : مرتضی احمدی - اسدزاده و چهره
های جدید منصور خاکی و شهر آشوب

فیلمبردار : کمال مطیعی

تهیه کننده : ساموئل خاچیکیان

سناریست: حبیباله کسمائی

تهیه و پخش : آثر فیلم



بهمن مفید در شیر یا خط

یک فیلم استثنائی از بر خورده خانواده ها

شیر یا خط

با هنرمندی :

ایرن، جمشید مشایخی و بهمین مفید

کارگردان : رضا صفائی فیلمبردار : کمال مطیعی

تهیه کننده : ساموئل خاچیکیان تهیه و پخش : آثر فیلم



الهام و منصور خاکی در پیروزی

بعد از خدا حافظ تهران اینک ..

پیروزی

با هنرمندی :

جمشید مشایخی - ایرن

و با معرفی : الهام، کاوه، منصور خاکی

سناریست ، کارگردان و تهیه کننده، ساموئل خاچیکیان

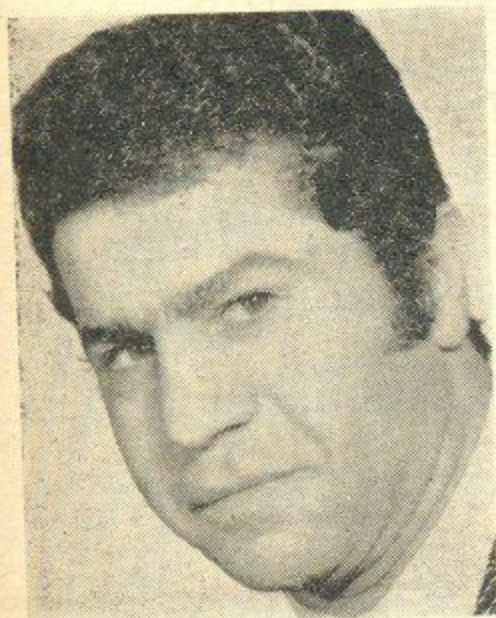
فیلمبردار : کمال مطیعی

تهیه و پخش : آثر فیلم

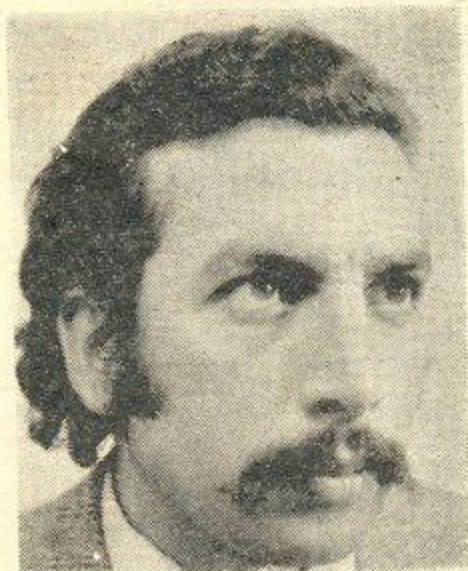
آدرس : میدان فردوسی شماره ۳۵۳ - طبقه چهارم - تلفن ۳۱۲۹۷۵

سازمان سینمایی هلمن ضمن عرض تبریک بمناسبت آغاز سال نو بدینوسیله محصولات در دست تهیه و آماده پخش خود را معرفی مینماید.

در دست تهیه :



حسین گیل



بهمن مفید
در فیلم کاملاً استثنائی



منوچهر و ثوق

معصیت

سناریست :



سیروس الوند

فیلمبردار :



جمشیدالوندی

کارگردان :



کامران فرد کچیان

محصول سازمان سینمایی هلمن

آماده نمایش :



دینا فاضلی
شهناز تهرانی
و تکی عقیقی
در نقش
ایمان
چوادرقدسی

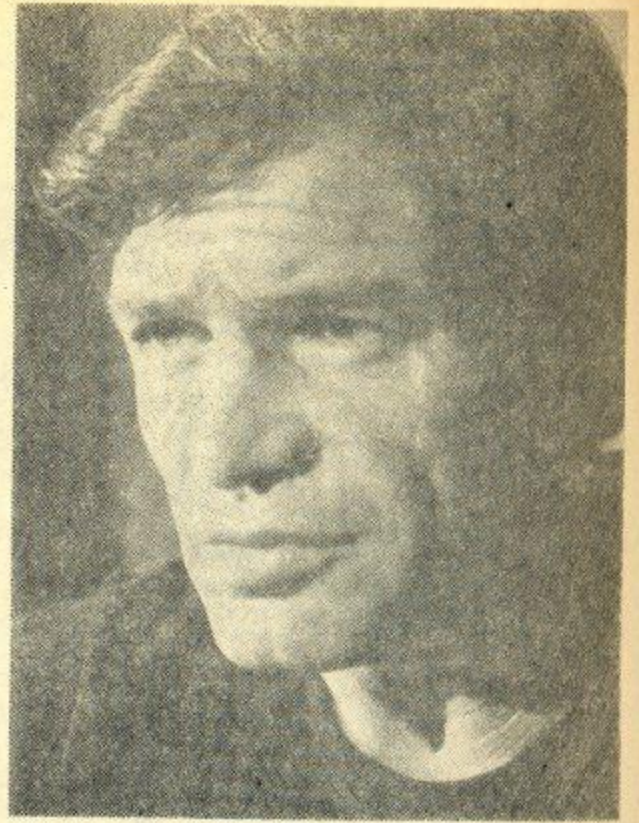
جنوبی

موزیک متن: حسین وانقی
فیلمبردار: قاسمی کیان
کارگردان
محمد رضا فاضلی

پخش: سازمان سینمایی پلن



جميله



بيك ايمانوردی



و بهمن مفید

دراولین ساختهی : سیروس الوند

حجله

مدیر فیلمبرداری : تورج پورمروت
پخش از سازمان سینمایی هلم

سناریست و کارگردان : سیروس الوند
تهیه کننده : ایرج پورمروت

دیاموند فیلم ضمن عرض تبریک بمناسبت آغاز سال نو فیلم در دست تهیه آماده نمایش خود را معرفی مینماید



سعیدراد

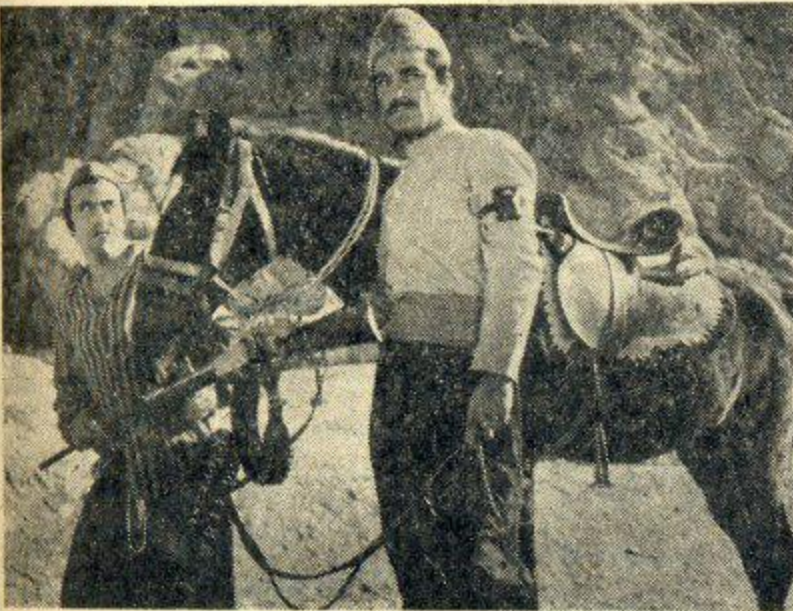
در فیلمی بکارگردانی : ناصر محمدی

قزاق

با شرکت : کارمن اسکوتی ، محسن سهرابی
تجدد ، رضانی فر ، جنتی شیرازی و

منوچهر احمدی

مدیر فیلمبرداری : جمشید الوندی



منوچهر و ثوق

در یک فیلم نو و کاملاً استثنائی

طاهر

با شرکت : مرتضی عقیلی ، لیدادانشور
سیمین علیزاده ، مهری و دادیان ، گرجی ،
سید هادی ، کامران باختر ، ملکی بامعرفی
چهره جدید شهرام و باهنر مندی : بو تیمار
سناریست و کارگردان : قدرت اله بزرگی
فیلمبردار : رضا انجم روز



بهمن مفید و مرتضی عقیلی
در اولین اثر غلامرضا سرکوب

دانش مستی

باشرکت: لیدادانشور - حسن رضیانی - محمد
بانکی - چهره جدید زهره - سرکوب و ژاله
کارگردان: سرکوب مدیر فیلمبرداری: ناصر رفعت



بو تیمار - نیلوفر - فرخ ساجدی - منوچهر
طایفه - محسن مهدوی - اسداله یکتا - عزت اله وثوق -
سمسارزاده - ابراهیم فخار - یدی - فیروز و سرکوب
در فیلم نو و تمام رنگی

۷ مرد دلاور

سناریست و کارگردان: منوچهر قاسمی
فیلمبردار: رضا انجم روز



کوثر

یک فیلم بی نظیر با شرکت هنرمندان محبوب شما
بو تیمار - نیلوفر - سهیلا - منوچهر طایفه
ماشینچیان - یدی - ابراهیم فخار - اسداله یکتا - سمسار
زاده و شیراندازی

سناریست و کارگردان: منوچهر قاسمی
فیلمبردار: قاسمی کیهان



قدرت‌اله بزرگی ضمن تبریک نوروز باستانی بزودی
بهترین اثر خود را تقدیم می‌کند

طاهر

● قدرت‌اله بزرگی از کارگردانان قدیمی و با سابقه فیلم‌های ایرانی است که تاکنون فیلم‌های زیادی منجمله‌گردش روزگار با شرکت منوچهر وثوق کتایون و علی‌آزاد، گناه مادر با شرکت پروین غفاری، خسرو شایگان و سپهر نیا، باشرها با شرکت جمشیدمشایخی، فریبا خاتمی، پیمان، سپهر نیا، لرتا و آرمان و چند فیلم دیگر را ساخته است ولی چون هیچگاه تهیه‌کننده آگاه و خوبی با او همکاری نداشته متأسفانه فیلم‌هایش با آنکه نشانه‌هایی از یک سینمای سالم و خوب را دربر داشته است آنطور که باید و شایدو شایسته کارهای او بوده است مورد استقبال قرار نگرفت. همین مسئله باعث شد تا بزرگی را در ساختن فیلم‌های بعدیش دچار یکنوع‌دقت و سواس نماید و در انتخاب تهیه‌کننده کمی عمیق‌تر فکر نماید و با اینکه این مسئله نا محدودی او را از ادامه کار بازداشت ولی بقدری در این تصمیم باقی‌ماند تا توانست اواسط سال گذشته بسا تهیه‌کننده خوبی مثل «کاظم سالکی» برای ساختن فیلم «طاهر» بتوافق برسد روی این اصل مدتها روی سناریو فیلم تازه‌اش کار نمود و بالاخره اوایل زمستان سناریوی طاهر را برای فیلمبرداری آماده نمود.

طاهر از یک سوژه کاملاً نو و تازه برخوردار است و برای ایفای نقش اصلی آن بزرگی بعد از مدتها مطالعه به این نتیجه رسید که کسی بجز «منوچهر وثوق» چهره موفق و پرکار و پر سوخته فیلم‌های ایرانی شایسته نیست و با آنکه منوچهر وثوق

آنموقع تعهدات دیگری برای بازی در فیلم‌های دیگر داشت ولی چون از سوژه طاهر خوشش آمده بود برنامه‌هایش را طوری تنظیم نمود تا بتواند در فیلم طاهر شرکت نماید و اینکه که بازیش را در این فیلم پایان رسانده از کاری که به عهده گرفته کاملاً راضی و خشنود است.

علاوه بر منوچهر وثوق - هنرپیشگان معروف و محبوب دیگری نیز در فیلم طاهر ایفاگر نقش‌های مهم فیلم هستند که قبل از همه باید از «مرتضی عقیلی» هنرپیشه محبوب فیلم‌های مهیسی مشکلی و شلوارک داغ، تیلی و سرکار عضنفر نام برد، عقیلی مانند همیشه در ایفای نقشی که بزرگی در فیلم طاهر به او محول نموده موفق و درخشان است.

لیدادا نشور ستاره جدید و سکسی فیلم‌های ایرانی که سال گذشته او را در فیلم‌های گروه‌های و نواب دیدیم نقش اصلی ستاره فیلم طاهر را بعهد داده که بعد از تجربه‌ای که از بازی در چند فیلم بدست آورده توانسته بخوبی نقشش را در این فیلم ارائه دهد. سیمین - علینزاده ستاره سکسی و خوش‌ادای فیلم‌های ایرانی که سال گذشته بازیهای خوبی از او در فیلم‌های مرد و مستاجر دیدیم ایفاگر یکی دیگر از نقش‌های اصلی فیلم طاهر است شهرام «اکبر فتحعلی» چهره جدیدی که با فیلم طاهر معرفی می‌شود در این فیلم نقشی مناسب و خوب بعهد داده دارد مهتری و دادیان، کارمن، گرجی، سیدهادی، رز، کامران باختر، ملکی، و بالاخره

● لیدادا نشور و سیمین‌علینزاده در صحنه‌ای از فیلم طاهر



● لیدادا نشور و چهره جدید شهرام در صحنه‌ای از طاهر



عبداله بوتیمار هنرمند پر سابقه و خوب سینمای ایران هر کدام در طاهر ایفاگر نقش‌های گوناگون آن هستند که همگی توانسته‌اند با رهبری بزرگی بازیهای خوب و یکدست ارائه دهند.

برای طاهر «حسین وثیقی» ضمن ساختن چند آهنگ موزیک متن نیز ساخته است که اواسط فروردین ماه ضبط خواهد شد.

مراحل فیلمبرداری و مونتاژ این فیلم را «رضا انجم‌روز» فیلمبردار قدیمی و با سابقه سینمای ایران انجام داده است که بقول خودش طاهر بهترین فیلمی است که تاکنون فیلمبرداری نموده است. طاهر محصولی است از دیپاموند فیلم که قدرت‌اله بزرگی بعنوان بهترین فیلم خود آنرا ساخته است هم‌اکنون مراحل فیلمبرداری این فیلم پایان رسیده و انجم‌روز در استودیو مهتاب فیلم مشغول مونتاژ

آن می‌باشد تا بعد از پایان رسیدن صدابرداری و سایر مراحل فنی تا اواخر فروردین ماه آماده نمایش شود.

بزرگی با آماده شدن فیلم طاهر کارگردانی فیلم تازه‌ای را آغاز خواهد کرد بنام «عمه‌خانم» که سوژه‌ای کم‌دی انتقادی دارد و اینک مشغول مطالعه جهت انتخاب هنرپیشگان آنست.



کوروش «منوچهر قانع» چهره جدیدی که با فیلم «مردی بنام سلطان» معرفی خواهد شد

مردی بنام سلطان

در آغاز فعالیت‌های

سازمان سینمایی

نادر

● نوری کسرائی ستاره نخست مردی بنام سلطان در صحنه جالبی از فیلم



● همایون و عباس مهر دادیان در صحنه دیگری از مردی بنام سلطان



● نادر قانع از فیلمسازانی است که از تئاتر بسینما آمده‌او که سال‌هاچه بعنوان بازیگر و چه بعنوان رژیسور در تئاتر فعالیت داشته است با تجربه فراوان بکار سینما رو آورد و طی سال‌های گذشته چند فیلم منجمله تونل، فریاد انسانها، احمد چکمه‌ای، تهران در ساعت ۱۲ و ... یکی دو فیلم دیگر را ساخته است.

قانع از آن دسته فیلمسازان بدشانشی است که با وجود تجربه و استعداد فراوان ولی در کار فیلمسازی بخاطر موقعیتهای زمانی آنطور که باید و شاید ندرخشیده است و کارهایش هر چند که نشانهایی از یک فیلمساز با ادراک را دارا بود ولی بهمین سبب مورد توجه آنطور که لازمه‌اش بوده است قرار نگرفته است. این بدشانشی بی‌دری که در وهله نخست باید گنااهش را بگردن تهیه کننده‌ی معتبری انداخت که متأسفانه هیچگاه با قانع همکاری نداشته سبب گردید تا قانع برای ساختن فیلمهای تازه‌اش کمی عمیق‌تر فکر نماید و در صورت پیداشدن یک تهیه کننده خوب دست بکار ساختن فیلم جدیدی شود. روی این اصل بعد از مدت‌ها مطالعه با شخصی بنام «حبیب‌الرضائی» برخورد نمود که او را یکی از مشتاقان واقعی سینما یافت و از آنجائیکه میتوانست با پشتوانه خویش تهیه کننده معتبری برای سینمای ایران گردد، قانع همکاری با او را آغاز کرد و با افتتاح یک سازمان سینمایی معتبر بنام «سازمان سینمایی نادر» فعالیت تازه‌ای را جهت ساختن فیلمهای تازه‌اش آغاز نمود.

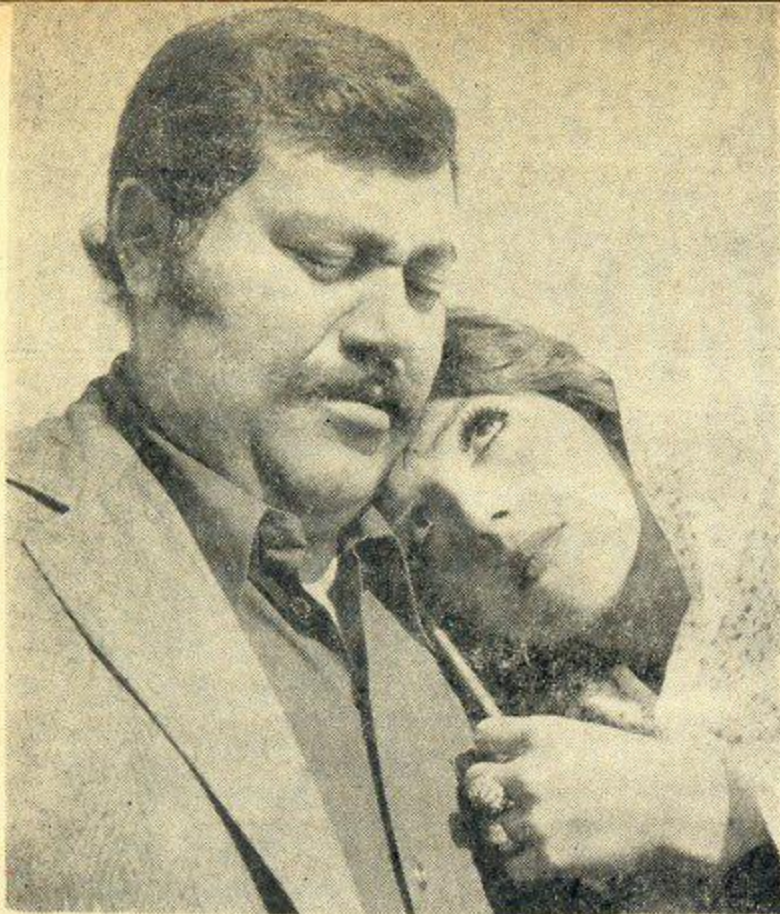
اولین فیلمی که قانع بعنوان آغاز فعالیت‌هایش در سازمان سینمایی نادر تدارک ساختن آنرا فراهم نموده «مردی بنام سلطان» نامدارد که اینک میپردازیم بمعرفی این فیلم و کادر سازنده‌اش.

مردی بنام سلطان

● این فیلمی است سرشار از لحظات عاطفی و انسانی که خود قانع با تفاق کریم فرصت مدتها روی سناریوی آن کار کرده است و اینک که فیلم آماده نمایش است قانع آنرا بهترین فیلمی که تا کنون ساخته است میداند بهمین جهت برایش موفقیت زیادی را پیش بینی مینماید خصوصاً که هنر پیشگان پواساز و محبوبی نیز ایفاگر نقش‌هایش هستند.

همایون هنر پیشه با سابقه و هنرمند سینمای ایران که همه‌او را بعنوان آکتور ورزیده قبول دارند و بهمین جهت نیز در سال قبل بخاطر بازی جالبش در فیلم «دنیای آبی» جایزه سپاس دریافت نمود نقش اصلی فیلم «مردی بنام سلطان» را بعهده دارد که برخلاف نقشهای گذشته این نقشی است جدی بدون هیچ لحظه کمدی و سلطان یکی از دشوارترین شاه‌نقشهایی بوده است که او تا کنون در سینما بعهده گرفته. نقش مقابل همایون را ستاره سکسی و خوب سینمای ایران «نوری کسرائی» بعهده دارد که با انعطاف و نرمش خاص خودش آنرا ایفا نموده نوری کسرائی که او را تا کنون در فیلمهایی چون پنجره، صمد و قالیچه حضرت سلیمان، آبنبات چوبی و چند فیلم دیگر دیده‌ایم یکی از بهترین کارهایش را در فیلم «مردی بنام سلطان» ارائه میدهد.

منوچهر قانع چهره جدید و خوش آتیه‌ای است که با نام مستعار کورش برای اولین بار در فیلم «مردی بنام سلطان» بازی نموده که بخاطر



● همایون و نوری کسرائی در صحنه‌ای از فیلم مردی بنام سلطان



● سارا و اخضرپور در مردی بنام سلطان
● چهره جدید کوروش و نوری کسرائی در صحنه دیگری از مردی بنام سلطان



نقش خوبش در این فیلم و همچنین استعدادی که در ارائه نقشش نشان داده پیش بینی می‌شود تحت رهبری برادرش «نادر قانع» با نمایش فیلم «مردی بنام سلطان» موفقیت خوبی در سینمای ایران بدست آورد.

سارا ستاره سکسی سینما و تبلیغات بعد از مدتی دوری از صحنه سینما بار دیگر با ایفای یک نقش کاملاً سکسی در فیلم «مردی بنام سلطان» کارش را از سر می‌گیرد که امیدمیر و دبا نمایش این فیلم موفقیت تازه‌ای بدست آورد.

اسداله یکتا کم‌دین کوتاه و بازنه فیلمهای ایرانی برخلاف تمام نقشهایی که تا کنون بازی کرده در فیلم «مردی بنام سلطان» یک نقش کاملاً جدی به عهده دارد که بایک صدای دیگر نیز دوبله شده است گفته می‌شود ارائه این نقش موفقیت تازه‌ای را برای اسداله یکتا در بر خواهد داشت.

اخضرپور که از هنرپیشگان خوب تئاتر و سینما است در مردی بنام سلطان ایفاگر یکی از نقشهای مهم فیلم است که مانند همیشه «بقول تابش» بخوبی آنرا ایفا نموده آراسته پول برایش را بران که مدتی بخاطر بیماری ناشی از تصادف سختی که دو سال قبل نمودار صحنه سینما بدور بود بار دیگر با ایفای یکی از نقشهای خوب فیلم «مردی بنام سلطان» بکار بازیگری در فیلمهای ایرانی رو آورده است علاوه بر اینها عده‌ای دیگر از هنرپیشگان سینما تئاتر منجمله عباس مهر دادیان، میری، مهری و دادیان، ولی زاده، صمد صباچی، فرد نوری و... نیز در این فیلم شرکت دارند که هر کدام بخوبی از عهده ایفای نقشهای خود بر آمده‌اند.

مردی بنام سلطان را رضامجاوری و مهندس و اهاک در اهواز فیلمبرداری کرده‌اند و موسی افشار که از تکنیسین‌های بسابقه سینماست این فیلم را مونتاژ نموده. «مردی بنام سلطان» که کلیه امور فنی آن در استودیو ایران فیلم انجام شده است تا اواسط فروردین ماه چاپ و آماده نمایش خواهد شد.

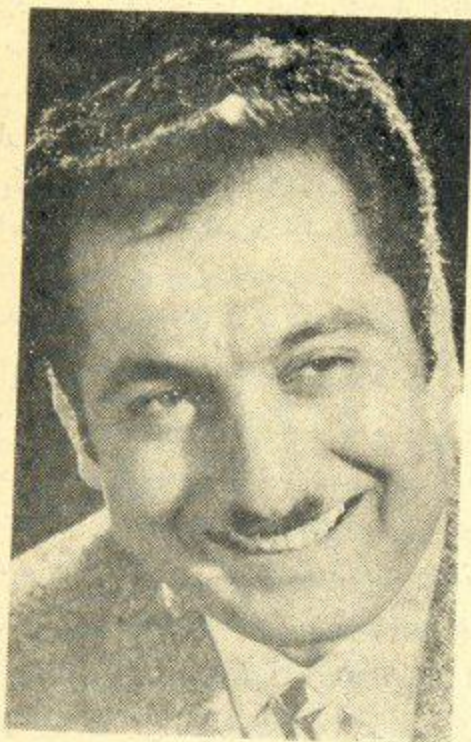
فیلمهای ۵۲ سازمان سینمایی نادر

قانع برای برنامه‌های سال ۵۲ سازمان سینمایی نادر تدارک برنامه‌های وسیعی را پی‌ریزی نموده که نخست از روی داستانی بنام «امشب اشگی میریزد» نوشته‌ی کورس بابائی خود فیلمی خواهد ساخت که فقط بازی سهیلا و کوروش «منوچهر قانع» در آن قطعی شده است این فیلم را که هنوز بازیگران اصلی آن انتخاب نشده‌اند مهندس و اهاک فیلمبرداری خواهد کرد فیلم دیگری هم بنام حجله در سال ۵۲ سازمان سینمایی نادر تهیه خواهد نمود که سناریوی آن را منوچهر قاسمی نوشته و بکارگردانی قانع توسط مهندس و اهاک فیلمبرداری می‌کردد برای ایفای نقشهای اصلی این فیلم تاکنون ایلوش و کوروش در نظر گرفته شده‌اند.

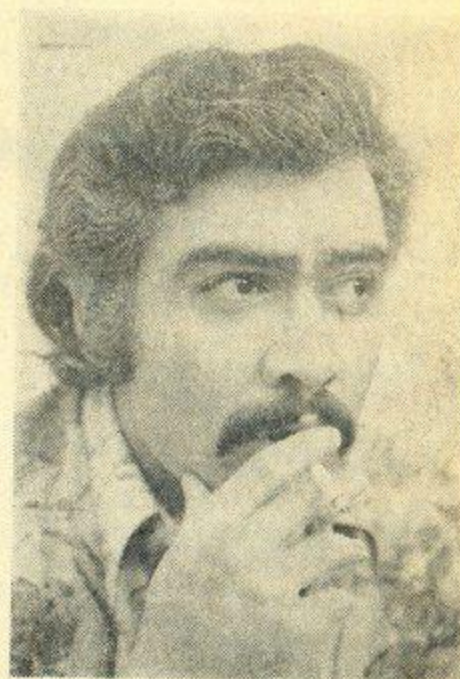
ضمناً فیلم «تهران در ساعت ۱۲» را که سال قبل نادر قانع کارگردانی نمود و به‌علی تهیه‌اش نیمه کاره ماند سال نو تمام خواهد کرد در این فیلم همایون، فریبا خاتمی، علی آزاد، اسدزاده، یسعی، مهری و دادیان، عباس مهر دادیان و عده دیگر شرکت دارند.

در شماره‌های آینده بازم شمارا در جریان فعالیتهای سازمان سینمایی نادر خواهیم گذاشت.

یزد فیلم با صمیمانه ترین شادباشهای نوروزی بزودی یک فیلم کاملاً شاد و تفریحی را تقدیم میکند



میری



منوچهر و ثوق



بهمنیار



پروین ملکوتی



اسداله یکتا

در فیلمی از کارگردان جوان : جواد طاهری

عروس و مادر شوهر

و با شرکت گروهی دیگر از هنرپیشگان معروف سینمای ایران

سناریست و کارگردان : جواد طاهری

مدیر فیلمبرداری : علی صادقی

تهیه کننده : محمد علی بندانی



صحنه‌های ارو تیک «بلوچ» جنجال تازه‌ای در سینمای ایران بوجود آورد!

لخت شدن یا نشدن؟

بخطا طرحه عواملی بوده است .

در گذشته «سکس» حالت معصومانه و پوشیده‌ای داشت . يك حالت سر به تو ، چون زمان لااقل آنطور اقتضای میکرد ، و روی این اصل «غایت آمال» يك مرد بطور حتم این بود که اندام عریان یکزن یا لااقل تصویر عریان او را فراری خود داشته باشد .

بمرور زمان ، سکس از آن حالت معصومانه گذشته خارج شده و مبدل به يك سکس دست و دلباز و قابل لمس شد . یکچور سکس بی-پروا ، و این همان چیزی بوده است که مردها خواستارش بودند .

در سینما این حالت اینک بیشتر دوام دارد . سینمای ام-روز سینمای سکس است ، سینمای تصاویر عریان و اندام برهنه است و دیگر کار بجائی رسیده که فیلمسازان امروزی ، بدون دلیل ، صحنه

● امروزه «سکس» به مفهوم اغواکننده و محرک آن ، دامن گیر جوامع مختلف بشری شده و با همه جا گیر شدن و سپر تکاملی که پیموده ، جای وسیعی در زندگی انسان امروز اشغال نموده است . کمتر فرد یا موردی را می توان امروزه یافت که به نحوی آلوده «سکس» نشده باشد . گرچه سکس لازمه زندگی و دوام اجتماعات انسانی است ، ولی اکنون به سرعت غیر قابل تصویری ، بشر و همه چیز زندگی او را در خود غرق کرده و کهمانده که این «بت های نمایشی» که عقل و ذهن را مسخر می کنند ، او را بفنا بکشاند .

عجین شدن بشر امروز با سکس ، بی شک ریشه ای کهنه دارد . باید گفت که این ریشه ، بار از خلقت موجودی با اسم «زن» ارتباط مستقیمی دارد . ولی باید دید این گسترش بی سابقه و وسیع «سکس»



فرشته جنایی ستاره جدید سینمای ایران مسکتب تازه‌ای در سکس وجود آورده است. وی در صحنه‌هایی از قیامت عشق و برهنه تاظهر با سرعت، برهنه بازی کرده است تصویر وی را در صحنه‌ای از قیامت عشق نشان می‌دهد

عرضه کرد، گذشته از نشان دادن هنر و استعداد در زمینه بازیگری، از نمایش «سکس» هم دریغ نکرد. این مورد بیشتر در باره «فروزان» صدق می‌کند چون در چند ساله اخیر وی بخاطر خواست تهیه کننده‌ها و بخاطر تبحرش در اجرای نقش زنان روسپی، همواره ایفاگر نقش این قبیل زنان بوده و لاجرم می‌بایستی نمایشگر «سکس» هم باشد، وی در این مورد می‌گوید:

«من بندرت قبول کرده‌ام که در یک صحنه کاملاً برهنه بازی کنم. علتش این است که من خجالت میکشم و دلیلش را هم خودم نمیدانم. اما واقعا برهنه بازی کردن باید دلیل و علتی داشته باشد. باید صحنه ایجاب کند.

بهر حال من احساس شرمساری نمیکنم و شاید این موضوع به سنت‌های تربیتی و خانوادگی ما ارتباط داشته باشد. شاید خیلی‌ها مرا ستاره‌ای بی بند و بار بدانند، اما حقیقت این است که من زنی خجالتی و کمرو هستم.»

دو فیلم آخری که از فروزان «ساحره» و «دشنه» نمایش داده شد. تا حدودی نمایشگر صداقت این ستاره در برهنه شدن است. در این فیلم‌ها بخصوص «ساحره» حالت صحنه اینطور اقتضایمیکرد که «فروزان» در قسمتی از لحظات، تقریباً نیمه عریان در کنار «بهن مفید» بازی نماید. بهر حال «فروزان» را می‌توان یک ستاره هنرمند و سکسی محسوب کرد.

ایرن

ایرن ستاره تئاتر و سینما که فعالیت هنری او در تئاتر درخشان بود، در ابتدای کار در سینما آنطور که باید و شاید نتوانست کاری خوب و چشمگیر ارائه بدهد. ایرن در سینما دو دوره فعالیت داشته.

در دوره دوم فعالیت‌های «ایرن» است که او می‌تواند واقعا چهره کند و جزو ستارگان پولساز و هنرمند قرار گیرد. با فیلم «محلل» ایرن گذشته از نشان دادن استعداد و هنر بازیگری، از یک سکس تمیز و قابل توجه برخوردار بود. این فیلم به سانه‌ای شد برای سایر فیلمسازان که از وجود ایرن چشم‌عسل و هنرمند در فیلم‌هایشان استفاده کنند؛ بلوچ - تخت‌خواب سه نفره، حکیم باشی، موهان و برهنه تاظهر با سرعت ...

ایرن در مورد «لخت شدن یا نشدن؟» می‌گوید: «هر چیز را آدم باید بجایش از آن استفاده کند. لخت شدن جلوی دوربین باید دلیل داشته باشد. البته نوع ارائه سکس هم مهم است. من بیخود و بی‌جهت جلوی دوربین عریان

های سکسی در فیلم‌های خود می‌کنجانند، چون دلیلشان اینست که تماشاگر امروز این جور صحنه‌ها را خواستار است و برای دیدن آنها بیشتر در اغاب است.

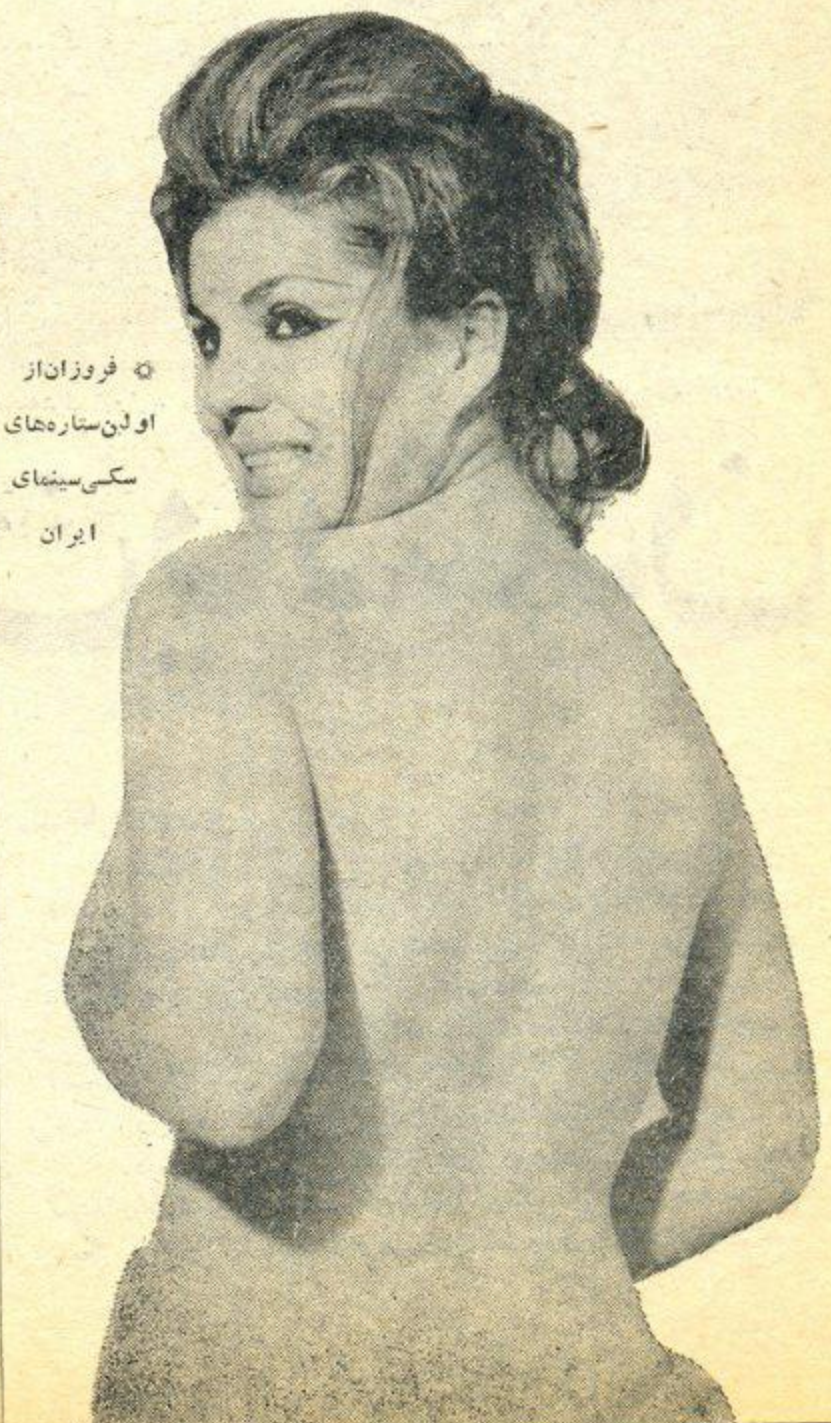
در سینمای ایران، چند سالی است که فیلمسازان این آزادی را تا حدودی بدست آورده‌اند که «سکس» را در فیلم‌هایشان نمایش بدهند. گاهی، حتی چند از فیلمسازان، بی‌دلیل سکس را در فیلم‌های خود نشان میدهند و از این رهگذر، نیت تهیه کننده را بر آورده می‌سازند. برای این منظور از هر جور ستاره‌ای استفاده می‌کنند، ستاره‌هایی که به اصطلاح دارای «سکس آبگوشتی» هستند. اما هستند فیلمسازانی که این‌اواخر فقط بخاطر نفس سوزه و ایجاب صحنه‌ها، ستاره‌ای را عریان می‌کنند و جلوی دوربین می‌فرستند.

در سینمای ایران، ما ستاره‌ای که به تمام معنی «سکسی» باشد و اندامش متناسب با معیار و اندازه‌های سکسی اندام‌ستاران اروپائی باشد نداریم، با این حال در دهه اخیر ستارگان بسیاری چهره کردند و از این راه شهرتی خیره‌کننده کسب کردند. در این مطلب تحت عنوان «لخت شدن یا لخت نشدن؟» مروری می‌کنیم در احوال تعدادی از ستارگان سکسی سینمای ایران و زوهره‌هایی که تحت این تیتر و آن کرده‌اند.

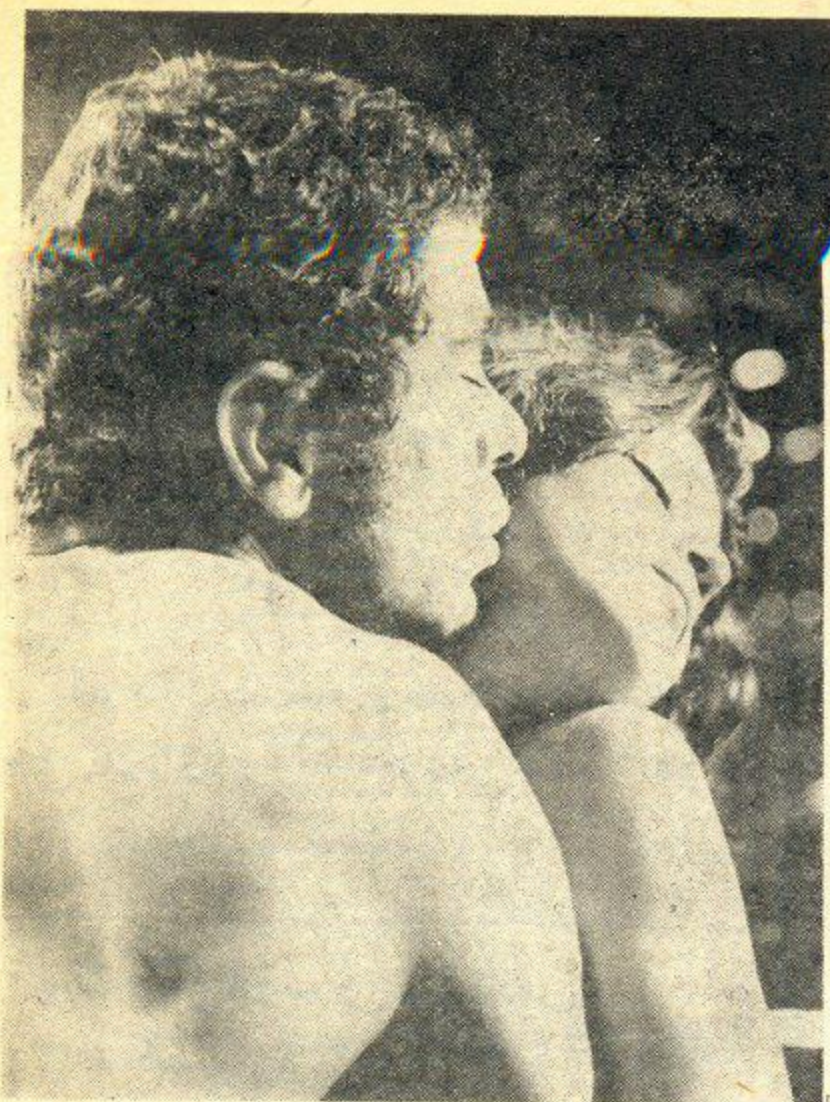


فروزان

فروزان ستاره‌ای است پولساز که با فیلم «انسانها» نخستین بار چهره کرد. طی دهه اخیر به مناسبت نقش‌های بخصوصی که در فیلم‌ها



فروزان از اولین ستاره‌های سکسی سینمای ایران



«زری خوشکام» بی پروا ترین ستاره سکسی سینمای ایران لقب گرفته بود. وی در سه صحنه از فیلمهای رشید با بهروز و توفی، توبه - با ایرج قادری و تپلی با بهرام وطن پرست دیده می شود.



«من اطمینان دارم این مسابقه و حالت برهنگی که اکنون در میان ستارگان سینما رواج پیدا کرده، یک چیز سطحی و زودگذر است و بار دیگر استعداد واقعی ملاک شهرت و افتخار میشود. اما من واقعا از عریان شدن در جلوی دوربین ابا می کنم چون این کار به شهرت و حیثیت من در سینمای ایران لطمه وارد خواهد کرد.»

● زری خوشکام

«زری خوشکام» در اوایل ورود به سینما، چون با محیط آشنایی کافی نداشت وسیله ای شد که از او در فیلم های سکسی استفاده کنند؛ فی المثل فیلم «توبه» نمایشگر صادق این ادعای ماست. در این فیلم کارگردان بشو اکمل از سکس جالب توجه این ستاره استفاده برد. بطوریکه فیلم با فروش خوبی مواجه گردید و فیلم های بعدی «مرد دهن از لپ خند» و «آدمک» و تپلی نمایشگر صادق سکس این ستاره بود. اولین فیلم زری خوشکام «کلمه ای در آن سوی رودخانه» برای زری گو آن که تا اندازه ای موفقیت به بار آورد، ولی این فیلم های بعدی بخصوص «تپلی» بود که پشتوانه مناسبی برای او بوجود آورد. زری خوشکام که تا قبل از ازدواج با «علی حاتمی» به هر پیشنهادی تن در میداد، پس از ازدواج، خودش را کاملا از محیط جنجالی سینمای ایران کنار کشید و بقولی اگر زود تر به علی حاتمی بر خورد کرده بود، شاید فیلم «توبه» هم در کاریر سینمایی او وجود نداشت!

وی در مورد «لخت شدن در سینما» میگوید:

«باید بگویم که من با آدم های روشنفکر و فهمیده زیاد سروکار دارم و تقریبا همه آنها اعتقادشان بر این است که وجود چنین صحنه هایی، هر قدر هم تازه و بدیع باشد، به میزان غیر قابل وصفی از ارزش فیلم می کاهد و آنرا به سطحی پایین کنزل میدهد...»

نمیشوم. سوژه فیلم باید ایجاب کند. متاسفانه در بعضی از فیلم های ایرانی، سکسی که نمایش میدهند دلیل ندارد.

بنظر من سکس نمی تواند مشتمل کننده باشد، زیرا در هر سکسی، جذابیت آن مطرح است، در غیر این صورت نمی توانیم کلمه سکس را بآن اطلاق کنیم.»

● فریبا خاتمی

«فریبا خاتمی» که در سینمای ایران یک ستاره شیک و بیرومد قلمداد شده، این اواخر کمتر در سینما فعالیت دارد و دلیل این عدم همکاری را مسائل عاطفی تازه ای میدانند که در زندگی او رخ نموده است.

از فریبا خاتمی در سال ۵۱ فقط فیلم هایی چون «باشرفها»، «خانوم خانوما» را نمایش دادند که ارزش چندانی نداشتند و در دو فیلم «آمنه» (نا تمام) و «تهران در ساعت ۱۲» هم شرکت کرده است. «فریبا خاتمی» که در میان ستارگان سکسی سینمای ایران شخصیت فوق العاده ای دارد، از ستارگانی است که همیشه تحولات مد و زیبایی را در اروپا دنبال میکند و هر سال با سفر به اروپا، از آخرین نمایشگاه های مد لباس و زیبایی دیدن می کند و ارغوان آنها را برای خود با ایران می آورد.

فریبا که معتقد است اکثر ستارگان سینمای ایران دارای زیبایی مصنوعی هستند و اصولا سینمای ایران فاقد یک ستاره خوش قد و قواره و زیبایی است در مورد «لخت شدن یا نشدن» میگوید:

پوری بنائی

شاید تذکر نام «پوری بنائی» در این رپر تاژ کار عبث و بهوده ای باشد ، امامی توان اضافه کرد که «پوری بنائی» با آنکه از مخالفین سر سخت «سکس» در فیلم های ایرانی است و عقیده جالبی در این مورد دارد ، از ستارگانی هم نبوده است که تهیه کننده یا کارگردان از او توقع نشان دادن سکس داشته باشد و البته بجز چند مورد کوچک در فیلم های «یک خوشگل و هزار مشکل» ، «وزن یکشنبه» و «جهنم + من» در بقیه فیلم هایش ، پوری شیدیدا زیر بار نیت و قصد تهیه کننده ها نرفته و از نشان دادن سکس خودداری ورزیده است . اینک به عقاید او در این زمینه توجه کنید :

«من اصولا با شرکت در فیلم های سکسی بطور مطلق مخالفم و دوست ندارم در فیلم های سکسی بازی کنم . بعقیده من سکس باید در فیلم ها بجا نشان داده بشود نه اینکه ناراحت کننده باشد . در نانی مردم از من چنین انتظاری را ندارند و این مردمند که باید تصمیم بگیرند که هنر پیشه ای چون من می تواند در یک فیلم سکسی ظاهر بشود یا نه . بهر حال لخت شدن در فیلم ها بماند برای آنهایی که در این زمینه استعداد دارند!»

مرجان

«مرجان» که با فیلم «سکه شانس» به سینمای ایران روی آورد ، در بدو فعالیت جود در سینما هنوز عرصه ای برای نشان دادن سکس پیدا نکرده بود . اما با فیلم «غلام ژاندارم» یکبار همه چیز تغییر پیدا کرد و مرجان با این فیلم ، چهره دیگری از سینمای سکسی خود را نمایان ساخت .

مرجان پس از این فیلم ، شهرت زیادی کسب کرد و اعتباری بدست آورد و بعنوان یک نورسیده سکسی ، در فیلم های بعدی از نشان دادن سکس دلپذیر خود ابااء نکرد و این بخاطر خواست تهیه کنندگان و تماشاگران بود .

فیلم «مردی از طوفان» او که در آن صحنه های کاملا عربیانی با سعیدراد داشت ، طوفان! بزرگی ایجاد کرد و جریان انتشار عکس های عربیانی او همراه با سعیدراد ، تا چندی سوژه محافل سینمایی بود .

بهر حال عقیده مرجان در مورد «لخت شدن یا نشدن ؟» چنین است :

«من زیاد از این که در مقابل دوربین فیلمبرداری لخت بشوم احساس ناراحتی نمی کنم ، یعنی ابتدا به نظریه کارگردان فیلم توجه میکنم . اگر او صلاح بداند که در صحنه ای باید لخت بشوم این کار را خواهم کرد . بعقیده من آنهایی که میگویند از این کار خجالت می کشند در حقیقت از خودشان خجالت می کشند نه از نشان دادن آن . بنظر من بدن یک زن زیبا یکی از بزرگترین مظاهر زیبایی های طبیعی است .»

ژاله سام

ژاله سام ستاره ای است کم کار ، بطوریکه تا کنون فقط در ۶ فیلم ظاهر شده است . اولین فیلمش «دیوار شیشه ای» ساخته «خاچیکیان» چندان موفقیتی برای او در بر نداشت ولی بعد با ظاهر شدن در فیلم «پستی» اثر «مهرجویی» توانست وجهه ای در سینما برای خود کسب کند .

ژاله سام که قبل از فعالیت در سینما ، دوره مانکنی را در لندن دیده از ستارگانی است که پیرومد و زیبایی و شیک پوشی است . وی در این زمینه صاحب عقاید و افکار بخصوصی است و ضمنا اعتقاد دارد که ستارگان سینمای ایران هیچکدام در زمینه دارا بسودن یک سکس با معیار متداول ستاره های اروپائی برابر و همسنگ نیستند .

برنامه مخصوص نوروز ۱۳۵۲

شهر فرنگ

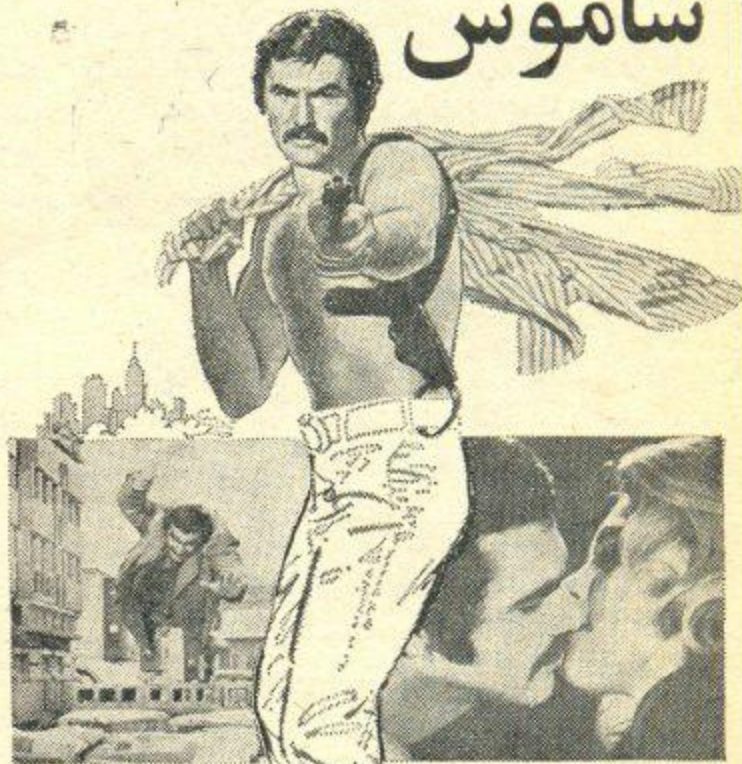
اولین سینمای ممتاز و چهار ستاره ایران

اثر تکان دهنده و هیجان انگیزی که فصل تازه ای در آثار قهرمانی جهان گشوده است .

برت رینولدز - دایان کانون

در فیلم رنگی

شاموس



بکارگردانی : بوزکالیک

محصول ۱۹۷۳ کلمبیا

(SHAMUS)
Passion for Danger



برنامه مخصوص نوروز ۱۳۵۲

سینما

امپایر

یک کمدی تازه و بسیار دلپذیر که در ایام نوروز شادی و خنده شمار اضمین مینماید

کارلو پوتتی تقدیم می کند

سوفیالورن
در فیلم رنگی

مورتادلا
mortadella



باشراکت : ویلیام دوآن - لوئیچی پرویتی
بیسون کارول
بکارگردانی : ماریو مونیچلی
پخش از برادران وارنر

سینما امپایر همه روزه صبحها بلیط رزرو میکند

زاله سام در مورد این سوال میگوید:

« من هیچوقت باین قصد بطرف سینما نیامدم که بان نشان دادن اندام خود شهرتی بهم بزنم. البته من هم شهرت را دوست دارم و هم پول را. ولی سعی می کنم در هیچ فیلمی سکسی بازی نکنم و اگر دیدم که در «راز درخت سنجد» و «یک میلیونر و دو مفلس» تاحدی سکسی ظاهر شدم، باین خاطر بود که سوژه فیلم ایجاب میکرد بخصوص در فیلم «یک میلیونر و دو مفلس» می بایستی در کنار دریا با مایو ظاهر بشوم. »

ارغوان

ستاره تازه سینمای ایران که با فیلم خوب و استثنائی «درشکهچی» ساختهی «نصرت کریمی» به کار سینما کشانده شد، از جهت مورد بخصوصی یعنی «سکس» خیلی زود به شهرت رسید و بعد از «درشکهچی» اینطور ترجیح داد که قسمت هائی از اندام سکسی خود را با توجه به خواست تهیه کننده و کارگردان فیلم هایش، عریان کند و در فیلمها لخت بشود.

با فیلم «میما دگاه خشم» و بعد «یک چمدان سکس» ارغوان گامهای بعدی را در سینمای ایران برداشت. اوج کار او از جهت لخت شدن در مقابل دوربین فیلمبرداری را می توان در فیلمهای تازه اش «گلها و تنها»، «زن باکره» و «پاپوش» دانست.

ارغوان در این مورد میگوید: «از بازی نقش های سکسی، البته اگر سکس ملوس در مد نظر باشد، ابائی ندارم. وی که در صحنه هائی از فیلم «گلها و تنها» لخت و عور ظاهر شده، صولاستاره ای است که ترجیح میدهد از این طرف به شهرت کامل دست یابد. ارغوان همواره روی این موضوع تکیه کرده که باید «سکس» را به موقع و در جای خود نشان داد و بدون دلیل نباید اندام زنی را در سینما عریان کرد و او را جلوی دوربین فرستاد:

«... بطور کلی من از این که در مقابل دوربین فیلمبرداری لخت بشوم و اهنه ای ندارم بشرط آن که این کار در موفقیت و شهرتم هرچه بیشتر و زیادتر موثر واقع بشود! اما در بعضی از فیلم های ایرانی، ماصحنه های سکسی مختلفی می بینیم که بجای آن که تماشاگر را سردوق بیاورد، او را ناراحت می کند و از هرچه، «سکس» و ستاره سکسی است، دلسرد و بیزار میسازد...»

... و آنها که دوان دوان می آیند!

در یکی دوساله اخیر با توجه ای که تهیه کنندگان و فیلمسازان ایرانی به چهره های تازه نشان داده اند، عده ای نوستاره جای چهره های قدیمی را در فیلم ها گرفته اند. این نوستاره ها که غالبا از دنیای تبلیغات وارد کار سینما شده اند، بیشتر با حرفه «سکس» به میدان سینمای ایران گام نهاده اند. نمی چند از آنان بی میل نیستند که بعنوان یک ستاره سکسی قلمداد بشوند و از این راه به شهرت برسند، و عده ای هم برایشان این موضوع کوچکترین فرقی ندارد. از این دسته اخیر، چند ستاره هستند که سابقه طولانی تری از بقیه دارند:

سیمین

اولین چهره ای که زیاد هم جدید نیست «سیمین» این ستاره کم و بیش مستعد سینمای ایران است که بازی خوبی از او در فیلم «رقاص» دیدیم. سیمین خیلی وقت است که تقریبا در سینمای ایران فعالیت میکنند و از کسانی است که ترجیح میدهد اگر در صحنه ای در فیلم ایجاب کند، عریان بشود. فی المثل او را در فیلم «مستاجر» آخرین کارش تا اندازه ای «سکسی» یافتیم. خودش در این مورد میگوید:

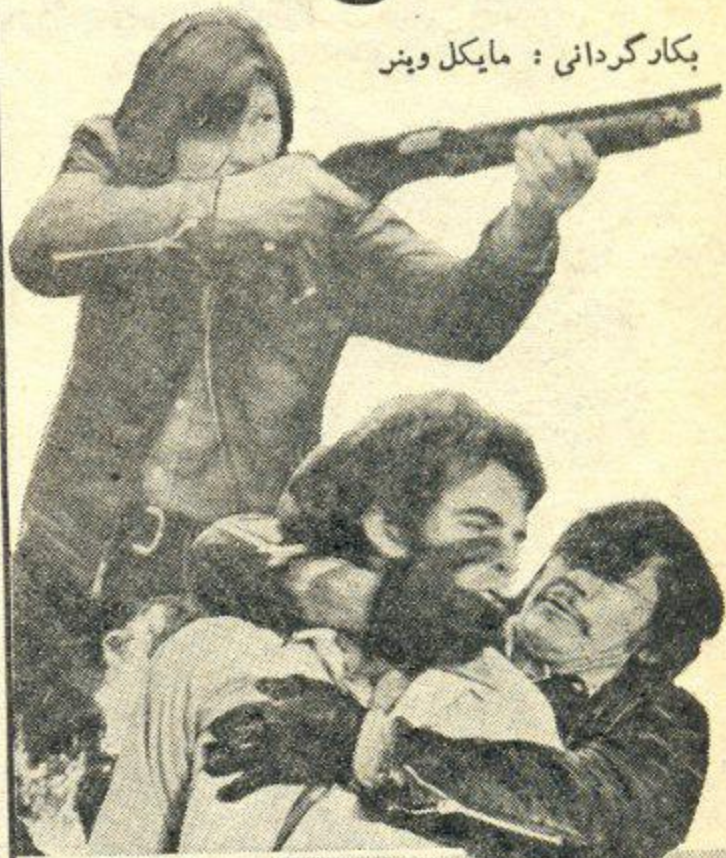
«من تا اندازه ای که رلم ایجاب میکرد در فیلم مستاجر برهنه شدم و باید بگویم اگر رلم ایجاب کند لخت میشوم ولی تا آن اندازه ای که مردم روی من اثر بد نگذارند و نگویند که من

سافترال گلدن سیتی متروپل رویال

چارلز برونسون در فیلم رنگی

متخصص
THE MECHANIC

بکارگردانی: مایکل وینر



با شرکت: جان مایکل وینسنت - کینان وین - جیل آیرلند

زن فاسدی هستیم . البته من تا بتوانم نمیخواهم در فیلمها
عریان بشوم.»

● مهناز

«مهناز» که از دنیای تبلیغات به سینما کشانده شد ، کمتر حاضر شده در فیلمها لخت بشود . می توان گفت که «مهناز» بیش از آن که یک ستاره سینما باشد ، بیشتر یک ستاره فیلمهای تبلیغاتی است و بموازات کار سینمائیش ، فعالیت های تبلیغاتی خود را نیز ادامه میدهد . وی با فیلم «حسن سیاه» کارش را در سینما آغاز کرده است . در این فیلم او نقش رقاصه یک گروه تخت حوضی را بازی میکند که عاشق یکی از هنرپیشه های گروه می شود . مهناز در مورد لخت شدن بسیار نشتن می گوید :

«من اصولا لخت شدن در فیلمها را دوست ندارم . بطور کلی من بشرطی قبول می کنم در فیلمی لخت بشوم که واقعا قانع شده باشم چنین صحنه ای برای فیلم ضروری است و موجب موفقیت بیشتر فیلم می شود . در غیر این صورت و صرفا برای خوش آمد کارگردان یا تماشاگران اصلا حاضر نیستم در مقابل دوربین فیلم برداری برهنه بشوم ..»

● فرشته جنابی

«فرشته جنابی» ستاره ای است که دیدم تفاوتی در باره سینما و فعالیت در آن دارد . با فیلم زن یکشنبه کارش را در سینمای ایران آغاز کرد و با وجود آن که مجرد نبود ، مع الوصف بصورتی دلخواه در صحنه هایی از این فیلم تقریبا عریان ظاهر شد ، اما این صحنه ها کاملا در خدمت تم و سوژه داستان بودند .

فرشته جنابی که ستاره ای است خانه دار و اهل مطالعه و روشنفکر ، به «سکس» با دید تازه ای مینگرد و معتقد است که باید با دلیل از آن در فیلمهای ایرانی استفاده بشود . وی در فیلم «شیرتو شیر» باز چون صحنه ایجاب میکند ، حاضر شد نیمه عریان در آن صحنه ها ظاهر بشود . خودش در این مورد می گوید :

«سکس امروزه در سینمای اروپا و آمریکا بصورت یک پدیده غیر قابل اجتناب از آن ، درآمده است . اصولا سینمای امروز ، سینمای سکس و خشونت است . این خواست همه تماشاگران معاصر است . در ایران نیز از یکی دو سال پیش باین طرف مخصوصا توجه تهیه کنندگان به فیلمهای سکسی جلب شده . من زیاد با تهیه این صحنه ها مخالف نیستم اما بشرط آن که در خدمت محتوی داستان باشد ، نه اینکه بدون دلیل یک صحنه لختی در در فیلم گنجانند ، فقط باین دلیل که تماشاگر خوشش می آید ..»

● ژاله کریمی

ژاله کریمی که وسیله «وحدت» به سینما کشانده شد ، از ستاره های هائی است که در آتیه نزدیک می تواند بعنوان یک ستاره سکسی و دلپذیر قلمداد بشود .

ژاله کریمی با فیلمهایی چون «لج و اجبازی» ، «مرد دوزخ» و «تولد مبارک» که همه آنها ساخته ی «نصرت اله وحدت» هستند ، در سینمای ایران نوید ظهور ستاره ای را داده که از سکس و زیبایی و استعداد به یکسان برخوردار است . وی در مورد «لخت شدن یا نشدن» بطور کلی معتقد است که :

«امروز هم ستارگانی که کم و بیش اندام زیبا و سکسی دارند ، بخاطر شهرت بیشتر مجبور می شوند در فیلمها در صحنه های لخت بازی کنند . اینکار در همه جا معمول است . امروز شهرت برق آسای یک ستاره تازه کار به این سکسی بودن و لخت شدن ارتباط دارد . اما من معتقدم که یک ستاره ، نوبا فی المثل

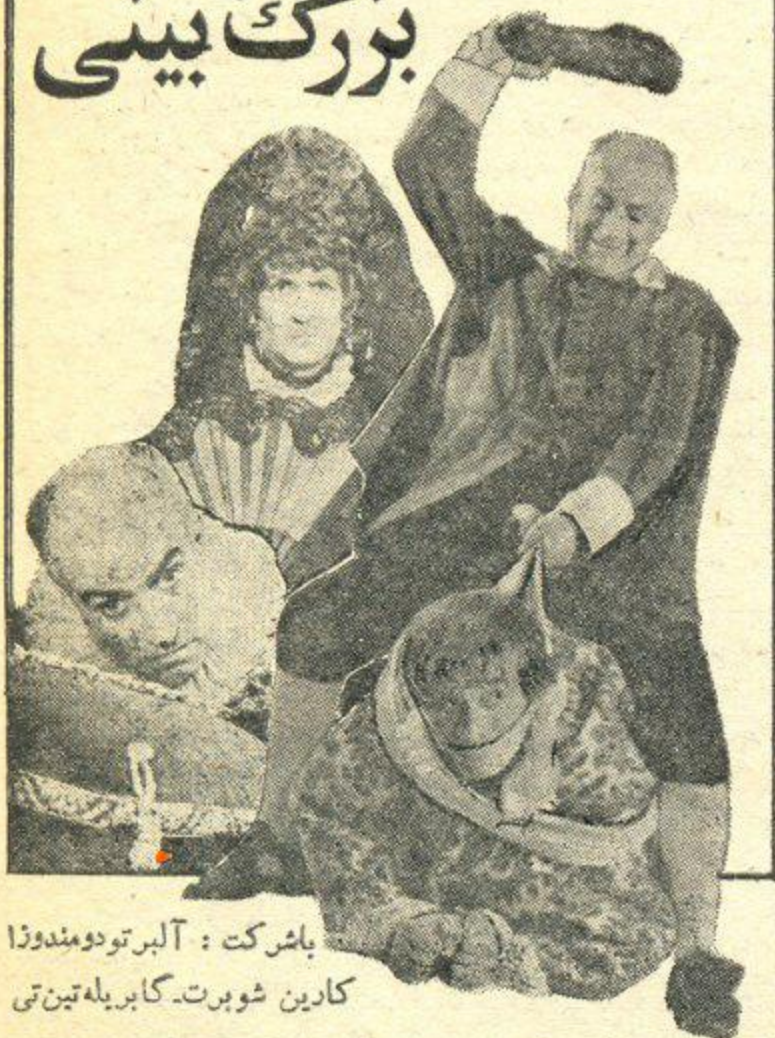
برنامه مخصوص نوروز ۱۳۵۲ سینما

پارامونت

لوئی دو فونس کمدین محبوب سینمای فرانسه همراه با ایومونتان فصل تازه‌ای در فیلمهای کمدی می‌گشاید

لوئی دو فونس - ایومونتان در فیلم رنگی

عقدۀ خود بزرگ پینی



باشرکت: آلبر تودومندوزا
کارین شوپرت - گابریله تینتی

خودم، می‌توانم از راه هنر بازیگری خود، توجه فیلمسازان را دز ایران بخودم جلب کنم. درست است که من هم بی‌میل نیستم تا آنجا که نقش ایجاب می‌کند، در صحنه‌ای از فیلم عریان بشوم، اما اینکار را آن قدرها هم جدی نمی‌گیرم. همیشه باید دید آیا لخت شدن یک ستاره کاری از پیش می‌برد و آن فیلم را با توفیق روبرو می‌کند یا نه؟...

توتیا

«توتیا» یکی دیگر از نوستارهای سینمای ایران است که اخیراً در فیلم «پاپوش» حاضر شده در صحنه‌های عریان بشود. «توتیا» در مورد این سوال ما چنین عنوان می‌کند که: «من مخالف سکس در سینما نیستم. سینمای امر و زینمای سکس است، اما اگر واقعا قرار باشد در سینمای ایران هم از من بعنوان یک چهره سکسی استفاده بشود، من سینما را ترک خواهم کرد. من ورودم به سینما بعنوان یک ستاره سکسی نبوده است و در فیلم «پاپوش» نیز مجبور شدم برهنه بازی کنم. من واقعا به نفس کار علاقه مند نه گسب درآمد از راه برهنگی...»
با این حال «توتیا» هم بدش نمی‌آید که در مواقع استثنائی، در فیلمی عریان بشود. پاپوش بدون شک برای توتیا که با فیلم «آبشار طلا» ساخته‌ی «یاسمی» به سینمای ایران روی آورد، موقعیت تازه‌ای بوجود خواهد آورد.

وجستا

«سوسن سردی» یا «وجستا» ستاره فیلم «صبح روز چهارم» اثر «کامران شیردل» در صحنه‌هایی از این فیلم، بخاطر نفس داستان و موقعیت فهران مرد، مجبور می‌شود تا حدودی نمایشگر اندام سکسی خود بشود. وی قبلاً در فیلم‌هایی چون «خدا حافظ رفیق، تولد میسارک و فاتحین صحرا» نیز بازی کرده است. کار بعدی او در سینما «راه بدکاران» است که «وجستا» باز از اندام سکسی خود در این فیلم مایه گرفته است.
«من مخالف لخت شدن در فیلم‌ها نیستم، اما ترجیح میدهم که این کار را با دلیل انجام بدهم. فی‌المثل در فیلم صبح روز چهارم یا راه بدکاران می‌بایستی از «سکس» من بهره منطقی گرفته بشود و این کار انجام شده است.»

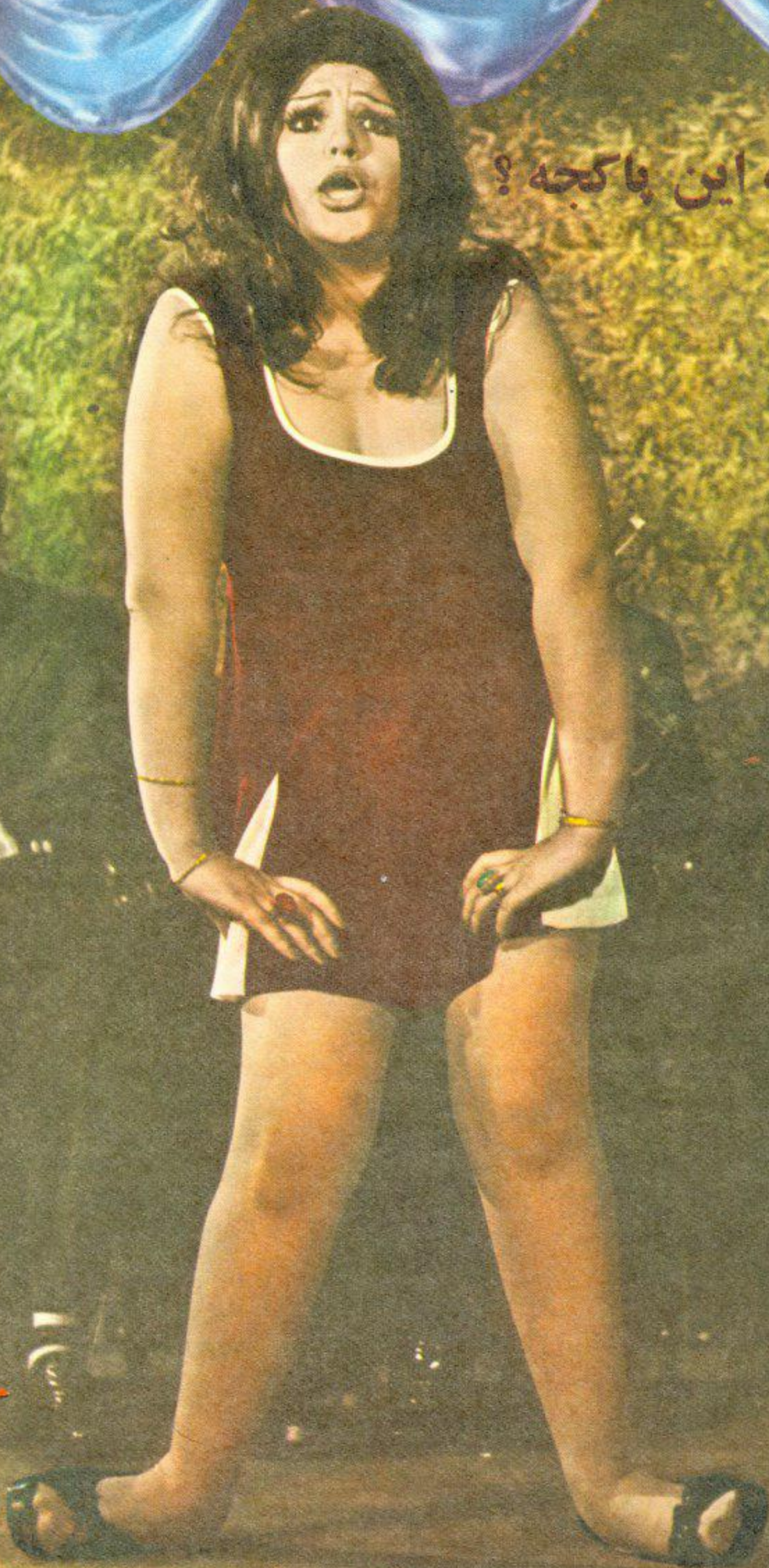
... و دیگران

● ملوسک چهره جدیدی است که با فیلم «جبار، سرجوخه فزاری» رخ نشان می‌دهد. ملوسک در فیلم دوم خود «نامحرم» همراه با ایرج قادری از عریان شدن در مقابل دوربین ابا نکرده است.
«در این فیلم اقتضای کرد که من عریان بشوم. بطور کلی من از بازی در فیلمهای سکسی ابائی ندارم، چرا که خود را یک ستاره سکسی میدانم.»
● هاله ستاره فیلم‌های تبلیغاتی که در این گونه فیلم‌ها از نشان دادن اندام سکسی خود ابائی ندارد با فیلم «پاپوش» به سینما کشانده شده و در قسمت‌هایی از این فیلم لخت می‌شود.
● لیدادا نشور با فیلم «گروهیان» به سینمای ایران روی آورد. در دومین فیلمش «نواب» وی صحنه‌های سکسی جنجالی برانگیزی با منوچهر و ثوق بازی کرد.
● کارمن اسکوتی، با فیلم «زن با کره» بطور کلی حاضر می‌شود لخت و عریان در کنار «منوچهر و ثوق» بازی کند. ناگفته نماند که وی فرزند مصطفی اسکوتی بازیگر و کارگردان تئاتر است.

پایان

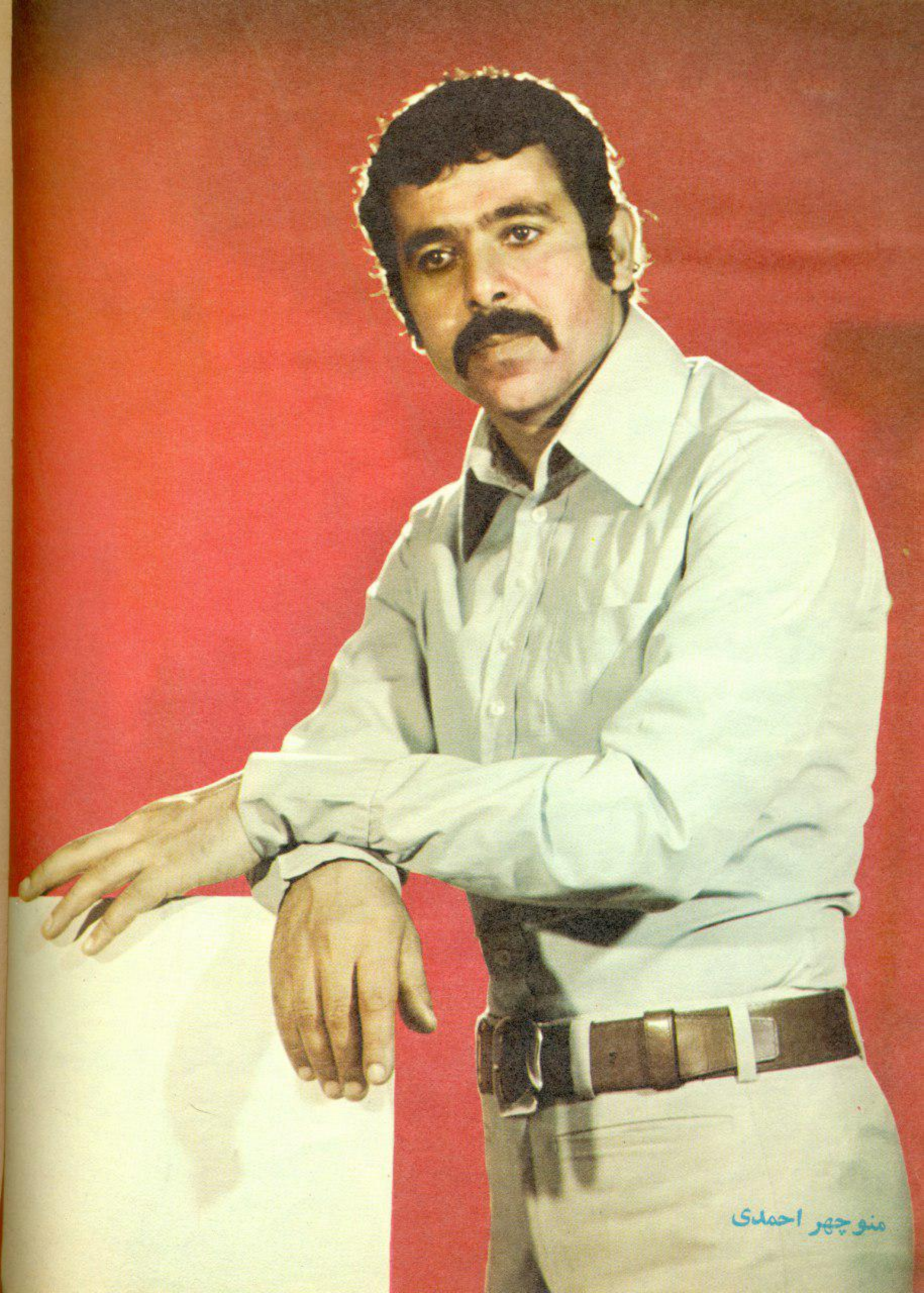


جون من بگین ، این پاکجه ؟





«رضا فاضلی» در فیلم «جنوبی»



منوچهر احمدی

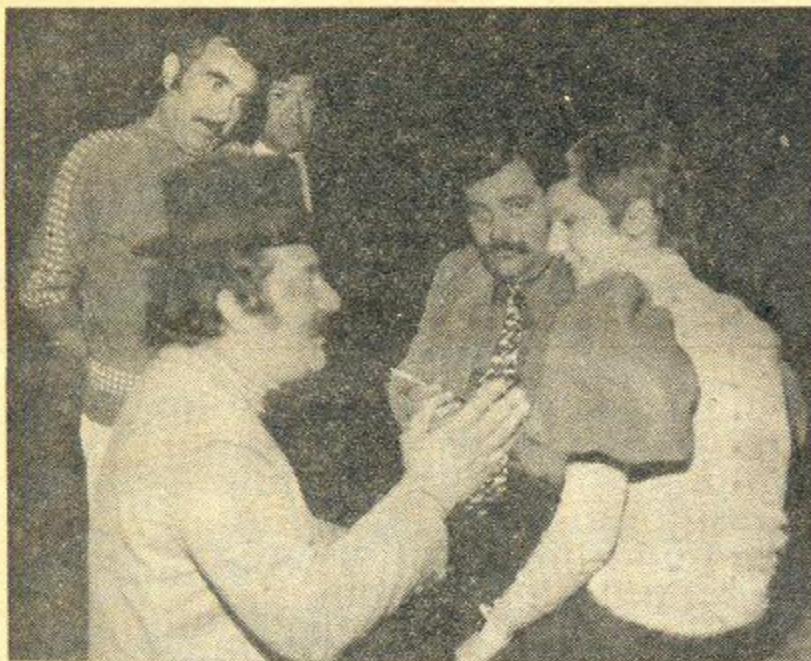
منوچهر نوذری

هنرمندی با مردم و در کنار مردم ...

و سومین فیلمش

خیالاتی

فیلمی از مردم و برای مردم ...



● «منوچهر نوذری» صحنه‌ای از فیلم را برای «همایون» و «گوگوش» تشریح میکند (قاسمی و نند) فیلمبردار فیلم (در گوشه تصویر) نیز به این توضیحات توجه دارد.



● «خوشبخت» در صحنه جالبی از فیلم «خیالاتی»

روز، در فرمی جالب «راهش» و گروهش برای اولین در طریقی دیدنی و بدیع - هر تفسیری عقلی، جوجه جاهل خوشرو در قالبی زنده و پر تحرک فرشید فرزانه، دوبلور و بازیگر معروف و محبوب - ناتاشا ستاره سکسی - میری کم‌دین با نام وهم چنین آرزو - مستانه - خوشبخت - مفیدی - مهری و دادیان و سرکوب بازیگر نقش‌های عمده این فیلم هستند که وسیله «قاسمی و نند» فیلمبرداری شده است. این فیلم که در اوایل سال ۱۳۵۲ به نمایش در خواهد آمد توسط «دیاموند فیلم» توزیع میگردد.

ترکیبی است از تیپ خودش با نوذری، چرا که کارهایش بهر حال از راستای فکر «نوذری» نیز متأثر است و ما در فیلم «همایون» رادر تیپ همیشگی‌اش با خصوصیات موجودی ساده دل، خنده رومی، بی‌تیمم که در عین بی‌منطقی، هزاران حادثه چور و چور را تحمل کرده و به نقش بنده صاف صادق خدا ظاهر می‌شود موجودی با خیالات جالبش، دنیای رویایی جهت تماشاگرش پدید آورد.

در «خیالاتی» سومین تجربه «منوچهر نوذری» بجز «همایون» اینها بازی دارند، «پوری بنائی»، در نقش جالب

● «منوچهر نوذری» سال - های سال است که با مردم و کنارشان بوده است، از جمله هنرمندان شوخ و متواضع که علی‌رغم سختی - هائی که در زندگی عادی و هنرش داشته، هیچگاه از کوشش و تلاش در نیافتاده و زمانی طولانیست که مردم علاقمند و بی‌گير کارش هستند. «نوذری» با سینما، تئاتر و رادیو تلویزیون بزرگ و بزرگتر شده و در همه زمینه‌ها نیز تلاش صائب بوده و بهترین کار را صورت داده است، «نوذری» که این روزها برنامه‌های صبح جمعه برنامه شما و رادیو اجرا می‌کند، با تیپ سبک «دردونه» آغاز کرد ولی هیچگاه اسپر و در قید این تیپ، مورد توجه عامه نبوده و اگر این روزها در اوج محبوبیت بر سر می‌برد، به جهت یگانگی، یسکندستی است که «نوذری» شخصاً در کارش با حساسیت و دقت بی‌گيرش بوده و نه عوامل کاذب و جنجالی ...

«نوذری» سینما را در همه زوایا و گوشه‌هایش می‌شناسد و در همه مراحل و جهاتش تلاش کرده، تک‌تک میداند، دور بین می‌شناسد، سناریو نویس خوبی است و رهبر با تسلطی در اخذ بازیهای خوب و رهبری بجا و درست همه عوامل سازنده یک فیلم مورد توجه ... و آماده بودن در این زمینه‌ها نتیجه کوشش بی‌ادعا و عمیق «نوذری» طی سالها (حدود پیدایش سینما در ایران تا امروز) و به علاوه نزدیکی با عامه و اطلاع از خواستهای طبقات مختلف است ... اطمینان از آن گاهی همه جانبه سبب شد که «منوچهر نوذری» بعد از سالها به فیلمسازی روی کند و فیلم «ایواله» با همین امکانات محدودش، چون حال و هوای روز

«نوذری» با آشنائی کامل به اصول کمیک و عواملی که سبب شادمانی تماشاگر می‌گردد با یاری «همایون» در این جهت بدرستی کوشیده، بخصوص اینکه «همایون» پس از سالها تجربه تیپ خود را زیر و بم کارش اطلاع دارد و نیک میداند که تماشاگر فیلمش از او چه میخواهد و به علاوه مراقب است که سبک کارش رادر قالبی جالب حفظ کند و همین راز موفقیت همایون طی سالهای گذشته بوده و می‌بینیم که علی‌رغم فراز و نشیب‌های فراوان سینما در ایران، «همایون» کماکان موفق باقی مانده است ...

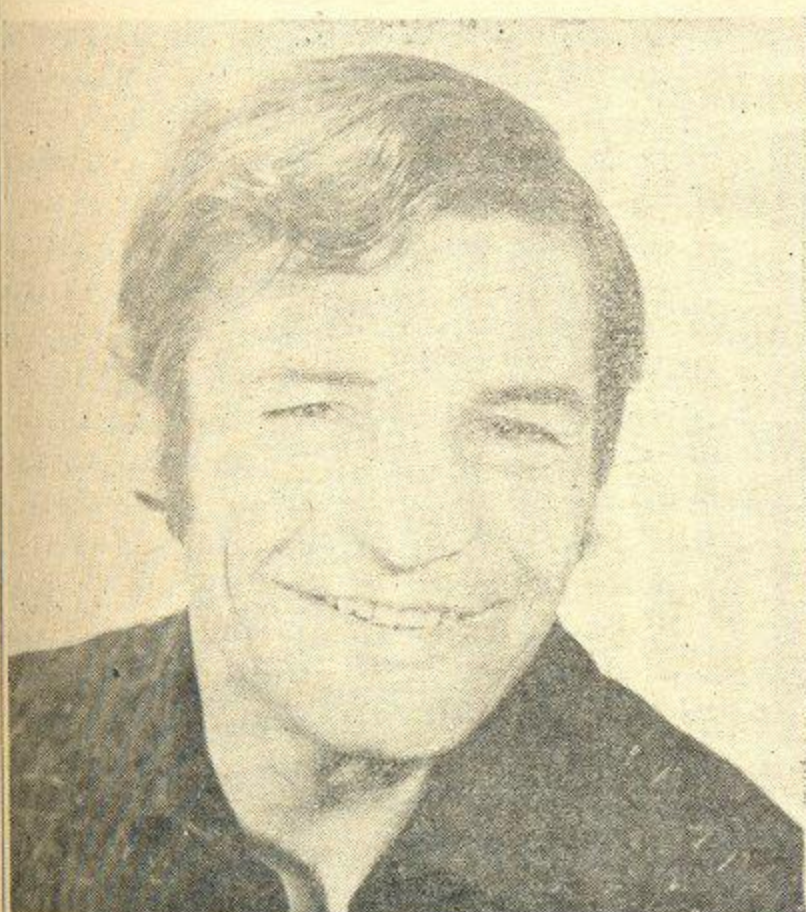
«همایون» در «خیالاتی»

تینا فیلم

با توفیق بزرگ خود در سال ۱۳۵۱ و ارائه سه اثر بزرگ و جنجالی، در آستانه سال جدید، ضمن عرض تبریک به عموم علاقمندان صنعت سینمای ملی ایران دو محصول جدید خود را اعلام داشته و آرزو مندست که در سال آینده با ارائه آثار بیشتری، توجه تماشاگران فیلم ایرانی را به محصولات ارزنده خود معطوف سازد.

فردین - ایما نوردی

در فیلم:



ناجورها

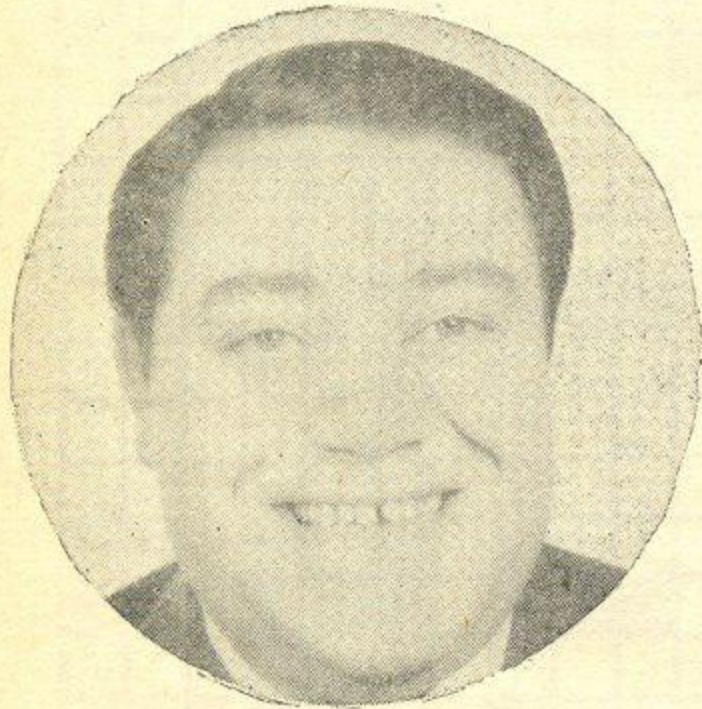
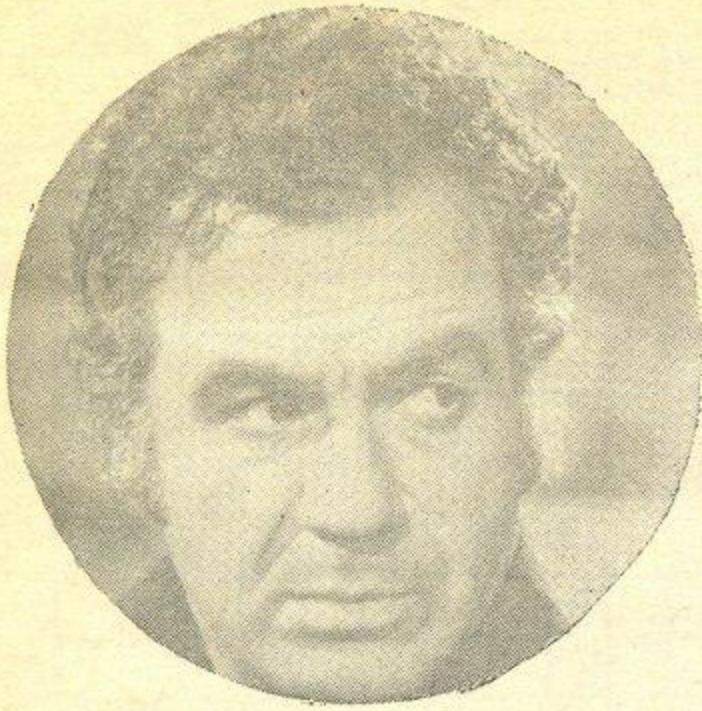
تهیه کننده: رضاشیبانی

سناریست و کارگردان: سعید مطلبی

ناصر ملک مطیعی

ہمایون - مر ترضی عقیلی

در فیلم



با شرکت :

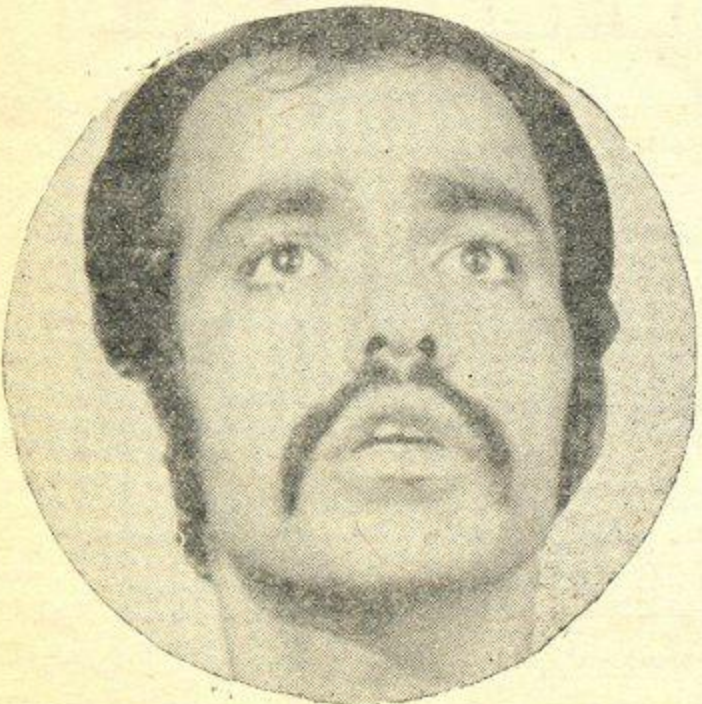
بہرام وطنپرست

تہیہ کنندہ: رضا شیبانی

مدیر فیلم برداری: ایرج صادقپور

سناریست و کارگردان: رضامیرلوحی

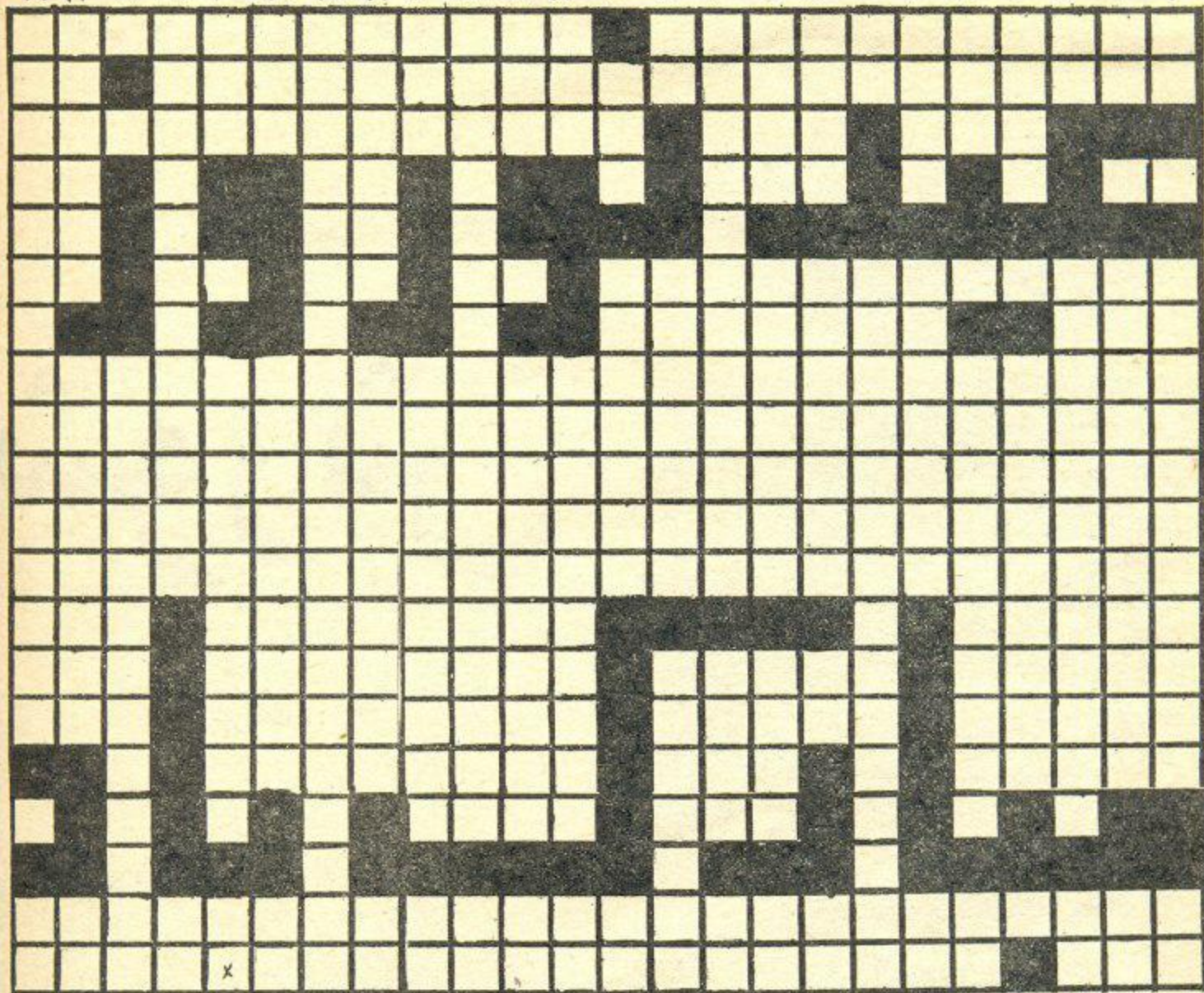
محصول: تینا فیلم



نوروزی

مسایقات

۲۴ ۲۳ ۲۲ ۲۱ ۲۰ ۱۹ ۱۸ ۱۷ ۱۶ ۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱



بيك ايما نوردی و نرسی - يکی از سه تفنگدار سينماي ايران ۱۲ - نام کارگردان فيلم قايقرانان - فيلمی با شرکت داود رشیدی و فرشته جنابی - نیمه شهين . ۱۳ - فيلمی از فریدون زورک با شرکت ملك مطیعی - بازیگر فيلم پستیچی - در ترانه های مهستی زیاد دیده میشود . ۱۴ - خواننده ترانه شرم - (می) بودو (ی) آن افتاد - فيلمی از آقا مالیان با شرکت فردین - از ماههای سال . ۱۵ - فيلمی از داود اسماعیلی با شرکت کتایون و سپهر نیا - صورت ۱۶ - فامیل آکتور فيلم کافر - فيلمی با شرکت سپیده و جمشید مهرداد - پستی در فوتبال . ۱۷ - آکتور پس ساعت فاجعه - سناریست کوچک مردها - (نه) بزبان خارجی . ۱۸ - فيلمی با شرکت پرویز صیاد . ۱۹ - فامیل فيلم بردار فيلم پنجره فيلمی از مقدم با شرکت بهروز وثوقی - از میوه ها . ۲۰ - ترانه ای موفق از مهستی - یازده بی بيك - آکتور پس سر گروهیان - چهارمین حرف فارسی - ۲۱ آکتور بزرگ فيلم علی بی غم - از بیماریها . ۲۲ - با (ك) كك میشود - نیمه لب - فيلمی از صابر رهبر با شرکت فردین - بوتیمار ۲۳ - اولین فيلم حاتمی - برنده بهترین فيلم در سومین دوره جایزه سپاس - راست نیست . ۲۴ - فيلمی با شرکت آذر شیوا - ایرج رستمی دهمین حرف فارسی - نام دیگر کچل طراح : اصغر قنبری زاده (تهران)

عمودی ۱: - فيلمی از خسرو پرویزی با شرکت ملك مطیعی - سومین حرف فارسی - بازیگر پر قدرت فيلمهای چشمه و آب نبات چوبی - نیمه کافر . ۲ - تکرار ش ستاره فيلم زیبای جیب بر است - دوازدهمین حرف فارسی - فيلمی از امان منطقی - نمی شنود . ۳ - چه وقت ؟ - فيلمی از سیامک یاسمی با شرکت فروزان و شهرام شبیری - اول شخص مفرد . ۴ - آکتور فيلم عشق آفرین - نیمه دل - اولین اثر سعید مطیعی - اولین حرف فارسی - ۵ - فيلمی از داریوش مهرجویی ثلث خشم - آکتور فيلمهای آتشپاره شهر و عاصی - بر سر می روید . ۶ - اولین فيلم بهمن مفید - برنده جایزه سپاس بهترین بازیگر زن نقش اول در دوره دوم - عدد دونه . ۷ - اشاره بدور - فيلمی از ریاحی با شرکت بيك ايما نوردی . ۸ - فيلمی از نصرت کریمی - فيلمی از علی حاتمی با شرکت ملك مطیعی و فروزان - چه کسی ؟ - کار لاجباز . ۹ - آکتور پس فيلمهای عمویادگار و همای سعادت - فيلمی از صابر رهبر با شرکت فردین - آذر شیوا - اولین فيلم مهر لوحی - دومین حرف انگلیسی ۱۰ - فيلمی از ساموئل خاچیکیان با شرکت بهروز وثوقی - فيلمی با شرکت آرمان و پور حسینی - وسیله راه رفتن . ۱۱ - در فوتبال توپ را در دروازه می گویند - فيلمی با شرکت فردین و

«تلویزیونی»ها....



● تصاویری که مشاهده می کنید، از سه قسمت، سه سریال موفق ایرانی که مدتها در تلویزیون نمایش داده میشد، انتخاب کرده ایم و شما باید نام هر سه سریال را برایمان بنویسید. به سه تن از کسانی که باین مسابقه پاسخ صحیح بدهند، بحکم قرعه، سه رادیو ترانزیستوری جایزه خواهیم داد نامه هایتان باید بایک ریال تمبر باطل نشده همراه باشد.

«۳» از «۸»

● «آدری هپبورن» زمانی از محبوب ترین بازیگران سینمای آمریکا بود و در حال حاضر با وجودیکه مدتهاست باصطلاح «گرد فعالیت های سینما نمیگردد»، هنوز که هنوز است، فیلمهایش پر بیننده است.

برای دوستداران مسابقات خارجی ما، این مسابقه را طرح کرده ایم که برای شرکت در آن از هشت تصویری که از هشت فیلم معروف وی چاپ شده است برای شرکت در مسابقه شما باید فقط سه فیلم را نام ببرید و برای ما بفرستید.

بحکم قرعه به سه تن از کسانی که این مسابقه را صحیح پاسخ بدهند، سه دوربین عکاسی بادو حلقه فیلم رنگی، جایزه داده خواهد شد. نامه هایتان باید بایک ریال تمبر باطل نشده همراه باشد.



برنامه انحصاری و نوروزی

سینما حافظ

نمایش دهنده آثار ممتاز و موفق سینمای هندوستان

پر فروشترین و جالبترین اثر چند سال اخیر سینمای هندوستان، فیلمی از خالق آثاری چون زندگی و آرزو...

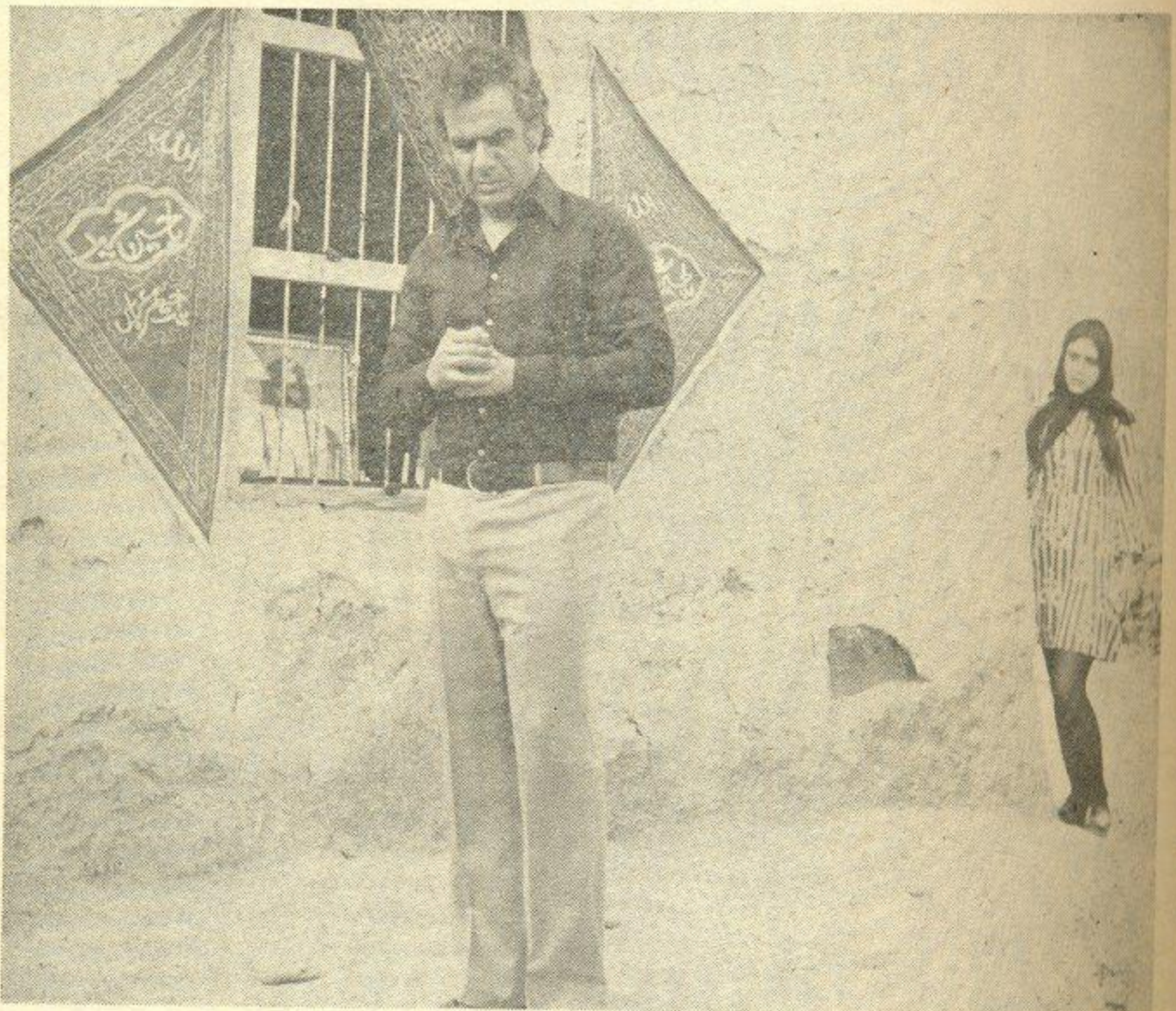


فیلمکوفیلمز ضمن عرض تبریک سال نو بعد از موفقیت خیره کننده فیلم (خاطر خواه) در سال گذشته بزودی
آخرین شاهکار ناصر ملک مطیعی را تقدیم میکند.

ناصر ملک مطیعی

در ساخته‌های از : خسرو پرویزی

دشمن



با شرکت بهمن مفید - مر ترضی عقیلمی - نوش آفرین - حسین گیل و... با هنرمندی ذکریا هاشمی

سازنده موزیک : نوشیروان روحانی

سناریست : احمد نجیب زاده

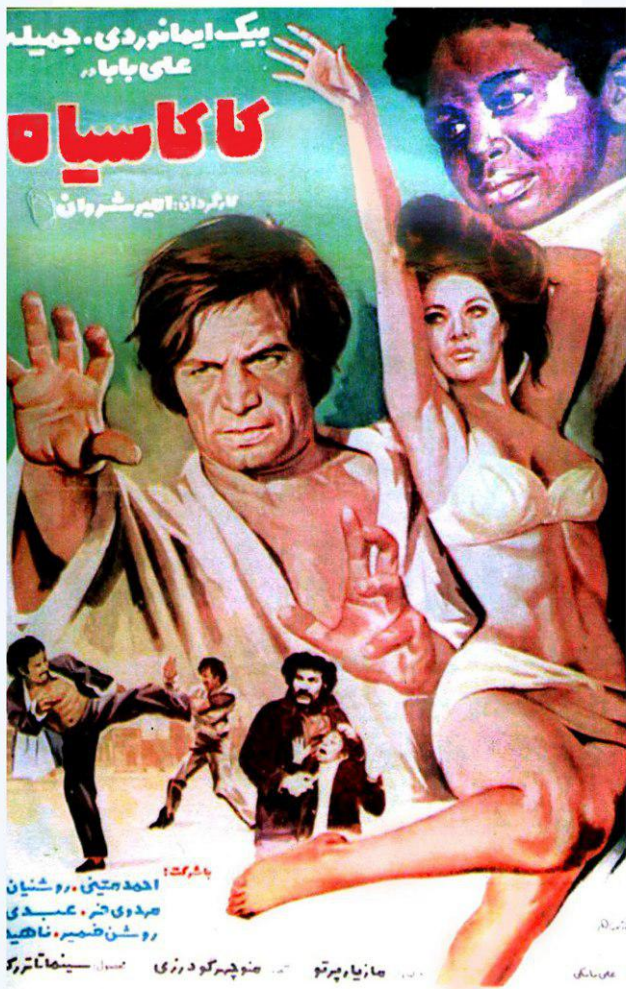
محصول استثنائی فیلمکوفیلمز

کارگردان : خسرو پرویزی

مدیر فیلمبرداری : مازیار پرتو

برنامه انتخابی و برگزیده نوروز ۱۳۵۲ بزرگترین گروه سینمایی پایتخت

آسیا - شهوند - رکس - لیدو - نپتون - ژاله - المپیا -
پاسارگاد - توسکا - درایوین سینماونک



گنده حرفهای ۵ هنرمندان ایرانی

فردین :

من به هیچ حرکتی معتقد نیستم... جهنم من يك حرکت تازه در سینمای ایران است !!

منوچهر فرید :

فیلم و صد و قالیچه حضرت سلیمان برای من فقط يك خواب بود !

پرتو :

من به مادیات توجه دارم و در مورد میزان آن نیز آزمایشی لازم است!

فریدون ژورک :

پیشکوت یا پکوت بودن برای من معنی ندارد! - من سینمای خصوصی را اصلا سینما نمیدانم.

فریدون فرخزاد :

من به کارهای هنری مثل بنیر نگاه نمیکنم.

علی عباسی :

اگر همه دریچه‌ها را بروی جوانان ببندید آنوقت عمل مشابه ایشان در آینده نامش ناسپاسی نیست بلکه جبران است!

فتح‌الله منوچهری :

خانوم خانوما زنی است که تقریباً در زمانهای گذشته زندگی میکرد و همین دلیل لباسهایی هم که برای آن در نظر گرفته شده تا بحال در هیچك از فیلمهای ایرانی دیده نشده است!

ژاله سام :

در بدو شروع فعالیتیم احساس کردم محیط سینمای ایران خیلی شلوغ است ولی بعد بتدریج حس کردم که محیط خلوتی است.

بهرام بیضائی :

من پیشنهاد می‌کنم که فستی از عوارض شهرداری از فیلمها صرف کمک به تهیه فیلمهای سنگین بشود!

جلال مقدم :

رکورددهای شنا در سینمای ایران، رکورد شنادر آب صاف و زلال نیست؛ بلکه رکورد شنادر گل است.

احمد شیرازی :

ما پوسیده فکرها فیلم

هائی را فیلمبرداری میکنیم که از نوع فیلمهای صدمن يك غاز است .

مرتضی حنا نه :

مقدار نتی که برای موزیسینها نوشتیم ۶ کیلو وزن داشت، ۶ کیلو نت نوشتن کار آسانی نیست!

دیانا :

به کاردانی و لیاقت کربیی ایمان دارم ، هرچه کربیی سپاس بگیرد، کم گرفته است!

کاوه :

دش آکل يك فیلم سینمایی ایرانی است که با سیستم نیمه فرنگی تهیه شده است!

منوچهر صادقپور :

من خودم بچه پائین شهر هستم!

رضامیر لوحی :

قبلا در ایران سینمایی وجود نداشت و حالا دارد بوجود میآید!

نوذر آزادی :

ارزش هنری من هرگز برتر و بیشتر از آن سربال تلویزیونی و یا آن فیلم سینمایی نیست که از من نشان داده اند!

منوچهر :

خدا آخر و عاقبت موسیقی ایران را بخیر کند.

سیامک یاسمی :

مادیتگر يك ته‌جسوی هستم و فیلم هم مرده و زنده اش صدتومن است!

پرویز نوری :

يك فیلمساز همیشه دوست دارد که مردم حرف او را «بفهمند» .

ایرن :

من يك «عمله» هنر هستم ، بشرط اینکه کسی پیدا نشود بگوید من «سرعمله» هستم !!

کتایون :

مهرجویی از من توقع نامشروع داشت!

شاپور قریب :

هیچ کارگردانی نمیتواند بگوید فیلمش دقیقاً همان چیزی درآمده که او می-خواسته!

محمد متوسلانی :

من همیشه به حسن نیتم معتقد نبوده‌ام.

هوشنگ حسامی :

جدا افتادن از مردم و از بالا به مردم نگاه کردن ، خودخواهی ابلهانه‌ایست.

شاپور قریب :

من اگر فیلم نازم آدم بوج و هیچکاره‌ئی هستم!

منصور سپهرنیا :

آقایان تهیه‌کننده نباید به‌تکام تهیه فیلم عجول باشند!

رضاصفائی :

این روزها هرکس ورشکست میشود ، سراغ مرا می‌گیرد!

وحدت :

وقتی حس کنم دیتگر چیزی برای گفتن ندارم جایم را به دیگران خواهیم داد!

نظام فاطمی :

من آدم‌سی نیستم که بتوانم جویده کسی را بخورم

مرتضی عقیلوی :

اگر مردم هنرپیشه‌ای را هنرمند بدانند مسلماً پول ساز هم خواهد شد.

فرشته جنایی :

برای سینمای مبتذل باید آگهی تلیت داد!

فرخ ساجدی :

خوب بازی کردن ، بدرد هیچ هنرپیشه‌ای نمیخورد!

مهدی میثاقیه :

مسعود کیمیائی به فکر جیب تهیه‌کننده است .

منوچهر وثوق :

میخواهم يك بازیگر واقعی باشم!

سعیدرآد :

من هنوز خیلی جادارم که بتوانم به مقام يك بازیگر برسم .

رامش :

وقتی آواز میخوانم ، خجالت می‌کشم!

امان منطقی :

فیلم من مثل يك مجله است.

تیلا :

ابتدا از رامین متنفر بودم.

منوچهر طایفه :

کارگردان فیلم قدیريك شاعر مدرسه بود که البته سینما را هم می‌فهمید!

ایرج قادری :

باتمام هنرپیشه‌های فیلم «عطش» بیشتر از خدمه‌معمول و رفته‌ام حتی با سیاهی لشکرهای آن.

پوری بنائی :

من هیچ چیزم از مردم عادی زیادتر نیست.

همایون :

برای تهلی عده‌ای فقط بمن به به و چه‌چه گفتند اما مگر با این حرفها می‌توان زندگی کرد!

ایرن :

کار کردن و فرسوده شدن بهتر از کار نکردن و زنگ زدن است.

آرمان :

من همیشه سعی کرده‌ام که در سینما يك آکتور باشم!

فریدون گله :

سرقت سناریو از فیلمهای خارجی کار ساده‌ئی نیست!

رضاصفائی :

مردم ما برای خاطر نفس «سینما» به سینما نمیروند .

داریوش :

من بوج شده‌ام!

تقی مختار :

من دیگر با هیچ فیلمساز بدی کار نخواهم کرد!

شهناز تهرانی :

يك بوسه مسیروزندگی مرا عوض کرد!

جمشیدمشایخی :

این حقیقتی است که نباید در سینمای ایران آدم صادقی بود .

زکریاهاشمی :

هنرمند نباید دردمند باشد.

نصرت‌گریمی :

... حالا دیگر پوستم

کلفت شده است . . .

محمد متوسلانی :

کمدی ، دنیای تنوع و کشف رازهای زندگی است.

رضایبیک ایمانوردی :

کسب محبوبیت آسان‌تر از نگاه داشتن آنست.

رضاصفائی :

اگر پارتنری بازی به‌روز و توفی نباشد کیمیایی حتی سالی يك فیلم هم نمی‌سازد! رتبار از روی فیلم «قدیم با عشق» ساخته شده‌است.

امیرشروان :

سینما ، تجارت و یکتونوع کاسبی است!

داریوش مهرجویی :

در کار سینما ، باید هم يك سیاستمدار و هم يك هنرمند بود و این تناقض و حشتناکی است.

منوچهر نوذری :

بنظر من دو کادر هم اگر فیلمبرداری شود، پس هنر است.

نصرت‌گریمی :

اگر تمام کسانی که دو اثر «درشگه‌چی و محلل» مرا دیدند و تحسین کردند ، نفری فقط يك سوت خفیف بکشند چنان طوفان و صدای گوش‌خراشی پیا خواهد شد که تک صداهای مخالفم بگوش احدی نخواهد رسید!

صابر رهبر :

سینما برای مردم فقط يك تقریح است ، فقط همین.

ایرن :

چه با پیراهن بازی کنیم، چه با پالتو و چه با مایو ، حیثیت هنرپیشه ما به‌عریان شدنش روی پرده سینما بستگی ندارد.

مرجان :

در فیلمها هرگز عریان عریان نمی‌شوم!

ارغوان :

سکس قسمتی از زندگی است و نمی‌تواند از سینما جدا باشد

پوری بنائی :

فروزان لوندی خاصی دارد

مرسده کامیاب :

اگر هنرمند باشیم ، احتیاجی به لخت شدن نداریم.

مارك شركت داشتند آغاز كرد .

«قانون زندگي» با شركت آذرشيو او شيراندامي فيلم ديگري بود كه شيباني تهيه و كارگرداني كرده است و بعد از ساختن چند فيلم ديگر «استوديو تخت جمشيد» را دائر نمود كه اين استوديو در بدوام فقط به كار دوبله و پاره اي مراحل فني و تكنيكي اشتغال داشت شيباني در سال ۴۸ فيلم «ساقی» را كه در آن عارف، فریبا خاتمی و میری شركت داشتند، برای استودیو پلازا كارگردانی نمود و سپس از سال ۴۹ این فیلمها را در استودیو تخت جمشید تهيه نموده است.

«عشقی ها» با شركت لی لی، میری، جمشید آریا و ثریا بهشتی تهيه كنده و كارگردان «ملا محمدجان» با شركت منوچهر و نوق، پوری بنائی، آرزو و ابراهیم نادری تهيه كنده و كارگردان «عطش» با شركت ایرج قادری، كتایون و شیراندای تهيه كنده.

این استودیو كه در خیابان شمیران قدیم سه راه تخت جمشید واقع است آنطور كه دلخواه شیبانی بوده است به وسایل فنی مجهز نبود به همین جهت او ایل سالی كه پشت سر گذاشتیم شیبانی به این فكر افتاد تا سفری به خارج نماید و با خریداری آخرین وسایل فنی و تكنيكي استودیوس را مجهز نماید تا نخست محل ديگري را برای سازمان تهيه و پخش فیلمهايش و همچنین كادر اداری استودیو تخت جمشید واقع در خیابان روزولت رو بروی سینما دیاموند در اختیار گرفت و



● بيك ايمانوردی، میری و ژاله كریمی در دو صحنه از فيلم « پسر خوانده »



● جمشید شیبانی یکی از قدیمیترین فیلمسازان ایرانی است كه نخستین فیلمش را در سال ۳۳ تحت عنوان «برای تو» كه در آن خود علاوه بر كارگردانی بازیگر نقش اول نیز بود ساخته است . شیبانی هنگامی این فیلم را در ایران تهيه نمود كه تازه تحصیلاتش را در امریکا پایان رسانده و بوطن بازگشته بود. او قبل از اینکه جهت ادامه تحصیل به آمریکا برود در ایران ضمن تحصیل در زمینه خوانندگی نیز فعالیت داشت و از اولین خواننده های ترانه های مدرن رادیو تهران سابق است. در آمریکا ضمن تحصیل و مطالعه در مورد سینما با كمپانی های فیلمبرداری آنجا نیز بعنوان طراح لباس «خصوصا لباسهای شرقی» همکاری داشته است. هنگامیکه تحصیلاتش در آمریکا به پایان رسید با آنكه زمینه ای كار در آنجا برایش مساعد بود ولی بخاطر تمصبی كه به مملكت خود داشت به ایران مراجعت نمود و با تاسیس «استودیو ایرانا فیلم» رسماً كار سینمائیش را در ایران آغاز كرد.

برای تو و مستشار جزیره دو فیلمی بودند كه جمشید شیبانی در این استودیو تهيه و كارگردانی نمود و سپس برای پاره ای كار های شخصی به آمریکا بازگشت و چندسالی مجدداً از ایران بدور ماند تا آنكه فعالیت بی گهرش را در سال ۴۰ با تهيه و كارگردانی فیلم «طلای سفید» كه در آن فردین، پوران، ژاله، همایون و گریگوری

تولدی تازه

فعالیت چشم گیر «جمشید شیبانی» با تهيه دو فيلم آغاز شده است

سازمان سینمایی تخت جمشید يك مركز فعال فیلمسازی در سال ۵۲ خواهد بود

سپس مسافرتی را كه فكر نموده بود آغاز كرد.

شیبانی بعد از چند هفته جستجو در کشورهای اروپائی بالاخره آن چیزهایی را كه استودیو احتیاج داشت خریداری نمود و به ایران بازگشت چندی بعد با ورود وسایلی كه شیبانی به كمپانیهای مختلف سفارش داده بود و نصب آنها، «استودیو تخت جمشید» بصورت یکی از مجهزترین استودیوهای فیلمبرداری در آمد و نخست با آغاز تهيه فيلم «بیقرار» و سپس فيلم «پسر خوانده» فعالیتي را كه مدنظر شیبانی در انتظارش بود در این استودیو شروع كرد و با پرورژه ای كه طرح ریزی نموده این فعالیت از ابتدای سال نو گسترده تر و ثمر بخش تر دنبال خواهد شد ...

... و اما بد نیست در اینجا بپردازیم به معرفی دو فیلم تازه شیبانی كه اینك یکی از آنها آخرین مراحل فنی و یکی دیگر آخرین مراحل فیلمبرداری را طی مینماید.

بیقرار

● نخستین فیلمی كه «جمشید شیبانی» با بر نامه تازه اش تهيه نموده «بیقرار» نام دارد كه فیلمی است ملودرام سرشار از مسایل بفرنج خانوادگی . این فیلم را كه بطور رنگی توسط شكرالله رفیعی فیلمبرداری شده «ایرج قادری» با شیوه ای تازه كسارگردانی



● ایرج قادری صحنه‌ای از فیلم را برای هنرپیشگانش تشریح می‌کند.



● ایرج قادری، فخری خوروش و پوران در دو صحنه از فیلم «دل‌های بیقرار»



کرده‌است و در آن بازیگرانی چون ایرج قادری، پوران، فخری خوروش، سپیده، آتش، کامران فرهر و عده‌ای دیگر از هنرپیشگان با سابقه فیلم‌های ایرانی شرکت دارند. بیقرار از فیلم‌هایی است که به موفقیت آن امید زیاد است زیرا که علاوه بر شرکت هنرپیشگان خوب و صاحب‌نام سینمای ایران در تهیه و کارگردانی آن نیز دقت زیاد شده‌است و ایرج قادری، بعنوان کارگردان و جمشید شیبانی به عنوان تهیه‌کننده سعی نموده‌اند فیلمی خوب و تماشایی عرضه نمایند. در بیقرار چند آهنگ با صدای پوران خواننده محبوب رادیو و تلویزیون کشور که بازیگر نقش مهمی از فیلم است مورد استفاده قرار گرفته است که مسلمانان و پیروان تماشای آن قرار خواهد گرفت و بانمایش فیلم مزبور آن آهنگها در ردیف آهنگهای موفق روز در خواهد آمد.

پسر خوانده

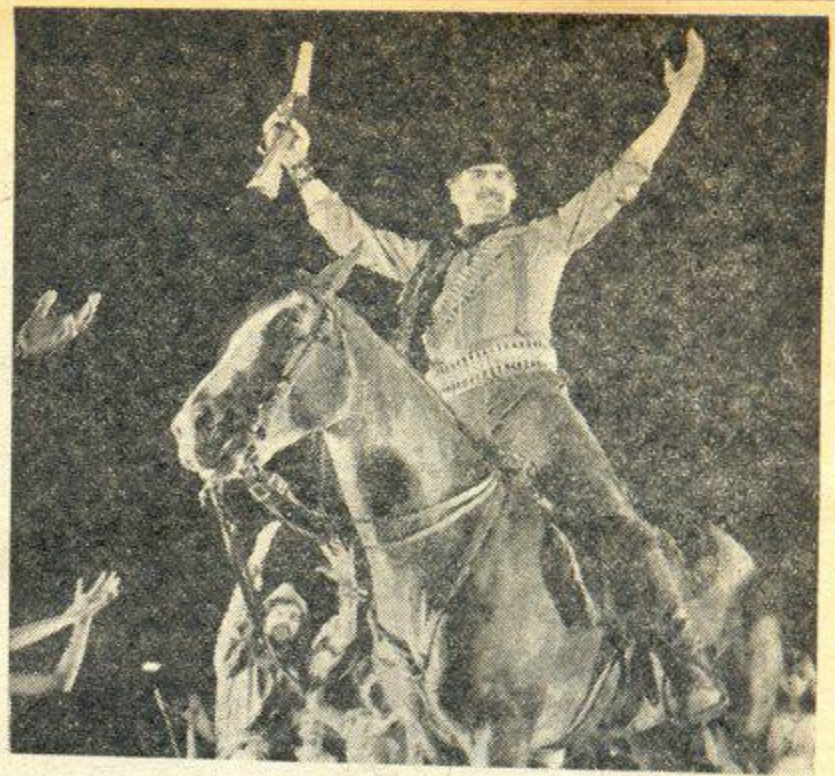
● دومین فیلمی که در سال ۵۱ جمشید شیبانی در سازمان سینمایی «تخت جمشید» تهیه آنرا آغاز نموده «پسر خوانده» نام دارد که شیبانی علاوه بر تهیه خود کارگردانی آنرا نیز انجام میدهد. این فیلم که اینک آخرین مراحل فیلمبرداری آن توسط شکراله رفیعی طی میشود از سوزهای عاطفی و انسانی برخوردار است که سناریوی آنرا «صادق» نوشته و در آن رضا بیگ ایما نوردی آکتور پر توان و هزارچهره فیلم‌های ایرانی نقش اصلی را بازی مینماید ژاله کریمی ستاره‌ای که وسیله وحدت با شرکت در فیلم‌های لیج و لچبازی و تولد مبارک در سال گذشته معرفی شد و پسر خوانده اولین فیلم بدون وحدت اوست نقش مقابل بیگ ایما نوردی را به عهده دارد علاوه بر بیگ ایما نوردی و ژاله کریمی هنرپیشگان دیگری چون مپری کم‌دین معروف فیلم‌های ایرانی، تهرانی و کودک خردسال «یوسف جزایری» نیز در این فیلم شرکت دارند که هر کدام تحت رهبری شیبانی بازیهای خوب و گیرائی ارائه میدهند.

یوسف جزایری که کودک با استعدادی است و برای اولین بار در فیلمی بازی نموده است برادر کوچک «مستانه جزایری» چهره جدید فیلم‌های ایرانی است که تاکنون در فیلم‌های آبنبات چسبی، خورشید در مراب و خیالاتی بازی کرده است. این کودک خردسال بنقش «پسر خوانده» یکی از حساس‌ترین نقش‌های فیلم مزبور را به عهده دارد که مسلماً بانمایش فیلم بخاطر ویژگیهای خاصی که در سوز و فرم آن وجود دارد محبوبیت زیادی خصوصاً میان بچه‌ها بدست خواهد آورد.

همانطور که قبلاً ذکر شد جمشید شیبانی برای برآورد نام‌های سال ۵۲ سازمان سینمایی تخت جمشید پروژه وسیعی را طرح ریزی نموده که بهنگام مناسب به آن اشاره خواهیم کرد. آنچه فعلاً میتوانیم در این مورد اشاره دهیم یکی شرکت قطعی بهروز وثوقی در اولین محصول سال ۵۲ سازمان مزبور است موسوم به «مسلم» که ایرج قادری کارگردانی خواهد نمود یکی هم شرکت قطعی «ناصر ملک مطیعی» در یکی از فیلم‌های سال نو این سازمان است. همچنین قرار است بیگ ایما نوردی در فیلمی که خود برای آنجا کارگردانی خواهد کرد شرکت نماید. استودیو تخت جمشید که در محلی جدا از سازمان سینمایی تخت جمشید کارهای فنی محصولات این سازمان را انجام میدهد در حال حاضر یکی از مجهزترین استودیوهای فیلمبرداری کشور است که به چاپ، لابراتوار، مودیولا، اطاق نمایش، صدا برداری، دوربین فیلمبرداری و سایر وسایل مورد لزوم «از آخرین مدل» مجهز میباشد. در فرصتهای دیگر بازم در مورد این سازمان و استودیوی مجهز سینمایی و همچنین فیلمها و برنام‌های آن که تحت نظر «جمشید شیبانی» تهیه میشود صحبت خواهیم نمود.

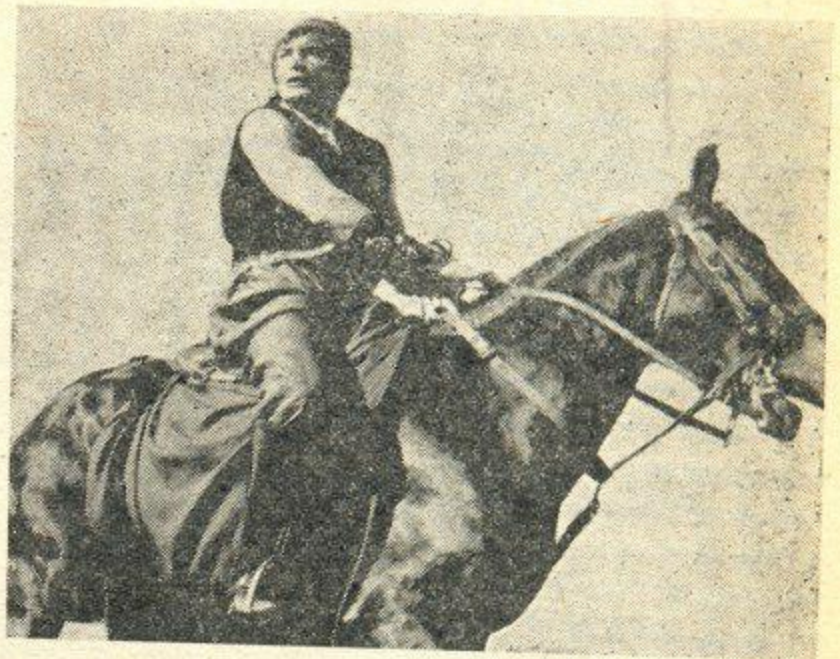
رپر تاژی جالب و خواندنی از:

سوارکار



ناصر ملک مطیعی (غلام‌زاندانم)

● سیاهی لشگرهای فیلم فارسی در اسب‌سواری ماهر ترند ● ملک مطیعی بیش از همه اسب سواری کرده است ● بهر وزو ثوقی و رموز اسب‌سواری ● بیک ایمانوردی، فردین، سعید راد و منوچهر و ثوق چگونگه اسب‌سواری می‌کنند؟ ● پوری بنائی، ارغوان، ایرن و مرجان در اسب سواری رقیب هنرمندان مردهستند. ● علی نصیریان، انتظامی، بخشی و صیادهم مجبور به اسب‌سواری شدند.



● بیک ایمانوردی (بهرام شیردل)

● سعید راد (خورشید مرداب)

فارسی میباشند که درازای مبلغ کمی و حتی گاهی اوقات مسجانی روی اسب هنرنمایی می‌کنند و تماشاچی را در شور و هیجان و التهاب باقی می‌گذارند.

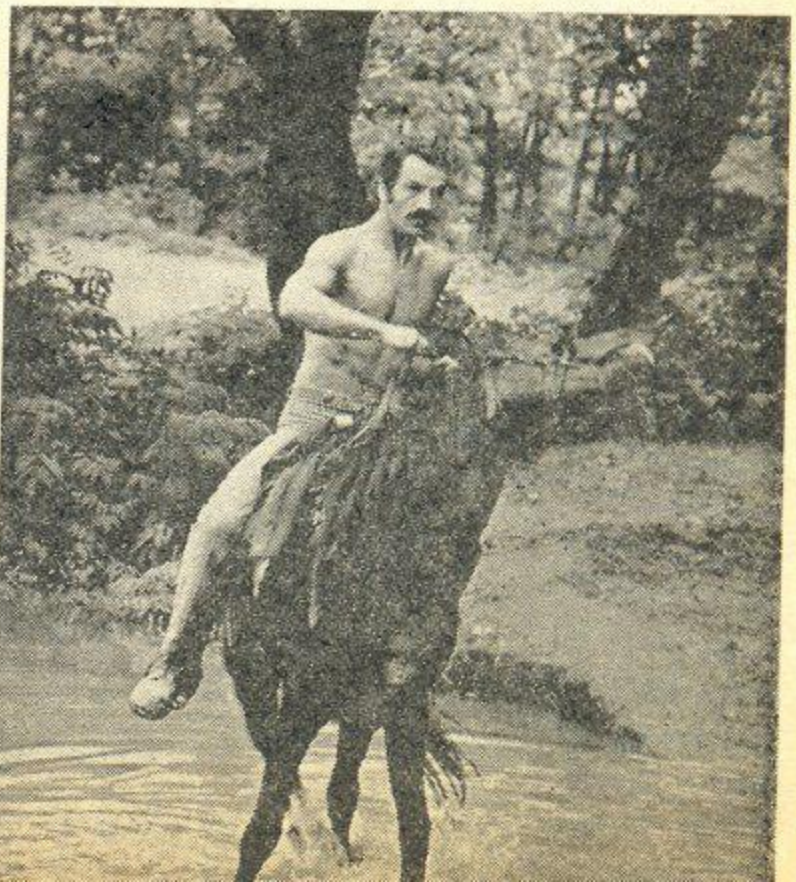
در حقیقت این‌ها هستند که به صحنه‌های سوارکاری جان می‌دهند و در کنار هنرمندان معروف و سرشناس تاخت می‌کنند. این سیاهی لشگرها برای این‌که در صحنه‌های مزبور نمود داشته باشند و با اصطلاح مورد توجه کارگردان واقع بشوند، بیشتر از حد تصور از خود بی‌باکی نشان می‌دهند، اما هرچوقت موقعیتی بدست نمی‌آورند تا چهره سرشناسی بشوند و خیلی اوقات دوربین فیلم برداری اصلا با آنها توجهی ندارد.

● سوارکاران، آنها که بر بال اسب‌های تندرو به پرواز در می‌آیند آدمهای شجاع و بی‌باکی هستند. آنها همانقدر که از سوارکاری لذت می‌برند، همانقدر هم دلهره و اضطراب دارند.

ما برای اینکه شمارا با دنیای سوارکاران آشنا سازیم بسراغ هنرمندان معروف سینما رفته‌ایم. بدون شك شما فیلم‌های بسیاری را دیده‌اید که هنرمندان مورد علاقه‌تان در آن فیلم‌ها سوارکاری کرده‌اند و گه‌گاه سوار بر اسب شیرینکاری‌هایی هم نموده‌اند.

این هنرمندان، اغلب سوارکاری نمی‌دانسته‌اند و تحت تعلیم هیچ‌مربی‌ای نبوده‌اند اما چون الزامی بایست در فیلمی که بازی میکنند سوارکاری نمایند، مجبور بیاد گرفتن اسب‌سواری شده‌اند، و همین مسئله باعث بوجود آمدن خاطره‌های گوناگون و حوادث جالبی شده است که شنیدنی و خواندنی است.

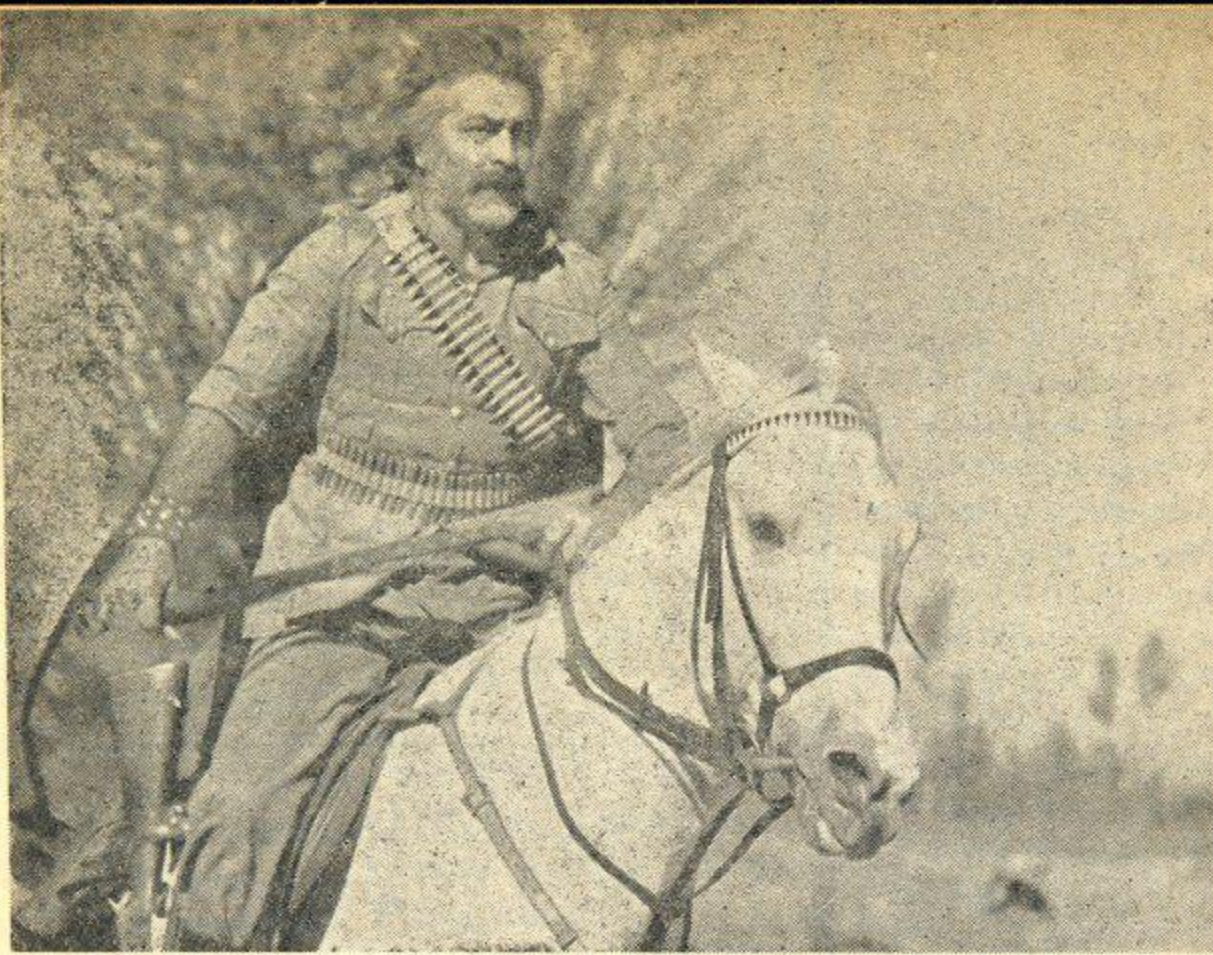
● سوارکاران سیاهی لشگر قبل از اینکه درباره سوارکاری هنرمندان معروف با آنها بصحبت بنشینیم، باید درباره کسانی حرف زد که بیش از هنرمندان سرشناس در فیلم‌ها سوارکاری می‌کنند و از خود هنرنمایی نشان می‌دهند. این‌عهده که هیچگاه نامشان در آفیش، پلاکات و تیزتر از فیلم‌ها نوشته نمیشود، سیاهی لشگرهای فیلم



● چهره‌سالیان دراز! در میان چهره‌های خوشلی معروف باید از ناصر ملک مطیعی نام برد. ملک مطیعی را به نقلی چهره‌سالیان دراز، لقب داده‌اند.

او شاید بیشتر از هر هنرپیشه‌ای سوارکاری کرده باشد. ملک مطیعی در حدود بیش از ده فیلم بازی کرده است که در اغلب آن‌ها سوار بر اسب بوده و تاخت و تاز کرده است. از میان فیلم‌های معروف او باید «غلام‌زاندانم» و «آراس‌خان» و «عاصی» را نام برد که ملک مطیعی در آنها بسرعت اسب می‌راند و تاخت می‌کرد. در فیلم «غلام‌زاندانم» دوبار ملک مطیعی از اسب بزمین سقوط کرد. اینطور که می‌گویند

ان...

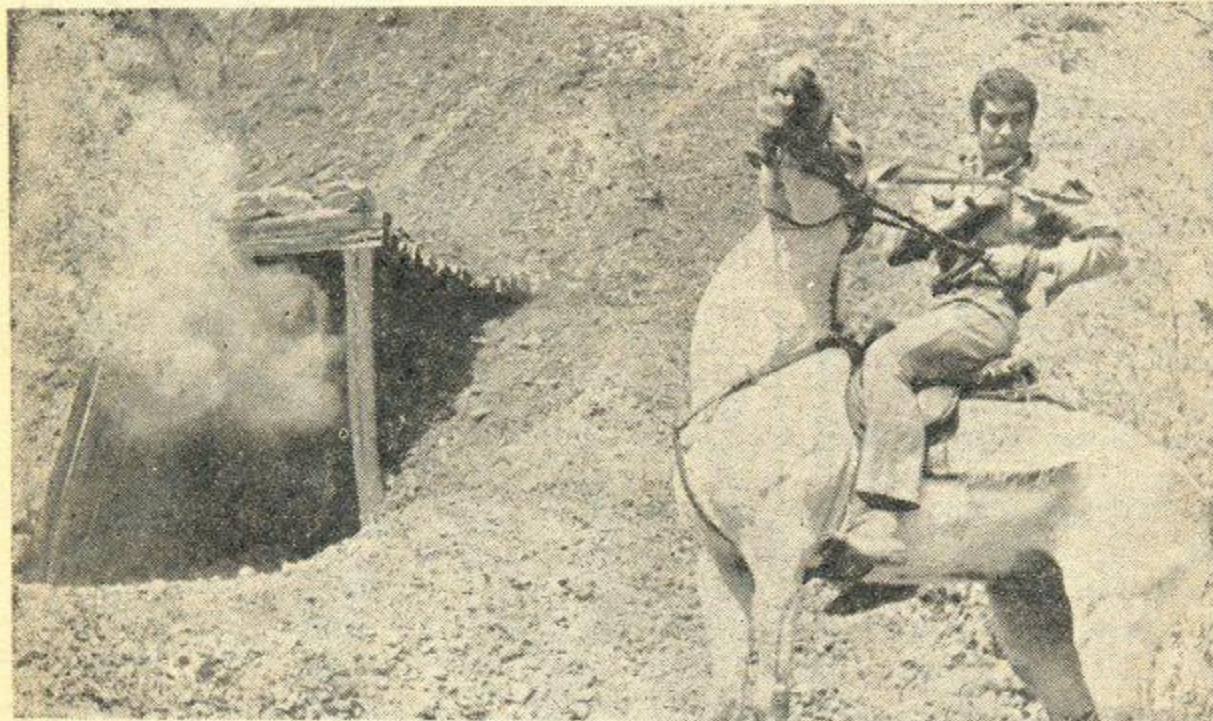


● محمد علی فردین (سر جوخه جبار)

اسب ملك مطيعي در فيلم غلامز اندام
علاقه شدیدی به خوردن قند داشته و
هر گاه ملك مطيعي می خواسته
است بر ترك اسب بنشیند مجبور
بوده تعدادی قند در دهان اسب
مزیور بگذارد.

اکنون ملك مطيعي يسکی از
سوارکاران ماهر است که به علت
تجربه سالها دراز بازیگریش
اسب سواری را خیلی خوب آموخته
است.

● بهروز و ثوقی تندرو



● بهروز و ثوقی (رشید)

بهروز و ثوقی را در فیلم «رشید»
ساخته پرویز نوری سوار بر اسب
می بینیم و ثوقی قبلا در یکی دو فیلم دیگر
نظیر «دشت سرخ» سوار بر اسب
شده بود. بهروز چابک و فرز و
چالاک است و اسب مطیع و رام او.
می گویند هنگامی که در فیلم دشت
سرخ آمده ای از دو طرف متخاصم
فرار بوده بیکدیگر حمله کنند ،
اسبها را می کنند و بعلمت آشنا نبودن
سوارکاران بفن اسب سواری زمین
می خورند و صحنه مضحکی را
بوجود می آورند. بعضی مواقع اسب
ها آنقدر در فیلمها آرام می تازند
و هنرمندان آنقدر ناشیانه اسب
می رانند که تماشاچی متوجه
بامه ای بودن اسب سواری میشوند
و خنده اش میکشد. امامی گویند
بهروز در اسب سواری نظیر ندارد.

او می گوید:

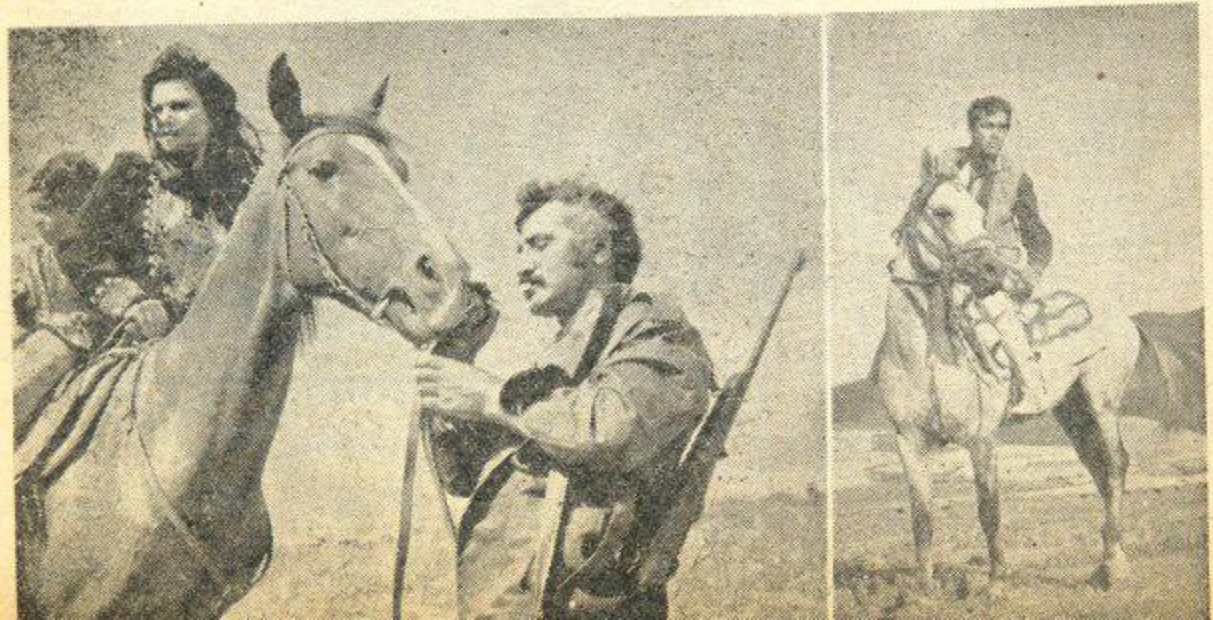
یسکی از رموز اسب سواری
اینست که آدم نترسد و با اسب
دوست شود. چون اگر اسب با سوار
کارنا آشنا باشد او را پس از طی
مسافتی زمین می زند.

● سعیدراد و پیکان...!

سعیدراد تا بحال در هیچ فیلمی
اسب سواری نکرده است، بجز فیلم
«خورشید در داب». سعیدراد
اغلب در فیلمهایی ظاهر می شود که
یک نوبت ضد قهرمان ارائه می دهد و
اغلب از میان آمده ای اجتماع ،

● ذکر یا هاشمی — ایرن (موهان)

● ایرج رستمی (کلید بهشت)



هدیه نوروزی ۱۳۵۲

سینما شهر قصه

نمایش دهنده آثار برتر سینمای جهان

فیلمی از «سام پکین پا» خالق آثار پر ارزش و مهم سینما «این گروه خشن و سگهای پوشالی»... اثری برتر از همه آثار این فیلمساز

استیومک کوئین

در فیلمی بکارگردانی
سام پکین پا

جونیر بانر

رنگی
با شرکت

رابرت پرستون

آیدالوینو

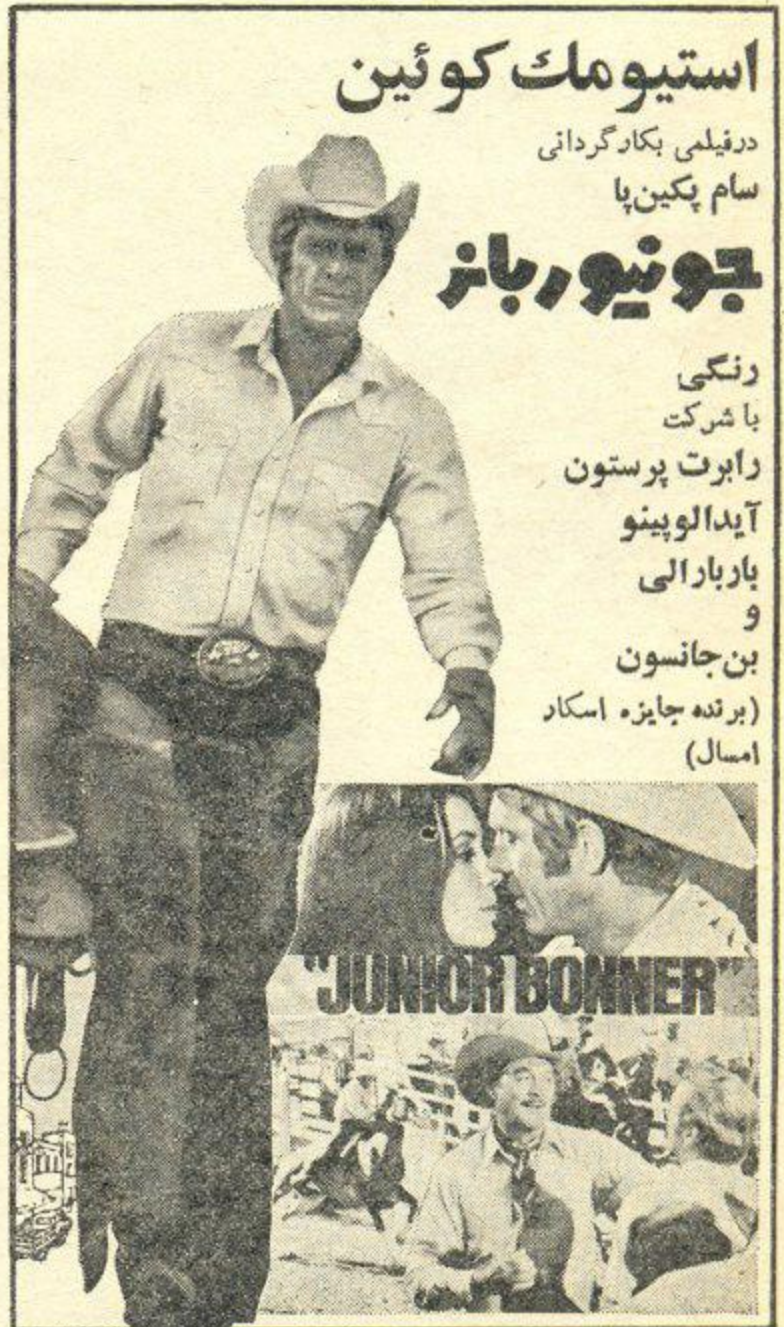
باربارالی

و

بن جانسون

(برنده جایزه اسکار

امسال)



پخش از فوکس قرن بیستم

نقش او انتخاب می گردد.

سعیدراد تعریف می کرد:

— در فیلم خورشید در مرداب

من مجبور بودم که در چند صحنه

اسب سواری خشن شرکت کنم. اما

من اصلا اسب سواری بلد نبودم.

بناچار روزهای اول با اسبهای کندرو

تمرین کردم و روز فیلمبرداری

سواری یکی از اسبهای مشهور بنام

«پیکان» شدم. این اسب زبان

میفهمید و وقتی می گفتم «ایست» می

ایستاد و می رفت و دعوایش میکردم

گریه می کرد.

سعیدراد در فیلم مزبور آن

چنان اسب سواری آموخته است که

وقتی در میدان اسب سواری تهران

بتمرین می پردازد، سوارکاران

حرفه ای باومی گویند چند سال

تمرین کرده ای.

جالب ترین ماجرا اینست که

اسب مزبور آنقدر به سعیدراد علاقه مند

شده بود که هر کجا سعیدراد میرفت

او هم دنبالش حرکت میکرد و روز

آخر فیلمبرداری وقتی اسب را از

سعیدراد جدا کردند اسب مزبور گریه

کرد و در میان تعجب آدمها قطرات

اشک از چشمانش سرازیر شد. حالا

چه کسی است که بگوید حیوان حس

ندارد!

● سر جوخه جبار و اسب...

فردین «سر جوخه جبار» معروف

که این روزها زیاد درباره اش بحث

و حرف است و تماشاگران فیلمش

را روی اکران می بینند، از جمله

هنرمندانی است که خوب اسب سواری

میدانند. او در فیلمهای عشق و

انتقام، طوفان بر فراز پاتر او چند

فیلم دیگر اسب سواری کرده و

آخرین فیلمش سر جوخه جبار می

باشد که فردین سوار بر اسب شده

است. میگویند اسبی که در فیلم

مزبور مورد استفاده قرار گرفته

بود، خیلی چموش بود و یکبار

فردین را زمین میزند و دست فردین

رگ برگ میشود و یکبار هم چیزی

نمانده بود که «ایرج صادقپور»

فیلمبردار فیلم را زیر سم خود

لگدمال کند اما بخیر گذشت...

فردین میگوید:

— من با اسب سواری علاقه

خاصی دارم و هر جمعه که وقت داشته

باشم با اسب سواری می پردازم.

اسب سواری یکی از ورزشهای

قدیمی ایرانیان است که متأسفانه

کم کم دارد فراموش میشود.

● منوچهر و وثوق و اسب سفید

منوچهر و وثوق که اخیراً او را

دوشادوش ملک مطیعی در فیلمها

می بینیم از عاشقان سینه چاک اسب

می باشد، و هر کجا فرصتی بیابند،

از اسب سواری دریغ نمیکنند.

منوچهر و وثوق میگویند:

— من عاشق اسبهای سفید

هستم. وقتی سوار اسب میشوم

احساس میکنم که دارم پرواز میکنم.

من اسب سواری را بیشتر از تو میبیل

سواری دوست دارم و فکر میکنم

برای حل وضع ترافیک، باید از

اسب استفاده کرد. در فیلم عاصی

منوچهر و وثوق نیز به اسب سواری

پرداخت و اینطور که میگویند بد

تاخت نکرده است.

● زنان اسب سوار

خیال نکنید که فقط آقایان

هنرمند در اسب سواری یکه تاز

میدان هستند. خیر اینطور نیست.

خانمها هم دست کمی از آقایان

ندارند.

پوری بنائی در اسب سواری

خودش را رقیب آقایان میدانند.

پوری در فیلم خشم کولی همراه

فردین با اسب سواری پرداخت و

در فیلم عاصی نیز هم چنین.

پوری هنگامیکه فیلم عاصی

را به پایان رسانده بود خودش تعریف

میکرد که یکبار از اسب سقوط

کرد و برای مدت پنج روز نتوانست

از کمردرد حرکتی بکند، اما با

این تفصیل پوری میگوید:

— من ترجیح میدهم که

مرتب زمین بخورم، اما باز هم

اسب سواری بکنم.

● ارغوان نیز در فیلم شلاق

همراه ایرج قادری با اسب سواری

پرداخته است. ارغوان میگوید

وقتی خواستم اسب سوار شوم بدنم

مثل بید میلرزید. همه اش ترس

داختم که میباید اسب رم بکند و

مرا زمین بزند. بهمین جهت

وقتی میخواستم سوار اسب بشوم

مرتب دعا میخواندم.

در حق من کرده است!

● نصرت‌الوحدت :

بزرگترین لطفی که يك زن بمن کرده، مادرم بوده است که پسری چون من بدنیا آورده و من تا ابد از این لطفش ممنون هستم و همیشه بیاد اویم .

● منوچهر صادقپور :

این سه لطف را زنم در حق من کرده :
رفاقت - نجابت و زندگی .

● فرخ‌ساجدی :

بالاترین خدمت و لطفی که يك زن در حق من کرده ، این بوده که يك «بچه» بمن داده و بعدش این که با فداکاریها و زحمات بی-پایانش موفق شده‌ام يك خانه و زندگی برای سعادت خودمان ترتیب بدهیم .

● نصرت‌کریمی :

در مدت چهل و هشت سال لطف بسیار کسان شامل حال شده ، مردان و زنانی که در لحظات بفرنج زندگی مرا یاری کردند ، بسیارند. اما یک نفر بیش از دیگران نسبت بمن لطف داشته است، يك زن خوب و فداکار، مادرم.

● محمد متوسلانی :

بالاترین خدمت را زنی در حق من بجا آورد که همسر من شده است .

● شاپور قریب :

بزرگترین لطفی که يك زن در حق من کرده ، زنی بود که اینک همسر من شده است.

● ایرج قادری :

تنها یادگاری که از همسر اولم دارم يك پسر است و این فکر میکنم بزرگترین لطفی است که «او» در حق من بجا آورده است.

● آرمان :

بزرگترین خدمت و لطف را زن خودم در حق من کرده ، چون با این وضع ناراحتی که از ۲۵ سال پیش با اینطرف دائمدار زندگی سینمایی من وجود داشته ، همیشه این زن من بوده که مرا یاری داده و پشتیبان من بوده است يك زن ، خصوصا اگر شوهرش در ایران هنرپیشه باشد زجرهای بسیاری را باید تحمل کند ، همسر من واقعا در برابر این نااملایمات طاقت آورد ، و هنگامی که او این همه طاقت آورده ، پس بزرگترین لطف را در حق من کرده است .

● پرویز کاردان :

بزرگترین لطف را «زنی» در حق من کرد که حاضر شد از من جدا بشود و مرا ترك کند!

● مرتضی عقیلی :

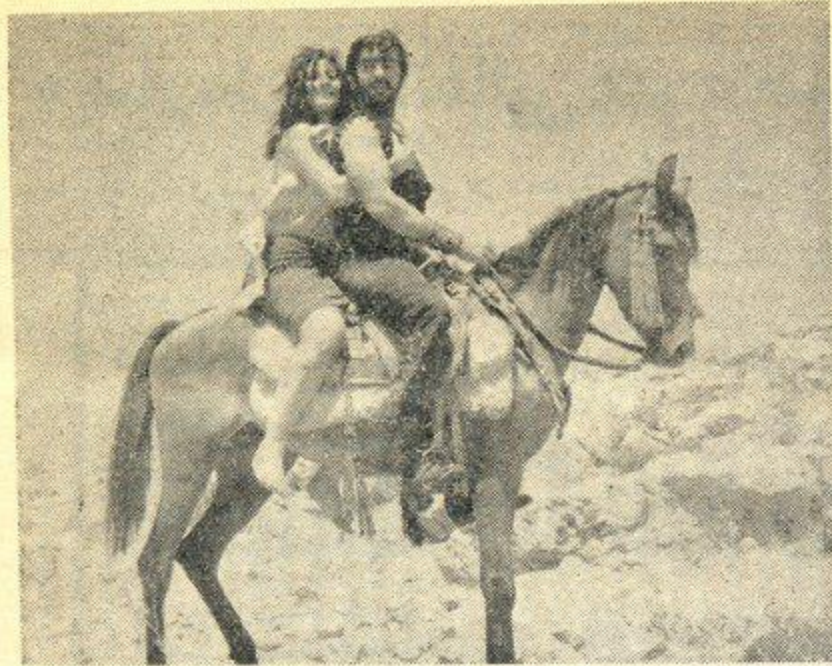
بزرگترین لطف را همسر من در مواقعی در حق من بجامی آورد که «ناراحت» باشم . در این جور لحظات از خانه بیرون نمیزنم و به راه پیمائی طولانی میروم، او هیچگاه در این جور مواقع «مزاحم» من نمیشود!

● ذکر یاهاشمی :

بزرگترین لطف را زنی در حق من کرده که اینک همسر من است ، چون او این همه علاقه بی پایان مرا به سینما و زجرهایی که بخاطرش میکشم، ستایش می کند و تحمل می نماید و همین برایم کافی است و يك دنیا لطف است .

● تقی مختار :

«او» مرا تشویق کرد که بخودم ایمان پیدا کنم... او، همسر من است ، در همه لحظات غم و شادی، ناراحتی و حرمان ، این همسر من بوده است که بمن امید و اراده داده و مرا بجلو رانده است، و این بزرگترین لطفی بوده که او در زندگی من انجام داده است.



● «محمد علی فردین» و «پوری بنائی» در صحنه‌ای از فیلم «خشم کولی»



● «هوشنگ منظوری» در صحنه‌ای از فیلم «جعفر و گلنار»



● «ایرج قادری» در صحنه‌ای از فیلم «عطش»



● «پوری بنائی» در صحنه‌ای از فیلم «یک خوشگل و هزار مشکل»

● تا تریبها هم سوار شدند !!

از میان هنرمندان تئاتر، علی نصیریان، عزت‌الله انتظامی و پرویز صیاد و عنایت بخشی هم سوار بر اسب شدند. این عده در فیلم تاریخی «ستارخان» بر ترک اسب نشستند و تاخت کردند. اما بعلاوه اینکه اسبهای آنان، اسب تندرو نبود، بهمین دلیل تماشاگران حرکت آنها را کند میدیدند.

در فیلم ستارخان پیش از دویت اسب مورد استفاده قرار گرفته بود. اما مشکل اساسی که در این نوع فیلمها بچشم میخورد اینست که اسبها اغلب مادیان هستند و از تند رفتن عاجز می‌باشند. در حالیکه ما وقتی فیلم‌های خارجی را می‌بینیم، از حرکت تند و سریع اسب‌سواران در حیرت می‌مانیم.

● در پایان این رپورتاژ باید از رضا بیگ ایما نوردی یاد کنیم. او که در کشتی کج رقیب ندارد، در اسب سواری نیز کسی را بالای دست خود نمی‌شناسد.

بیگ ایما نوردی سر نترسی دارد و عملیات محیر العقول روی اسب انجام میدهد. بیگ میگوید: - یکبار وقتی داشتم اسب می‌تاختم، دهنه اسب از دستم خارج شد و من مثل پرگاه بلند شدم و بزمین خوردم و پیمشانیم شکاف برداشت. اما همین مسئله باعث شد تا من جری‌تر بشوم و بیشتر به اسب سواری بپردازم.

● مرجان نیز ادعا دارد که اسب سواری میداند و حتی چند عکس از او که در حال اسب سواری بود در مطبوعات منتشر شد، اما تاکنون در هیچ فیلمی مرجان اسب سواری نکرده است.

● ایرن ستاره چشم عسلی نیز در فیلم «موهان» به اسب سواری پرداخته است. ایرن میگوید:

- اسبی که من سوار آن شدم خیلی چموش و عاشق پیشه بود. بطوریکه غیر از من هیچکس جرات نداشت سوار آن بشود.

خواننده‌ها هم اسب سواری میداندند

● از میان خواننده‌ها، منوچهر بیش از دیگران با اسب سواری علاقه دارد.

منوچهر اسبی دارد بنام پرستو. سال گذشته اسب منوچهر در مسابقات اسب سواری برنده شد و مبلغی بعنوان جایزه به صاحب آن یعنی منوچهر سخائی تعلق گرفت.

● مهستی نیز اسب سواری را از دوستان هنرمند خود، منجمله منوچهر آموخته است. اما هیچگاه جرات نمیکند که سوار اسب بشود. او بیش از دو بار اسب سواری نکرده است.

● دیگران که اکنون در امریکا بسر می‌برند، از اسب‌سواران ماهر و باتجربه است.

او نیز هرگاه مسابقه‌ای برگزار میشد در مسابقه شرکت میکرد و چند بار نیز برنده شد.

● علاوه بر گروه هنرمندان سینما و خوانندگان معروف عده‌ای از بازیگران تلویزیون هم به اسب سواری علاقه خاصی از خود نشان میدهند، از این عده میتوان از سیروس افهمی (پهلوان نایب) نام برد.

سیروس افهمی دو اسب بنامهای «بزیزندی» و «تنگ‌رو» دارد که هیچکس جرات سوار شدن بر این دو اسب را ندارد مگر خود افهمی. افهمی میگوید:

- هر وقت دلم تنگ میشود سوار بر اسب میشوم و تا دور دستها تاخت میکنم، آنوقت احساس آرامش و راحتی میکنم.

بهار امسال
گو گوش
در فیلم
خیالاتی

« سازمان سینمایی مهر » ضمن عرض تبریک نوروزی به همه ملت ایران
و تبریک سالگرد مجله فیلم و هنر اولین محصول خود را معرفی میکند

سازمان سینمایی مهر اولین محصول خود را تقدیم میکند

قصه ماهان

قصه‌ای لطیف از عشق و دلدادگی
با شرکت:

کامیاب کسروی
یدالله شیراندازی

و



با هنرمندی: محمدعلی کشاورز - امرالله صابری و معرفی چهره جدید:

نوشتن آفرین

کارگردان: جواد طاهری

تهیه کننده: حسنعلی شریفی

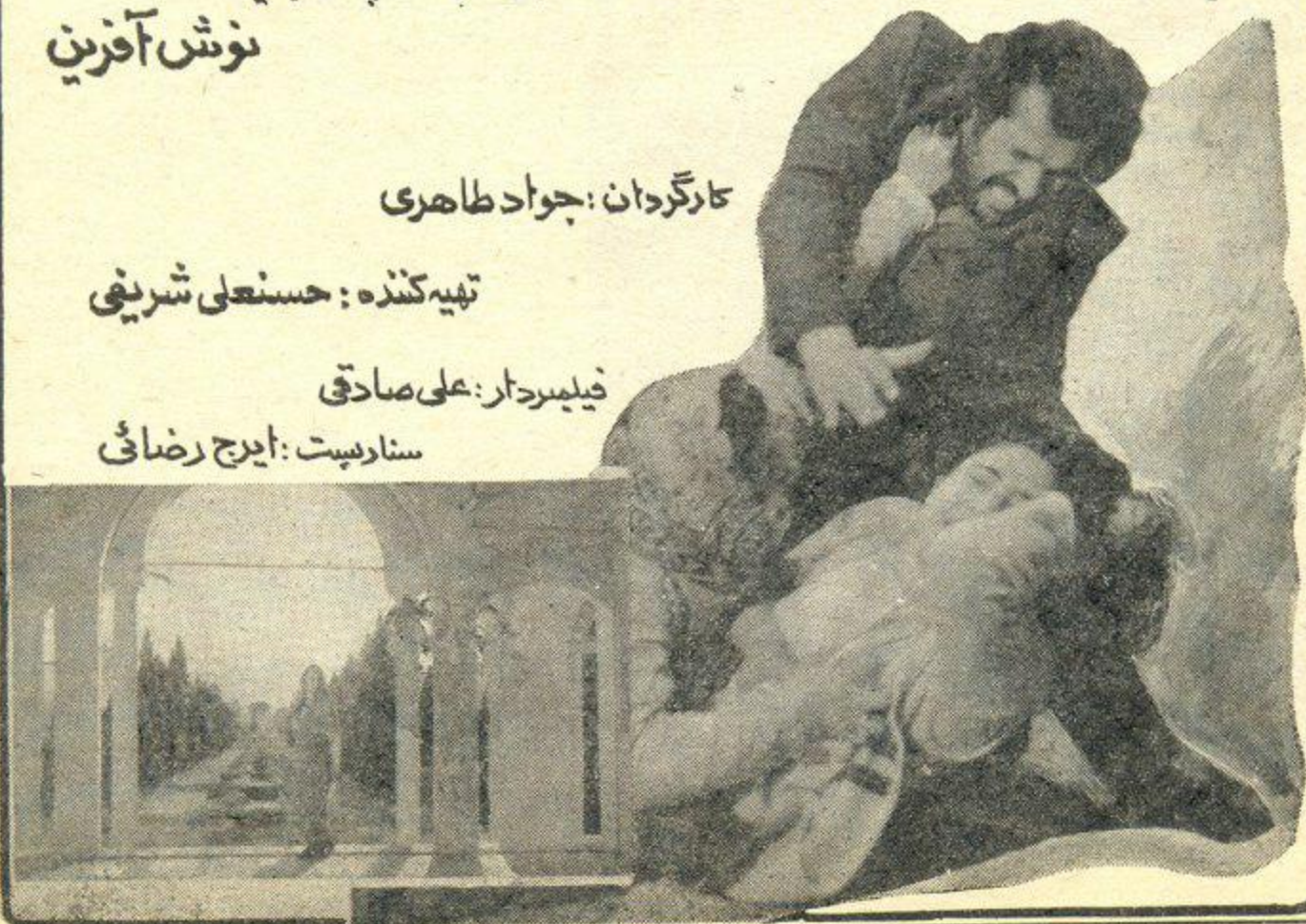
فیلمبردار: علی صادقی

سناریست: ایرج رضائی

موزیک:

مرتضی

حنانه



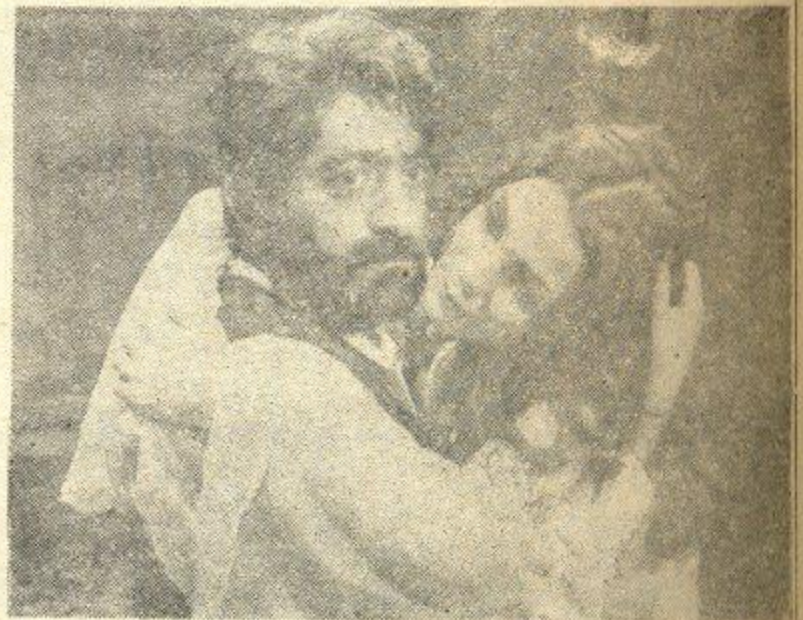
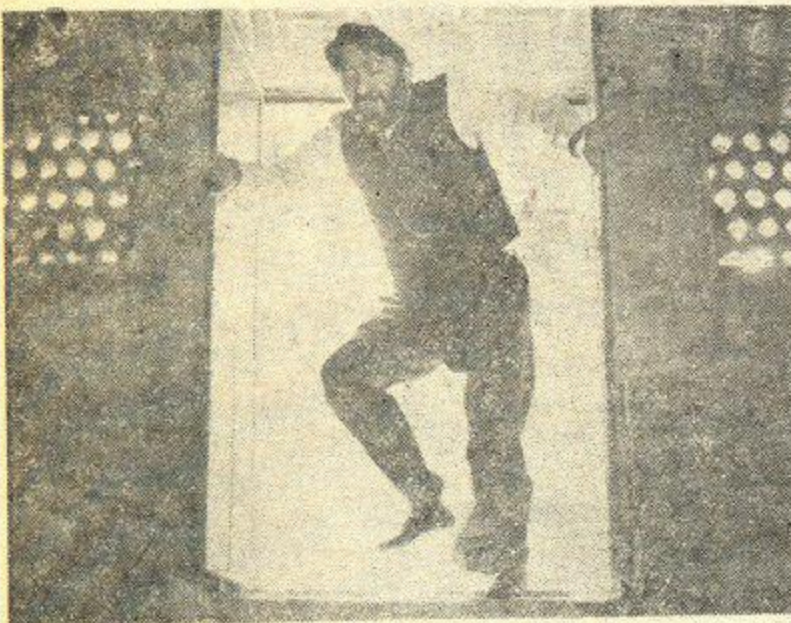
پارسا فیلم

با آرزوی موفقیت برای همه علاقمندان صنعت سینمای ملی ایران در سال تازه، صمیمانه ترین تبریکات خود را به ملت ایران تقدیم داشته و چون گذشته در سال جدید نیز به تهیه آثار برتر و موفق تری مبادرت خواهد ورزید.

عزت الله انتظامی

در فیلم

قیامت عشق



با هنرمندی:

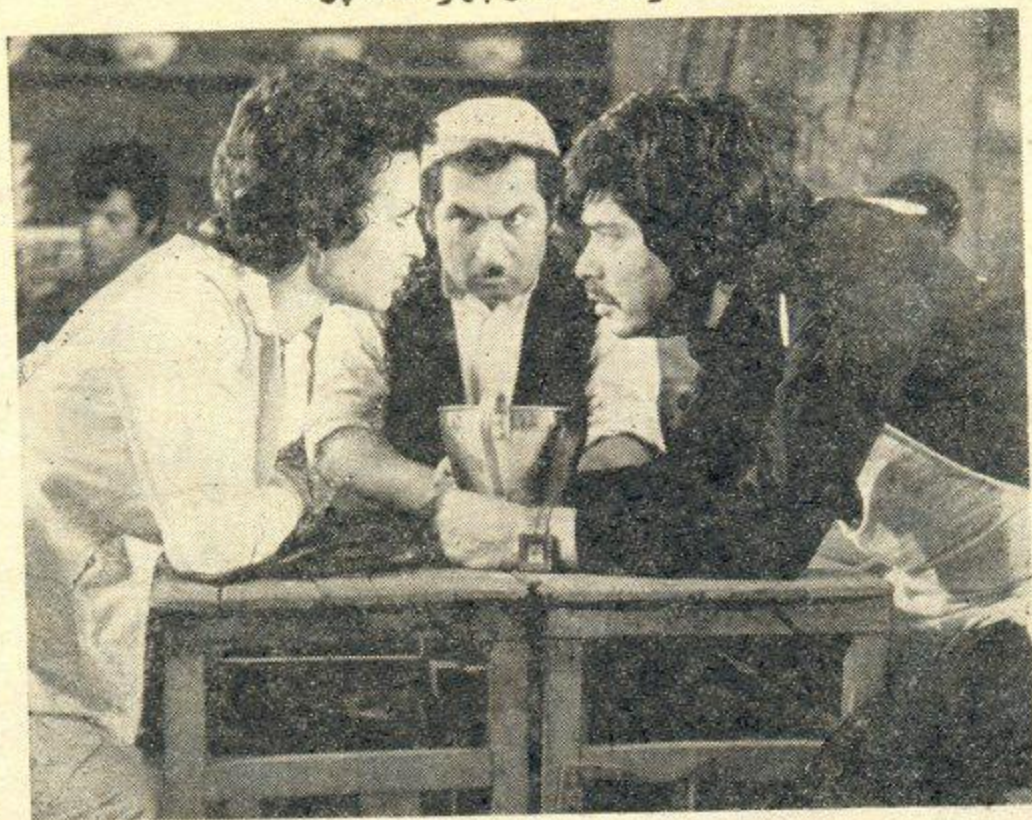
فرشته جنابی - خسرو شجاع زاده - بنی احمد و مهین شهابی

سناریست و کارگردان: هوشنگ حسامی

تهیه کننده: منوچهر صادقپور مدیر فیلمبرداری: خانی موزیک متن مجتبی میرزاده

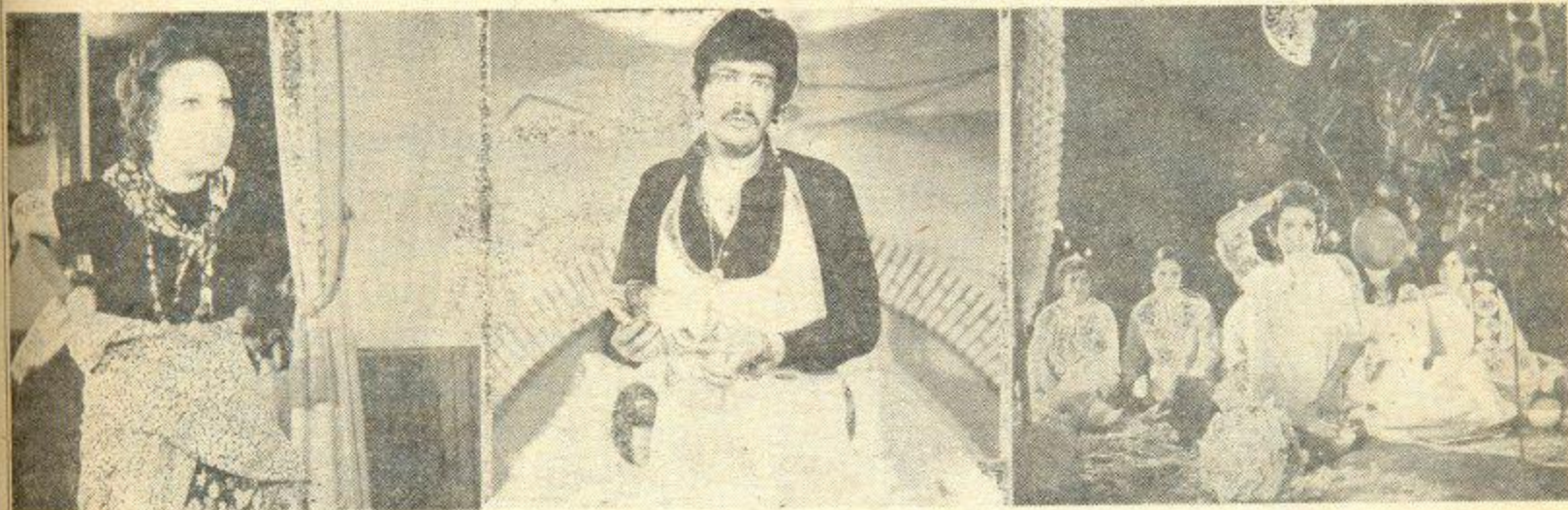
آقامهدی کله‌پز

کارگردان : منوچهر صادقپور



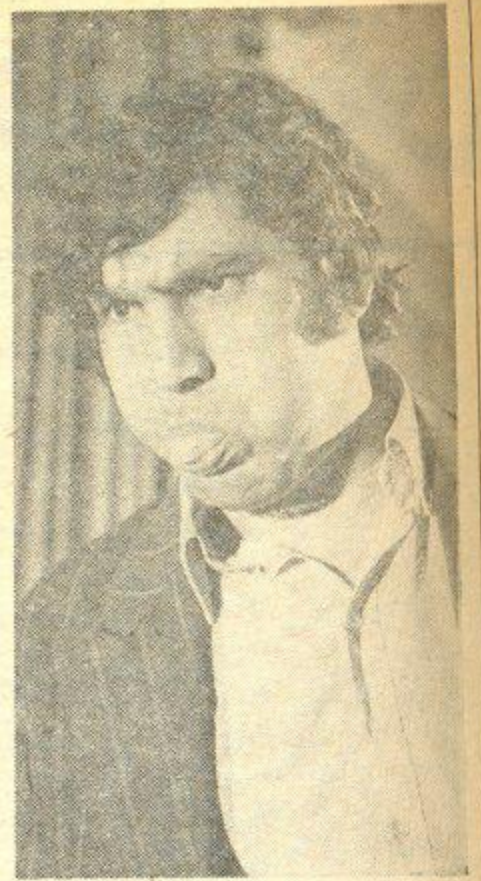
باشرکت :

فریده نصیری ، منوچهر صادقپور ، میری ، آرزو ، بهمنیار و صادق بهرامی



فیلمبردار : خانی

سناریست: دکتر منوچهر کیمرام



آغاسی ^{در فیلم} نعمت نقتی



سپه‌مین غفاری - شهناز و سرکوب

باشرکت :

در این فیلم «پسر آغاسی» نیز در صحنه‌هایی ظاهر می‌شود.

سازنده آهنگها: مهندس همایون خرم

مدیر فیلمبرداری: خانی

سناریست و کارگردان: عباس کسائی

بزرگترین لطفی که يك زن

● این سؤال غیرمنتظره و تاحدی بیگانه است ، چون در زندگی مردی ، مسلماً بیش از يك زن ، وجود داشته و همه این زنها هم کم و بیش اثرات متفاوتی در زندگی او بجای گذاشته اند . شاید هم هیچ زنی ، واقعا خدمت و لطفی در حق يك مرد ، آنطور که شایسته اوست ، نکرده باشد چون بقول مردها ، همه زنها بدون تردید ، موجوداتی بیوفا و بی گذشت هستند .
بهر حال ما چنین سؤالی را در برابر عده ای از بازیگران مرد سینمای ایران گذاشتیم و جواب های متفاوتی از آنها دریافت داشتیم . آنچه بخصوص در تمامی این جواب ها مشترک بود ، حس و وظیفه شناسی هنرپیشه ها نسبت به همسران شان بود . همه بیشتر ، پاس حرمت زنهاشان را نگاه داشته اند و آنها را را به مقام شایسته و ارجمندی ارتقاء داده اند که بدون شك این مقام را هم در نزد آنها دارند .
بهر حال يك چیز در این میان کاملاً محسوس است و آن ، این که «زن» بعنوان يك «همسر» واقعا در قلب مردان هنرپیشه ما منزلت و ارج و قرب خاصی دارد و تنها عده معدودی به مادر ، خود بعنوان يك زن مورد توجه زندگی خود اندیشیده اند .



● امین امینی :

بزرگترین لطف را « زنم » نسبت بمن انجام میدهد که مرا تحمل می کند .



● بهروز وثوقی :

بزرگترین لطف را « زنی » در حق من کرد که برای اولین بار جوانه های عشق را در اعماق قلبم رویاند .



● همایون :

بزرگترین خدمتی که يك زن در حق من بجا آورده ، همسرم بود که دو بچه سالم برای من بدنیا آورد ، بچه هایی که مونس شهای من هستند ، بچه هایی که آنها را تا سر حد مرگ دوست دارم و از این بابت من از همسرم تشکر می کنم .



● سعیدراد :

همسر من میدانست که من بالاخره یکروز نتیجه زحمات خود را بدست می آورم . می توانم بگویم اوفداکارترین زنی است که تا بحال در زندگی من باو برخورد کرده ام ، دوسه ماه تمام آشپزی بچه هایی را که در ساختن فیلم « خدا حافظ رفیق » زحمت می کشیدند ، انجام داد و سختی ها را تحمل کرد چون میدانست که من يك روز نتیجه می گیرم .

او واقعا می تواند بمن بگوید که بروم دنبال کار تبلیغاتی ، ولی صبر کرد و مرا تشویق کرد و صبر زخم باعث شد که صبر من هم زیاد بشود . او تقریباً يك مبارزه پنهانی برای موفقیت من میکرد . عقب نمی نشست و مرا دل سرد نمی کرد .

با وجود آن که خودش از این موضوع که من يك هنرپیشه هستم ، ناراحت است مع الوصف ته دلش راضی شده که من از کارم نتیجه گرفته ام ...

● ناصر ملک مطیعی :

در تمام این سالها ، در تمامی این فراژو نشیبه های زندگی سینمایی من ، این همسر من بوده که مشوق و الهام دهنده من بوده تاراههای افتخار و پیروزی را در نوردم این بزرگترین لطفی بوده که او در حق من کرده است . زندگی من بدون مساعدت و لطف همسرم ، يك خلاء بی پایان است .



● منوچهر وثوق :

من فکر می کنم بزرگترین لطفی که زنی در حق من کرده ، همسرم بوده است . همین که او بمن کمک می کند که من کارم را ادامه بدهم و در مقابل صحنه های سبکی که من بازی می کنم ، طاقت می آورد و سکوت می کند ، این بزرگترین لطفش است . همسرم مرا واقعا در



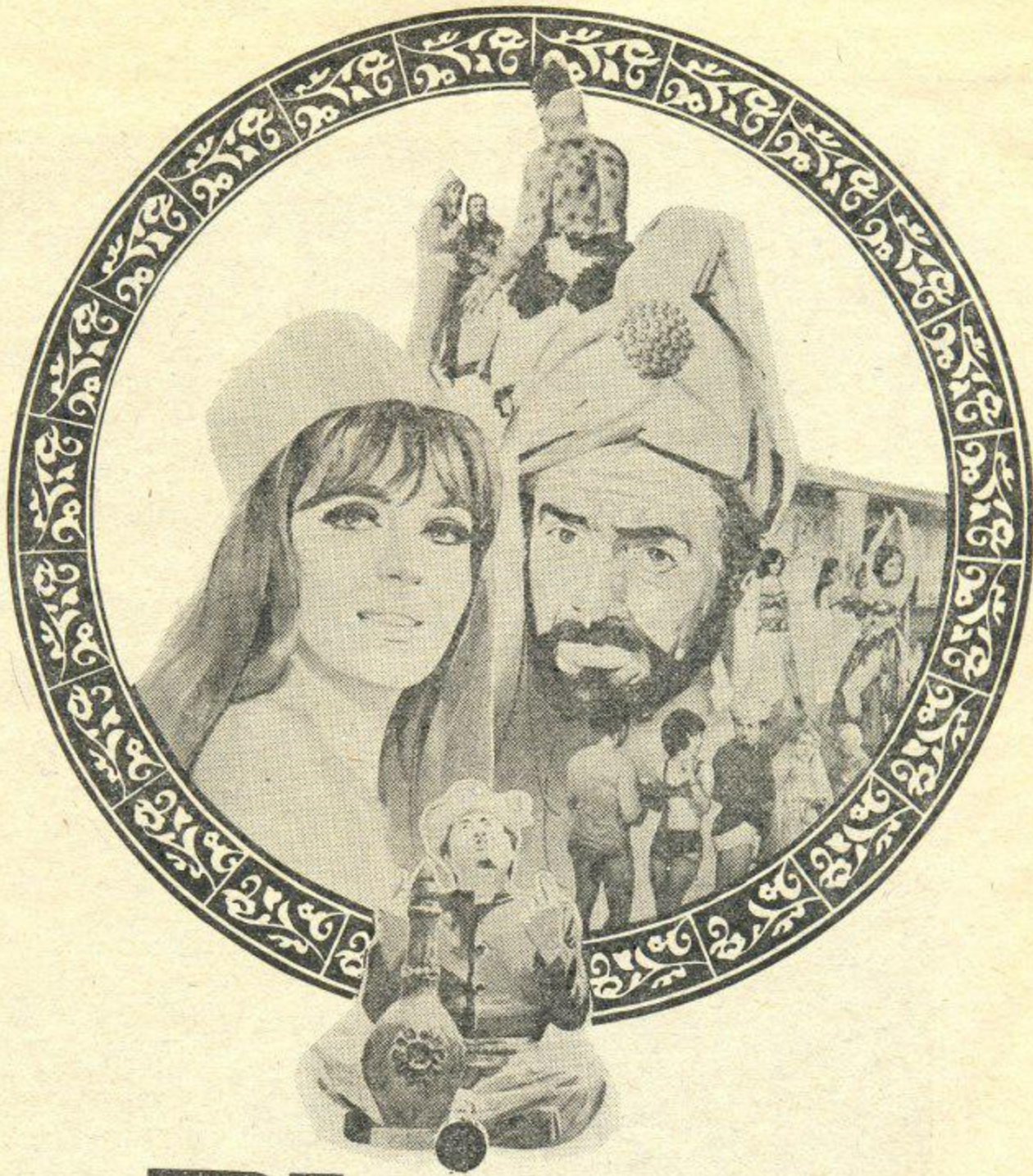
این مورد تحمل می کند . او مرا کاملاً در کارم آزاد گذاشته و این تحمل را دارد که من بتوانم با راحتی بکارم ادامه بدهم .

● رضا بيك ایما نوردی :

دوزن در زندگی من خیلی بمن لطف کردند ، یکی « مادرم » که هیچوقت محبت های او را فراموش نمی کنم . او پاسدار شب های تنهایی من بود ، و دیگر زنی که با من ازدواج کرده است .



فروزان . ارحام صدر میری



پیکان

کارگردان:

سیامک یاسمی

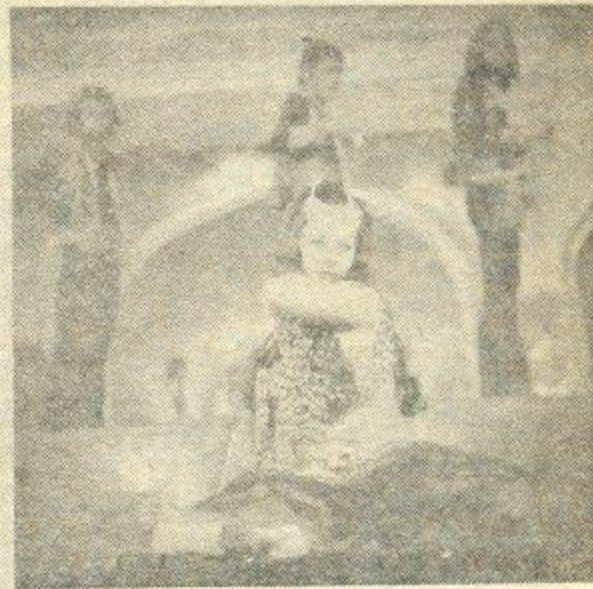
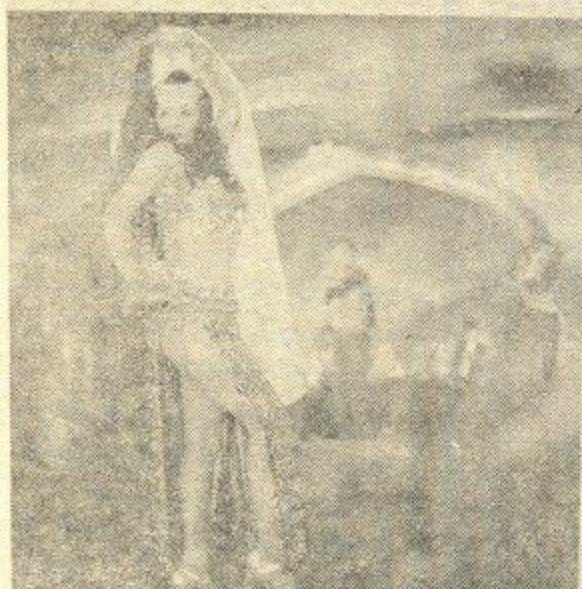
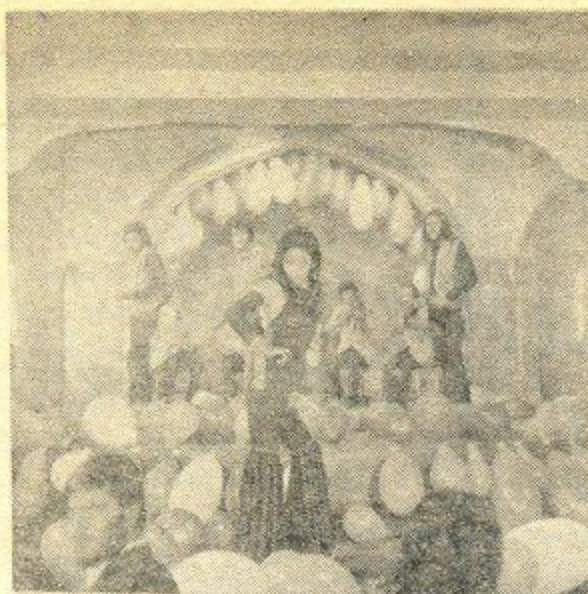
فیلمبردار:

حمید مجتهدی

برنامه
فروزی
سینماهای:
آسیا
رکس
شهند
لیدو
نیتون
ژاله
المپیا
پاسارگاد
توسکا
و
درایوین
سینما
ونک

وهم زمان در
شهرستانها:
اصفهان (نقش)
جهان-همايون
-مهر) آبادان
(ایران -
خورشید -
مترویل)
شیراز (پارس -
پارامونت)
رشت (کودش)
کرمانشاه
(مهتاب) مشهد
(مترویل -
کرستان)
تهران (مترویل)
اهواز (آریا)
گرمجان
(مهتاب)

زینب



فیلم دیگری از «کامران قد کچیان» که موفقیت فیلم «ساحره» را تجدید خواهد کرد...

مردان سحر، ایوب، حمید، مرد و ساحره موقعیت خود را در سینمای ایران تثبیت کرد. در این هنگام «کامران قد کچیان» که به نیایش برای بدست آوردن تجربه‌های بیشتر در کار فیلمسازی پی برده بود، در چند فیلم با کارگردانی چون «حاتمی» و «شاپوریز» سیامک یاسمی و زورک» به عنوان آسپستان همکاری کرد.

این فیلمها «همای سعادت»، «با باشمل»، «قلندر»، «قوز بالای قوز»، «لیلی و مجنون و حیدر» آن تجربه‌های کافی اولیه را در اختیارش گذارد و با گامهای مصمم در راه فیلمسازی مستقل به پیش افتاد.

نخستین فیلمش «ساحره» را در سازمان سینمایی زورک با امکاناتی که این سازمان در اختیارش گذاشت، ساخت که با توفیق تجاری بالنسبه خوبی رو بر و شد و همین توفیق، بقولی یک جور «جران» به کامران قد کچیان داد که دومین فیلمش «بندری» را جلوی دوربین برد.

«من بسیار مشتاقم که در این آشفته بازار سینما وابسته به گروه وجهه‌ای باشم که پیام آور ابتدال و پوچی نیست... من نیز دوست دارم نامم در کنار سینماگران اصول مثبت شود. منتهمی برای رسیدن به سینمای اصول و واقعی، به گمان من باید در ابتدا کمی صبر و گذشت داشت...

● حسن عمده تحول سینمای ایران در چند ساله اخیر، این بود که موجب شد چهره‌های جوان و اندیشمند به سینمای ایران روی بیاورند و با افکاری تازه و صاحب سبک به کار مشغول شوند.

گفتنی است که هیچگاه اینچهره‌های جدید، ادعای پی افکندن یک سینمای کاملاً سالم و هنری که شایسته عرضه به کشورهای اروپائی - دربادی امر - باشد نداشته‌اند اما بر آن بودند و هستند که سینمای متفاوتی را بنیان نهند و برای گسترش آن کوشا باشند.

چهره تازه نفسی که در یکی دو ساله اخیر همگام با تحولات تازه سینمای ایران بکار فیلمسازی روی آورد «کامران قد کچیان» فرزند ارشد «احمد قد کچیان» تهیه کننده و بازیگر کهنه کار تئاتر و سینمای ایران بوده است.

همگام با آغاز فعالیت «کامران قد کچیان» در سینما، از اواخر سال ۴۸ سازمان سینمایی زورک نیز تولدش را با تهیه فیلم «سوگلی» آغاز کرد. سازمان نوپای «زورک» از آغاز بر آن بود که بتهمیه فیلمهای خوب تجاری که شایسته معیارهای زمان باشد، اقدام کند. یکی از هدفهایش همیشه این بوده که به فیلمسازان نوپا و نوجو، میدان بدهد و فیلم در اختیار آنها بگذارد.

سازمان سینمایی زورک بدین ترتیب با تهیه فیلمهای سوگلی



... مطمئن باشید فیلم بعدی من یک سر و گردن از «ساحره» جلوتر خواهد بود. این جرات را مردم بمن دادند... چون که سینمای خوب جز باری مردم که بهترین داوران و قضاوت کنندگان یک اثرند، ساخته نخواهد شد...»

● ماجرای بندری ...

فیلم بندری را ابتدا قرار بود خود «فریدون زورک» برای فردوسی فیلم بسازد و حتی مقدمات کار فراهم شده بود. اما با توفیق فیلم «ساحره» و تسلطی که کامران قدکچیان در این نخستین کارش نشان داده بود، موجب گردید که «بندری» به کارگردانی کامران در سازمان سینمایی زورک جلوی دوربین برود.

«بندری» از یک داستان تازه با ویژگیهای دلپذیر که کمتر در خط داستانهای فیلم ایرانی سابقه دارد، برخوردار می باشد. «سپروس الوند» که ستارست این فیلم است، با طرح داستانی تازه ای که برای این فیلم پدید آمده، و با قراردادن فضا در «بوشهر» این امکان را در اختیار فیلمساز نهاده که بهترین استفاده را از یک گرانزد در پیشبرد ماجراها و حوادث بنماید و با شخصیت پردازی خود شناخت کاملی از آدمهای داستان فیلم وسیله فیلمساز بدست می آید و تماشاگر خیلی زود با آدمها اخت میشود و آنها را آدمهای واقعی از میان اجتماع خود، درمی یابد.

فیلمساز میگوید:

«موفقیت فیلم ساحره همو موجب شد که من کارم را جدی تر پندارم و یک گام دیگر به سطح خواسته هائی که مایلیم در فیلم هایم انجام بدهم، بردارم. من در فیلم «بندری» کوشش کرده ام که ضمن آن که خواسته های تماشاگر امروز را برآورده میسازم، به قسمتی از نیت و هدف خود که فیلمی دوزخ ابتدال و پوچی بسازم، دست یابم....»

● بازیگران فیلم چه کسانی هستند؟

کامران قدکچیان که در فیلم اول خود از همکاری فرزنان، بهمن مفید و پیمان برخوردار بود این بار برای فیلم «بندری» به چهره های پولساز دیگری روی آورده که هر کدام در حد خود شایسته اهمیت هستند. ایفاگر نقش اصلی و محور ثقل ماجراهای فیلم «رضایک ایمانوردی» است.

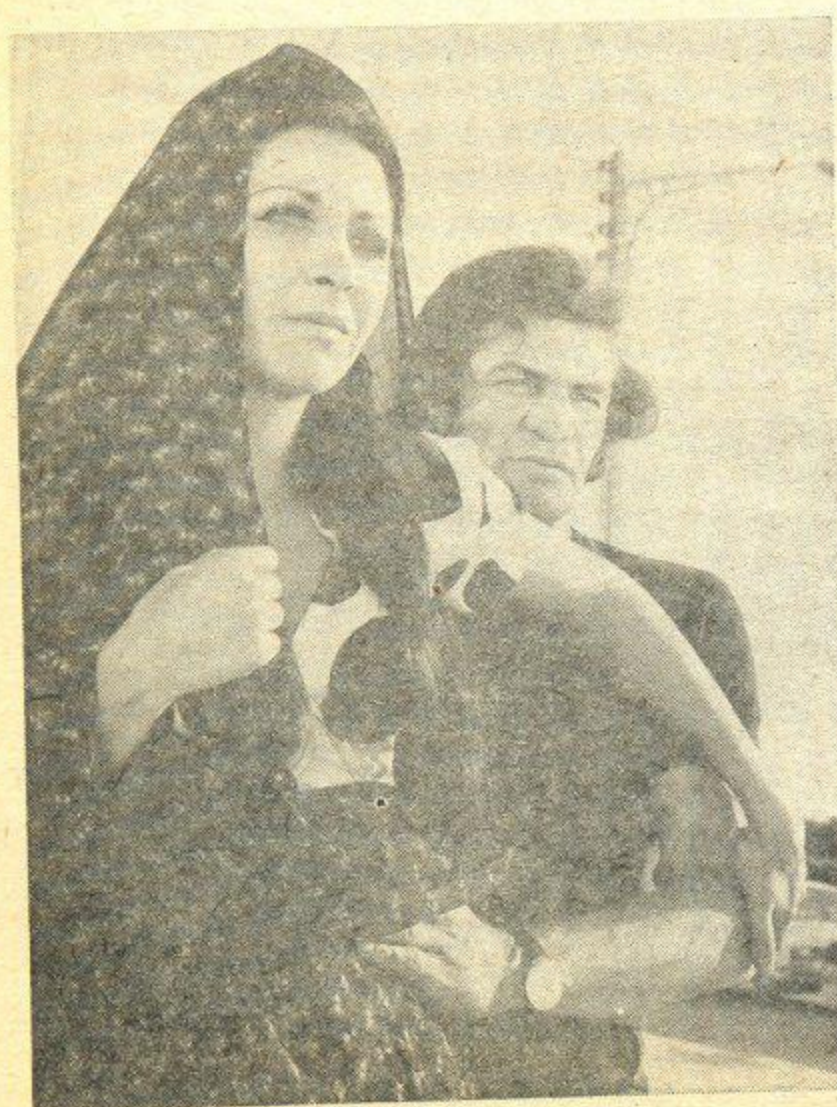
«بیک ایمانوردی» قهرمانی که ضد قهرمانی های او همواره در اوج بوده، در همه حال چه در قالب یک ضد قهرمان شرور و خبیث و چه در قالب یک دلگرددخل وضع و ژنده پوش، همچنان این امتیاز را بسا خود بهمراد داشته که محبوب باشد و تماشاگران را به سوی سالن های سینما بکشاند.

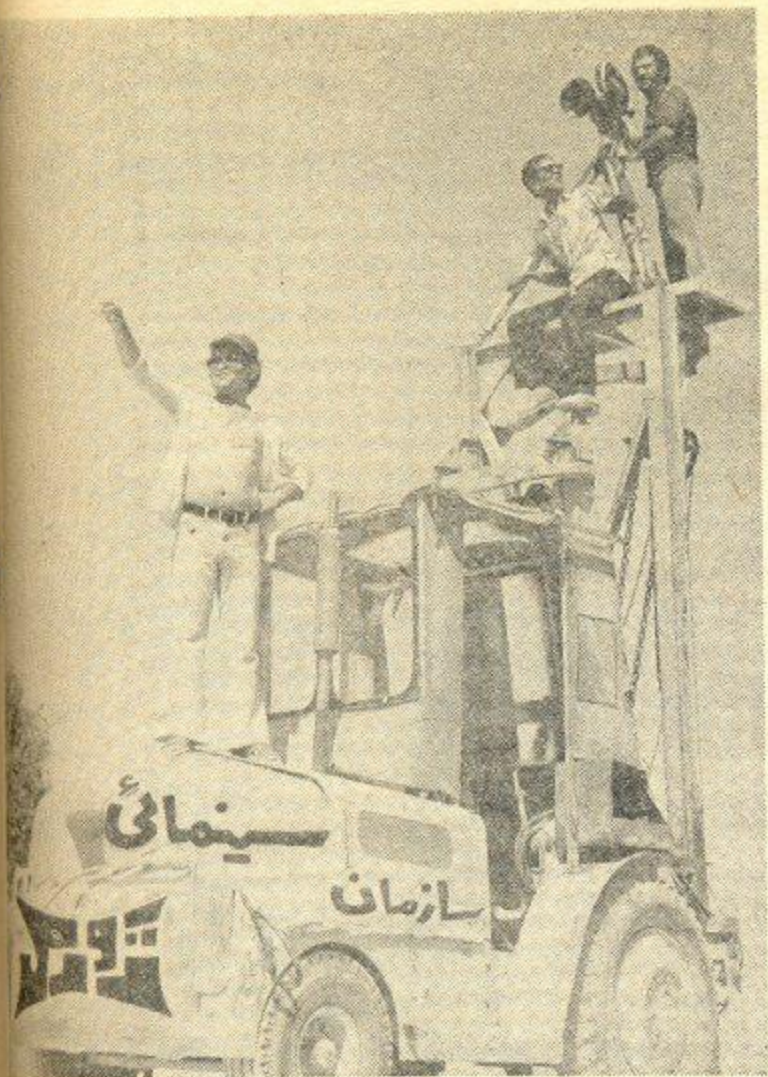
بیک ایمانوردی در فیلم «بندری» باز طبق معمول همیشگی خود، صاحب یک تیپ تازه با شخصیتی متفاوت از گذشته است. این مرد که او را مرد هزار چهره سینمای ایران لقب داده اند، در همه حال سعی داشته که در فیلم هایش تیپ تازه و اصیل ارائه بدهد و همین راز موفقیت همیشگی او بوده است چنانکه خود میگوید:

«تمامی کوشش های من این بوده که خود را از اسارت نقش های شناخته و تکرار شده، برهانم و همواره کوشش معروف ارائه و عرضه تیپ های تازه شده و تنوع این تیپها، که هم مورد پذیرش و توجه تماشاگران واقع شده، در موفقیت های من البته تأثیر مهمی داشته اند...»

● جمیله برای اولین بار ایفاگر یک نقش کاملاً جدی و استثنائی در سینمای ایران در این فیلم «بندری» - میشود. وی را سابقاً در فیلم های چون «زن و حشی و حشی» و «نامادری» دیده ایم و اگر فیلمسازان از وجود «جمیله» تا بحال استفاده می کردند، شاید بدین خاطر بوده که رقص های جالب توجه او می توانسته یک پوئن

● «رضایک ایمانوردی» و «جمیله» با شرکت در فیلم «بندری» زوج تازه ای تشکیل دادند و پس از این فیلم، در فیلم های دیگری نیز باهم ظاهر میشوند.





وسو کسه تجارتي برای فیلم هایشان پدید آورد .
 اما «جميله» بافیلم «بندري» تحول تازه ای از لحاظ کارين
 بازیگری خود در سینمای ایران بوجود می آورد و نشان میدهد که
 علاوه برداشتن امتیاز و هنر خوب رقصیدن ، صاحب استعداد در زمینه
 بازیگری نیز هست .

جميله در «بندري» رقص های تازه ای می کند و ضمن آن
 به نقشی مقابل بيك ایمان نوردی ، بازی جالب توجهی ارائه میدهد .
 ماجرای بازی جميله در این فیلم خود شنیدنی است ، وی که
 قبل از فوت مرحوم ارباب موافقت کامل او را برای رقصیدن و بازی
 در این فیلم کسب کرده بود ، در اواسط فیلم به هنگام مرگ «محمد کریم
 ارباب» ناگهان اعلام کرد که دیگر جلوی دوربین نخواهد رفت و
 روی سن نخواهد رقصید !

این درست زمانی بود که صحنه های خارجی فیلم در بوشهر کلا
 فیلمبرداری شده و می بایستی صحنه های داخلی در استودیو در داخل
 دکور گرفته شود ، جميله همچنان که از مرگ ارباب قلبا جگر سوز شده
 بود روی تصمیم خود پافشاری میکرد .

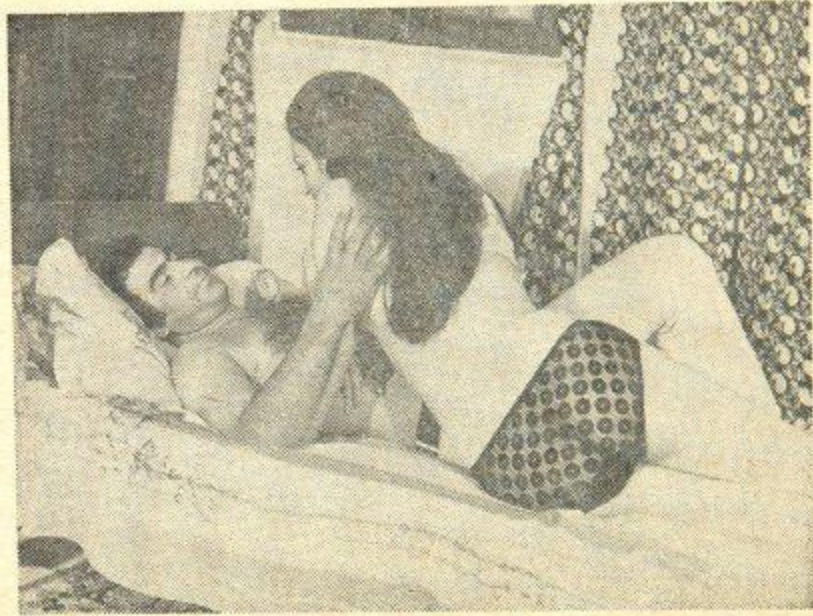
عاقبت ژورک تهیه کننده این فیلم از جميله به سندیکای
 هنرمندان شکایت کرد و بالاخره پس از مدتی با وساطت سندیکا ،
 جميله راضی شد که بازی خود را در فیلم ادامه بدهد و چند رقص نیز
 برای این فیلم بکند .

● **رمضانی فر** هنرپیشه ای که بافیلم «گاوه» کار خود را در
 سینمای ایران شروع کرد و این اواخر در چند فیلم متعدد شرکت کرده
 «پستچی ، حیدر و...» در فیلم بندري ایفاگر نقش مناسبی است .

● **ابراهیم نادری** که پیش از این ، این موقعیت را بدست
 نیاورده که در فیلم های گذشته خود ، ارزش خود را بعنوان يك آکتور
 خوب نشان بدهد ، در فیلم «بندري» بازی یکدست و روانی ارائه
 میدهد .

● **حسین گیل** که قبلا با بيك ایمان نوردی در «حیدر» نیز
 همبازی بود و در تعداد زیادی فیلم خوب ایرانی مثل «سه قاب و دشنه»
 شاهد هنر نمائی های او بوده ایم ، در این فیلم همچنان «خشم» بيك -
 ایمان نوردی است و این بار نیز بازی قابل توجه او کاملا بچشم
 خواهد خورد .

● **تجدد** که اخیرا او را در «حکیم باشی» دیدیم ، یکی
 دیگر از نقش های حساس فیلم «بندري» را ایفا کرده . از تجدد بزودی
 فیلم «راه بدکاران» رانیز نمایش خواهد داد .



● **مرسده کامیاب** و **ابراهیم نادری** در نمائی از فیلم «بندري»

● **کامران قدکچیان** هنگام کارگردانی صحنه ای از فیلم در
 بندر «بوشهر» - تورج پورمروت پشت جراتقال مخصوص آماده
 فیلمبرداری است .

● **مرسد کامیاب** که ستاره ای است سکسی و خوش اندام و با
 فیلم های «ظفر» و «فتنه چکمه پوش» فعالیت خود را در سینمای
 ایران آغاز کرده ، در این فیلم رقیب «جميله» بشمار میرود که علاوه
 بر سکس ، کوشش کرده بازی درخور توجهی ارائه بدهد .

● **مرتضی حدیقی** نیز در فیلم بندري ، یکی دیگر از نقش های
 قابل توجه آنرا ایفا کرده است .

... و «تورج پورمروت» فیلمبرداری که قبلا برای فیلم «ساحره»
 با «کامران قدکچیان» همکاری داشت ، امور فیلمبرداری «بندري»
 را بهمه داشته و کوشش او تماما مصروف آن شده که بسا درك
 خط فکری کارگردان ، تصاویر تمیز و یکدستی روی نوار سلولوئید
 فیلم نقش نماید .

... و موزیک متن فیلم را «حسین واثقی» ساخته که قبلا در این
 زمینه اشتها کافی یافته ، وی در حال حاضر یکی از پرکارترین
 سازندگان موزیک متن در سینمای ایران بشمار میرود . وی در این
 فیلم با استفاده از فضای بوشهر و ریتم تند فیلم و آلات و ادوات
 خاص موسیقی و مایه های محلی آوازهای بنادر جنوب کشور ، یک موزیک
 مناسب و درخور توجه ساخته است که مسلمان یکی از عوامل توفیق فیلم
 «بندري» بشمار خواهد رفت .

این فیلم اوائل اردیبهشت ماه ۵۲ در گروه سینماهای نیاگارا ،
 اروپا... بروی اکران خواهد آمد و بدون شك یکبار دیگر توفیق
 فیلم «ساحره» را تجدید خواهد کرد .

وحدت - پوری بنائی - ژالہ کریمی درفیلیم:

خوشگذران

محصولی ممتاز از : استودیو نقش جهان



وباشرکت : میبری - اسدزاده - علی زاهدی و سرور رجائی باهنرمندی : شیر اندامی

مدیر فیلمبرداری : عزیز رفیعی

سناریست : بهرامری پور

کارگردان: نصرت‌الله وحدت

فروزان . ارحام صدر میری



پیرنگاراد

فیلمبردار:
حمید مجتهدی

کارگردان:
سیامک یاسمی

برنامه
فروزی
سینماهای:
آسیا
رکس
شهو ند
لیدو
نیتون
ژاله
المپیا
پاسارگاد
توسکا
و
در ایون
سینما
ونک

و هم زمان در
شهرستانها:
اصفهان (ننر)
جهان - معا یون
- مهر) آیانان
(ایران -
خورشید -
مترویل)
شیراز (پارس -
پاراموت)
رشت (کوروش)
کرمانشاه
(مهناب) مشهد
(مترویل -
کریستال)
تبریز (مترویل)
اهواز (آریا)
سرمهان
(مهناب)



میزگرد سینمای ایران

● اولین قسمت از بحث بزرگ فیلم و هنر درباره علل شکست تجاری فیلمهای ایرانی.

در بحران «شکست فیلم ایرانی» چه کسی مقصر است؟

● فردین : مطبوعات در شکست تجاری سینمای ایران مقصرند !

● رضا شیبانی : ضرر فیلم «رازدرخت سنجد» بیش از منفعت «غلام ژاندارم» بود .

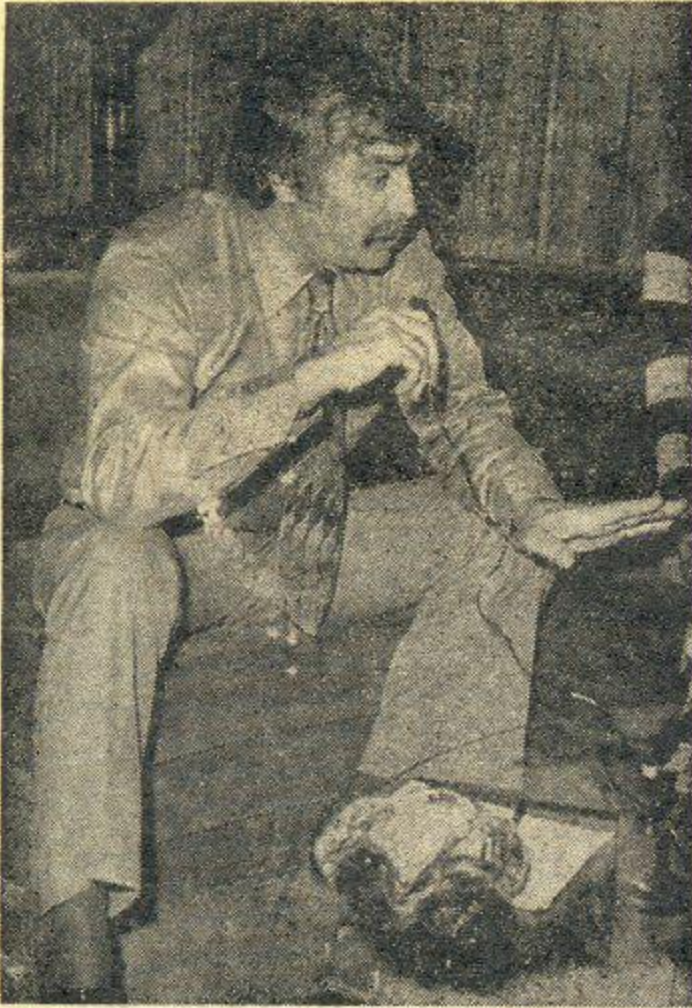
● رضا کریمی : شهرداری باید از مالیات فیلمهای ایرانی بکاهد و در عوض بر مالیات فیلمهای خارجی بیفزاید.

درباره این میزگرد :

رضاشیبانی ، مهدی مصیبی و رضا کریمی تشکیل شد و موارد فوق توسط «م صفا» نویسنده و کارگردان و رضاشمادیان نمایندگان فیلم و هنر به بحث گذاشته شد ، که حرفهای زیر حاصل این نشست و بحث و گفتگوست . آنچه که میخوانید عینا بر سینه نوار ضبط شده و در دفتر مجله موجود میباشد . فیلم و هنر امیدوار است که حرفهای این جلسه راهگشایی برای شکل فیلمسازی در ایران باشد و مسئولان امر نیز به واردی که ذکر شد ، توجه نمایند و معضلات و مشکلات تهیه فیلم و تهیه کنندگان فیلم ایرانی را در نظر بگیرند .

سردبیر

بعثت شکستهای پندری ای که در فروش فیلمهای ایرانی ، نصیب تهیه کنندگان آن گردیده ، و بمناسبت اینکه گروهی از تهیه کنندگان معتبر از فعالیت خود کاسته اند و چشم به فروش فیلمهای «خوب» و «بد» خارجی دوخته اند ، از این سرو تصمیم گرفتیم تا جلسه ای با حضور عده ای از تهیه کنندگان معتبر و صاحب نام سینمای ایرانی ترتیب دهیم و از آنها بخواهیم تا درباره علل مختلف شکست فیلم ایرانی و گریز تماشاگران از فیلمهای وطنی توضیح بدهند . بدنبال این تصمیم جلسه مذکور در «فردین» فیلم با حضور آقایان : فردین ، گنجی زاده ، عباس شباویز ، محمدعلی زرنندی ،



فر دین: در هر صورت يك مقدار زيادی مطبوعات بنظر من در زمينه پيشرفت صنعت سينما مقرر هستند ...

صفار: در سال گذشته فروش فيلمهای ایرانی آنطور که باید و شاید مثل سالهای گذشته نبود. عدهای از تهیه کنندگان خود را ورشکسته اعلام کردند و عدهای دیگر اذعان نمودند که در کار فيلمسازی ضررهای زیادی را متحمل شدند. عدهای میگویند که تماشاچی فيلم ایرانی، از این سوزدهای یکنواخت و کسل کننده خسته شده است. عدهای دیگر از دست اندر کاران میگویند سانسور و ما اجازه نمیدهد تا مورد دلخواه تماشاچی فيلم بسازیم من میخواهم بدانم علت واقعی گریز تماشاچی از دیدن فيلم ایرانی چیست و چرا در طی سال گذشته اکثر فيلمها با شکست روبرو شد. از سوی دیگر یاد آوری این نکته ضروری بنظر میرسد که مخارج تهیه فيلم نسبت به سالهای گذشته افزایش یافته، و دستمزدها بالا رفته است در حالی که فروش فيلمها نسبت به خرج تهیه آنها به سالهای گذشته، پائین آمده است. هدف از اینکه دوره جمع شده ایم اینست که مشکلات تهیه و راه چاره فيلمسازی در این مرزوبوم را مورد بحث قرار دهیم. تا بلکه از بحرانی که گریبانگیر سينمای ایران شده است عدهای از فيلمسازان رهایی یابند.

فر دین: قبل از اینکه بحث را شروع کنیم من لازم میدانم که از یکایک سروران عزیزم که دعوت ما را قبول کردند تشکر کنم. حالا از جناب فر دین میخواهم که بحث را شروع کنند.

فر دین: بهتر است اول آقای شیبانی که صرفاً تهیه کننده هستند و مقدار زیادی متضرر شده اند صحبت کنند، زیرا من شاید یکدم ایشان هم ضرر نکرده باشم. بعد من عرایضم را خدمتتان خواهم گفت.

شمشادیان: بهر حال فرقی ندارد، همه باید در این مورد صحبت کنند ...

شیبانی: بنظر من باید دید علل شکست فيلم ایرانی در چیست؟ فيلم ایرانی در طی سالهای گذشته بهتر شده که بدتر نشده. من علت شکست را در سه مورد مختلف میدانم:

اول باید از گروههای سينمائی نام برد که به سه دسته تقسیم شده اند. این سه گروه در طول سال باید فيلم ایرانی نمایش بدهند. چون تعداد فيلمها کم است، در نتیجه تهیه کننده مجبور است فيلم بیشتری تهیه کند ... البته تهیه کننده سال اول و دوم متوجه این ضرر نخواهد شد، اما بعد از تهیه چند فيلم وقتی بحساب و کتابش رسید می بیند هیات ... کلی هم بجای استفاده ضرر کرده است.

صفار: شما چطور این حرف را میزنید. فيلم «غلام زاندارم» که شما تهیه کننده آن بودید خیلی خوب فروش کرد ...

شیبانی: بله. مشکل همینجا است که الان خدمتتان عرض میکنم. فيلم «غلام زاندارم» فروش کرد. اما بعد من فيلمی ساختم بنام «راز درخت سنجید». بعد از یکی دو سال وقتی من بخود آمدم دیدم ضرر راز درخت سنجید، بیش از منفعت «غلام زاندارم» بوده است. حالا قضیه برایتان روشن شد؟

شمشادیان: من فکر میکنم که بعلاوه زیاد بودن سينماهای نمایش دهنده فيلم ایرانی، این شکست نصیب فيلمها میشود.

شیبانی: البته. اگر بجای سه گروه، دو گروه داشتیم مسلماً برای تهیه کننده خیلی بهتر بود.

گریمی: زیرا تماشاگر فيلم بین این دو گروه تقسیم میشد ...

شیبانی: در حال حاضر گروههای سينمائی ده تائی شده اند. قبلاً چهارده و حتی هفده تاهم بودند. و اکنون با تقلیل آنها به سينما تاحدی وضع بهتر شده است.

مشکل دیگر، مسئله مخارج تهیه فيلم است که خیلی زیاد شده است. خرج نکات، دستمزدها، ریشه، استودیو و مخارج دیگر تا حدود خیلی زیادی بالا رفته است. همانطور که هزینه زندگی بالا رفته ... مثل قیمت عدس، نخود، لوبیا و تمام چیزهای مورد لزوم دیگر، ولی بر میزان درآمد افزوده که نشده هیچ، تا حدود زیادی هم کاسته شده است قبلاً فيلم که میساختیم خرج صحنه آن یا زده تا پانزده هزار تومان میشد،

ولی الان این مبلغ تا صد هزار تومان افزایش یافته است. مسئله دیگر، تلویزیون است که الان در تمام ده کوره ها هم وجود دارد و مردم بهترین برنامه ها را از آن تماشا میکنند و دیگر کمتر کسی بسینما توجه دارد. فيلمهای خارجی هم که خیلی راحت و آسوده داخل کشور میشوند ...

صفار: مثل فيلمهای هنگ کنگی !!!

شیبانی: اشتباه نکنید، ما از فيلمهای هنگ کنگی ترسی نداریم، باین شرط که وزارت فرهنگ و هنر به ما آزادی بدهد تا مثل آن فيلمها صحنه های ازخوشونت در فيلمها ایمان بکنجا نيم. چون مردم آنرا دوست دارند و استقبال میکنند. در اینجا گفتن این نکته ضروری بنظر میرسد و فکر میکنم مثال بدی برای این مشکل اخیر نباشد. آقای شباوین فيلمی داشتند بنام «قصر» که یک نفر با چاقو میخواست دوسه نفر را بکشد.

این فيلم تا حد زیادی مورد بازخواست و اعتراض قرار گرفت، در حالی که در فيلمهای هنگ کنگی می بینم که يك پسر بچه هجده ساله؟ می آید و ده بیست نفر را بدون علت لٹ و پار می کند و دل روده طرف را از شکمش بیرون میکشد.

صفار: شما مثل اینکه دل خیلی پری از تهیه فيلم دارید. تا بحال چقدر ضرر کرده اید و چه فيلمهایی داشته اید؟

شیبانی: واله، من فيلمهای اولم را مثل يوسف و زلیخا، قسمت و دلکها در پارسه فيلم با تشریک مساعی آقای دکتر کوشان تهیه

آمدشهرداری لطمه وارد نباید قرار شد ما نامه‌ای بنویسیم و رسماً تقاضا کنیم که متأسفانه به نامه ما هیچ ترتیب اثری داده نشد.

فردین: این ماجرای گرفتاریهای کارسازندگی فیلم در ایران بقول معروف که میگویند «این رشته سردر ازدارده از مدت‌ها پیش گریبانگیر فیلم فارسی بوده شاید بیشتر از ده ساله که نظیر این موزن گرد و چهار گوش‌ها و ذو ذنبه‌ها تشکیل شده و عده‌ای نشسته‌اند و درددل کرده‌اند و حرفهایشان رازده‌اند، اما هیچوقت این حرفها و بحثها به نتیجه نرسیده. یا گوش‌نیوده که بدهکار این حرفها باشد، یا اینکه مسوولین امر به نوشته‌های مطبوعات که این مین‌گردها را بر گرام می‌کنند اهمیت نمیدهند. و یا گرفتاریهایی که يك کشور در حال پیشرفت دارد، مجال این را به مسوولین نمیدهد که باین مسئله فکر کنند. بهر صورت زیاد صحبت شده و زیاد هم نوشته شده ولی متأسفانه هیچ نتیجه مثبتی از آن گرفته نشده است. لذا من فکر میکنم صحبت‌های امر و زمام تکرار مکررات باشد...

صفار: بهر حال این بحث‌ها و گفتگوها نمیتواند بی اثر باشد. شما مطمئن باشید که اینها را مطالعه خواهند کرد و حتماً مورد توجه هم واقع خواهد شد...

فردین: تاکنون اشخاص مختلف صنف ما، چه کارگردان چه سفاریست، چه هنرپیشه و تهیه کننده بارها مشکلات کارشان را با آقایان نویسندگان در میان گذاشته‌اند و مشکلات کار خود را از هر نظر که شما فکر بکنید، چه بصورت پیشنهاد، چه بصورت درد دل گفته‌اند. ولی متأسفانه ترتیب اثری داده نشده است.

بارها اتفاق افتاد که این جماعت پیش نخست وزیر رفته‌اند تاکنون چند دوره نخست وزیر عوض شده، هر بار، در هر دوره بارها همکاران ما رفته‌اند پیش نخست وزیر و درددل کرده‌اند و مشکلات کار خود را با آنها در میان گذاشته‌اند، ولی هر بار وعده و وعیدهایی به آنها داده شده و سپس همان آتش همان کاسه... بدون آنکه کوچکترین اقدامی برای رفع گرفتاریهای آنان بشود.

در همین زمان سدارت آقای امیر عباس هویدا، شاید پیش از چهار پنج بار رفتیم پیش ایشان. خود بنده شخصاً دو بار خدمت ایشان رفته‌ام. مشکلات کار را بهشان گفته‌ام و نمیدانم و شاید بعلمت مساله‌ای که قبلاً اشاره کردم، ایشان مسئله گرفتاری صنف سینما گسر را فراموش کرده‌اند. بهر حال من بد رستی نمیدانم چه علتی وجود دارد... ولی بنظر من يك مقدار هم مطبوعات در این مورد مقصر هستند. بدلائل زیاد که من دارم و عرض میکنم. البته اگر چنانچه پای درددل مطبوعات آنها هم بنشینیم؛ شاید آنها هم مثل خود ما درد دلشان زیاد باشد و بقول معروف اگر بخواهند درد دل کنند مثنوی هفتاد من کاغذ بشود، چون آنها هم گرفتاریهایی برای خودشان دارند که نمیتوانند واسطه‌ای و پلی بشوند میان سینما و مردم.

صفار: چطور این حرف را میزنید...

فردین: ببینید، وقتی يك فیلم مورد استقبال قرار می‌گیرد، دو جنبه پیدا میکند. یکی اینکه باعث می‌شود مشتری بیشتری بطرف سینمای ایران کشانده شود و دیگر اینکه فعالیتی در امر تهیه فیلم انجام بگیرد. اما متأسفانه ما حالا تماشاچی‌های خود را از دست داده‌ایم و يك مقدار دلسردی بوجود آمده است. باید جلوی نفوذ فیلم‌های خارجی گرفته شود. (البته فیلم‌های مبتذل خارجی).

صفار: درباره مطبوعات و سینما حرف میزدید...

فردین: می‌خواهم بهمین نتیجه برسیم... ولی متأسفانه در حال حاضر اگر فیلم خوب هم ساخته شود و یا بقولی فیلم هنری ساخته بشود چون تماشاچی‌هایمان را از دست داده‌ایم آن فیلم باشکست روبرو میشود. زمانی هم که يك فیلم گل می‌کند، حالا خوب یابد، یا هنری و غیر هنری، این فیلم حداقل يك امتیاز دارد که تماشاچی می‌سازد



رضا کریمی: آقای شهردار در کاخ جوانان قول دادند که به فیلم ایرانی همه جور مساعدت خواهند کرد ولی...

نمودم که آن موقع فیلم اسکوپ رنگی یوسف و ذلیخا با هنرپیشگانی مثل فروزان، ظهوری و فخرالدین بر ایمان هفتصد هزار تومان تمام شد ولی حالا اگر بخوایم يك چنین فیلمی تهیه کنیم خرج خیلی بیشتر از اینها خواهد شد.

بعدا که خودم تشکیلاتی درست کردم، اولین فیلم «غلام زاندارم» بود. روی هم رفته نتیجه آن خوب بود ولی فیلم‌های بعدیم مثل راز درخت سنجید، غریبه، گروهبان و عاصی با آنکه فروش هر کدامشان بالای ششصد هفتصد و حتی هشتصد هزار تومان بوده است برایم ضرر داشته‌اند.

صفار: اینکه میگویند باید يك فیلم سه برابر خرج خودش کار کند تا به استفاده برسد، درسته؟

شیبانی: بله، کاملاً درسته ولی آیا در حال حاضر میشود چنین حسابی کرد؟ تا وقتی که جلوی بعضی خرج‌های اضافی مثل بیست درصد عوارض شهرداری گرفته نشود تا حدودی از آن کاسته نکردم مشکلاتی از این قبیل خواهیم داشت. گویا فعلاً اتحادیه دارد اقداماتی در این زمینه میکند.

رضا کریمی: بله، ولی هنوز به نتیجه نرسیده است، آقای شهردار در يك جلسه‌ای که آقای فردین هم حضور داشته‌اند در کاخ جوانان قول داده بودند که همه جور مساعدت و کمک به فیلم ایرانی خواهند کرد ولی وقتی رفتیم خدمتشان گفتیم عوارض فیلم ایرانی را ده درصد بکنید و بجای آن عوارض فیلم خارجی را بیشتر کنید که به در

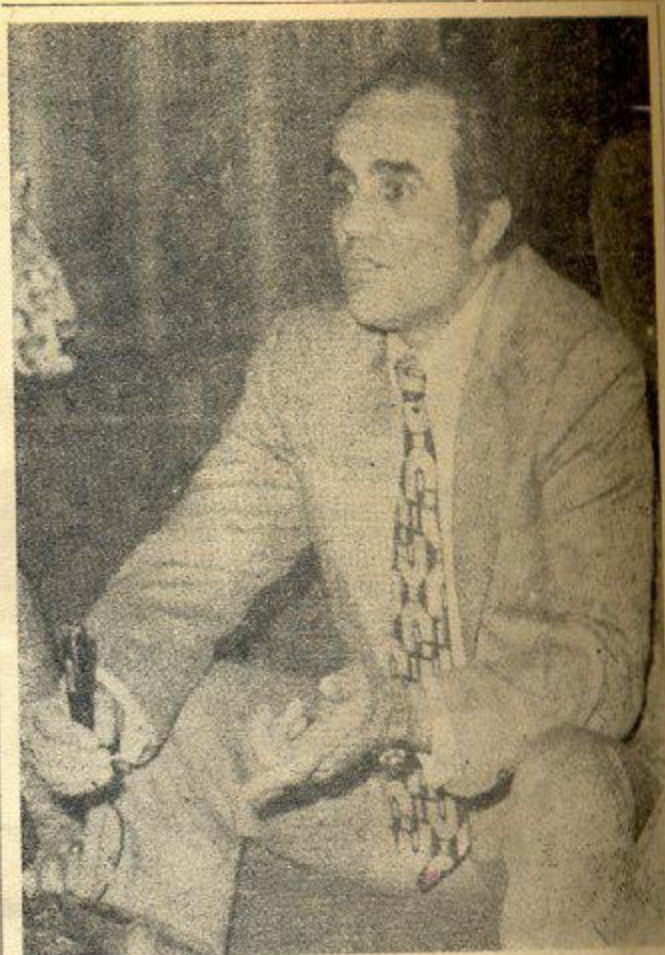
هنرپیشه مورد نظر را مورد طعن و لعن قرار میدهند که آدم از کرده اش پشیمان میشود ، و با انواع واقسام حالت‌هایی را بوجود می آورند که فیلم کوپیده شود . خلاصه تماشاچی ، هنرپیشه ، کارگردان و تهیه کننده را مورد بازخواست قرار دادند و گفتند باید فیلم‌های گنج‌قارونی از بین برود . آخر چرا ؛ آیا فقط بخاطر اینکه اینگونه فیلمها خوب نیستند ولی مورد توجه مردم هستند باید از بین بروند . درست مثل دو تا باغ که در کنار هم باشند . در یک باغ درختهای ترتیب شده و راست باشد و در باغ دیگر درختهای کج و معوج . آیا صحیح است که درختهای کج و معوج را از بیخ و بن ببریم ؛ آیا نمیشود از سایه درختهای این دو باغ استفاده کرد ؛ آیا نمیشود درختهای کج و معوج را تربیت کرد ؛ این حالت‌های تنیدی که در بعضی از نویسندگان وجود دارد ، نظیر مثلاً فرض کنیم همین نوشته‌ی آقای «عباس پهلوان» در «فردوسی» که گفته اند ،

«سینمای ایران بهتر است زیر پاله و لورده بشه و سینمای ایران بهتره که از بین بره» اینها که طرز تفکر یک نویسنده خوب و با ادراک ... واقعا خیلی عجیب و غریبه . این جز بغض و حسد ، نمی خواهم توهین کرده باشم یک چیز دیگری هم هست و آن هم بهره‌مندی از این سینماست و باین ترتیب او میخواهد با اصطلاح این سینما را به کوبد ، بقول مختار ما نمیدونیم این نویسنده‌ها ، نویسنده‌های فیلم فرنگی هستند یا خودشون هم اصلا فرنگی هستند ؛ ولی اگر ایرانی هستند این چه طرز تفکر است . اگر یک مشت بچه یتیم بی سرپرست فلج و فرض کنیم بی شعور سینمای ما را میگردانند اینها را باید تربیت کرد یا باید همه رو کشت ؛

این طرز تفکر صحیح نیست نه این بچه‌ها را بپرند و بفرض همه‌شان را بریزند در آب دریا . بلکه باید دست آنها را گرفت ، بزرگشان کرد و بهشون تعلیم و تربیت یاد داد .

در هر صورت یک مقدار زیادی مطبوعات بنظر من در زمینه‌ی پیشرفت صنعت سینما مقصر هستند . یعنی وظیفه خودشان را آنچنان که باید انجام نداده‌اند . وظایفشان یک مقدار مخلوط بوده با گرفتاریهای داخلی خودشان دست به دست هم داده و یک عده سودجو هم از آن استفاده کرده و صنعت سینما را ناخودآگاه مورد تشویق قرار داده‌اند و یا آنرا سرزنش کرده و به عقب رانده‌اند . بطور خلاصه باید بگویم مطبوعات بیش از همه در عقب ماندگی سینمای ایران مقصر بوده‌اند .

ناتمام



شیمبانی: من علت شکست فیلم‌های ایرانی را در سه مورد مختلف میدانم: گروه‌های نمایش دهنده - مخارج تهیه فیلم‌ها که زیاد شده و بالاخره مسأله تلویزیون...

برای سینمای بومی . ولی متأسفانه آنچنان این فیلم را مطبوعات میکوبند و آنچنان اینحالت استقبال را از بین میبرند و آنچنان دشمنی ایجاد میکنند که هم تهیه کننده آن دل سرد می‌شود و هم تماشاچی ناخودآگاه متفر می‌گردد . در حالیکه در کنار این فیلمها که بقول روشنفکرها فیلم خوبی نیست ، ولی تماشاچی زیادی دارد ، میشود کم کم فیلمهای بهتری هم ساخت و البته تماشاچی را هم از دست نداد . من بارها با جماعتی که در فرهنگ و هنر مسوولیت‌های مختلفی دارند صحبت کرده‌ام و این مسئله را متذکر شده‌ام ، ولی همانطور که قبلا اشاره نمودم ، چون گوش شنوایی نیست ، متأسفانه کسی حرف را گوش نمیکند . زیرا آن کسی که پشت میز نشسته و مسوولیت دارد فکر میکند که عالم بر تمام چیزهاست و نباید به حرف دیگران توجهی داشته باشد . لذا باید یک لیختن نمسخر آمیز آنرا از کرده خودش پشیمان میکند که چرا اصلا با او صحبت شده است .

زمانیکه یکی دو تا از فیلمهای مورد بحث ما مثل «گنج‌قارون» کار کرد ، آنچنان مطبوعات به آن حمله کردند که خود ما هم متحیر ماندیم . فکر میکنم این حمله کردن ها یک مقدار بخاطر عقده باشد یک مقدار دیگر هم بخاطر اینکه چرا باید تهیه کننده سود برده باشد ، یعنی بخاطر حسد ؛ یکی دیگر هم اینکه فلان هنرپیشه ای که بر فرض کارش در سینما گل نکرده با فلان دوست نویسنده اش تماس میگیرد و آنچنان

بهار امسال
رامش
در نخستین فیلم خود
خیالاتی

آقایون برن کنار!

شهر قصه فیلمی بر اساس نمایشنامه شهر قصه نوشته بیژن مفید متفاوت با آن و متفاوت با همه ی فیلمها خاله سوسکه طنازی میگرد ، آقاموشه کاری نداشت ، عاشق شده بود .



شهر قصه

رنگی واید اسکرین
نوروز
سینما گاپری

فیلمی برای همه و برای بچه ها

کارگردان : منوچهر انور
بازیگران : پروانه معصومی - محمد مغیلان - سینا سوزنی - زهره اصلان پور و جمشید لایق
فیلمی از : نور و صدا - پانوراما
فیلمبردار: پرویز اشتری
پخش از: پانوراما

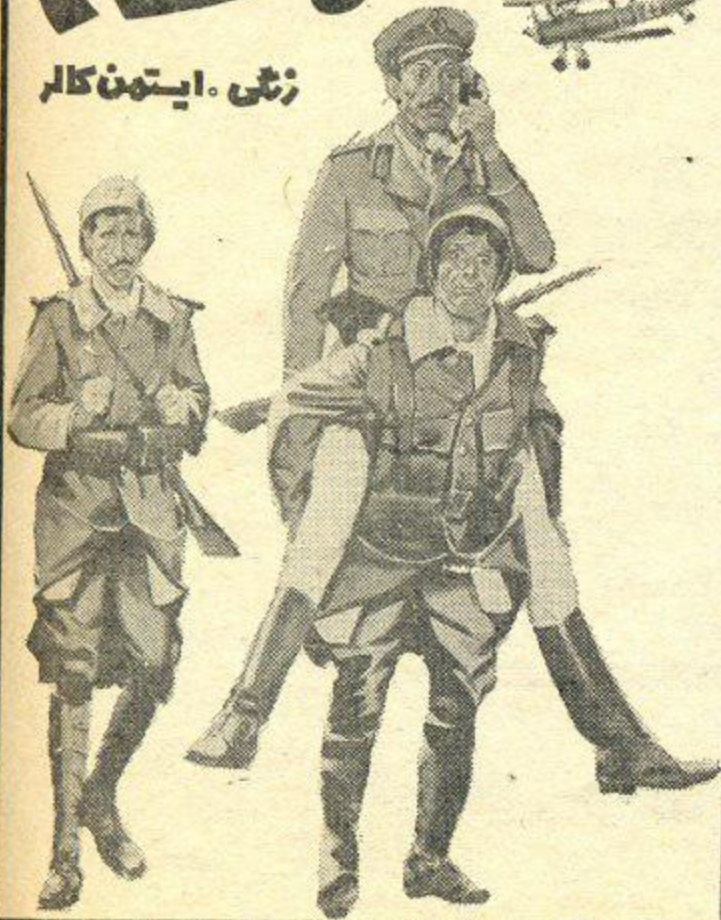
هدیه نوروزی سینماهای:

دیانا - مهتاب - مراد گریستال - اسکار

هر چه فیلم کمدی از چیچو و فرانکو دیده‌اید، فراموش کنید، چون این آخرین فیلم زوج کمدی سینما ایتالیا شمارا از خنده بی تاب می کند!

چیچو و فرانکو در جبهه

زنی، ایتمن کالر



برنامه نوروزی سینما:

مولن روژ

آخرین ساخته‌ی فیلمساز بزرگ معاصر «جوزف لوزی» که از او فیلم‌های خوب و برجسته تصادف، پیشخدمت و مودستی بلیز را در تهران دیده‌ایم...



"THE GO-BETWEEN"



جولی
گریستی
الن بیتنس

در فیلمی
بکارگردانی
جوزف لوزی



موزیک از میشل لوگران

واسطه رنگی

برنده جایزه اول فستیوال کان

هدیه نوروز ۱۳۵۲ سینماهای :

تاج ایفل بلوار

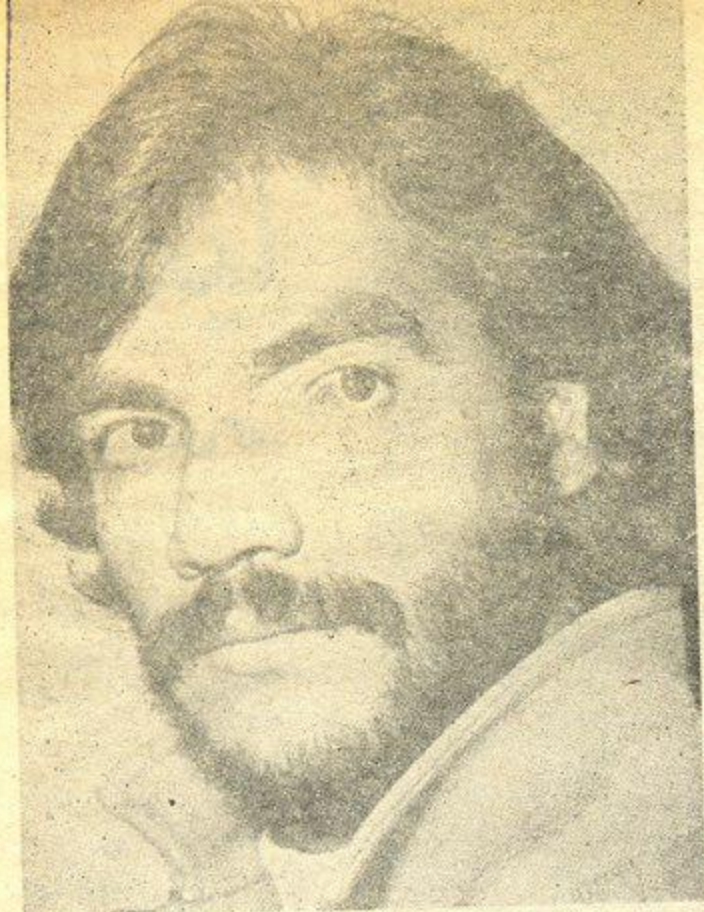
بعد از موفقیت فیلم کمدی « ازدواج سیسیلی » که یک دنیا خند و نشاط برای شما بوجود آورد ، اینک (لاندوبوزانکا) در کمدی ترین و شادترین فیلم خود خنده شمارا تضمین می کند .

لاندوبوزانکا در فیلم زنی

زنی پر اشتها مردکم اشتها



باربارا بوخه
آنتیلا اگریک



ذبیح پور و تیپ تازه اش

● ذبیح ، ذبیح پور از هنرپیشگان فعال و پرکاری است که تاکنون او را در بسیاری از فیلمهای ایرانی دیده ایم و کار تازه اش « جبار ، سرچوخه فراری » است که در آن همراه فردین ، ملوسک ، دلارام و جمشید مهرداد بازی نموده و برنامه نوروز امسال است .

ذبیح پور بخاطر تیپ خشن و مردانه اش همواره مورد توجه فیلم سازان بوده است به همین جهت طی سالهای گذشته در بیش از چهل فیلم مختلف شرکت داده شده ولی چون کارگردانان هیچگاه از او آنطور که باید و شاید استفاده نکرده اند ، آن درخششی را که لازمه فعالیت های در سینما بوده است کسب نکرده به همین جهت ذبیح پور تصمیم گرفت بجای شرکت در فیلمهای زیاد از فعالیتش تا حدودی بسکاهد و در عوض نقشهای مناسب تری را بعهده گیرد و این تصمیم با آنکه تا حدودی او را از سینما دور نمود ولی بهر حال با نقشهایی که اخیرا در فیلمهای جبار ، سرچوخه فراری ، سراب و مروارید بعهده گرفته او را تا حدودی بهدش نزدیک نمود .

ذبیح پور که در رشته کشتی کج نیز سابقه زیادی دارد و از همین راه بکار بازیگری در فیلمهای ایرانی رو آورد اخیرا با همکاری چندتن از همکارانش منجمله « حسن رضائی » که او نیز از هنرپیشگان با سابقه فیلمهای ایرانی و همچنین کشتی کج است ترتیب یکسری برنامه ها و مسابقات کشتی کج را در شهرستانها فراهم نموده که سخت مورد توجه و اقبال مردم در شهرستانها قرار گرفته است .

ذبیح پور اخیرا با تغییری که با گذاشتن ریش در تیپش داده است بکلی قیافه اش عوض شده و تیپ تازه ای برای خودش ساخته است و بعد از این تغییر تیپ خود را برای شرکت در فیلم « تنگسیر » کار تازه امیر نادری آماده نموده است که اینک در بوشهر جلوی دوربین است .

پیش بینی میشود با نمایش فیلمهای تازه ای که ذبیح پور بازی نموده « جبار ، سرچوخه فراری » ، « سراب ، مروارید و تنگسیر » او در آینده جای مستحکمی در سینما بدست آورد و بزودی ایفاگر نقشهای با ارزش تری در فیلمهای ایرانی گردد .

کیمیا

خواننده‌ای که
رقیب تازه‌ای
برای خوانندگان
مشهور است



● از میان خوانندگان خوش صدا و جوان که سال گذشته فعالیتشان را آغاز کرده‌اند نام «کیمیا» جای خاصی دارد. این خواننده خوش صدا، که صدائی بی اندازه شبیه «دلکش» خواننده معروف دارد بسویله «دفتر هنرمندان» برای نخستین بار معرفی گردید و مشوق اصلی او «فرهاد صبحی» مدیر عامل دفتر هنرمندان بوده است.

کیمیا بخاطر شباهت صدایش به صدای دلکش مدتی زیر نظر او تعلیم آواز دید و بخاطر استعداد فراوانش بزودی توانست بفنون موسیقی آشنائی پیدا نماید و با اجرای چند ترانه جالب فعالیتش را آغاز نماید.

این خواننده ضمن آنکه نزد دلکش صدایش را تعلیم میداد مدتی نیز در کلوب او بکار هنری اشتغال داشت و آهنگهای معروف او را اجرا مینمود. اخیراً چند آهنگ برای کیمیا ساخته شده که بزودی صفحاتش ببازار خواهد آمد. گریه چه فایده داره، نام آهنگی است که شعر و آهنگ آن از بامداد چو یباری است و با صدای کیمیا ضبط شده است همچنین «به لرزی و بسوزی» آهنگ از قراملکی و شعر از سعید دبیری و «ای خدا، ای خدا» آهنگ از پرومندو و شعر از فرهاد صبحی نام دو آهنگ دیگر است که با صدای کیمیا ضبط شده است. صفحات این آهنگها بزودی ببازار خواهد آمد که گفته میشود باپنخس آنها در ردیف آهنگهای موفق روز در میآید.

در واقع جانشینی برای خود بوجود آورد تا بزودی رقیب سرسختی برای خوانندگان جوان و مشهور گردد.

همانطور که اشاره شد فرهاد صبحی مدیر دفتر هنرمندان کاشف و مشوق «کیمیا» در کارهای هنریش بوده است به همین جهت اکنون که او آماده برای ارائه صدایش میباشد تا آنرا مورد قضاوت مردم قرار دهد فرهاد صبحی در این میان نقش موثری دارد و کلیه آهنگهایی که برای او ساخته شده از آهنگسازان و شعرائی است که زیر نظر دفتر هنرمندان فعالیت مینمایند. ناگفته نماند که زحمات فراوان دلکش را نیز که برای تعلیم صدا و آماده نمودن او برای

هنگامیکه فرهاد صبحی با کیمیا آشنا شد و از صدای او آزمایش بعمل آورد چون صدایش را بی اندازه شبیه صدای دلکش تشخیص داد لذا بهتر دید که تعلیم صدای او را بخود دلکش واگذار نماید این کاری بود که دشوار و بعید بنظر میرسید ولی وقتی دلکش صدای کیمیا را شنید بسخاطر همین شباهت زیاده از حد صدای او بصدای خودش بلا درنگ قبول کرد که صدای او را تعلیم دهد و خیلی زود این کار را شروع نمود تا جائیکه در اندک مدتی توانست او را بفنون و رموز موسیقی آشنا نماید و از او خواننده‌ای موفق بسازد و اینک که این کار را بپایان رسانده، خوشحال است که توانسته

ارائه هنرش انجام داده نباید نادیده گرفت زیرا که برای کیمیا فرصت خوبی بود تا صدایش را زیر نظر هنرمندی مثل دلکش تعلیم دهد تحت رهبری و راهنماییهای او خود را آماده‌ی فعالیت‌های هنری نماید.

از هم اکنون باید در انتظار تولد خواننده‌ای خوب و تعلیم دیده بود. خواننده‌ای دست پرورده دلکش و دفتر هنرمندان خواننده‌ای که رقیب سرسختی خواهد بود برای خوانندگان معروف و مشهور. خواننده‌ای بنام کیمیا، با ترانه‌هایی بنام گریه چه فایده داره، به لرزی و بسوزی و ای خدا، ای خدا به عنوان شروع فعالیت‌هایش...

دفتر هنرمندان که از موسسات با سابقه هنری است و تاکنون معرف بسیاری از خوانندگان مشهور ایران بوده است ضمن عرض تبریک بمناسبت آغاز سال ۵۲ این چهره‌های تازه آواز را معرفی مینماید.

سالومه ...

روح انگیز ...



خواننده‌ای که با دو آهنگ جدید از ساخته‌های «طالب پور» و شعر بامداد جویباری معرفی خواهد شد و امید میرود با موفقیت زیاد روبرو گردد.



امید زیادی به موفقیت این خواننده جدید وجود دارد و پیش‌بینی می‌گردد آهنگهایش که در سال ۵۲ پخش می‌شود در ردیف آهنگهای موفق روز درآید.

کیا

سیامک

گروه فور تاپ اند تو 2 Top And 4



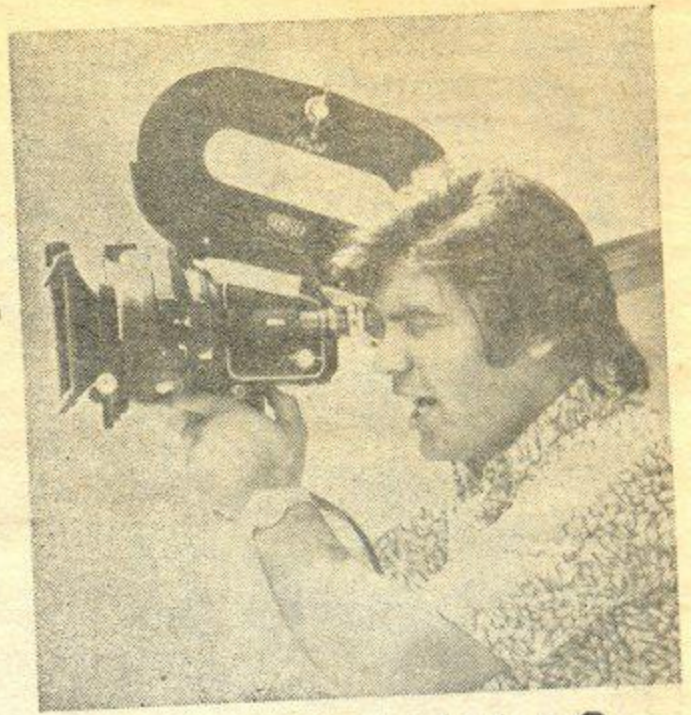
خواننده‌ای که جدید چند آهنگ با صدای او ضبط شده و در آستانه سال نو پخش خواهد شد. کیا از خوانندگان جوانی است که برایش موفقیت زیاد پیش‌بینی می‌گردد.



با آغاز سال نو فعالیت این خواننده جوان و پرشور اوج خواهد گرفت.



گروه موفق و پرانرژی موزیک‌جاز که اخیراً از طرف دفتر هنرمندان گروه آنها تشکیل شده است و در سال نو با فعالیت جشنگیر ترکارشان را دنبال خواهند نمود.



جمشیدالوندی فیلمبردار بزرگان...

کامران شیردل «صبح روز چهارم» که اخیراً از او به نمایش درآمد، اشاره کرد. ناگفته نماند که این فیلم، موفقیت زیادی برای «جمشیدالوندی» به همراه داشت و یکبار دیگر موجب شد که کار خوب الوندی در آن چشمگیر باشد و مورد توجه قرار بگیرد.

جمشیدالوندی در یکی دو ساله اخیر بیشتر سعی کرده با فیلمسازان جوان و تازه کار فعالیت و همکاری داشته باشد. فی المثل با کامران شیردل، امیر نادری، عبدالغیاثی و ناصر محمدی همکاری کرده و از این بابت نسبت به کسار آنها احساس رضایت می‌کند.

از دیگر کارهای خوب او می‌توان به فیلم‌های «یسک چمدان سس» و «شیدان» از محمد متوسلانی، «بازوطلائی» و «نمره گرگها» از «ربرت اکهارت» و «تنگنا» از امیر نادری، «موهان» از ربرت اکهارت «تپفر» از «عبداله غیاثی» و «پایوش» و «قزاق» اشاره کرد. الوندی خودش روی فیلم «تنگنا» زیاد تکیه می‌کند و آنرا بهترین کار خود در دوران فعالیت خود می‌پندارد و به آن امید فراوان بسته است.

الوندی در سال ۵۲ مسلماً چهره پرکارتری خواهد شد و باز هم تمایل خود را نسبت به همکاری با فیلمسازان جوان حفظ خواهد کرد، چون اولین فیلمی را که در سال ۵۲ فیلمبرداری خواهد کرد «معصیت» از «کامران قدکچیان» چهره تازه نفس سینمای ایران، خواهد بود.

کار کرده است. وی با آنکه مقدار زیادی از صحنه‌های فیلم مزبور را فیلمبرداری کرد ولی متأسفانه کسی باین مسئله توجهی نکرد و همه سازندگان این فیلم بخصوص مهرجوئی میدانند که «الوندی» در الماس ۳۳ چه نقش مهمی بعنوان فیلمبردار داشته است. الوندی در عین حال که از بیاد آوردن این خاطره تا اندازه‌ای مکدر می‌شود، چون حاصل زحماتش را به هیچ گرفتند، ولی در عین حال خرسند است که برای اولین بار با فیلمبرداری همکاری داشته است.

الوندی فیلمبرداری است که در دو زمینه تبحر فراوانی دارد، نورپردازی و فیلمبرداری روی دست و از این لحاظ، بخصوص روی دست فیلمبرداری کردن شهرت کافی بدست آورده است. برای این نمونه می‌توان به فیلم خوب

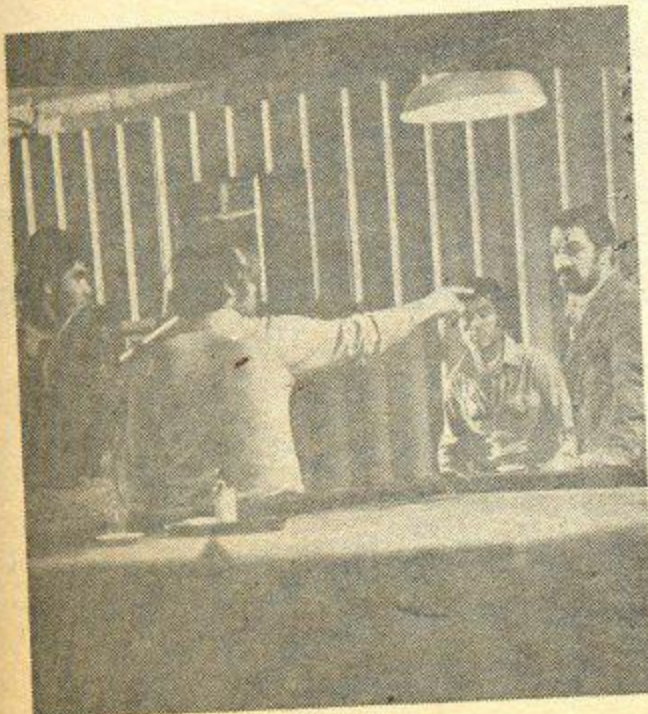
خوب این فیلمبردار است و حاصل تلاش او در آن زمان از طرف «مجله فیلم و هنر» بعنوان بهترین فیلمبرداری سیاه و سفید سال شناخته گردید.

جمشیدالوندی از همان بدو شروع کار بعنوان آسیستان، ذوق و علاقه زیادی نسبت به کارش نشان می‌داد. او با «واهاک» کارش را شروع کرد. وی در فیلم «ترس و تاریکی» آسیستان و اهاک بود و پس از چند فیلم دیگر، برای اولین بار با فیلمبرداری فیلم «تعقیب خطرناک» به کارگردانی رضا صفائی، مستقلاً کارش را بعنوان یک فیلمبردار آغاز کرد.

یکی از بهترین خاطرات زندگی او زمانی بوده که با «داریوش - مهرجوئی» فیلمساز برجسته سینمای ایران در فیلم «الماس ۳۳»

مدیران فیلمبرداری که در چند ساله اخیر در سینمای ایران جلوه کرده‌اند، همواره کسانی بوده‌اند که در جریان فیلمبرداری هر اثر، یار و یاور فیلمساز و عامل مهم و مثبت تمیز شدن هر چه بیشتر کار بوده‌اند. خوشبختانه در سینمای ایران، ما با اندازه کافی فیلمبردار خوب و با لیاقت داریم، کسانی که در جریان کار فیلمسازی، پاسبای کارگردان، فعالانه در توش و توان هستند و اغلب، حاصل کار اینان، تمیز و یکدست می‌باشد.

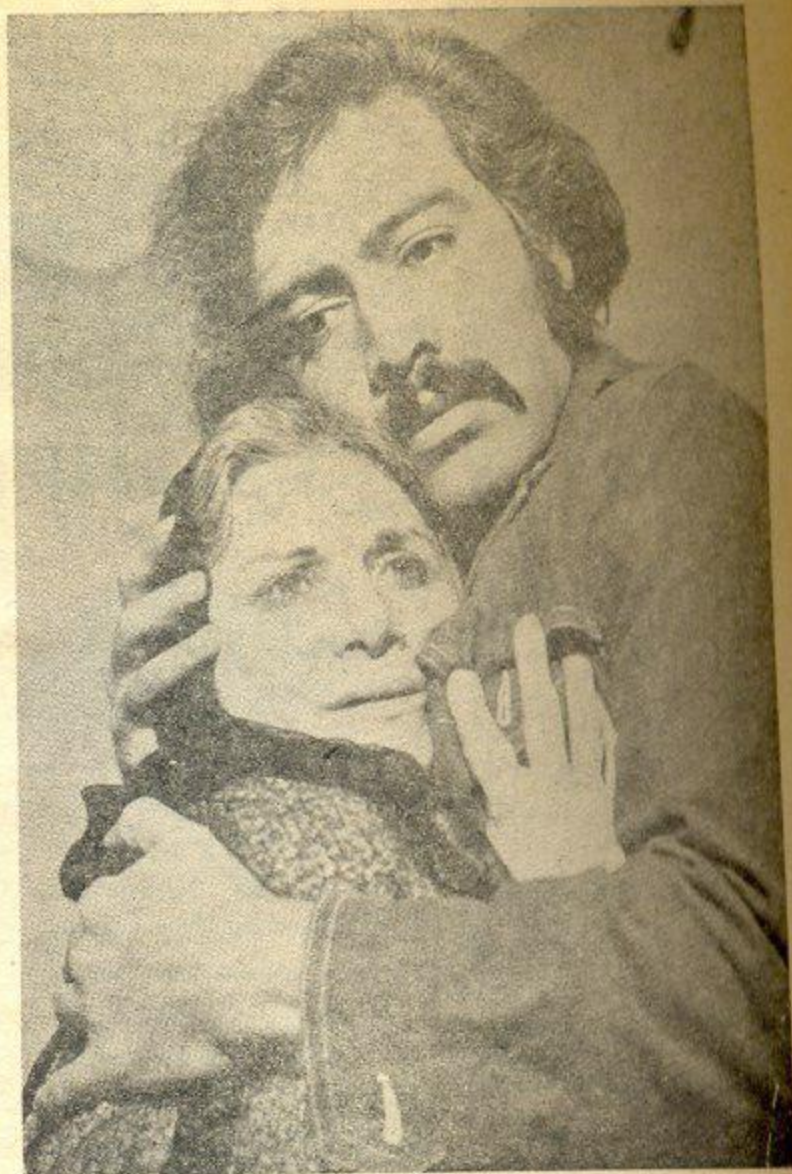
فیلم «قهرمان شهرما» ساخته‌ی «رضافاضلی» که در زمان نمایش خود با توفیق روبرو شد، چهره‌ای را معرفی کرد که بعدها یکی از مشهورترین فیلمبرداران سینمای ایران گردید؛ «جمشیدالوندی» با فیلم مزبور خود را بیشتر شناساند. این فیلم از کارهای



● جمشیدالوندی هنگام فیلمبرداری صحنه‌ای از فیلم «صبح روز چهارم» - کامران شیردل «کارگردان این فیلم نیز چشم به صحنه دوخته است.

● جمشیدالوندی به هنگام فیلمبرداری صحنه‌ای از «تنگنا» اثر امیر نادری - «سعیدراد» در صحنه نیز نشان داده میشود.





«کارمن» و پسر خردسال و هنرمندش «حمیدرضا خسروی»



هدفهای يك هنر پيشه
قدیمی تئاتر و سينما
که در سال نو
به آن نزدیک ميشود

آمد بد نیست بدانید که او هم با آنکه تازه شش ساله است ولی با ایفای چند نقش در فیلمهای ایرانی توانسته در ردیف هنرمندان خردسال سینمای ایران در آید. او که «حمیدرضا خسروی» نام دارد نخستین بار در سال قبل همراه فردین، ارغوان و ایرج قادری در فیلم «میمادگاه خشم» شرکت کرد و سپس سال گذشته نقش پسر صادق کرده را در فیلمی به همین نام همراه سعیدراد و انتظامی بازی کرد که این نقش برایش موفقیت به همراه داشت و سپس فیلمسازان دیگر از کارمن خواستند که او را برای بازی در فیلمهایشان آماده نماید اولین بار «وحدت» از او در فیلم «خوشگذران» استفاده کرد که این فیلم اینک جلوی دوربین است و حمید در آن با وحدت پوری بنائی، ژاله کریمی، میری، سرور رجائی، اسدزاده و شهر اندامی همبازی است.

ساموئل خاچیکیان و رضا عقیلی دیگر فیلمسازانی هستند که قرار است سال نو حمیدرضا را در فیلمهایی که خواهند ساخت شرکت دهند. بهر حال امید است با نمایش فیلمهای تازه کارمن و همچنین پسر خردسالش «حمیدرضا خسروی» او بهدنی که سالهاست دارد بیشتر نزدیک شود.

بت پرستان «همراه» فروزان و ظهوری و «نقره داغ» همراه ملک مطیعی، ایرج قادری و امین امینی رضایت داشته باشم زیرا در این دو فیلم رلهائی نسبتاً بهتر از فیلم های دیگرم داشتم. روی این اصل تصمیم گرفتم سعی نمایم در صورتی که کارگردانان و فیلمسازان به این مسئله توجه نمایند که بمن بازی بهتری بدهند با آنها همکاری نمایم در غیر این صورت از همکاریشان عذرخواهی نمایم و بکار آزادم که خیاطی است (و اکنون سالهاست در جوار کارهای هنریم به آن مشغول هستم و خیاطخانه ای هم در ساختمان شانزه لیزه واقع در سه راه شاه دارم و اسم پسرم حمید را برای آن انتخاب کرده ام) بپردازم و از این هدف گویا به نتیجه مثبت رسیده ام زیرا که توانسته ام در فیلمهای تازه ام «طاهر همراه منوچهر و ثوق، مرتضی عقیلی، لیدا دانشور، مروراید همراه منوچهر و ثوق، بهمن مفید، هاله، مرتضی عقیلی» و حریم همراه بیگ ایما نوردی رله های خوبی بگیرم.

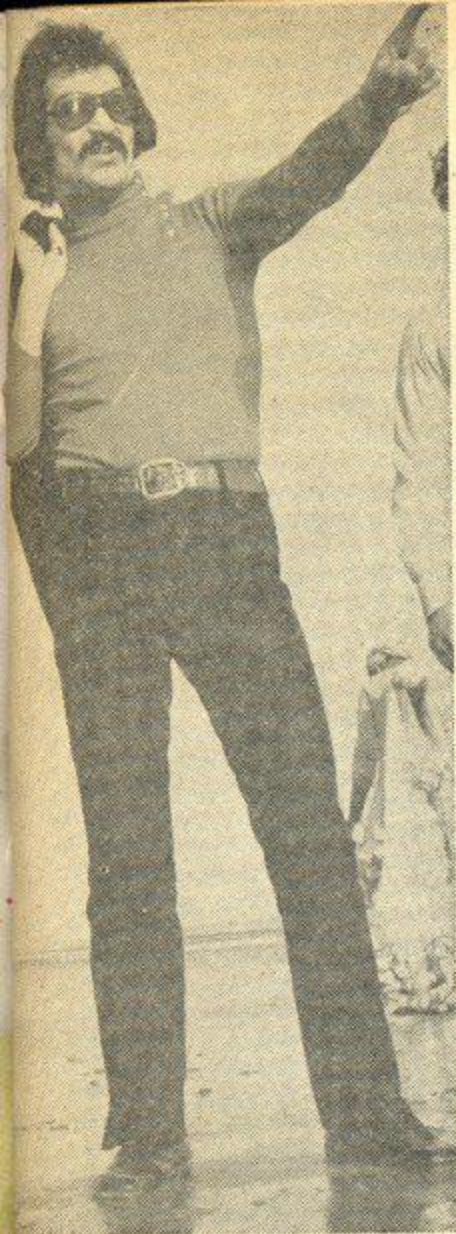
صحبت از پسر کارمن بمیان

فاحشه، کی بکیه «همراه مجید» محسنی، و بسیاری دیگر از برنامه های تئاتری شرکت کرده بود. باروی صحنه آمدن پسر غروب ستارگان در تئاتر پارس که در نقش يك خواننده بازی میکرد بعدها بخاطر استعدادی که زمینهای خوانندگی از خود نشان داد به کار خوانندگی در تئاترها نیز مشغول شد و چند کنسرت در شهرستانها داد که همه جا با استقبال مواجه گردید.

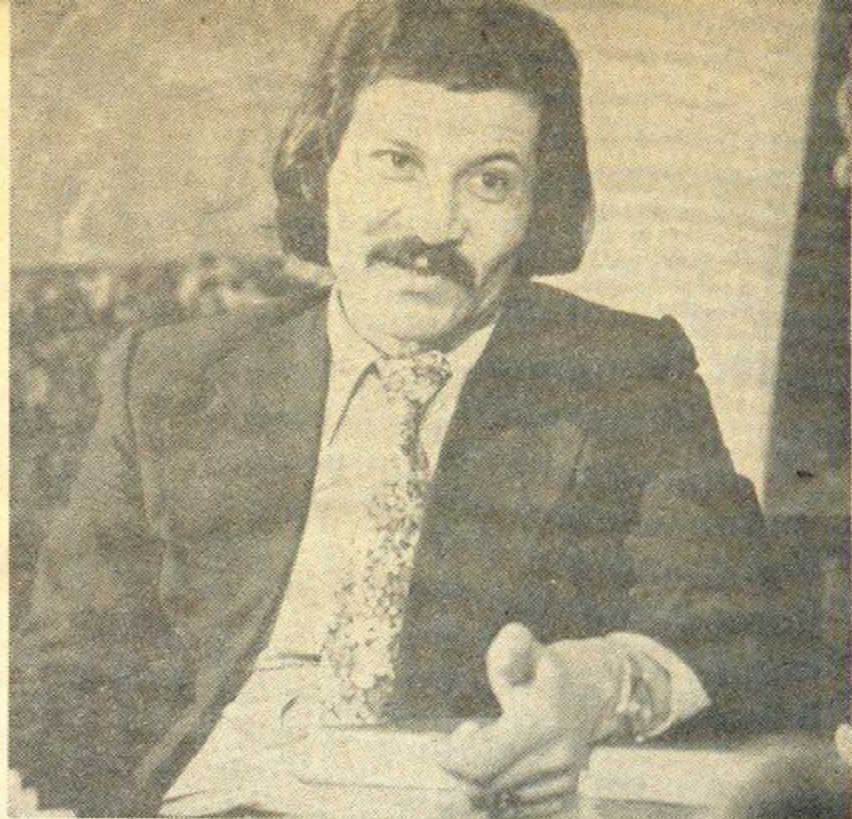
متأسفانه سینما آنطور که تئاتر از کارمن استقبال کرده بود او را نپذیرفت و با آنکه در فیلمهای زیادی تاکنون بازی کرده است اما هیچکدام آنها او را رضی نکرده است.

خودش در این مورد میگوید:
— طی پانزده سالی که بکار بازیگری در فیلمهای ایرانی مشغول هستم و شاید در بیش از پنجاه فیلم بازی کرده ام از هیچکدام رلهائی که تاکنون بمن داده اند رضی نیستم و فقط تا حدودی می توانم از بازی در فیلمهای «غروب

● با آنکه سالهاست با تشکیل سندیکای هنرمندان به آندسته از هنرمندان قدیمی سینما و تئاتر توجه بیشتری میشود و حتی اگر لازم باشد خود مسئولین سندیکا برای همکاری فیلمسازان با این هنرمندان پیشقدم میگردند ولی هنوز هم هستند کسانی که با وجود سالها خاکسپاری خوردن و سالها فعالیت جلوی دوربین فیلمبرداری آن طوری که باید و شاید از کارشان رضایت ندارند و برای امرار معاش مجبورند بجز کارهای هنری، فعالیتهای دیگری هم داشته باشند. از این دسته هنرمندان یکی هم «کارمن» هنر پيشه سابق تئاتر است که سالهاست بکار در بازی در فیلمهای ایرانی مشغول است. کارمن که سال ۱۳۳۷ با شرکت در فیلم «یکی بود یکی نبود» از رحیم روشنیان همراه مرحوم صبحی به سینما رو آورد قبلاً سالها روی صحنه تئاترهای مختلف تهران مثل پارس، جامعه باربد، نصر و تفکری در پيس هائی منجمله دختر رجائی، دربار سلطان عبدالحمید



سیامک اطلسی از ره رسیده‌های بانقش‌های متفاوت



پورسید برای اسکار فیلم میسازد از کارهای جدید: اطلسی بازی در فیلم تازه بهرام بیضائی بنام غریبه و مه و همچنین ایفای نقش مناسبی در فیلم آب‌اولین ساخته کارگردان جوان کاوش است بدین ترتیب با آنکه وی مدت کوتاهی است فعالیت خود را در سینما آغاز نموده است. معینا کارنامه سینمایی درخشانی دارد و این میرساند که وی از استعداد و توانائی خاصی برخوردار است و میتواند یکی از چهره‌های خوب و پرتوان سینمای ایران در سالهای آینده گردد.

اطلسی دارای چهره خشن و مردانه‌ای است که در نگاه نخست بی‌اختیار توجه بیننده را بخود معطوف می‌دارد و این توجه سبب می‌گردد که بیننده در یاد که او میتواند یک هنرپیشه محبوب سینمای ایران بشود.

اطلسی میگوید:

«این آغاز راه است. من برای رسیدن به هدف سالهای بسیاری کار کردم و مطالعه کردم و با اندوخته‌ای فراوان بکار سینما آمده‌ام، عجله زیادی برای رسیدن بدوران

در طی چند سالیکه بکار دوپله اشتغال داشتم فیلم‌های بیشماری را دیدم و از نزدیک و با دقت بکار بازیگری هنرمندان خارجی، طرز صحبت کردن و راه رفتن آنها آشنا شدم و همین دیدارها سبب شد، بسیاری نکته‌ها و رموز هنر پیشگی را دریابم و سپس بکار بازی در فیلم بپردازم»

نخستین کار سینمایی «سیامک اطلسی» ایفای نقش در فیلم مردان خشن ساخته صابر رهبر بود. وی در این فیلم در کنار بزرگانی چون فریدین ارحام‌صدر با ایفای نقش می‌پرداخت. «توبه» پورسید و «مردی در طوفان» خسرو پرویزی از او یک چهره خشن پرتوان ساخت و توجه کارگردانان بسوی او معطوف گشت. سپس وی با ایفای نقش در فیلم «سفر» فیلم کوتاه مدت و موفق بهرام بیضائی پرداخت و آن نگاه در فیلم کوتاهی بنام «دار» که علامه زاده برای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان میسازد شرکت نمود.

«مروارید» آخرین فیلمی است که وی اخیرا بازی در آنرا آغاز کرده است. این فیلم را اسماعیل

بسیار هستند کسانی که سینما برایشان يك فریب بزرگ است و آنرا کاری ساده و پیش پا افتاده میدانند و بدون اندک توجه و مطالعه‌ای روی باین کار می‌آورند، اما سرخورده و ناامید باز میگردند. چرا؟ پاسخ باین سؤال را باید از خود آنان برد که تصور میکنند تنها داشتن «توبه» برای هنرپیشه شدن کافی است، در حالیکه در پشت دوربین مسائل دیگری است که باید آنها را هم در نظر داشت و سپس باین راه گام نهاد.

«سیامک اطلسی» چهره مستعد و بازیگر از ره رسیده‌ای است که سخت کوش است و برای دستیابی به هدفی که دارد سالها مطالعه و تجربه نموده است. او میگوید:

«بنظر من سینما را باید در ایران از راه مشاهده فیلم آموخت و روی کار بازیگری مطالعه کرد. من بخاطر علاقه‌ای که بکار فیلم و بازی در سینما داشتم، احساس کردم بدون داشتن یک پشتوانه کافی نمیتوان توفیقی کسب کرد و به همین علت ابتدا بکار دوپله پرداختم. برای من دوپله راه یابی بدنیهای بازیگری بود. من

طلائی بازیگری خویش ندارم. زیرا مطمئن هستم سینمای آینده ایران از آن کانی خواهد بود که برای کار خود توشه‌ای فراهم آورده‌اند. من سینما را دوست دارم و کار بازیگری در خون من است و قطعاً روزی فرا خواهد رسید که من بعد اعتلای کار خواهم رسید و این مسئله را اطمینان دارم، درخشش وی در سال ۱۳۵۲ ثابت خواهد کرد که او میتواند به هدف بزرگی که دارد دست یابد.

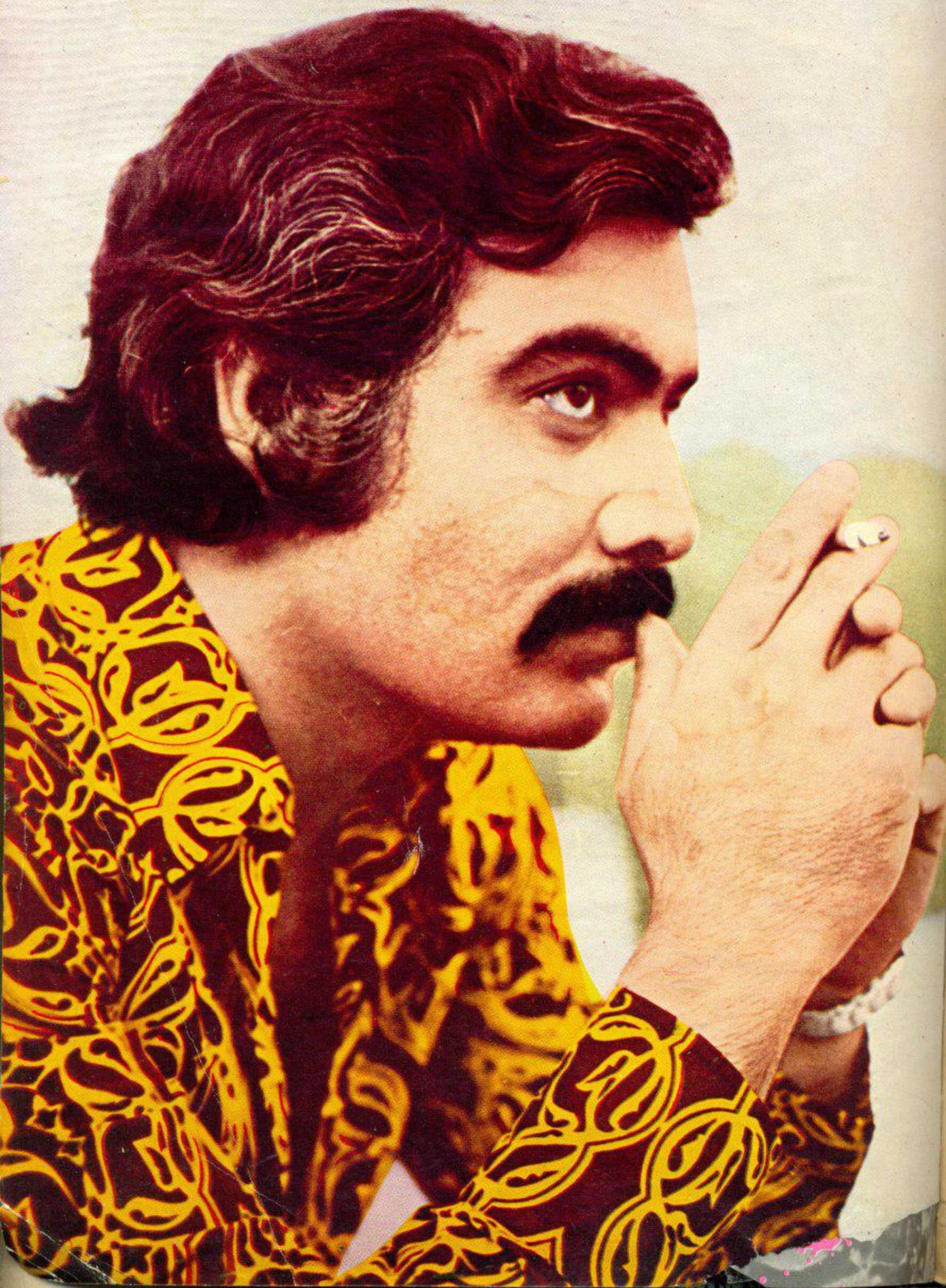
خصوصاً آنکه در دو فیلم تازه اش غریبه و مه و آب برخلاف گذشته نقش‌های سمپاتی و مثبت را به عهده دارد.

روی جلد، پرویز صیاد «در صحنه‌ای از فیلم زنبورک» - صفحه ۲ - ناصر ملک مطیعی - «صفحه‌ما قبل آخر» منوچهر و ثوق

تابلوها بترتیب فردین - وحدت - فرشته جنابی - پوری بنائی - ارغوان - ژاله کریمی - حسن شجاعی - لی لی - سوسن

شهناز تهرانی - رضا فاضلی - منوچهر احمدی

شماره آینده مجله روز پنجشنبه ۱۶ فروردین ماه شماره مخصوص سیزده منتهی خواهد شد



پیر زینت و ایندیانا جونز در کتاب اوردو کتبهای نولہ وید آشناس مورا

شیر و شیرکائو پاستوریزه

پاک

تهیه شده از شیر تازه گاو



مصرف روزانه شیر پاک سلامت و نشاط فرزند شما را تضمین میکند

